



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خلود نجشناه مهین



فرهنگ نامه
گریه و عزاداری
سیدالشهدا

علیه السلام

ترجمه کتاب:
حول البكاء علی
سبط الشہید

تألیف: دانشمند فقید مرحوم
حاج شیخ محمد دانشیار شوشتری رحمۃ اللہ علیہ

مترجم: مهدی دانشیار

تقديم به محضر مقدس حضرت
ولي عصر عليه السلام ورجاء الشرف

فهرست

- ۱۱ پیش گفتار
- ۱۲ فرهنگ نامه گریه و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام در یک نگاه:
- ۱۲ گوشه‌ای از زندگی نامه مولف: مرحوم شیخ محمد دانشیار شوشتری
- ۱۵ مقدمه مولف:
- ۱۷ گریه انبیاء بر امام حسین علیه السلام
- ۱۹ گریه حضرت آدم علی نبینا وآله وعلیه السلام بر امام حسین علیه السلام:
- ۲۰ گریه نوح نبی علی نبینا و علی آله وعلیه السلام بر امام حسین علیه السلام
- ۲۱ گریه ابراهیم علی نبینا و علی آله وعلیه السلام بر امام حسین علیه السلام
- ۲۱ گوسفندان اسماعیل علی نبینا و آله وعلیه السلام از خوردن آب فرات سرباز می‌زنند
جاری شدن خون موسی علی نبینا و علی آله وعلیه السلام همانند حسین علیه السلام
- ۲۲ تخت سلیمان نبی علی نبینا و علی آله وعلیه السلام در سرزمین کربلا فرود آمد
- ۲۲ راه عیسی علی نبینا و علی آله وعلیه السلام در کربلا توسط شیری مسدود شد:
- ۲۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله و تربت امام حسین علیه السلام
- ۲۵ خبر حضرت باری تعالی و نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در مورد شهادت امام حسین علیه السلام
- ۲۶ آیا امتی که حسین علیه السلام را کشتند امید شفاعت جدش در روز حساب را دارند؟
- ۲۷ وَفِدْنَاهُ بِذَنْبِ عَظِيمٍ
- ۲۹ عزاداری در وقت میلاد امام حسین علیه السلام
- ۳۱ در هنگام میلاد امام حسین علیه السلام، پیامبر اکرم نزد من آمد و فرمود:
- ۳۲ علامه امینی رحمه الله علیه در این مورد می‌گوید:
- ۳۳ آیا این سر تا نهایت بر مادر سیدالشهداء و پدرش مخفی می‌ماند؟
- ۳۵ عزاداری بر امام حسین علیه السلام سرآمد همه سنت‌هاست
- ۳۹ اختلاف در بین امت به خاطر قتل امام حسین علیه السلام است
- ۴۱ بر پایی مجلس عزاداری دیگر در منزل ام سلمه با نوای دلنشین جبرائیل امین علیه السلام
- ۴۳ برگزاری مجلس عزاداری دیگری در خانه ام سلمه به نوای ملک باران
- ۴۹ مجلس عزاداری در خانه عایشه ام المؤمنین به نوای گرم جبرئیل امین:
- ۵۳ برگزاری مجلس عزاداری حضرت سیدالشهداء در خانه ام المؤمنین سیده ام سلمه
- ۵۳ برگزاری عزاداری سیدالشهداء در خانه سیده زینب بنت جحش «ام المؤمنین»
- باز هم روایتی دیگر در برگزاری مجلس عزای سیدالشهداء در منزل ام المؤمنین سیده ام سلمه
- ۵۶
- ۵۷ روایتی دیگر درباره مجلس عزای حسینی در منزل ام المؤمنین سیده ام سلمه
- عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام در منزل ام المؤمنین عایشه با نوای ملکی که بر پیامبر
- ۵۸ نازل شد.
- ۶۰ روایت دیگر درباره مجلس عزای حسینی در خانه ام المؤمنین عایشه

فهرست

- ۶۱ مجلس عزاداری حسینی در منزل حضرت وصی ، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
- ۶۲ عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام در جمع صحابه
- ۶۳ اقامه مجلس عزاداری حسین در جمع صحابه توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۶۶ سند دیگری از عزاداری حسینی در کربلا توسط حضرت وصی امام علی علیه السلام
- ۶۶ عزاداری نبی اکرم صلی الله علیه و آله در روز عاشورا
- ۶۷ عزاداری در خانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله
- ۶۷ صورت دیگری از عزاداری حسینی در کربلا
- ۶۹ خبر به شهادت حسین علیه السلام در روز عاشورا در سندی دیگر
- ۶۹ عزاداری روز عاشورا در سندی دیگر:
- ۷۳ زمین و آسمان و همه چیز بر حسین علیه السلام گریه می کنند
- ۷۵ روز قتل حسین علیه السلام از آسمان خاک قرمز باریدن گرفت
- ۷۶ روز قتل امام حسین علیه السلام آسمان سرخ فام بود
- ۷۷ حمزه تا قبل از قتل امام حسین علیه السلام در آسمان مشاهده نشده بود
- روز قتل سید الشهداء گیاه ورس واسپرک-کنجد وشاهدانه- به خاکسترو زعفران به آتش مبدل شد و همچنین گوشت های شیرین دام ها، تلخ و فلز طلا به مس و کرم های زیبا کننده پوست موجب پیسی می شدند
- ۷۹ تبدیل خاک وشن و ماسه به خون در شهادت امام حسین علیه السلام
- ۸۲ سخنی درباره حزن و گریه برای قتل امام حسین علیه السلام
- ۸۵ از این فاجعه عظیم، خدای متعال به غضب آمد
- ۸۷ جواز گریه وندبه بر حسین بن علی علیه السلام طبق آنچه از سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله
- ۹۱ بدست می آید
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز احد بر عموی خود حمزه گریست و دیگران را امر به گریستن بر حمزه نمود
- ۹۴ گریه رسول خدا صلی الله علیه و آله بر پسر عمویش جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه و گریه و عزاداری حضرت زهراء مرضیه علیه السلام بر عمویش جعفر در حضور پدرش و احسان کردن پیامبر به ایشان
- ۹۷ گریه نبی اکرم بر پسرش ابراهیم قبل و بعد از وفاتش
- ۹۸ گریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر فاطمه بنت اسد مادر حضرت وصی امیر المؤمنین علیه السلام
- ۹۸ گریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر پسر دخترش
- ۹۹ گریه نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر یکی از دخترانشان
- ۱۰۰ گریه نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر دختر کوچکش
- ۱۰۰ گریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر مرقد شریف مادرشان
- ۱۰۱ گریه رسول خدا برای دایه خود حلیمه بنت ابی ذویب عبدالله بن الحارث السعدیه
- ۱۰۲ گریه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر عثمان بن مظعون

فهرست

عزاداری سید الشهداء در مکتب اهل بیت علیهم السلام ۱۰۳

- گریه ماهی‌ها و پرندگان و درندگان، خورشید و ماه و ستارگان آسمان و جن و انس و ملائکه بر حسین علیه السلام از طریق اهل البیت علیهم السلام ۱۰۵
- گریه آسمان و زمین بر قتل حسین علیه السلام، آن‌ها بر هیچ کس دیگر مگر قتل یحیی و امام حسین علیهم السلام نگریستند ۱۰۷
- ادله‌ای قرآنی درباره‌ی جواز گریه بر حسین علیه السلام ۱۱۰
- فهرست آنچه صاحب کتاب کنزل العمال از نبی اکرم صلی الله علیه و آله «در مورد شهادت حسین، عظمت حسین و امر ایشان به نصرتش» روایت می‌کند ۱۱۵

عزاداری اهل بیت علیهم السلام در رثای امام حسین علیه السلام ۱۱۷

- گریه حضرت فاطمه زهراء علیها السلام بر فرزندش حسین علیه السلام ۱۲۰
- گریه و ندبه حضرت امام زین العابدین بر پدرش حسین بن علی علیه السلام ۱۲۰
- گریه و عزاداری امام جعفر صادق علیه السلام در مصیبت سید الشهداء علیه السلام ۱۲۲
- گریه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برای جد غریبش حسین علیه السلام ۱۲۴
- آنچه از ائمه هدی در باره‌ی روز عاشورا وارد شده که روز مصیبت و غم و گریه و شیون است و مصیبت امام حسین علیه السلام اعظم مصائب اهل بیت علیهم السلام است ۱۲۴
- ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام ۱۲۷
- ندبه جن و انس ۱۳۵

سنت سلف صالح در رثای درگذشتگان و ذکر مناقب و خوبی‌های آن‌ها

- ۱۴۷
- رثای آدم علی نبینا و علی آله وعلیه السلام برای فرزندش هابیل: ۱۴۹
- رثای زهراى مرضیه علیه السلام در فراق پدرش صلی الله علیه و آله ۱۴۹
- رثاء صفیه دختر عبدالمطلب در سوگ نبی اکرم صلی الله علیه و آله ۱۵۲
- رثای صفیه دختر عبدالمطلب در سوگ برادرش حمزه سید الشهداء ۱۵۳
- در رثای عبیده بن الحارث و جعفر بن ابی طالب ۱۵۴
- رثای جعفر بن ابی طالب و شهدای موته ۱۵۴
- منتخب بهترین مرثیه‌ی مراثی که مسلمین در باره‌ی امام حسین علیه السلام از روز شهادتش تا امروز گفته‌اند ۱۵۵
- و سلیمان بن قته که او از مشاهیر قبیله بنی تمیم بن مره بن کعب بن لؤی او از تابعین است در مورد امام حسین علیه السلام مرثیه‌ای بدین مضمون دارد: ۱۵۶
- کمیت بن زید اسدی رحمة الله در مرثیه‌های برای امام حسین علیه السلام و اهل بیتش چنین سروده است: ۱۶۱
- و دعبل خزاعی در قصیده‌ی بلند مشهوری مرثیه‌ای برای امام حسین و اهل بیتش گفته است: ۱۶۱
- و جعفر بن عفان که از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام است، مرثیه‌ای برای امام حسین علیه السلام

فهرست

- ۱۶۲ بدین مضمون سروده است
- ۱۶۵ و السری الرفاز مشاهیر شعرا چنین می‌سراید:
- ۱۶۵ و شاحم شاعر در قصیده‌ای طولانی می‌سراید:
- ۱۶۶ و الزاهی شاعر مشهور می‌سراید:
- ۱۶۶ الناشی شاعر مشهور می‌سراید:
- ۱۶۷ رثای حضرت ابو الفضل العباس علیه السلام و سه برادر شهید
- ۱۶۹ **فتوی علمای اعلام در بزرگداشت شعائر حسینی**
- ۱۷۲ حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد حسین نائینی
- ۱۷۴ نص نوشته حضرت آیت الله العظمی سید میرزا عبدالهادی شیرازی
- ۱۷۴ نص نوشته امام مجاهد آیت الله العظمی سید محسن حکیم طباطبایی
- ۱۷۴ نص نوشته امام آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی رحمته الله علیه
- ۱۷۵ نص نوشته آیت الله العظمی امام سید محمود شاهرودی
- ۱۷۵ نص نوشته آیت الله مرحوم شیخ محمد حسن مظفر
- ۱۷۵ نص نوشته آیت الله العظمی سید حسین الحمامی الموسوی
- ۱۷۶ نص نوشته مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء
- ۱۷۶ نص نوشته مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد کاظم شیرازی
- ۱۷۶ نص نوشته مرحوم آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی رحمته الله علیه:
- ۱۷۶ نص نوشته مرحوم آیت الله سید علی مدد موسوی
- ۱۷۷ حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جعفر کاشف الغطاء کبیر:
- ۱۷۷ علامه کبیر شیخ فصر بن شلال در کتاب «ابواب الجنان» می‌نویسد:
- ۱۷۷ آیت الله مامقانی در رساله‌ای خاصه می‌نویسند:
- نص نوشته حضرت آیت الله مصلح مغفور شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء در کتاب (آیات بینات)
- ۱۷۸ نص استفتاء از آیت الله العظمی سید محمد شیرازی
- ۱۷۹ استفتاء از حضرت آیت الله سید محمود شاهرودی درباره شعائر حسینی
- ۱۸۰ نص جواب استفتاء از حضرت آیت الله حاج سید عبدالله شیرازی
- ۱۸۱ نص جواب استفتاء از حضرت آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری
- ۱۸۲ نص جواب استفتاء آیت الله سید محمد جواد طباطبایی تبریزی:
- ۱۸۲ متن جواب استفتاء آیت الله سید علی طباطبایی تبریزی
- ۱۸۳ متن جواب استفتاء از شیخ عبدالرسول آل مرحوم صاحب الجواهر
- ۱۸۳ نص جواب استفتاء از حجة الاسلام شیخ محمد علی سیبویه حائری
- ۱۸۴ نص جواب استفتاء از حجة الاسلام و المسلمین سید مرتضی فیروزآبادی
- ۱۸۴ نص جواب استفتاء آیت الله سید علی حسینی فانی
- ۱۸۵ **ضمیمه کتاب**
- ۱۹۱
- ۱۹۳ فتوای مراجع معاصر درباره شیوه عزاداری بر سید الشهداء علیهم السلام:
- ۱۹۴ متن پاسخ مرحوم آیت الله نائینی به مردم بصره:

فهرست

- ۱۹۵ فتوای حضرت آیت الله خویی:
- ۱۹۵ فتوای حضرت آیت الله سید عبدالله شیرازی:
- ۱۹۵ فتوای حضرت آیت الله شیخ حسین وحید خراسانی:
- ۱۹۵ فتوای حضرت آیت الله سید علی سیستانی:
- ۱۹۶ فتوای حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی:
- ۱۹۶ فتوای حضرت آیت الله شیخ محمدعلی اراکی:
- ۱۹۶ فتوای حضرت آیه الله نجفی مرعشی:
- ۱۹۶ فتوای حضرت آیت الله شیخ مرتضی حائری:
- ۱۹۷ فتوای حضرت آیت الله شیخ هاشم آملی:
- ۱۹۷ فتوای حضرت آیت الله سید رضا صدر:
- ۱۹۷ فتوای حضرت آیت الله سید صادق روحانی:
- ۱۹۷ فتوای حضرت آیت الله سید محمد شیرازی:
- ۱۹۷ فتوای حضرت آیت الله سید محمد حسینی شاهرودی:
- ۱۹۸ فتوای حضرت آیت الله سید علی طباطبایی قمی:
- ۱۹۸ فتوای حضرت آیت الله شیخ یحیی نوری تهرانی:
- ۱۹۸ فتوای حضرت آیت الله سید حسن طباطبایی قمی:
- ۱۹۸ فتوای حضرت آیت الله شیخ رضا مدنی کاشانی:
- ۱۹۹ سؤالاتی پیرامون احکام عزاداری امام حسین علیه السلام از مراجع معاصر
- ۱۹۹ احکام عزاداری
- ۲۰۰ احکام علامت
- ۲۰۱ احکام تعزیه و شبیه خوانی
- ۲۰۲ احکام استفاده از لباس سیاه
- ۲۰۲ احکام قمه زدن:
- ۲۰۴ احکام استعمال موسیقی در عزاداری سید الشهداء
- ۲۰۵ احکام مربوط به روز عاشورا
- ۲۰۶ برهنه شدن در مراسم عزاداری
- ۲۰۶ حکم برهنه شدن در مجالس سینه زنی
- ۲۰۷ لخت شدن و سرخ شدن بدن در عزاداری
- ۲۰۷ سینه زدن زنان
- ۲۲۹ منابع و مؤاخذ:
- ۲۳۳ منابع و مؤاخذ ضمیمه کتاب:

پیش گفتار

فرهنگ، مجموعه ای از: باورها، آداب و رسوم، اندیشه‌ها، ادبیات، هنرها، ارزش‌ها، دانش‌ها و نیز شیوه زندگی است که در طی تجربه تاریخی جوامع، شکل می‌گیرد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

بی تردید بخش اصلی و بنیادین فرهنگ و هویت جوامع اسلامی برگرفته از قرآن و گفتار و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت طاهرینش می‌باشد. براین پایه، تبیین و ارائه مفاهیم مهم و پرکاربرد دین و مذهب، زمینه گسترش و تعمیق فرهنگ شیعی را در امت اسلامی فراهم می‌آورد و بدین سان می‌توان کتاب‌هایی که این مفاهیم بنیادین و موثر را با ذکر نمونه‌ها عرضه می‌کنند، فرهنگ‌نامه نامید.

کتاب پیش رو، کتابی است که دانشمند فقید مرحوم حجه الاسلام والمسلمین حاج محمد دانشیار شوشتری پیرامون گریه و عزاداری برای سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام با عنوان "حول البکا علی سبط الشہید" گردآوری نموده، و در سال ۱۳۵۷ به زبان عربی چاپ و منتشر شده و نظر به اهمیت این مسئله در دوران معاصر این کتاب که برگرفته از جامع کتب شیعه و سنی در این موضوع می‌باشد ترجمه و تجدید چاپ گردید.

از آنجا که یکی از آداب و سنن و فرهنگ‌هایی که منسوب به مذهب شیعه مراسم برپایی عزاداری برای حضرت حسین علیه السلام و یاران وفادارش می‌باشد که قرن‌ها مذهب شیعه را با صلابت و پویایی تام در تندبادهای قرون پیش برده و سر آغاز انقلابات و جریان‌هایی در جهت اعتلا و تحقق آرمان‌های این مذهب شده و راه را در جهت ظهور منجی عالم بشریت و انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه العظمی هموار نموده است. پس لزوم نگاشته شدن فرهنگ جامع برای این موضوع امری جدی و لازم به نظر می‌رسید تا جوانان و محققان حق و حقیقت را در این توفان‌های شبه مددکار و همراه باشد

فرهنگ نامه گریه و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام در یک نگاه:

درآمدین کتاب شامل جمع بندی مطالب آن است و مباحث مهمی بدین شرح در آن مطرح شده اند: گریه و عزاداری پیامبران از آدم تا خاتم قبل از تولد حضرت سیدالشهدا، برپایی مجلس عزاداری در بدو تولد حضرت حسین در منزل پیامبر، برپایی مجلس عزاداری در منازل همسران پیامبر توسط ایشان در طفولیت سیدالشهدا، خبر دادن شهادت حضرت حسین علیه السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علی علیه السلام قبل از شهادت ایشان، اخبار تحول آسمان و زمین در هنگام شهادت سبط شهید، سنت اهل بیت علیهم السلام در برپایی مجالس عزاداری حسینی، گریه و عزاداری در قرآن و سنت، عزاداری و مرثیه خوانی سلف صالح، مرثیه جن و انس در رثای سالار شهیدان، منتخب مرثی برای امام حسین علیه السلام، نظر مراجع و علمای معاصر در باره سوگواری و عزاداری برای امام حسین علیه السلام.

ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم

انتشارات دانشیاران ایران

گوشه‌ای از زندگی نامه مؤلف: مرحوم شیخ محمد دانشیار شوشتری

مرحوم شیخ محمد دانشیار شوشتری در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی در دامان خانواده‌ای اهل علم و روحانی در شهر مقدس نجف الاشرف به دنیا آمد، خاندان دانشیار از سلسله جلیله بنی النجار از انصار و یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محسوب می شدند و در میان شجره مبارکه علمای ربانی فراوانی پا به عرصه وجود نهادند از جمله می توان به سر سلسله ایشان علی بن النجار شوشتری صاحب کتاب تفسیر سوره یوسف، و شیخ جعفر شوشتری صاحب کتاب خصائص الحسینیه، علامه شیخ محمد تقی شیخ شوشتری صاحب کتاب قاموس الرجال نام برد، پدر مرحوم دانشیار آیت الله شیخ میرزا علی از اساتید بنام حوزه علمیه کاظمین و از زاهدان و عالمان دوران خود محسوب می شد. و بنا به قول مشهور حضرت آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی در مجلس ختم ایشان فرمود، وا اسفا که اعلمترین و ازهدترین مرد زمانه مان را از دست دادیم.

مرحوم دانشیار دانشمندی ولایتمداری بود که در راه حراست از حریم ولایت علوی سراز پا نمی‌شناخت و سال‌ها به مبارزات تبلیغاتی بر علیه جریان‌های انحرافی در عراق همت گمارد و سرانجام در سال ۱۳۳۴ مجبور به جلای وطن و عزیمت به ایران شد و در زاویه حضرت عبدالعظیم علیه السلام سکنی گزید، مرحوم دانشیار با اتکا به کدیمین و عرق جبین علاوه بر کسوت روحانیت به کار و فعالیت مشغول بودند، و عقیده داشتند که نباید روحانیت را به عنوان شغل در نظر داشت بلکه روحانی می‌بایست طریق معیشت خود را پیشه‌ای دیگر قرار داده و آن‌ها را با هم ممزوج نکند.

مرحوم دانشیار سال‌ها همت خود را به کاروان داری و خدمت به حجاج بیت الله الحرام قرار داد، و با عمق تفکر فقهی و تعهد به این کار همت گماشت و با توجه به سختی کاروان سالاری در دهه ۳۰ و ۴۰ از زمره مجربترین و کارآمدترین کاروانسالاران دوران خود محسوب می‌شد.

و از دامان وی بسیاری از کاروانسالاران دوره‌های بعدی تا حال حاضر تربیت شدند که هر کدام از آن‌ها به نوبه خود از بهترین کاروانسالاران استان تهران محسوب می‌شوند. از خصوصیات مرحوم دانشیار می‌توان توجه به اعتقادات و تبلیغ در عین انجام وظیفه اشاره نمود نقل می‌شود که در مکه مکرمه اعلام کرده بود که هر کس اشعار فرزدق در مدح امام علی بن الحسین علیه السلام را از حفظ بخواند، هدایایی از جمله زعفران به وی خواهد داد بدین لحاظ بسیاری از مردم و از جمله علمای اهل تسنن به این کار همت می‌گماردند. و برگزاری اعیاد بزرگ غدیر خم در سرزمین وحی و مباحثه با علمای سایر فرق از جمله خدمات این بزرگوار است.

ایمان، تقوا، وفای به عهد، صلابت و مردانگی، شب زنده‌داری و توجه به مجالس مذهبی از جمله خصائص ایشان محسوب می‌شد وی بر جلسات هفتگی روضه و وعظ و مداحی اهل بیت علیهم السلام که یادگاری از دوران حضور ایشان در عتبات عالیات بود مداومت داشتند و منزل ایشان از دیرباز همواره در زاویه حضرت عبدالعظیم علیه السلام پذیرای عاشقان اهل بیت و میزبان دانشمندان میهمانان حضرت عبدالعظیم علیه السلام بود که از نقاط دور و نزدیک به زیارت مشرف می‌شدند.

از مرحوم شیخ محمد دانشیار ۷ پسر و ۴ دختر به یادگار مانده که یکی از پسران ایشان به نام شیخ محمد حسن در عملیات خیبر در جزیره مجنون شربت شهادت را نوشید و پس از سال‌ها مفقود الاثر بودن در سال ۱۳۸۰ با تعبیر خوابی که شیخ محمد از فرود دسته گلی محمدی به دامانش دیده بود به وطن بازگشت.

از مرحوم شیخ محمد دانشیار تألیفات فراوانی به جای مانده که از آن جمله کتاب «واقعه بعد از عاشورا» که در مورد وضعیت اسرای کربلا، از کربلا تا شام و از آنجا به مدینه می باشد که بنا به وصیت معظم له به همراهشان در قبر نهاده شد و همچنین کتاب «حول البكاء علی الحسین علیه السلام»، «فضائل القرآن و آثاره فی نشاتین»، مستحبات الحرمین در زمینة مناسک حج، هدیه الزائر در مورد امکان زیارتی مصر، تحفته الزائر در باره مشاهده مشرفه سوریه، محاضرات سعید عاشور که مجموع سخنرانی های عبدالفتاح سعید عاشور ریاست انجمن مورخین مصر در کشور کویت در دفاع از شیعه می باشد.

مرحوم دانشیار در دوران کهولت سن نیز علی رغم بیماری مضمن تنفسی عبادات و مطالعات و مجالس خود را ادامه می داد و با خرید و وقف خانه ای در مشهد الرضا علیه السلام زمینه ای را برای برپایی یک زائر سرا در این شهر مقدس فراهم نمود که هم باقیات الصالحاتی برای وی و هم میعادگاهی برای خاندانش در طول زمان را فراهم نماید که همواره ارادتمند و زائر شمس الشموس علی بن موسی الرضا علیه السلام باشند.

مرحوم دانشیار پس از سال ها ولایتمداری و زندگی سعادت مند سرانجام در ۱۹ مرداد ماه ۱۳۸۹ دعوت حق را لبیک گفت و در جوار بارگاه منور حضرت سید الکریم عبدالعظیم علیه السلام آرام گرفت. روحش شاد و راهش پرره رو باد.

در پایان گوشه ای از سخنانشان در مورد سیده زینب علیه السلام رابه بیاد شهدای مدافع حرم تقدیم می کنم:

«سیده زینب شخصیتی است که اصلاً قابل توصیف نیست، شخصیتی که امام نیست ولی تسلی دهنده امام است، فردای عاشورا که همه اسرا را سوار بر محمل های بی چهار شتران کردند عمر سعد ملعون دستور داد که اسرا را از کنار شهدا عبور دهند، امام زین العابدین علیه السلام با دیدن این منظره از خود بی خود شد به طوری که داشت جان از بدن امام مفارقت می کرد، سیده زینب که بی قراری و حال بد امام را مشاهده کرد به سوی امام آمد که ای پسر برادر چه می کنی؟ چرا بی قراری می کنی؟ تو حجت خدا بر زمین هستی، امام اشاره به بدن قطعه قطعه شده پدرش کرد گفت مگر این حجت خدا بر زمین نبود، و ناله سرداد، سیده زینب امام را تسلی داد و گفت: عزیزم روزگاری خواهد آمد که انتقام این خون گرفته خواهد شد و مدفن پدرت قصری از قصرهای دنیا و میعادگاه زائران و عاشقان خواهد بود... این صلابت سیده زینب است استواری بانویی که چون کوه در برابر

مصیبت‌ها صبر کرد و این نبود مگر به اشاره ولایت برادرش حسین علیه السلام در ظهر عاشورا به قلب شریف سیده زینب ... که وی را چون کوه استوار کرد» ...»

مقدمه مولف:

الحمد لله رب العالمین و العاقبه للمتقین ولا عدوان الا على الظالمین والصلوة على اشرف الانبیاء والمرسلین حبیب اله العالمین و شفیع المذنبین ابی القاسم محمد صلی الله علیه وآله و علی آله الطاهیرین المعصومین و علی من تخلف عنهم و غضب حقوقهم لعنة الله والملائکة و الناس اجمعین.

اسلام با انقلاب نبوی شروع و با انقلاب حسینی ادامه پیدا کرد و انقلاب حسینی با اقامه شعائر حسینی که از سوی شیعیان جریان دارد ادامه پیدا می‌کند بدین لحاظ همواره استعمار بر آن بوده که این مشعل هدایت که منجر به اقتدار مسلمین می‌شود را خاموش کند و تمام کوشش را در این راستا انجام می‌دهد ولیکن "یُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ" (توبه آیه ۳۲)

در طلوعه انقلاب اسلامی در عصرمان بر خود دیدم که در خصوص گریه و عزاداری امام حسین علیه السلام از اخبار و احادیث معتبر از دو فرقه شیعی و سنی و جمیع فتاوی متاخرین و متقدیم کتابی را گرد آورم و آن را به نام «حول البكاء على الحسين علیه السلام» نام نهادم باشد که خدای منان ذخیره‌ای برای آخرتم قرار دهد. ان شا الله

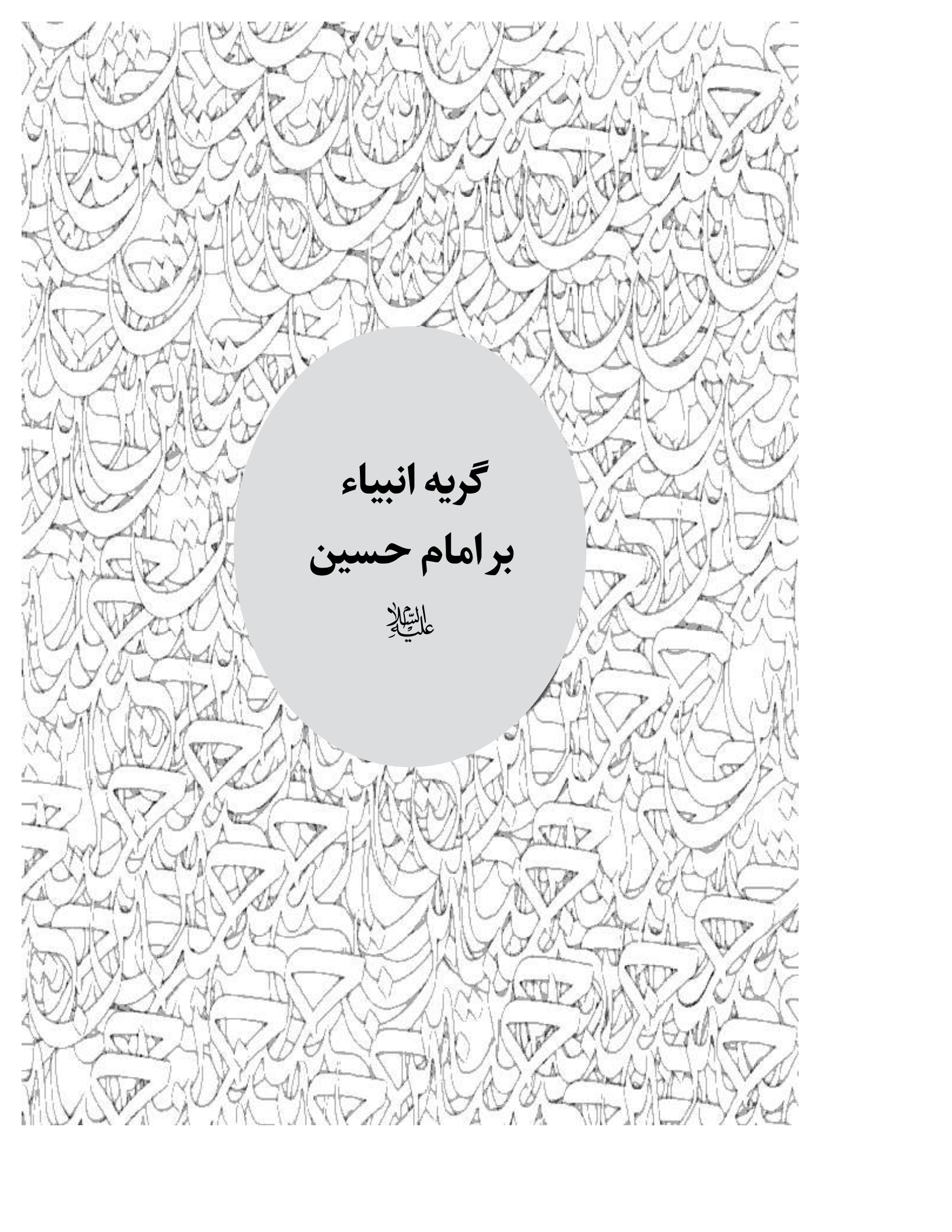
رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

نسب مولف به روایت خودشان:

اینجانب حاج شیخ محمد دانشیار ابن مرحوم آیه الله شیخ محمدعلی بن مهدی بن مولی الحسین بن الحسن بن علی بن الحسین شوشتری که هم محل تولد و هم مدفنش نجف الاشرف و از اعظم علماء اهل زمانش محسوب می‌شده می‌باشم.

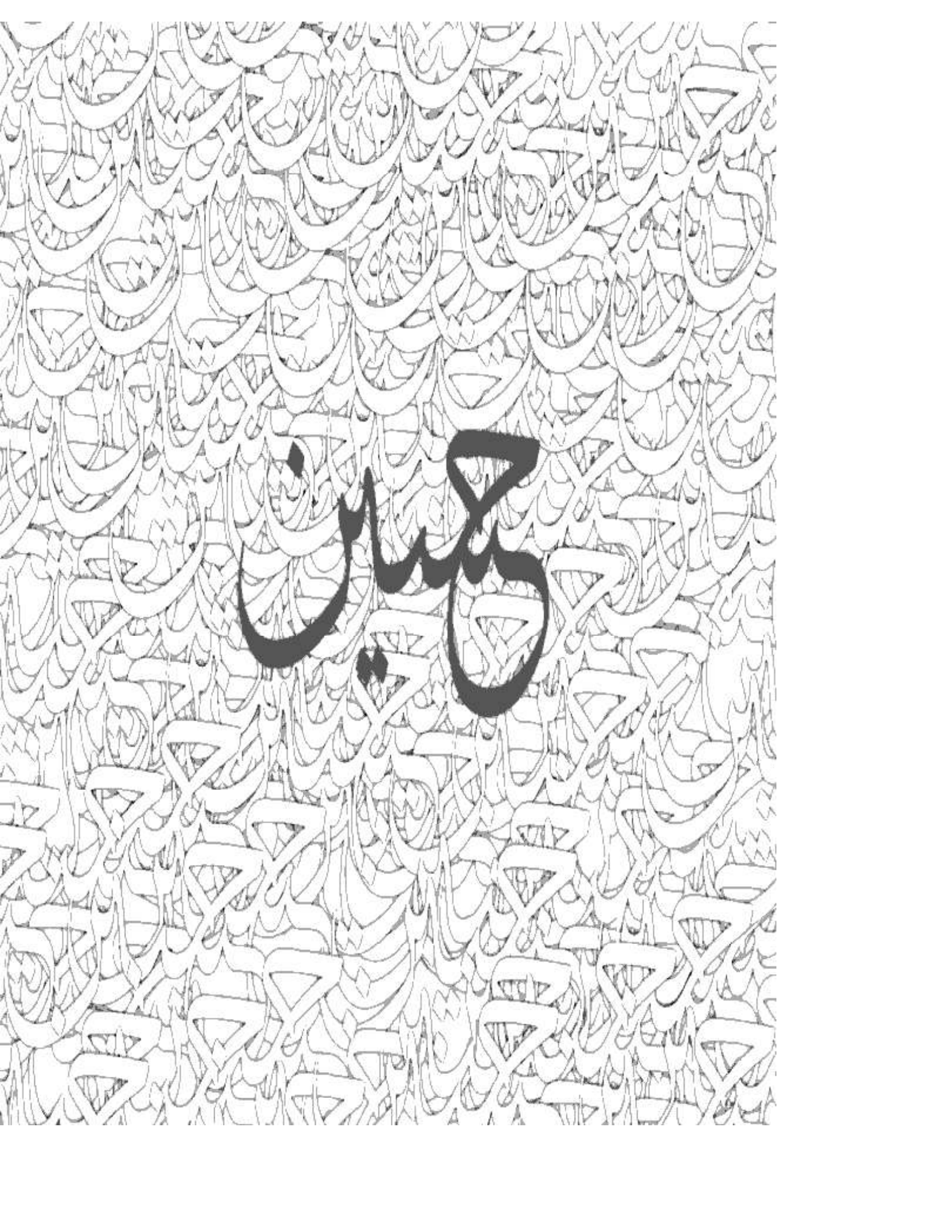
۱۳۵۷ هجری شمسی مطابق سال ۱۴۰۰ هجری قمری

فرهنگ نامه گریه و عزاداری
سیدالشهدا علیه السلام



گریه انبیاء
بر امام حسین

علیه السلام



عاشقان

گریه حضرت آدم علی نبینا وآله وعلیه السلام بر امام حسین علیه السلام:

صاحب الدر الثمین در تفسیر آیه شریفه « فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَةً... » (سوره

بقره آیه ۳۷) می نویسد:

آدم به ارکان عرش نگاه کرد که بر آن اسماء نبی اکرم و ائمه علیهم السلام نوشته شده بود و با القائنات جبرئیل امین گفت:

« يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا عَلِيُّ بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ مِنْكَ الْإِحْسَانُ »

پس چون نام مقدس حسین را به زبان آورد اشکش جاری شد و قلبش شکست پس آدم علیه السلام گفت: ای برادر، جبرئیل چه شد که در ذکر خامس آل عبا قلبم شکست و اشکم جاری شد؟ پس جبرائیل پاسخ داد: این فرزند تو مصیبتی از مصائب بر او وارد می شود که سایر مصائب در برابرش ناچیز است، آدم پرسید، مگر چه اتفاقی می افتد؟ پس جبرائیل گفت: او را می کشند در حالی که تشنه و غریب است و تنها و بی کس و بی یار و یاور، اگر آدم علیه السلام او را ببینی که فریاد و عطشا سر می دهد و ناصری می طلبد و آنقدر عطش بر او غلبه می کند که چشمانش بین زمین و آسمان را چون دود تار و مه آلود می بیند. پس کسی به ندایش پاسخ نمی دهد

مگر با شمشیرهای برهنه و سرش از پشت از بدنش جدا می‌کنند و اثاثیه‌اش را به یغما برده و عائله‌اش را به اسارت می‌کشند، و سرهایشان را از شهری به شهر دیگر می‌گردانند و این آن چیزی است که در علم خدای منان وجود دارد پس آدم و جبرائیل در این مصیبت گریه کردند.

و در حدیث مرسلی وارد شده چون آدم به زمین هبوط کرد در اطراف زمین می‌چرخید و چون به وادی کربلا رسید، سینه‌اش بدون سبب تنگ شد و چون در محلی که امام حسین در آن به شهادت رسید، قرار گرفت پایش به سنگی اصابت کرد و خون از آن جاری شد پس سرش را رو به آسمان کرد و گفت: بارخدا! چه گناهی از من سرزد که چنین گرفتار شدم؟ در همه زمین سیر کردم در هیچ جا این گرفتاری که در اینجا برایم پیش آمد، برایم پیش نیامده بود.

پس وحی الهی به وی نازل شد که ای آدم از تو هیچ گناهی سر نزده ولیکن اینجا جایی است که فرزندت حسین علیه السلام در آن به شهادت می‌رسد و در همین راستا خون تو هم در همان موضع ریخته شد،

آدم پرسید: این حسین علیه السلام کیست؟ آیا پیامبری از پیامبران توست، وحی آمد که نه، بلکه از اوصیای پیامبر آخر الزمان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌باشد، آدم پرسید: چه کسی او را به شهادت می‌رساند؟ گفت: یزید، که مورد لعنت آسمان و زمین است. آدم گفت: ای جبرائیل در این مصیبت چه کنم؟ گفت: پس یزید را لعنت کن، پس آدم یزید را چهار مرتبه لعن کرد و به سوی صحرای عرفات رفت و در کوه‌های آنجا، حوا را پیدا کرد.

گریه نوح نبی علی نبینا و علی آله وعلیه السلام بر امام حسین علیه السلام

روایت شد که چون نوح نبی علیه السلام در کشتی مستقر بود کل زمین را سیر کرد ولیکن وقتی از منطقه کربلا گذر کرد گویا زمین کشتی را به سوی خود می‌کشد و نوح بیم غرق شدن کشتی را داشت و دست به دعا برداشت که بار خدایا! تا به این زمان که در کشتی بودیم و نواحی مختلف زمین را سیر کردیم در امان بودیم چه شد که در این منطقه گرفتار شدیم؟ پس جبرائیل نازل شد و گفت: این منطقه، جایی است که در آن حسین سبط محمد صلی الله علیه و آله (را به شهادت می‌رسانند) و پسر خاتم اوصیاء را به شهادت می‌رسانند. پس گفت: ای جبرائیل چه کسی او را به شهادت می‌رساند؟ گفت: قاتل او لعین اهل هفت آسمان و زمین است، پس

او را لعنت کن، پس بر او چهار بار لعنت فرستاد پس بدین واسطه کشتی وی به جانب کوه جوادی حرکت کرد و در آنجا متوقف شد.

گریه ابراهیم علی نبینا و علی آله و علیه السلام بر امام حسین علیه السلام

در روایتی است که ابراهیم علیه السلام عبورش به وادی کربلا افتاد همین که با اسب از آنجا عبور می کرد ناگهان اسبش کج شد و ابراهیم را بر زمین کوفت و از سرش خون سرازیر شد ابراهیم علیه السلام شروع به استغفار کرد و گفت بار خدایا! این چه حادثه ای بود که برای من اتفاق افتاد، پس جبرائیل امین نازل شد و گفت: ای ابراهیم از تو گناهی سر نزنده ولیکن اینجا سرزمین است که در آن سبط خاتم الانبیاء و پسر خاتم الانبیاء و پسر خاتم الاوصیاء را در آن به شهادت می رسانند. پس خون تو هم در راستای ریخته شدن خون او جاری شد.

پس ابراهیم علیه السلام پرسید:

ای جبرائیل چه کسی او را به شهادت می رساند؟ جبرائیل پاسخ می دهد: لعین اهل آسمان ها و زمین، پس قلم بدون اذن پروردگارش لعن او را بر لوح نوشت، پس از سوی الله تعالی وحی شد به قلم که تو به خاطر این لعن استحقاق تحسین و ثنا را داری.

پس ابراهیم علیه السلام دستانش را بلند کرد و بریزید لعن بسیار کرد و اسبش هم به زبان فصیح آن را تکرار کرد، پس ابراهیم خطاب به اسبش گفت تو از چه روی او را لعن می کنی؟ اسب گفت: من به همه افتخار می کردم از اینکه مرکبی چون تو باشم پس وقتی از من به زیر افتادی خجل شدم و سبب آن یزید لعنت الله علیه بود.

گوسفندان اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام از خوردن آب فرات سرباز می زنند

روایت شد که اسماعیل نبی علیه السلام در روزگار چوپانی گذرش به اطراف شریعه فرات افتاد ولیکن مشاهد کرد که گوسفندانش از آن مشرعه آب نمی خورند، لذا از خدای پرسید، یا الله چه شده که گوسفندانم به سوی شریعه نمی روند پس

جبرئیل امین نازل شد و گفت ای اسماعیل از گوسفندانت سببش را بپرس که جواب خواهند داد، پس اسماعیل سوال کرد، و آن‌ها یا زبان فصیح جواب دادند در کنار این مشرعه پسرت سبط محمد صلی الله علیه و آله را با لب تشنه به شهادت می‌رسانند، و ما از این آب نخواهیم خورد، پس سوال شد از قاتل وی، پاسخ آمد که قاتل او لعین اهل آسمان‌ها و زمین و همه موجودات عالم است. پس اسماعیل علیه السلام گفت: اللهم العن قاتل الحسین علیه السلام

جاری شدن خون موسی علی نبینا و علی آله وعلیه السلام همانند حسین علیه السلام

روایت شد که حضرت موسی علیه السلام به همراه یوشع بن نون در مسافرتی گذرش به کربلای معلی افتاد، در آن هنگام به ناگاه نعلینش پاره شد و خاری به پاهایش وارد و مجروح شد و خون فراوانی جاری گشت.

پس گفت: بارالها! چه بر من گذشت؟ پس ندا آمد که ای موسی تو در وادی هستی که در آن خون حسین علیه السلام می‌ریزد پس بنا بر همدردی با وی خون تو هم ریخته شد موسی علیه السلام پرسید: بارالها! این حسین علیه السلام کیست؟ ندا آمد که او سبط پیامبر محمد مصطفی و فرزند علی مرتضی علیه السلام می‌باشد، موسی پرسید؟ چه کسی او را می‌کشد؟ ندا آمد لعین ماهی‌های دریا و وحوش صحرا و پرندگان هوا پس موسی دست بلند کرد و بر یزید لعنت فرستاد و یوشع امین گفت چنانچه انتظار آن می‌رفت.

تخت سلیمان نبی علی نبینا و علی آله وعلیه السلام در سرزمین کربلا فرود آمد

روایت شد که حضرت سلیمان نبی علیه السلام سوار بر تختش در حال سیر در آسمان بود که ناگاه به آسمان کربلای معلی رسیدند و تلاطمی در بساط سلیمان افتاد به طوری که سلیمان در آستانه سقوط قرار گرفت پس، تخت ناگهان در این زمین فرود آمد، سلیمان باد را خطاب قرار داد که چه اتفاقی افتاده است. باد گفت این جا سرزمینی است که حسین بن علی علیه السلام در آن به شهادت می‌رسد، سلیمان پرسید: حسین کیست؟ ، ندا آمد که سبط محمد مختار صلی الله علیه و آله و پسر علی کرار علیه السلام پس سلیمان پرسید که قاتل او کیست؟ گفتند: لعین اهل آسمان‌ها و زمین یزید،

پس سلیمان دستانش را بالا برد و بر او لعن فرستاد و جن و انس آمین گفتند، پس بادی فرود آمد و تخت دوباره روان شد.

راه عیسی علی نبینا و علی آله وعلیه السلام در کربلا توسط شیری مسدود شد:

روایت است که عیسی علیه السلام به همراه حواریون در حال طی طریق بود تا آنکه به سرزمین کربلا رسید در آن حال مشاهده کردند که شیری عظیم الجثه در وسط راه نشسته است پس حضرت عیسی علیه السلام جلو رفت و گفت ای شیر چه شده که بر سر راه نشست و طریق ما را بست؟ پس شیر با ندای فصیحی پاسخ داد:

که ای عیسی اجازه نخواهم داد که احدی از شما از این مسیر گذر کنید مگر آنکه بر قاتلین حسین علیه السلام لعن و نفرین فرستید، عیسی علیه السلام گفت: این حسین علیه السلام کیست؟ شیر پاسخ داد: او سبط محمد نبی الامی و پسر علی ولی الله است، عیسی پرسید؟ قاتل او کیست؟ شیر گفت: قاتل او لعین و حوش و حشرات و خزندگان است مخصوصاً در روز عاشورا، پس عیسی علیه السلام دست برداشت و او را نفرین کرد و حواریون آمین گفتند: پس شیر از راه کنار رفت و آن‌ها به راه خود ادامه دادند.

اسماعیل علی نبینا و علی آله وعلیه السلام که در آیه "وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِسْمَاعِیلَ اِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُوْلًا نَبِیًّا" (سوره مریم آیه ۵۴)، کیست؟

محمد بن جعفر الرزاز، از ابی الخطاب و احمد بن الحسین بن فضال، از حسین بن فضال و او از مروان بن مسلم، و او از برید العجلی روایت می‌کند که از امام صادق علیه السلام پرسیدم، ای پسر رسول خدا اطلاعاتی درباره اسماعیل که در آیه "وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِسْمَاعِیلَ اِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُوْلًا نَبِیًّا" (سوره مریم آیه ۵۴)، این اسماعیل همان اسماعیل پسر حضرت ابراهیم است چنانکه مردم می‌گویند؟

حضرت فرمودند: اسماعیل قبل از وفات حضرت ابراهیم علیه السلام وفات کرد، در ثانی در زمان ابراهیم علیه السلام خود ابراهیم علیه السلام پیامبری صاحب شریعت و امت بود، لازم به نبوت اسماعیل نبود.

پس پرسیدم فدایت شوم پس این اسماعیل کیست؟ فرمود این اسماعیل

بن حزقیل نبی الله است که به سوی قومش برگزیده شد ولیکن قومش وی را تکذیب کردند و گشتند و قطعه قطعه نمودند پس الله سبحانه بر آن‌ها غضب کرد پس سطا طلائیل فرشته عذاب را مأمور به عذاب آن قوم نمود، پس آن ملک به اسماعیل گفت: که مأمور به عذاب قوم هستم به انواع عذاب لکن اسماعیل گفت لازم به این عذاب نیست؟ از سوی پروردگار وحی آمد چه چیز می‌خواهی؟

اسماعیل گفت: اخبار پیامبر آخر الزمان به من رسیده و خبر رسیده که حسین بن علی علیه السلام بعد از رسالت نبی اسلام به شهادت می‌رسد و شنیدم که وی دو باره در دنیا برانگیخته می‌شود تا انتقام بگیرد، من درخواست دارم که به همراه او به زمین بازگردم، پس اجابت شد، پس او کسی است که به همراه حسین بن علی علیه السلام به دنیا رجعت خواهد نمود.

ابن ولید از الصفار از ابن بزید از ابن عمیر و محمد بن سنان نقل می‌کند که او از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که: آن اسماعیلی که خداوند در قرآن در آیه: "وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِسْمَاعِیْلَ اِنَّهُ کَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ کَانَ رَسُوْلًا نَبِیًّا" (سوره مریم آیه ۵۴)، نام می‌برد آن اسماعیل فرزند ابراهیم نیست بلکه از جمله انبیاء بوده که خدای عز و جل او را به سوی قومش برانگیخته بود ولیکن قومش او را تکذیب کردند و کشتند و قطعه قطعه نمودند پس خداوند ملکی را بر او برانگیخت و گفت با این قوم چه کنم، گفت: لی اسوة بما یصنع بالحسین علیه السلام

از محمد بن سنان از عمار از مروان بن سماعه از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام روایت شد که اسماعیل رسولی از انبیاء بود که به قومش فرستاده شد و چون قومش وی را تکذیب کردند و آن را کشتند و پوست صورت و سرش را کردند پس ملکی از ملائکه خدا برای اینکه چگونه قومش را عذاب کند نازل شد پس به ملک گفت یکون لی بالحسین ابن علی اسوه

از دو طریق دیگر این روایت آمده است یکی محمد بن الحسن از پدرش و او از جدش و او از علی بن مهزیار و او از محمد بن سنان روایت می‌کند و در طریق دیگر سعد از ابی عیسی و او از ابی الخطاب و ابن یزید از محمد بن سنان روایت می‌کنند.

رسول خدا ﷺ و تربت امام حسین ﷺ

ابن حشیش از ابی مفضل الشیبانی او از محمد بن علی بن محمد از ابن ابی الخطاب و او از ابن ابی عمیر و او از محمد بن سنان و او از هارون بن خارجه و او از ابی بصیر و او از امام صادق ﷺ روایت می‌کند که:

روزگاری حسین ﷺ نزد رسول اکرم بود که جبرئیل بر رسول خدا وارد شد و گفت:

آیا حسین را دوست داری؟

رسول خدا گفت: بله، جبرئیل گفت:

اما امت تو این فرزندت را به شهادت می‌رسانند رسول خدا اندوهگین شد، جبرائیل گفت آیا می‌خواهی که تربت او را ببینی؟ که در آن به شهادت می‌رسد، پس جبرائیل متوجه زمین کربلا شد.

و مقداری از خاک کربلا را در یک چشم به هم زدن در نزد رسول خدا حاضر کرد پس رسول خدا گفت:

مرحبا به تو ای خاک، مرحبا به تو و آن کسی که در توبه شهادت می‌رسد.

روایتی است از ابی المفضل از ابن عقده از ابراهیم بن عبدالله النحوی از محمد بن مسلمه از یونس بن ارقم از الاعمش از سالم بن ابی الجعد از انس بن مالک یکی از ملائکه مقرب درگاه الهی اجازه شرف یابی به محضر حضرت رسول خدا را از خدای متعال گرفت، و بر پیامبر اکرم وارد شد در حالی که حسین ﷺ نزد او بود، پس گفت یا رسول الله آیا دوستش داری؟، فرمود: بلی چطور دوستش نداشته باشم در حالی که او فرزند من است، ملک گفت: یا رسول الله امت تو وی را به شهادت خواهند رساند، رسول خدا فرمودند:

امت من فرزند مرا می‌کشند؟

ملک گفت: بله، دوست داری خاکی که در آن کشته می‌شود ببینی؟ رسول خدا فرمودند: بله، پس به او خاک سرخی پاک و خوش بویی رانسان داد به رسول خدا گفت: این خاک را نزد خود نگه دار وقتی رنگ آن به سرخی گرایید بدان که فرزندت به شهادت رسیده است.

خبر حضرت باری تعالی و نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در مورد شهادت امام حسین علیه السلام

سعد بن عبدالله گفت: از قائم آل محمد صلی الله علیه و آله درباره تأویل آیه که یعیص پرسیدم، جواب دادند: این حروف رموزی است بین خدای باری تعالی و حضرت زکریا علیه السلام و سپس کشف شده برای محمد و آل محمد، حضرت زکریا از خداوند متعال خواست که اسماء خمسہ را به وی بیاموزد پس خداوند به وی تعلیم فرمود، زکریا گفت: بار الہا! وقتی اسامی چهار تن از این پنج را می‌گوییم دلم باز می‌شود و شور و شوق در وجودم احساس می‌کنم ولی چرا وقتی نام پنجمی را به زبان می‌آورم گوئی غم عالم به دلم می‌نشیند و اشکم جاری می‌شود؟ پس خدای تعالی پرده از اسراری را بر می‌دارد و می‌گوید: که یعیص که کاف اسم کربلا، و ها، هلاکت اهل بیت است و یا، یزید و او کسی است که به حسین ظلم روا داشته است و عین، عطش حسین و صاد، صبر حسین است، پس چون زکریا این داستان را شنید سه روز در مسجد عزلت گرفت و کسی را راه نداد و دائماً می‌گفت بار الہا! آیا واقعاً بهترین خلقت را به مصیبت پسرش مبتلی می‌کنی؟ بار الہا! آیا علی و فاطمه را لباس چنین مصیبتی می‌پوشانی؟ آیا این مصیبت را به ساحتشان روا می‌داری؟

و سپس گفت: بار خدایا پسری را در سن پیری روزی من گردان که نور چشمانم در پیری باشد و مرا به محبتش مبتلا گردان و من را مبتلی کن به آنچه محمد حبیب صلی الله علیه و آله در مورد فرزندش مبتلی کردی پس خداوند یحیی را روزی وی گرداند و آن را مبتلی به مصیبت وی کرد و مدت بارداری حضرت یحیی شش ماه بود و مدت برای بارداری امام حسین علیه السلام هم شش ماه بود. (احتجاج ص ۲۳۹)

آیا امتی که حسین علیه السلام را کشتند امید شفاعت جدش در روز حساب را دارند؟

جعفر بن نما در کتاب منیر الاحزان می‌نویسد: روایت شد که از نطنزی از سلمان الاعمش حکایت می‌کند که: من در ایام حج مردی را دیدم که در طواف می‌گفت: «بار الہا! مرا ببخش در حالی که می‌دانم که هرگز مرا نمی‌بخشی» به او گفتم: ای مرد چرا این حرف را می‌زنی؟، گفت: من از آن چهل و یک نفری هستم که سر حسین بن علی علیه السلام را به جانب شام بردیم در اثنای راه برای استراحت به دیر، ترسایان وارد شدیم و دیدیم در بالای در با خطی جلی و با قلم آهنین حک شده است که:

آیا امتی که حسین علیه السلام را کشتند امید شفاعت جدش در روز حساب را دارند؟ اصحابم سخت به گریه و ناله افتادند و پشیمان شدند ولیکن من سر را گرفته و به جانب شام رهسپار شدم.

و از عبدالرحمان بن مسلم می‌گویید: به کنیسه‌ای از کنیسه‌های روم در نزدیکی قسطنطنیه وارد شدیم و این ابیات در آنجا حک شده بود:

اترجوا امه قتلت حسینا شفاعة جده يوم الحساب
و ابو عمرو الزاهد در کتاب الیاقوت، نوشته است: عبدالله بن الصفار صاحب ابی حمزه الصوفی می‌گوید در جمع از آشنایان شیخ عاقلی از علمای نصارا وجود داشت که خیلی مورد احترام آن‌ها بود وی می‌گفت: در یکی از شهرهای روم در حفاریها سنگی از دوره باستان که مربوط به قبل از بعثت نبی اسلام بود پیدا کردیم که در آن مرقوم شده بود:

اترجوا امه قتلت حسینا شفاعة جده يوم الحساب

وَ قَدِّينَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

ابن عبدوس از ابن قتیبه از فضل روایت می‌کند که شنیدم از حضرت رضا علیه السلام که می‌فرمود: زمانی که خداوند عز و جل وحی کرد به سوی ابراهیم علیه السلام که به جای اسماعیل علیه السلام این گوسفند را قربانی و ذبح کن این اندیشه به دل ابراهیم گذشت که قبول نکند، چرا که تقریبی که بواسطه ذبح فرزندش به دست خودش برایش حاصل می‌شود از ذبح گوسفند بدست نمی‌آید، به ناگاه از جانب خدای سبحان سروش وحی آمد که ای ابراهیم این چه اندیشه‌ای بود که بر تو گذشت، گرامی‌ترین و محبوب‌ترین خلق نزد تو کیست؟ ابراهیم گفت: حبیب محمد صلی الله علیه و آله، وحی آمد که آیا او را بیشتر از خودت دوست داری؟ فرمود: بلی، پس ندا آمد که پسرت پیش تو گرامی‌تر است یا پسر رسول خدا؟ فرمود: پسر رسول خدا پس گفت: ای ابراهیم! بدان که پسر رسول خدا را به سبب ظلم اعداء و دشمنانش خواهند گشت، پس گفت ای ابراهیم این تو را بیشتر متأثر می‌کند یا قربان کردن اسماعیل، ابراهیم گفت: آن واقعه بیشتر قلبم را جریحه دار می‌کند. پس ندا آمد که ای ابراهیم امت محمد حسین پسرش را بعد از ظلم و ستمی که وی می‌رود همانند گوسفندی سر می‌برند، پس ابراهیم، جزع فراوانی کرد و بسیار اندوهناک شد پس خدای سبحان فرمود: این جزع و حزن تو به جای قربانی کردن پسرت به دست خودت پذیرفته شد. پس بر خداست که درجات اهل ثواب در مصائب را

بالا برد پس بدین لحاظ خدای سبحان فرمود: « وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ »

- عیون اخبار الرضا، باب ۱۷، ج ۱، ص ۲۰۹



عزاداری
در وقت میلاد
امام حسین

علیه السلام

عاشقان

حافظ احمد بن حسین بیهقی روایت می‌کند که روایت کرده ابوالقاسم حسن بن محمد المفسر او روایت کرده از ابوبکر محمد بن عبدالله الحفید و او از ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر الطائی در بصره و او از ابو جعفر بن محمد او از ابی محمد بن علی و او از علی بن الحسین علیه السلام که فرمود اسماء بنت عمیس گفت که من ملازم حضرت صدیقه طاهره علیهما السلام در هنگام وضع حمل امام حسن و امام حسین علیهما السلام بودم.

در هنگام میلاد امام حسین علیه السلام، پیامبر اکرم نزد من آمد و فرمود:

ای اسماء، پسر من را بیاور، پس او را در حالی که در یک قنداقه سفید پیچیده بودم نزد حضرتش آوردم پس رسول خدا اذان را در گوش راست و اقامه را در گوش چپ حضرت خواندند و سپس آن را در حجره قرار دادند و شروع به گریه کردند، اسماء می‌گوید: گفتم یا رسول الله پدر و مادرم فداتون بشه چرا گریه می‌کنید؟ فرمودند: بر آنچه بر این پسر من رود گریه می‌کنم گفتم: او که همین الان بدینا آمده گفت: ای اسماء او را عده‌ای از اراذل و اوباش امت می‌کشند و به خدا که شفاعت من به آن‌ها نمی‌رسد، بعد به من فرمود، ای اسماء مبادا از این قضیه چیزی به فاطمه بگویی، و این ماجرا در بدو ولادت حضرت حسین علیه السلام اتفاق افتاد.

حافظ ابوالمؤید خوارزمی خلیفه زمخشری در مقتل الحسین این مطلب را ذکر نموده است و همچنین حافظ محب الدین الطبری در کتاب «ذخایر العقبی» صفحه ۱۱۹ از مسند امام ابی الرضا علیه السلام و سید شیخانی مدنی در کتاب «صراط السوی» این حدیث را آورده است.

علامه امینی رحمه الله علیه در این مورد می گوید:

این اولین محفل و مجلس حسینی بود که در خانه رسول الله صلی الله علیه و آله برگزار شد و در هیچ کجای دنیا شنیده نشده به غیر از بیت فاطمه زهراء علیها السلام که مجلس تولد فرزندى به جای محفل سرور و شادی، محفل حزن و اندوه و ماتم باشد.

در هیچ جای تاریخ نگاشته نشده که در بدو تولدی مولودی به جای هدیه بدو تربت مکانی داده شود که مولود در آن سر بریده می شود و ریشه های حزن و اندوه را به قلب پدرش بریزند.

پس روز ولادت حضرت سیدالشهداء در نزد خدای متعال روزی بس بزرگ و عظیم القدر است، روز که می باست روز سرور و شادی اهل بیت علیهم السلام باشد، خانه ای که اجازه داده شده در آن اسم خدا برده شود به دار الحزن برای اهلش تبدیل شد.

بعد از اینکه جبرائیل امین علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد شهادت امام حسین علیه السلام خبر داد رسول خدا صلی الله علیه و آله متوجه شد که این امریست میرم و غیر قابل تغییر در شأن امام حسین علیه السلام چنانچه حافظ ابوالحسین الدارقطنی در مسندش آورده وقتی که رسول الله صلی الله علیه و آله از جبرائیل علیه السلام خبر شهادت حسین بن علی علیه السلام را شنید، گفت: ای جبرائیل! امکان تغییر قضا در این امر وجود ندارد؟

گفت: نه، این امریست که خدا نگاشته است.

پس رسول الله صلی الله علیه و آله این موضوع را از مادر مطهره و ریحانه اش مخفی داشت چرا که چگونه مادری که مولودش را در آغوش می کشد و از شیرۀ جانش به کامش می ریزد و چه شبها و روزها را به بالینش به سر می کند، خود را وقف امنیت و بازی با طفلش می کند، طاقت می آورد که از سرنوشت مولودش مطلع شود آری اگر مادرش می خواست نغمه ای بسراید برای نوزادش باید می گفت:

واحسینا، واحسینا، واحسینا

و یا اگر پدرش می خواست برای او سرودی بگوید:

کربلاء یا کربلا یا کربل کربلا لازلت کربا و بلاء
آیا چنین امر بزرگی از زهرای مرضیه (علیها السلام) مکتوم بود؟
نه به خدا

آیا این سیر تا نهایت بر مادر سیدالشهداء و پدرش مخفی می ماند؟

امری که پی در پی ملائکه به اذن پروردگارشان هر روز و هر ساعت برای صحبت کردن درباره اش فرود می آیند و محافل و مجالس ماتم پی در پی محضر رسول خدا و همسرانش برگزار می شد و خدا دیده های انبیاء و اولیائش را به آن گریبان و تربت مطهرش دست به دست منتقل می شد. (از نوشته های علامه امینی در کتاب «سیرتنا و سنتنا» ص ۱۷ تا ۵۰ عزاداری در شیرخوارگی سیدالشهداء (علیه السلام))

حافظ حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک الصحیح جلد ۳ ص ۱۷۶ می نویسد: روایت شده از ابو عبدالله محمد بن علی الجوهری از بغداد از ابو الاحوص محمد بن الهیثم القاضی از محمد بن مصعب، از الاوزاعی، از ابی عمار شداد بن عبدالله از ام الفضل دختر حارث که:

او بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شد و به او گفت: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) من دیشب خواب پریشانی دیدم، حضرت فرمود: چه دیدی؟ گفتم: خیلی بد بود، فرمود: چه دیدی؟ گفتم: خواب دیدم که تکه ای از بدن شما کنده شد و در خانه من افتاد. رسول خدا فرمودند که خیر است، فاطمه مولودی در خانه تو به دنیا می آورد، پس حسین (علیه السلام) در خانه من به دنیا آمد، روزی رسول خدا به خانه وارد شد در حالی که حسین در حجره بود و حضرت التفاتی به من کرد و مشاهده کردم که دیده های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اشک باران است، گفتم ای نبی الله! پدر و مادرم به فدایت چه شده؟ فرمود از جبرئیل خبری به من رسیده که امت من این فرزندم را می کشند؟ گفتم: این فرزندت را؟ فرمود: بلی، و مقداری از تربت مقتلش را به من نشان داد که، تربتی قرمز رنگ بود.

و همچنین در صفحه ۱۷۹ می نویسد: روایت کرد بر ما ابوالعباس محمد بن یعقوب و او از محمد بن اسحاق الصنعانی، و او از محمد بن اسماعیل و او از ابن

سمینه نقل می‌کند از محمد بن مصعب، او از اوزاعی از ابی عمار از ام الفضل که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من گفت که جبرائیل به من خبر داده که امتم حسین علیه السلام را خواهند کشت.

پس می‌نویسد: ابن ابی سمینه این حدیث را خلاصه کرده و همچنین از محمد بن مصعب همین را نقل می‌کند.

همچنین حافظ البیهقی در کتاب «دلائل النبوه» در قسمت الحسین علیه السلام می‌نویسد: روایت کرده محمد بن عبدالله الحافظ یعنی حاکم نیشابوری از ابو عبدالله محمد بن علی الجوهری از بغداد با اسنادی در حدیث را که گفته شد،

حافظ ابن عساکر در کتاب «تاریخ الشام» می‌نویسد: روایت می‌کند ابو عبدالله الغراوی از ابوبکر بیهقی و او از محمد بن عبدالله با اسنادی از حاکم که روایت می‌کند ابوالقاسم بن السمرقندی از ابو حسین ابن النقر از ابو حسین بن محمد بکر الهرائی از الرقاشی یعنی العباس بن الفرغ و او از محمد بن اسماعیل ابو سمینه و او از محمد بن مصعب با اسنادش که:

به رسول خدا گفتم یک رویای عظیمی درباره شما دیدم برایتان نقل کنم؟ فرمودند: بله، گفتم: خواب دیدم که تکه‌ای از قطعات بدن شما در خانه من افتاده است پس فرمودند صلی الله علیه و آله: فاطمه مولودی را در منزل تو به دنیا می‌آورد که حسین نام دارد، پس چنانچه رسول خدا فرمودند: فاطمه علیه السلام در منزل من وضع حمل نمودند، پس روزی رسول خدا به منزل ما آمدند و حسین را گرفته و با او بازی می‌کردند، سپس دیدم در چشمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشک جمع شد، گفتم چه شده یا رسول الله صلی الله علیه و آله گفت: جبرائیل به من خبر داد که امتم این فرزند مرا به قتل خواهند رساند.



عزاداری
بر امام حسین
علیه السلام
سرآمد همه
سنت‌هاست

عاشقان

نگاهی دوباره به تولد ها و سالگردهای وفات بزرگان و یا یادی از نهضت های ملی و مذهبی و حوادث اجتماعی ملت ها و احیای عاداتها و عمل های حسنه را می توان از جمله مظاهر توجه به سنت ها نام گذاشت، که در بین فرهنگ های مختلف دینی چون مسیحیت یا یهود هم ساری و جاری بوده و در فرهنگ اسلامی نیز به گونه ای دیده می شود.

که توجه به چنین سنت هایی اثرات شخصی و اجتماعی ویژه ای را به همراه دارد که انسان را متوجه سرچشمه های حیات اجتماعی چه دینی و چه ملی می کند و حب ها و بغض ها را نسبت به آن حادثه برانگیخته کرده و تداوم آن فکر و آن سنت را در قالب احترام گذاشتن به رجال دینی یا ملی به ارمغان می آورد. تا آن ایده و آن راه و سلوک به دست فراموش سپرده نشود و تندبادهای پاییزی ایام عیش ربیع این حوادث را از بنیان نکند، پس در حقیقت پاس داشت سنن یعنی، تجدید میثاق با آرمان های نابی که در جامعه ساری و جاری بوده و زنده کردن نام کسانی که در راه این آرمان ها کوشش کرده اند، و در آن اثرات عظیم تاریخ اجتماعی و دروسی از اخلاق و انتقال سیره بزرگان و اهداف آن ها به نسل های آینده می باشد، و احیای این سنن دروازه رسیدن به تجارب دیگران در پایبندی و رسیدن به آرمان ها و تجدید میثاق نسل معاصر است با آن آرمان های عظیم در رسیدن به اعتلای انسانیت که از گذشتگان به ارث رسیده است.

البته در بین ایام، ایامی وجود دارد که نسبت به ایام دیگر دارای نورانیت ویژه و کرامت و عظمت مضاعفی هستند، و اتفاق خاص در آن روز چه سعد و چه نحس ویژگی خاصی را بدان داده است که البته یکی از آن وقایع روز عاشورا یعنی روز حسین بن علی علیه السلام است که روزی با عظمت و بزرگ‌تر از آن روز در تاریخ وجود ندارد، روز نهضتی که روز شرف و عزت همه مسلمین جهان و روزی سراسر حکمت و درس و عبودیت، در مکتب توحید را به همراه خود می‌آورد، روزی که تمام سنن گذشته آباء و اجدادی در برابر نور آن بی‌فروغ، بوده و چون پرچمی، طلایه‌داری راه راست را از گمراهی نشان می‌دهد، روز اعتلای پرچم توحید و انکسار بت‌های شرک و نفاق، و بالاخره «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ» (انعام / ۱۱۵)

به حق روزی است که در تاریخ تا ابد باقی خواهد بود روزی است که در تارک امت، محمد صلی الله علیه و آله خواهد درخشید و آن روز حسین پاره تن رسول الله و سید الانبیاء و نور چشم مصطفی، می‌باشد و آن یوم الله الاکبر است و قبل از هر کسی روز پیامبرش، روز قربانی، ذبحه عظیم است.

چنانچه ابوالمؤید الموفق خوارزمی حنفی متوفی سال ۵۶۸ هجری در کتاب «السائر الدائر» در مقتل السبط الشهید جلد ۱، ص ۱۶۳ می‌نویسد:

«وقتی که از ولادت امام حسین علیه السلام یک سال کامل گذشت در روز تولدش دو ملک بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدند که چهره‌ای قرمز رنگ و باله‌ایشان شرق و غرب عالم را پر کرده بود، پس خطاب به رسول خدا گفتند ای محمد آنچه از سوی قابیل به هابیل وارد شد به فرزندت حسین هم وارد خواهد شد، همان اجری که به هابیل داده شد به او و به قاتلش عذاب قابیل وارد خواهد شد، و هیچ ملکی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نمی‌شد مگر آنکه وی را در مصیبت امام حسین علیه السلام تسلیت می‌گفت و مقداری از خاک تربت حسین را به حضرت می‌داد و پیامبر می‌گفت: اللهم اخذل من خذله و اقتل من قتله و لا تمتعه بما طلبه.

و چون سال دوم تولد امام حسین علیه السلام رسید پیامبر در مسافرتی بود ناگهان دیده شد که پیامبر ایستادند و آیه انا لله و انا الیه راجعون را تلاوت نمودند و شروع به گریه کردند، از سبب آن پرسیدند، پس پیامبر پاسخ دادند، الان جبرئیل خبری از سرزمینی به نزدیکی شط فرات به من داد که به آن کربلا می‌گویند، که در آن فرزندانم حسین پسر فاطمه را بقتل می‌رسانند، پرسیدند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله چه کسی وی را بقتل می‌رساند؟ گفت: مردی که به وی یزید می‌گویند که خداوند هیچ خیری در وجودش قرار نداده است، کانه‌ها می‌بینم که در آنجا دفن شده و سرش

از بدنش جدا شده و به هدیه برده می شود، به خدا کسی نیست که به سر بریده حسین بنگرد و شاد شود مگر آنکه خداوند اختلافی بین قلب و زبانش می اندازد یعنی آنچه در قلبش نیست در زبانش جاری می سازد.

پس می نویسد: چون نبی مکرم اسلام از مسافرت مراجعه کردند به مسجد رفتند و بر بالای منبر نشستند در حالی که امام حسن و امام حسین کنار وی نشسته بودند، ایشان خطبه ای خواندند و دست مبارکشان را بر سر امام حسین علیه السلام کشیدند و سرشان را به سوی آسمان کردند و فرمودند: اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لَهُ فِي قَتْلِهِ وَ اجْعَلْهُ مِنْ سَادَاتِ الشُّهَدَاءِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ اللَّهُمَّ! وَلَا تُبَارِكْ فِي قَاتِلِهِ وَ خَاذِلِهِ.

پس از این فرمایشات حضرت رسول صلی الله علیه و آله: صدای گریه و ناله از مسجد بلند شد پس نبی اکرم فرمودند: آیا گریه می کنید ولیکن یاریش نمی کنید، بارالها خودت یار و یاورش باشد.

سپس ابن عباس خاطر نشان می کند که این خطبه حضرت رسول بعد از عظیمتشان از مسافرتی بود که قبل از رحلت ایشان می بوده است و شاید در بعد از حج الوداع بوده باشد.

ظن قریب به یقین است که اقامه ماتم حضرت سید الشهداء توسط پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و آله در بیوت همسرانش چنانچه بعد از این بدان اشاره خواهیم کرد جریان داشته است، از روزی که حضرت سید الشهداء متولد شد تا روز استشهادش تا به امروز ادامه دارد و این سنتی بوده حتی از قبل از ولادت حضرت سید الشهداء وجود داشته «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»

اختلاف در بین امت به خاطر قتل امام حسین علیه السلام است

حافظ خوارزمی در کتاب مقتل جلد ۱ صفحه ۱۵۸ و ۱۵۹ باسنادش از حافظ بیهقی و او از حافظ حاکم صاحب کتاب «المستدرک الصحيح و او با اسنادی می نویسد:

«روزی حسین بن علی علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد و حضرت امام حسین را به آغوش گرفت و شروع به گریه کرد در همین اثناء جبرائیل با فوجی از ملائکه نازل شد در حالی که گریان از مصیبت حسین علیه السلام بود و بالهایش گسترده بود،

پس تربیتی از تربت سید الشهداء که با مشک آغشته شده بود به حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله داد و گفت: این تربت فرزندت حسین پسر فاطمه علیها السلام است. که وی را در زمین کربلا می‌کشند.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله گفت: ای حبیبم جبرائیل آیا امت من که میوه دل من و فاطمه را می‌کشند به سعادت می‌رسند؟ جبرائیل علیه السلام پاسخ داد: نه، بلکه خدا با اختلاف بین قلوب و زبان‌شان تا آخر دنیا آن‌ها را تنبیه خواهد کرد.

این حدیث در کتاب الفصول المهمه ابن الصباغ ص ۱۵۴ / الصواعق صفحه ۱۱۵ الخصائص اکبری جلد ۲ صفحه ۱۲۵ / و کنز العمال جلد ۶ ص ۲۲۳ نیز آمده است.

حافظ بزرگ ابوالقاسم الطیرانی در کتاب «المعجم» می‌نویسد: که برای ما روایت کرده علی بن سعید رازی و او از اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره مروزی و ایشان از علی بن حسین بن واقد و او از ابوغالب و او از پیشوایش نقل می‌کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به همسرانش فرمودند: نگذارین این طفل یعنی حسین علیه السلام گریه کند.

روزی از روزها که روزی بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزد ام السلمه بودند، جبرئیل امین علیه السلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شد، پس پیامبر امر فرمود: که کسی وارد حجره نشود. در همین هنگام حضرت حسین علیه السلام. که طفلی کوچک بود. آمد و خواست وارد اتاق شود ولیکن من ممانعت کردم، حسین علیه السلام شروع به گریه و زاری کرد، من هم او را رها کردم و او وارد اتاق شد پس جبرئیل امین علیه السلام به نبی اکرم صلی الله علیه و آله گفت، امتت این فرزندت را به شهادت می‌رساند، حضرت فرمود: آنها این را می‌کشند؟ در حالی که به رسالت من شهادت می‌دهند؟ جبرئیل گفت: بلی تربت امام را به پیامبر داد و گفت این تربت فلان جاست، پس پیامبر خارج شد در حالی که به شدت حسین را در آغوش گرفته بود و خیلی مکدر و اندوهگین بود، من خیال کردم که از ورود حسین علیه السلام، به اتاق ناراحت شدند گفتم: یا رسول الله می‌خواستم نگذارم به اتاق بیاید ولی شما امر فرموده بودید که نگذارم او گریه کند بدین سبب رهایش کردم.

پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خانه خارج شد و میان اصحابشان رفتند در حالی که عمر و ابوبکر هم حضور داشتند پس پیامبر گفت: این فرزندم حسین علیه السلام را امت من خواهند گشت، ابوبکر و عمر پرسیدند: فرزندت را می‌کشند در حالی که به رسالت تو اقرار دارند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آری، پس گفت این هم تربت شریفش می‌باشد و تربت را به آن‌ها نشان داد.

حافظ الهیثمی در کتاب «المجمع» جلد ۹ ص ۱۸۹، از قول طبرانی می نویسد: این روایت از سوی طبرانی و رجالی موثق نقل شد هر چند عده کمی ضعیف هستند و همچنین در حدیثی ابونصر ابن رضوان و ابو غالب احمد بن الحسن و ابو محمد عبدالله بن محمد و آن ها از ابو محمد الحسن بن علی او از ابوبکر بن مالک و او از ابراهیم بن عبدالله و او از حجاج و او از حماد و او از ابان او از شهر بن حوشب و او از ام سلمه علیها السلام نقل می کند که:

روزی جبرئیل علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و حسین علیه السلام پیش من بود، پس حسین علیه السلام گریه کرد و به نزد رسول خدا رفت، جبرئیل علیه السلام گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله آیا دوستش داری؟ رسول خدا فرمودند: بلی، جبرئیل گفت: که امتت وی را خواهند کشت، آیا دوست داری که خاکی که در آن به شهادت می رسد ببینی؟ پس آن سرزمین را به رسول خدا نشان داد و گفت اسم این سرزمین کربلاست.

برپایی مجلس عزاداری دیگر در منزل ام سلمه با نوای دلنشین جبرائیل امین علیه السلام

حافظ کبیر ابوالقاسم الطبرانی در «المعجم الکبیر» در ضمن ترجمه الحسین السبط علیه السلام آورده که: روایت کرد بر ما عبدالله بن احمد بن حنبل و او از عیاد بن زیاد الاسدی و او از عمرو بن ثابت و او از الاعمش و او از ابی وایل شقیق بن سلمه و او از ام سلمه علیها السلام روایت می کند که:

امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در منزل ما پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله مشغول بازی بودند که ناگهان جبرائیل علیه السلام نازل شد، و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله بعد از تو این فرزندت را به شهادت می رسانند و دست روی حسین علیه السلام گذاشت.

پس حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله شروع به گریه کرد و حسین علیه السلام را به سینه چسباند پس به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت این تربت پیش شما به ودیعت باشد، حضرت، تربت را بویید و گفت بوی کرب و بلا می دهد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله این تربت را به ام سلمه داد و گفت: ای ام سلمه این تربت را نگه دار وقتی که دیدی رنگ آن به رنگ خون درآمد بدان که فرزندم حسین علیه السلام به شهادت رسیده است. پس ام سلمه آن را در شیشه ای قرار داد و هر روزه بدان نگاه می کرد و می گفت روزی که این دگرگون شود روز بزرگی است.

حافظ ابوالقاسم ابن عساکر دمشقی در «تاریخ شام» می گوید که ابو علی العداد

و غیره می‌گویند از قول ابوبکر بن ربذه و او از سلیمان ابن احمد یعنی الحافظ طبرانی و او از عبدالله بن احمد بن حنبل و او با استادش همین روایت را نقل می‌کند با این تفاوت که به جای عبارت اشاره رسول خدا به بوی کرب و بلا، مکان حادثه را می‌گوید که کرب و بلا می‌باشد.

و همچنین حافظ الکنجی در «الکفایه» صفحه ۲۷۹ از قول حافظ یوسف بن خلیل بن عبدالله دمشقی از حلب و او از ابو عبدالله محمد بن ابی زید الکرانی و او از فاطمه بنت عبدالله بن احمد الجوزدانیه و او از ابوبکر محمد بن عبدالله بن زیده و او از حافظ ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی و او از عبدالله بن احمد بن حنبل با اسنادی و با لفظ و شکل ابن عساکر همین حدیث را نقل می‌کنند. اثاثیه و بارهایتان را زمین بگذارید، اینجا آرامگاه قوم است و محل ریختن خونهایشان در مقتل خوارزمی در صفحه ۱۷۰ می‌نویسد: وقتی که جبرائیل علیه السلام تربتی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله داد و گفت: این تربت محل ریخته خون یکی از فرزندان است و اسمی از آن فرزند نبرد پس رسول خدا صلی الله علیه و آله آن تربت را استشمام کرد و گفت: این خاک بوی پسر حسین را می‌دهد و گریه کرد و جبرئیل گفت: درست گفتم.

حدیث در منابع زیر آمده است:

تاریخ البخاری، جلد ۲، قسمت ۲، صفحه ۳۸، الجرح و التعديل جلد ۲ قسمت ۱ صفحه ۱۴۹ و صفحه ۱۳۷

تاریخ بغداد جلد ۹ صفحه ۱۳۳، ۲۶۸، ۲۷۱ و ۳۷۵، المنتظم: جلد ۹ صفحه ۲۲۸، ذیل طبقات الحنابله لابی الفرج دمشقی جلد ۲ صفحه ۲۴۴، ۲۴۵، تذکره الحفاظ للذهبی جلد ۴ صفحه ۱۹۵، دول الاسلام له، جلد ۲ صفحه ۳۵

النجوم الزاهره: جلد ۵ صفحه ۴، جلد ۶ صفحه ۱۸۰، جلد ۷ صفحه ۲۲، مرآة الجنان: جلد ۳ صفحه ۲۱۱ و ۲۳۲

تهذیب التهذیب جلد ۴ صفحه ۳۶۱، جلد ۴ صفحه ۴۷، ۶۹، ۳۳۲، جلد ۵ صفحه ۲۴۳، اعلام النساء جلد ۳، صفحه ۱۱۶۶

تکمله ابن الصابونی «التعلیق» صفحه ۱۰۹

حافظ جمال الدین الزرنندی در کتاب «نظم الدرر» صفحه ۲۱۵ در حدیثی از هلال بن خیاب که ساکن مدائن بوده و در سال ۱۴۴ هجری وفات می‌کند و امام حنابه احمد، او را توثیق کرده و همچنین ابن معین، یعقوب بن سفیان و یحیی

القطان نیزوی را توثیق می‌کنند روایت می‌کند که از حسن بن محمد بن حنفیه و او از ام سلمه علیها السلام ام المؤمنین روایت می‌کند که:

روزی جبرئیل امین علیه السلام نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود پس حسن و حسین علیهما السلام آمدند و بر دوش پیامبر سوار شدند، حضرت به مادرشان فرمود، لطفا این‌ها را مشغول کن تا من از کارم فارغ شوم، دوباره آن‌ها را بیاور، جبرئیل گفت گمان می‌کنم ای محمد که آن‌ها را دوست داری؟ حضرت فرمود: چرا دوست نداشته باشم که آن‌ها ریحانه‌های دنیای من هستند، جبرئیل علیه السلام گفت بدان که این فرزندت را امتت خواهند کشت و با بالش به حسین زد و با بال دیگرش تربتی را نشان رسول خدا داد و گفت روی این خاک فرزندش به شهادت خواهد رسید، پیامبر فرمود: اسم این تربت چیست؟ جبرئیل گفت: کربلا

هلال بن خباب می‌گوید: وقتی که امام حسین علیه السلام در سرزمینی که در آن به شهادت رسید، وارد شد، گفت: اسم این منطقه چیست؟ گفتند: سرزمین کربلا
گفت صدق رسول الله صلی الله علیه و آله ارض کرب و بلا پس به اصحابش گفت اثاثیه و بارهایتان را زمین بگذارید اینجا آرامگاه قوم و محل ریختن خون آن‌هاست.

برگزاری مجلس عزاداری دیگری در خانه ام سلمه به نوای ملک باران

امام احمد در مسندش جلد ۳ صفحه ۲۴۲ می‌نویسد: روایت می‌کند مؤمل از عمارة بن زادن و ایشان از ثابت بن انس بن مالک روایت می‌کند که پروردگار به ملک باران اذن داد که خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله برسد، پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله به ام سلمه فرمودند: که کسی به داخل حجره نشود، پس در همین اثنا، حسین علیه السلام وارد شد و به نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله رفت و بر پشت و گردن حضرت بالا رفت، ملک به حضرت فرمودند: آیا دوستش داری؟ فرمود: بله، ولی امت تو او را خواهند کشت، پس نشانه‌ای از مکانی که در آن به شهادت می‌رسد به تو نشان خواهم داد و با دستش اشاره کرد و مقداری خاک سرخ را آورد، ام سلمه آن خاک را در گوشه چادرش ریخت، به نظرم آن خاک، همان خاک کربلا بوده باشد.

و همچنین در المسند جلد ۳ صفحه ۲۶۵ از عبدالصمد بن حسان از عماره با استادش نقل کرده و حافظ ابو علی در مسندش می‌نویسد که: روایت کرده شبیان از عماره بن زادن یا اسنادی که:

روزی خدای عز و جل به ملک مطراذن داد که به نزد رسول اکرم برسد پس، آن روز مصادف با روزی بود که حضرت نزد ام سلمه تشریف داشتند حضرت به ام سلمه فرمودند: مادامی که ملک اینجاست اجازه نده کسی وارد شود، پس ام سلمه می‌گوید: در این اثنا ناگهان حسین درب زد و به خانه آمد و به رسول خدا وارد شد، ملک به حضرت فرمود دوستش داری؟ حضرت فرمودند: بلی، ملک گفت: اما امت شما او را به شهادت خواهند رسانید، من نشانه‌ای از محل شهادت ایشان به شما نشان بدهیم؟ حضرت فرمودند: بله، پس مشتی از خاکی که در آن شهادت صورت می‌گیرد را آورد که رنگی به رنگ سرخ داشت، پس ام سلمه آن را در گوشه چادرش ریخت، به نظر آن خاک، همان خاک کربلا بوده باشد.

و حافظ ابو نعیم در کتاب الدلائل جلد ۳ صفحه ۲۵۲ از محمد بن حسین بن کوثر از بشر بن موسی او از عبدالصمد بن حسان و او از عماره با استادش روایت می‌کند که سلیمان به احمد می‌گوید: رسول خدا آن خاک را استشمام کرد و گفت این بوی کرب و بلا می‌دهد، پس ملک گفت: بله، او در سرزمین کربلا شهید خواهد شد.

اسناد احمد و ابویعلی و ابی نعیم همه صحیح‌السند و ثقه می‌باشند که از آن جمله:

۱. موکل بن اسماعیل العدوی ابو عبدالرحمن البصری نزیل به مکه مکرمه و متوفی سال ۲۰۵ هجری و از رجال صحه صحاح بوده و ابن معین و الدارقطنی و ابن سعد و ابن راهویه وی را تصدیق نموده‌اند.

۲. عماره بن زادن الصیدلانی ابو سلمه البصری از رجالی است که ابی داوود و الترمذی و ابن ماجه و بخاری از او نقل حدیث می‌کنند و امام احمد، یعقوب بن سفیان و المجلی او را تصدیق می‌نمایند.

۳. ثابت بن اسلم البنانی ابو محمد البصری از رجال صحاح سته و توثیق شد توسط جمعی از علماء می‌باشد.

۴. عبدالصمد بن حسان، که صالح الحدیث و ثقه می‌باشد و البخاری در التاریخ و ابن ابی حاتم در الجرح و التعدیل جلد ۳ صفحه ۵۱ و ابن حیان از وی نقل حدیث کرده و از ثقات است.

۵. شیبان بن فروخ ابن ابی شیبه ابو محمد الابلی متوفی ۲۳۵ هجری بوده و از جمله رجالی است که مسلم، ابی داوود و النسائی از او نقل حدیث کرده و احمد

بن حنبل و مسلمه وی را توثیق می‌کنند او از جمله رجال حدیث، احمد و ابی یعلی و ابی نعیم بوده است.

حافظ الطبرانی در جزء اول از کتاب «المعجم الکبیر» در قسمت «الحسین سبط علیه السلام» می‌نویسد: روایت می‌کند بشر بن موسی از عبدالصمد بن حسان مروزی و روایت می‌کند محمد بن عبدالله الحضرمی و محمد بن محمد التمار البصری و عبدان بن احمد که گفتند: روایت می‌کند شیبان به فروخ با اسنادی که:

ملک مطر به اذن خدای سبحان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد پس پیامبر به ام سلمه فرمودند مادامی که ملک اینجاست کسی را اجازه ورود نده در این اثنا حسین به علی علیه السلام وارد شد و به نزد پیامبر رفت و بر پشت پیامبر سوار شد، ملک رو کرد به رسول خدا و فرمود: دوستش داری حضرت فرمود: بلی، ملک گفت: ولی امت تو او را خواهند کشت، می‌خواهی نشانی از تربتش برایت بیاورم، پس مشتی از خاک تربتش را که به رنگ سرخ رنگ بود آورد پس ام سلمه آن را گرفت و در گوشه لباسش پیچید، به نظرم آن خاک، همان خاک کربلا بوده باشد.

این حدیث نیز از جمله اسناد صحیح است که نقل از مشایخ ثقه‌ای می‌باشد که اعم هستند از:

۱. بشر بن موسی بن صالح الاسدی للبعثادی متوفی ۲۸۸ هجری که مرد ثقه و امین و عاقلی بوده است، و همه وی را تصدیق کرده‌اند.

۲. محمد بن عبدالله الحضرمی اب جعفر الکوفی که به مطین بوده است که در سال ۲۹۷ وفات کرده و مردی ثقه بوده است.

۳. محمد بن محمد ابو جعفر التمار البصری متوفی ۲۸۹ هجری که ابن حیان وی را ثقه نامیده است.

۴. ابو محمد عبدان بن احمد بن موسی الجوالثمی متوفی ۳۰۶ هجری، که امام حافظ که مردی ثقه است قریب به هزار حدیث از او حفظ کرده است:

۵. حافظ بیهقی در کتاب «الدلائل النبوه» در باب اخبار رسول الله صلی الله علیه و آله می‌نویسد: روایت می‌کند علی بن احمد بن عبدان از احمد بن عبدالصفار و او از بشر بن موسی، و او از عبدالصمد بن حسان با اسنادی که:

«ملک مطر اذن گرفت که نزد رسول خدا بیاید، رسول خدا صلی الله علیه و آله به ام سلمه فرمودند: کسی را به داخل راه نده در این اثناء حسین علیه السلام وارد شد و نزد رسول

خدا رفت و بر پشت رسول خدا نشست، ملک گفت: آیا دوستش داری، نبی اکرم صلی الله علیه و آله گفت: بلی، ملک گفت ولیکن امت تو او را خواهند کشت می خواهی از محل شهادتش نشانه ای برایت بیاورم پس با دستش اشاره ای کرد و مقداری خاک قرمز رنگ در دستش بود که ام سلمه آن خاک را در گوشه لباسش پیچید، به نظرم آن خاک، همان خاک کربلا بوده باشد.

و همچنین نقل می کنند چنین حدیثی را شیبان بن فروخ از عماره بن ازدان.

فقیه بن المغازلی الواسطی در «المناقب» از محمد بن محمد بن سلیمان الباغندی او از شیبان بن فروخ و ابا استادی از ابی یعلی همان حدیث فوق را با همان لفظ نقل می کند و حافظ محب الطبری در ذخائر العقبی ص ۲۴۶، ۱۴۷ از البغوی در معجمش و ابی حاتم در صحیحہ اش و احمد هم در مسندش چنین نقلی را دارند.

ابن عساکر در تاریخ دمشق جلد ۴ صفحه ۳۲۵ عبارت: رسول خدا به استقبالش می رود و به آغوش می کشدش و همچنین، پیامبر به ام سلمه گفت: «این خاک ودیعه ای نزد تو باشد چون دیدی به خون تبدیل شد بدان که پسرم را کشتند پس ام سلمه آن را در شیشه ای ریخت و هر روز به آن نگاه می کرد، و می گفت روزی که به خون تبدیل شود روز بزرگی است». بدان اضافه شده است.

حافظ الوافی در کتاب «طرح التتیب» جلد ۱ صفحه ۴۱ از احمد و حافظ الهیثمی در «الجمع» جلد ۹ صفحه ۱۸۷ و ۱۹۰ از احمد و ابی یعلی و الرزاز و الطبرانی نقل شده و می گوید رجال الستاد ابی یعلی صحیح و ثقہ هستند.

حافظ ابن حجر در کتاب «الصواعق» صفحه ۱۱۵ از البغوی در معجمش نقل می کند که ابو حاتم در صحیحش می نویسد که احمد به همین طریق روایت می کند که از عبد بن حمید بن احمد همچنین که وارد شده که آن ملک جبرئیل امین بوده و همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله این خاک را می بوید و می گوید: بوی کرب و بلا می دهد و در روایت الملا و ابن احمد آمده که: سپس پیامبر یک کف دست از خاک سرخی را به من می دهد و می گوید این خاکی است که در روی آن حسین کشته می شود، وقتی که آن به خون تبدیل شد بدان که امام حسین کشته شده است ام سلمه می گوید و من آن خاک را در شیشه ای قرار دادم و می گفتم آن روز که این خاک دگرگون به خون شود روز بزرگی است و در روایت دیگری آمده که این خاک در روز قتل حسین به شکل خون در می آید و در روایت دیگری هست که جبرئیل گفت: پس نگاه کن به خاک مقتلش که دگرگون می شود پس ام سلمه

گفت که آن خاک را در شیشه قرار دادم و آن شبی که امام حسین علیه السلام را به قتل رساندم می شنیدم که سروشی می گفت:

ایها القاتلون جهلا حسینا ابشروا بالعذاب و التذلیل
قد لعنتم علی لسان ابن داوود و موسی و حامل الانجیل
ای کسانی که از روی جهل حسین را کشتید، بشارت خواری و عذاب بر شما باد
که لعنت شدید از زبان پسر داوود و موسی و حامل انجیل بر شما باد

بکشتند حسین را قومی بجهل به دوزخ فتادند آنکه زعدل
لعین ملائک، لعین رسل لعین همه عالم و جزء وکل

ام سلمه می گوید گریه کردم و درب بطری شیشه‌ای را باز کردم و دیدم که خون در آن جاری شده است.

و همچنین این حدیث در کتاب «اشرف الوسائل الی فهم الشمائل» که در شرح کتاب حافظ الترمذی صاحب صحیح ترمذی از البغوی آمده است و آن چنین است: از انس شنیدم که می گفت:

ملکی از ملائکه از خدای سبحان اذن گرفت که نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیاید پس آن روزی بود که ایشان در خانه ام سلمه بود بر پیامبر وارد شد، پیامبر امر فرمود: که احدی را تا وقتی که ملک در خانه است راه مده، در این اثنا حسین علیه السلام آمد پس داخل شد، حضرت رسول به استقبالش آمد و به آغوشش کشید و ملک از رسول خدا پرسید؟ دوستش داری؟ گفت بله، گفت: امت او را خواهند کشت می خواهی نشانی از خاکی که در آن به شهادت می رسد به تو بدهم؟ پس مقداری خاک سرخ را حاضر کرد، ام سلمه آن خاک را در گوشه‌ای از لباسش قرار داد، و ثابت بن اسلم البنانی راوی حدیث می گوید: به نظرم آن خاک، همان خاک کربلا بود.

ابو حاتم در صحیحش روایتی را به دین نحو نقل می کند و می نویسد: سپس به اندازه کف دست از خاک سرخ فامی برای من آورد، این خاک زمینی است که حسین در آن به شهادت می رسد چون این خاک به خون مبدل شد پس بدان که حسین علیه السلام کشته شده است، ام سلمه گفت: من این خاک را در محفظه‌ای پیش خودم نگه داشتم و می گفتم روزی که این خاک به خون تبدیل شود روز بزرگی خواهد بود.

حسین علیه السلام در سرزمین کربلا در منطقه فرات از ناحیه کوفه شهید شد و او را

سنان بن انس النخعی به شهادت رسانید، و چون برای اولین بار سر مقدسش را به نزد یزید آوردند در مرحله اول وقتی برای دیدن سروارد حیاط شد کتیبه‌ای از خون را مشاهده کرد که نوشته:

اترجوا امه قتلت حسینا شفاعة جده يوم الحساب؟

کسی را که کشت است ابن بتول چگونه شفاعت کنندش به عقبی رسول

پس ترسید و سر را گذاشت و رفت.

این را منصور بن عمار می‌نویسد و همچنین ابوالهدی در کتاب منوء الشمس ج اول، صفحه ۹۷ و ۹۸.

و حافظ قسطلانی در کتاب «المواهب» جلد ۲ صفحه ۱۹۵ از البغوی و ابی حاتم و احمد نقل می‌کند.

و حافظ سیوطی در کتاب «الخصایص الکبری» جلد ۲ صفحه ۱۲۵ از بیهقی و ابی نعیم و کنز العمال جلد ۶ صفحه ۲۲۳ و سید محمد الشیخانی در «الصراف السوی» از احمد و القره غولی در «جوهر الکلام» ص ۱۱۷ و وسطا از کلمة بن حجر ذکر شده‌اند. قول ثابت و ابی حاتم ایه در صحیحش و عماد الدین العامری در شرح بهجة المحافل جلد ۲ صفحه ۲۳۶ و همچنین خطیب حافظ الخوارزمی در «مقتل الحسین» جلد یک صفحه ۱۶۲ می‌نویسد که شرحبیل بن ابی عون روایت می‌کند:

«یکی از ملائکه آسمان نزد نبی اکرم ﷺ آمد و آن ملک، ملکی از ملائکه بهشت بود که به ملک دریاها موسوم است او ابتدا به دریاها نازل شد و بالهایش را بر فراز آن‌ها گسترد و ندا سر داد که ای ساکنان دریاها! لباس‌های حزن را به تن کنید که عزیز محمد کشته و مذبح خواهد شد، پس به نزد پیامبر آمد و به پیامبر گفت که ای نبی خدا در این زمین دو گروه از امت در مقابل هم صف آرایی خواهند نمود که یکی از آن گروه‌ها ظالم و متعدی و فاسق است که عزیز تو را در سرزمین کرب و بلاء به خاک و خون می‌کشند پس مشتکی از خاک کربلا را به او داد و گفت: این خاک پیش تو باشد تا علامتی در آن ظاهر شود، پس با بالهایش آن خاک را مس کرد بطوری که هیچ ملکی نبود در آسمان دنیا مگر آنکه بوی آن را استشمام کرد و خبرش به او رسید، پس رسول اکرم آن تربت را گرفت و بویید و می‌گریست و

می فرمود: «اللهم لا تبارک فی قاتل ولدی واصله نار جهنم»

پس آن خاک را به ام سلمه داد و خبر از کشته شدن حسین در نزدیکی رود فرات را داد، و گفت: ای ام سلمه این تربت را بگیر و در روزی که دیدی در آن دگرگونی حاصل شد و به خون تبدیل شد بدان که در آن روز حسین به شهادت رسیده است.

مجلس عزاداری در خانه عایشه ام المؤمنین به نوای گرم جبرئیل امین:

حافظ ابن برقی المصری متوفی ۲۴۹ هجری که از رجال ابی داود و النسائی می باشد و ابن یونس او را توثیق کرده نقل می کند که روایت شده از سعید بن ابی مریم و او از یحیی بن ابویوب و او از ابن غزیه و او از محمد بن ابراهیم از ابی سلمه ابن عبدالرحمان که گفت:

عایشه همسر پیامبر مشربه ای . باغی . داشت که گاهی اوقات وقتی حضرت رسول ﷺ می خواست با جبرئیل دیداری داشته باشد بدان مشربه وارد می شد و چندین بار چنین اتفاقی افتاده بود، زمانی رسول خدا وارد مشربه شد و به عایشه گفت: مواظب باش که کسی وارد نشود، در این حین ناگاه حسین ﷺ وارد مشربه شد و عایشه متوجه این قضیه نشد، و حسین ﷺ نزد رسول خدا رفت ، جبرئیل می پرسد: این کیست؟ حضرت می فرماید: فرزند من است پس حضرت امام حسین را به آغوش می گیرد، جبرئیل می گوید: امت تو او را خواهند کشت، حضرت می فرماید: امت من، گفت: آری، می خواهی بدانی درباره زمین که در آن به شهادت می رسد؟ پس جبرئیل با دستش به سوی سرزمین طف در عراق اشاره می کند و از آنجا خاک سرخ فامی را بر می دارد و نشان رسول خدا می دهد.

سید محمود مدنی در کتاب «صراط السوی» می نویسد که سعد در اینجا مقداری به حدیث اضافه می کند و می نویسد: هذه من تربة مصرعه، این از تربت آن کشته شده است.

تمام این اسناد صحیح و کل رجالشان از موثق هستند که به جاست در قسمت های بعدی درباره بعضی از رجال حدیث توضیحی بدهم . حافظ ابوالقاسم طبرانی در «المجمع الکبیر» در قسمت «حسین ﷺ» می نویسد که احمد بن رشید بن المصری از عمرو بن خالد الحرنانی و او از ابن لهیعه او از ابی الاسود از عروة بن الزبیر از عایشه رضی الله عنهما نقل می کند که:

روزی حسین بن علی علیه السلام در حالی که بر پیامبر وحی نازل می شد وارد شد و بر شانه های پیامبر نشست جبرئیل گفت: آیا دوستش داری؟ فرمود: چرا که نه، او پسر من است او را دوست نداشته باشم؟ گفت اما امت بعد از تو او را خواهند کشت پس جبرئیل دستش را دراز کرد و خاک سفیدی را آورد و گفت در این زمین که به او طف می گویند او را خواهند کشت.

وقتی که جبرئیل از نزد پیامبر رفت، آن خاک در دست پیامبر بود و گریه می کرد: و گفت:

ای عایشه، جبرئیل به من خبر داد که فرزندم حسین در زمین کربلا کشته خواهد شد بعد از من امتم گمراه خواهند شد، سپس به سوی اصحابش که علی و ابوبکر و عمرو حدیفه و عمار و ابوذر بودند رضی الله عنهم رفت در حالی که گریه می کردند: اصحاب پرسیدند: چه شده یا رسول الله، فرمود: جبرئیل به من خبر شهادت حسین بعد از من در سرزمین طف را داد و این تربت را به من دادو گفت: این همان خاکی است که وی در آن دفن خواهد شد.

و همچنین این حدیث را امام ابوالحسن الماوردی در کتاب «اعلام النبوه» ص ۸۳ در باب دوازدهم با اسنادی ذکر می کند.

سندی دیگر:

ابن سعد صاحب کتاب «الطبقات الکبری» می نویسد که: روایت می کند محمد بن عمر از موسی بن محمد بن ابراهیم و او از پدرش و او از ابی سلمه و او از عائشه که گفت:

روزی حضرت رسول در باغ مشربه تشریف داشتند، پیامبر بعضی اوقات چون می خواستند با جبرئیل امین ملاقات کنند به این مشربه می آمدند و چندین نوبت این اتفاق افتاده بود، و به من سپردند که در این مدت کسی مزاحم ایشان نشود در این اثناء من سرم به کاری گرم شد و حسین علیه السلام وارد مشربه شد و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت پس جبرئیل امین از پیامبر پرسید: این کیست؟ پیامبر فرمود این فرزند من است پس وی را در آغوش گرفت، جبرئیل گفت: اما او کشته خواهد شد پیامبر پرسید چه کسی او را خواهد کشت؟ جبرئیل گفت: امت تو، پیامبر فرمودند: امت من او را می کشند؟ گفت: بله، آیا به تو نشان دهم سرزمینی که در آن به شهادت می رسد پس جبرئیل به سوی طف در عراق اشاره کرد و تربت سرخ فامی از آن برگرفت و نشانش داد و گفت این خاکی است که در آن کشته خواهد شد.

حافظ ابن عساکر در تاریخ شام همین حدیث را از ابوبکر محمد بن عبدالباقی از حسن بن علی و او از محمد بن العباس و او از احمد بن معروف و او از حسین بن الفهم و او از محمد بن سعد و او از محمد بن عمر نقل می‌کند.

اسناد دیگر:

حافظ الدارقطنی در جزء پنجم از کتاب «علل الحدیث» می‌نویسد که روایت می‌کند جعفر بن محمد بن احمد الواسطی و از ابراهیم بن احمد بن عمر الوکیعی و او از ابوالحسین العکلی و او از شعبه بن عماره بن غزیه الانصاری و از پدرش محمد بن ابراهیم بن حارث التیمی و از عائشه که گفت: روزی جبرئیل با رسول خدا در خانه بود و رسول خدا به من سپرده بود که کسی داخل نشود پس حسین علیه السلام وارد و من متوجه نشدم و رفت در آغوش رسول خدا، جبرئیل از رسول خدا پرسید: پسر شماست؟ فرمود: بلی، جبرئیل گفت: ولی امتت او را خواهند کشت پس حضرت به گریه افتاد، جبرئیل گفت: دوست داری که تربت او را که در آن کشته می‌شود ببینی؟ پس تربت سرخ فام طف را نشان داد.

همچنین حسین بن اسماعیل روایت می‌کند از احمد بن یحیی بن سعید و او روایت می‌کند از زید بن الحباب ابو حسین و او روایت می‌کند از سفیان بن عماره انصاری و او از محمد بن ابراهیم بن حارث و او از عایشه همین حدیث را به همین نحو فقط در رجال ذکری از پدر سعید بن عماره انصاری نمی‌برد و همین درست‌تر است اسناد الدارقطنی در حدیث اولی همه رجالش موثق و ثقة می‌باشند.

مختصری در باره رجال احادیث ذکر شده:

۱. جعفر بن محمد بن احمد الواسطی، ابو محمد المؤدب البغدادی متوفی سال ۳۵۳ هجری از او خطیب در کتاب تاریخش نام می‌برد و می‌گوید: او ثقة است و محمد بن ابی الفوارس درباره او می‌گوید: او شیخ ثقة‌ای است که احادیث فراوانی از او نقل شده است و همچنین ابن الجوزی ثقة بودن وی را تأیید می‌کند و ابن عماد: درباره او می‌گوید که او از اهل زهد و ورع و عرفان بوده است.

۲. ابراهیم بن احمد بن عمر، ابو اسحاق الوکیعی متوفی سال ۲۸۹ هجری، حافظ خطیب در کتاب تاریخش در جلد ۶ صفحه ۵ و ۶ از او یاد می‌کند و از عبدالله بن احمد حکایت می‌کند که او دارای حسن گفتار بوده است و از قول حافظ الدارقطنی می‌گوید که او ثقة است.

۳. احمد بن عمر بن حفص الکندی الوکیعی الجلاب متوفی سال ۲۳۵ هجری

وی از رجال مسلم است و مسلم می‌گوید: عبدالله بن احمد و محمد بن عبدوس ثقه می‌باشند.

و ابن قانع عبدی صالح و ثقه می‌باشد و موسی بن هارون درباره‌اش می‌گوید: او مردی صالح است و ابن حیان او را از ثقات می‌داند و یحیی بن معین نیز می‌گوید: او ثقه است.

۴. زید بن الحباب ابوالحسین العکلی الکوفی متوفی ۲۰۳ هجری او از رجال صحاح غیر از صحیح بخاری است و ثقه است و کسانی چون ابن المدینی، العجلیف ابوجعفر السبئی و احمد بن صالح او را معروف به گفتن حدیث صحیح می‌دانند و ثقه، و الدارقطنی، و ابن ماکولا، و عثمان بن ابی شیبہ می‌گویند که او از مشایخ کوفه است و شکی در صدقش نیست.

۵. سعید بن عماره چنانچه دیده شد در کتاب العلل به ثقه بودن وی اشاره شده است چنانچه دیده شد شعبه بن عماره، و سفیان ابن عماره و سعید بن عماره در سند اول آمدند که صحیح بود، و در سند دومی سفیان از عماره و سعید تصحیف شعبه و الدارقطنی می‌گوید که در سند دومی:

نمی‌گوییم که او از پدرش نقل می‌کند و این (عن ابیه) زائد است. و شعبه او ابن الحجاج بن الورود العتکی، ابو بسطام الواسطی، و سپس مصری متوفی سال ۱۶۰ هجری بوده و از رجال حدیثی صحاح سته می‌باشد.

و او را ثقه دانسته و در این متن یک امت می‌دانند به طوری که الثوری در باره او می‌گوید: شیعه امیر المؤمنین در علم حدیث است و الحاکم می‌گوید او امام الاثمه در فن حدیث در بصره است و از این گونه تمجیدها در قول قدما و حاضرین وجود دارد.

۶. عمارة بن غزیه الانصاری المازنی المدینی متوفی ۱۴۰ هجری از رجال صحاح سته غیر از صحیح بخاری بوده است و حافظ ابن ابی حاتم در کتاب تاریخ از او با عنوان ثقه نام می‌برد و یحیی بن معین در باره او می‌گوید: که او مردی صالح است، و همچنین ابو زرعه و ابو حاتم او را تصدیق می‌کنند، و همچنین، ابن سعد و الدارقطنی و العجلی

۷. محمد بن ابراهیم بن الحارث القریشی التیمی، ابو عبدالله المدنی متوفی سال ۱۲۰ هجری از رجال صحاح سته بوده و ابن معین، ابو حاتم، و النسائی، ابن فراش ابن سعد و یعقوب بن شیبہ او را ثقه می‌دانند.

برگزاری مجلس عزاداری حضرت سید الشهداء در خانه ام المؤمنین سیده ام سلمه

حافظ عبد بن حمید در مسندش از عبدالرزاق الصنعانی روایت می‌کند که می‌گوید: عبدالله بن سعید بن ابی هند از پدرش روایت می‌کند که ام‌السلمه علیها السلام می‌گوید: روزی پیامبر در منزل من خواب بودند در این حال حسین علیه السلام آمدند و کنار در نشستند و من مواظب بودم که مزاحم رسول خدا نشده و از خواب بلند نشود، من سرگرم کاری شدم و متوجه نشدم که حسین وارد اتاق شده و رفته روی سینه رسول خدا نشسته، من وارد اتاق شدم و خدمت حضرت عرض کردم، ببخشید، من متوجه آمدن حسین علیه السلام به اتاق نشدم، حضرت به من فرمود: وقتی که حسین روی سینه من نشسته بود جبرئیل به من نازل شد و گفت: دوستش داری؟ گفتم: بلی، گفت امت تو او را خواهند کشت دوست داری خاکی که بر آن کشته می‌شود ببینی؟ گفتم: بله پس با، بالش مقداری خاک را حاضر کرد که رنگی سرخ فام داشت، پیامبر می‌گریست و می‌گفت ای کاش می‌دانستم چه کسی بعد از من تو را خواهد کشت؟

برگزاری عزاداری سید الشهداء در خانه سیده زینب بنت جحش «ام المؤمنین»

حافظ ابویعلی الموصلی در مسندش می‌نویسد که: عبدالرحمان ابن صالح از عبدالرحیم بن سلیمان و او از لیث بن ابی سلیم و او از جریر بن الحسن العیسی و او از زینب یا از بعضی از بستگانش روایت می‌کند که:

روزی پیامبر خدا در منزل من خوابیده بود و حسین هم که تازه راه افتاده بود پیش ما بود، ناگاه از حسین غافل شدم. او نزد پیامبر خدا رفت و روی شکم او نشست و آنجا ادرار کرد، دویدم که او را بردارم، رسول خدا بیدار شد و اشاره فرمود: او را واگذار به حال خودش، گذاشتم تا کارش تمام شود، پیامبر خدا آب خواست و فرمودند برای تطهیر ادرار پسر بچه آب ریخته شود کافیت ولی برای تطهیر ادرار دختر بچه موضع نجس شده را باید بشویند. حضرت آب ریختند و تطهیر کردند و سپس وضو گرفت و به نماز ایستاد. چون قیام می‌فرمودند حسین را در آغوش می‌گرفتند و چون رکوع می‌کردند و یا می‌نشستند حسین را روی زمین می‌گذاشتند، سپس نشستند و گریستند، آن‌گاه دست به دعا برداشتند، پس از پایان نمازشان پرسیدم، یا رسول الله امروز از شما کاری را دیدم که پیش‌تر نمی‌کردید فرمود:

جبرئیل پیش من آمد و به من را خبر داد که امت من حسین را می‌کشند گفتم: خاک قتلگاهش را نشانم بده، خاکی سرخ فام نشانم داد.

حافظ ابن عساکر در کتاب «تاریخ شام» می‌نویسد که: این حدیث را به همین نحو، ام‌المجتبی‌ العلویه از علی ابی‌القاسم اسملی، و او از ابوبکر بن المقری و او از ابویعلی و او از عبدالرحمان بن صالح برای ما روایت کرده است.

باز هم روایتی دیگر از عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام در منزل ام‌المؤمنین سیده ام سلمه

حافظ ابوالقاسم الطبرانی در کتاب «المعجم الکبیر» در ذیل قسمت «الحسین علیه السلام» می‌نویسد: روایت کرده حسین بن اسحاق شوشتری از یحیی ابن عبدالحمید الغمانی و او از سلیمان بن بلال و او از کثیر بن زید و او از المطلب بن عبدالله و او از حنطب و از ام سلمه که گفت:

«روزی همسرم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در منزل من بود و به من فرمود: هیچ کس حق ورود به خانه را ندارد بیرون اتاق منتظرنشسته بودم تا اجازه ورود صادر شود، اما حسین علیه السلام بدون اینکه من متوجه شوم آمده بود و به محضر پیامبر اکرم رفته بود ناگهان صدای گریه از درون اتاق به گوشم رسید، حس کنجکاوی من را برآن داشت تا نگاهی به درون اتاق بیندازم، دیدم حسین بر زانوی رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته و پیامبر دست بر پیشانی‌اش می‌کشد و اشک می‌ریزد، عرضه داشتم یا رسول خدا! به خدا قسم نفهمیدم چه زمانی حسین وارد شد، حضرت فرمودند: جبرئیل علیه السلام هم به همراه ما درون خانه بود. او گفت: آیا حسین را دوست داری؟ گفتم: بلی جبرئیل گفت: این فرزندت را امت در سرزمینی به نام کربلا به شهادت می‌رسانند، پس جبرئیل مقداری از خاک آن سرزمین را بیرون آورد به پیامبر نشان داد

پس زمانی که حسین را محاصره کردند و قصد کشتن او را داشتند فرمود اسم این سرزمین چیست؟ گفتند: کربلا، حضرت فرمود: راست گفتند خداوند و رسولش «کرب و بلا»

کل رجال این حدیث ثقه هستند:

۱. حسین بن ابراهیم بن اسحاق شوشتری الدقیقی متوفی ۲۹۰ هجری از مشایخ حدیث بوده که ابن عساکر از او نام می‌برد.

۲. یحیی بن عبدالحمید الحمانی ابوزکریا الکوفی متوفی ۲۲۸ از رجال صحیح مسلم که ابن معین و ابن نمیر و البوشنجی او را ثقه می دانند و می گویند که او صادق است.

۳. سلیمان بن بلال التیمی القرشی، مولا ابو محمود المدنی متوفی سال ۱۷۷ هجری از رجال صحاح سته بوده و احمد و ابن سعد و الخلیلی و ابن عدی و دیگران وی را ثقه می دانند.

۴. کثیر بن زید الاسلمی، ابو محمد المدنی متوفی سال ۱۵۸ هجری از رجال صحاح می باشد و این عماد الموصلی و ابوزرعه او را ثقه و صادق می دانند.

۵. مطلب بن عبدالله بن حنطب المخزومی از رجال صحاح بوده و ابوزرعه و الدارقطنی و یعقوب بن سفیان او را ثقه می دانند.

و منابع دیگری که حدیث ذکر شده عبارتند از:

طبقات این سعد جلد ۵ صفحه ۳۱۱، تاریخ البخاری الکبیر جلد ۲ قسمت ۲ صفحه ۵، و جلد ۴ قسمت ۱، صفحه ۶۱۶، و جلد ۴ قسمت ۲ صفحه ۱۶۸ تا ۱۷۰ تاریخ بغداد جلد ۱۴ صفحه ۱۶۷ و ۱۷۷، تذکره الحافظ للذهبی جلد ۲ صفحه ۱۰

تهذیب التهذیب جلد ۴ ص ۱۷۵ و جلد ۸ صفحه ۴۱۳ و جلد ۱۰ صفحه ۱۷۸ و جلد ۱۱ صفحه ۲۴۳ تا ۲۴۹، شذرات الذهب جلد ۱ صفحه ۲۸۱ و جلد ۲ صفحه ۶۷ بقیه مصادر حدیث در کتاب نظم الدرر صفحه ۲۱۵ آمده است:

ام سلمه روایت می کند که روزی پیامبر اکرم به منزل من وارد شد و به من گفت مواظب باش کسی وارد منزل نشود، پس از مدتی صدای شیونی از درون اتاق شنیدم، وارد شدم دیدم که حسین علیه السلام روی زانوی رسول خدا نشسته گفتم ای رسول خدا، به خدا اصلاً متوجه نشدم که کی حسین آمد، پیامبر گفت که جبرئیل بر من وارد شد و به من گفت بعد از تو امتت او را به قتل خواهند رسانید، و همچنین گفتم می خواهی خاک قتلگاهش را به تو نشان دهم ای محمد صلی الله علیه و آله؟ پس جبرئیل خاک قتلگاهش را به من نشان داد و مقداری از آن را به من داد، پس ام سلمه گفت: آن خاک را گرفتم و در شیشه ای قرار دادم و آن خاک روز شهادت امام حسین به خون تبدیل شد.

این روایت بدین گونه در کتاب مجمع الزوائد جلد ۹ صفحه ۱۸۸ و ۱۸۹، کنز العمال جلد ۶ صفحه ۲۲۳، الصراط السوی از قول حافظ الزندی آمده با این

تفاوت که در آخر روایت هست: که راست گفت رسول خدا، این سرزمین کرب و بلاست»

باز هم روایتی دیگر در برگزاری مجلس عزای سید الشهداء در منزل ام المؤمنین سیده ام سلمه

حافظ ابوالقاسم الطبرانی در کتاب «مجمع الکبیر» می نویسد: روایت می کند بکر بن سهیل الدمیاطی از جعفر بن مسافر التنسی، و او از ابن ابی فدیك و او از موسی بن یعقوب الزمعی و او از هاشم بن هاشم بن عتبه بن ابی وقاص و او از عبدالله بن وهب بن زمعه و او از حضرت ام سلمه رضی الله عنها که گفت:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه من دراز کشیده و خوابیده بودند به ناگاه با حالت پریشانی از خواب بیدار شدند در حالی که در درون دستان مبارکشان خاک سرخ فامی بود، به ایشان عرض کردم این خاک ها چیست یا رسول الله؟ فرمودند: جبرائیل به من خبر داد که این حسین را در سرزمین عراق به شهادت می رسانند از جبرئیل خواستم قتلگاهش را به من نشان دهد و این خاک همان قتلگاه است.

حافظ حاکم ابو عبدالله النیسابوری در کتاب المستدرک جلد ۴ صفحه ۳۹۸ می نویسد که: روایت می کند ابوالحسین علی بن عبدالرحمن الشیبانی که در کوفه ساکن بود از احمد بن حازم الغفاری و او از خالد بن مخلد القطوانی و او روایت می کند از موسی بن یعقوب بن زمعه و او می گوید که ام سلمه رضی الله عنها به من گفت:

در شامگاهی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اتاقش دراز کشیده و خوابیده بود ناگهان از خواب با حالت پریشانی بلند شد، و دوباره دراز کشید و خوابید برای بار دوم مانند حالت اول از خواب بلند شد در حالی که در دستان مبارکش خاک سرخ فامی بود، بدو گفتم یا رسول الله این خاک چیست؟ گفت: جبرائیل به من خبر داد که این فرزندت حسین را در عراق به شهادت خواهند رساند به جبرئیل گفتم قتلگاهش را به من نشان بده و این خاک آن قتلگاه است.

این روایت را حافظ ابوبکر البیهقی در کتاب «دلائل النبوه» ذکر می کند و از ابو عبدالله الحافظ یعنی حاکم نیشابوری و ابوبکر احمد بن حسن القاضی و ابو محمد بن ابی حامد المقری نقل می کند که آن ها از ابوالعباس محمد بن یعقوب از هاشم بن هاشم بن شیبه بن ابی وقاص و او از عبدالله بن وهب بن زمعه روایت می کند.

و ابن عساکر در تاریخ الشام در قسمت الحسین السبط علیه السلام می‌گوید: این حدیث از ابویعقوب یوسف بن ایوب بن الحسین از اهالی مرو و او از محمد بن علی بن محمد بن المهتدی بالله نقل می‌کند.

و او از غالب بن ابی یعلی و او از عبدالصمد بن علی و او از عبیدالله بن محمد و او از عبدالله بن محمد البغوی و او از علی بن مسلم بن سعید و او از خالد بن مخلد و او از ابو محمد موسی بن یعقوب با اسنادی نقل می‌کند.

روایتی دیگر درباره مجلس عزای حسینی در منزل ام المؤمنین سیده ام سلمه

حافظ کبیر ابوبکر ابن ابی شیبہ در کتاب «المصف» جلد ۱۲ می‌نویسد:

روایت می‌کند یعلی بن عبید از موسی الجهنی از صالح بن ارید النخعی که می‌گوید: ام سلمه گفت: حسین علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد من دم در نشسته بودم، سرک کشیدم. دیدم حسین روی شکم پیامبر صلی الله علیه و آله خوابیده و در دست پیامبر خدا چیزی است و آن را زیر و رو می‌کند. عرض کردم: ای پیامبر خدا! من سرک کشیدم و دیدم طفل روی شکم شما خوابیده و در دستان چیزی هست و آن را زیر و رو می‌کنید و اشک می‌ریزید؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل از خاکی که این کودک بر آن کشته می‌شود برایم آورد و به من خبر داد که اتمم او را به قتل می‌رسانند.

و همین روایت را حافظ برانی در کتاب «المعجم الکبیر» در قسمت «الامام السبط الشهید» روایت می‌کند از حسین بن اسحاق التستری و او از بن بحر او از عیسی بن یونس نقل می‌کند.

و عبید بن غنام از ابوبکر ابن ابی شیبہ و او از یعلی بن عبید و او از موسی بن صالح الجهنی و او از صالح بن ارید و او از ام سلمه رضی الله عنهما روایت می‌کند که:

رسول خدا به من گفت کنار در بنشین و اجازه نده کسی وارد اتاق شود، حسین علیه السلام وارد شد و به صورت ناغافل نزد پدر بزرگش رفت گفتم یا رسول الله به من سپردید که کسی داخل نشود ولی وقتی سرک کشیدم و داخل را دیدم، دیدم که فرزندت روی شکمت نشسته و شما خاکی در دست دارید و آن را بالا و پایین می‌کنید و از چشمانتان اشک جاریست، رسول خدا فرمودند، بله جبرئیل نزد من

آمد و گفت که امتت حسین را خواهند کشت و مقداری از تربت قتلگاهش را به من داد و همین است که کف دست من است.

حافظ ابن السمان باسنادی از موسی الجهنی و او از حافظ خوارزمی در مقتل حسین جلد یک صفحه ۱۵۸ این حدیث را با این مضمون نقل می‌کند.

اسناد ابی شبیه صحیح و رجالش موثق هستند:

۱. یعلی بن عبید بن ابی امیه الایاری، ابو یوسف الطنافسی الکوفی متوفی به سال ۲۰۹ هجری، از رجال صحاح سته است و ابن معین و ابن سعد و الدارقطنیف و دیگران وی را تأیید کرده‌اند و احمد می‌گوید او ذاتاً آدم صالحی است و حدیثش مورد وثوق است.

۲. موسی بن عبدالله الجهنی الکوفی متوفی ۱۴۴ هجری از رجال صحیح مسلم و ترمذی و العجلی و النسائی و ابن سعد و غیر از آن‌ها می‌باشد.

۳. صالح بن ارید النخعی، ابن حاتم از او در کتاب «الجرح و التعديل» سخن گفته و همچنین حافظ البخاری در کتاب تاریخ کبیرش از او به وثوق یاد می‌کند.

عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام در منزل ام المؤمنین عایشه با نوای ملکی که بر پیامبر نازل شد.

حافظ ابوالقاسم الطبرانی در کتاب «المعجم الکبیر» در قسمت «الحسین علیه السلام» می‌نویسد: روایت کرده محمد بن عبدالله الحضرمی از الحسین بن حریث و او از فضل بن موسی او از عبدالله بن سعید و او از پدرش و او از عایشه، روزی حضرت حسین علیه السلام به نزد رسول خدا آمد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند ای عایشه تعجب نمی‌کنی الان یکی از ملائکه که تا به حال بر من نازل نشده بود به نزد من آمد و گفت که این پسرت کشته خواهد شد و گفت می‌خواهی قتلگاه وی را نشانت بدهم پس، با دستش چیزی آورد و من دیدم خاکی سرخ فام است.

اسناد رجالی این حدیث همه ثقه و قابل اطمینان هستند.

که عبارتند از:

۱. وکبع بن الجراح ابوسفیان الکوفی متوفی ۱۹۶ از رجال صحاح سته، حافظ و از ائمه مسلمین که ثقه، با درجه عالی، رفیع القدر و عابد و زاهد صالح بوده است.

۲. عبدالله بن سعید بن ابی هند الفزاری متوفی ۱۴۷ از رجال صحاح سته که احمد در مورد او می‌گوید: ثقه ثقه و ابن معین و ابو داوود و ابن سعید و العجلی و یعقوب بن سفیان و ابن المدینی و ابن البرقی او را ثقه معرفی می‌کنند.

۳. سعید بن ابی عند الفزاری متوفی ۱۱۶ از رجال صحاح سته، ابن حیان و الطبرانی وی را ثقه می‌دانند.

و اما سند طبرانی هم همه رجالش ثقه هستند:

۱. محمد بن عبدالله الحضرمی الکوفی معروف بمطین متوفی ۲۹۷، که الدارقطنی می‌گوید او از ثقات و از رجال بزرگ است.

۲. الحسین بن حریث بن الحسین ابو عماد المرزوی متوفی ۲۴۴ هجری از رجال صحاح غیر صحیح ابن ماجه می‌باشد و النسائی و ابن حبان وی را ثقه می‌دانند.

۳. الفضل بن موسی السینانی متوفی ۱۹۱ از رجال صحاح سته و از او نقل حدیث در عصر خودش بوده ابن معین و ابن سعد و ابن وکیع وی را ثقه می‌دانند.

روایت دیگر درباره مجلس عزای حسینی در خانه ام المؤمنین عایشه

ابن سعد صاحب کتاب «الطبقات الکبری» می نویسد: که روایت می کند علی بن محمد از عثمان بن مقسم و او از المقبری و او از عایشه که گفت:

«زمانی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله خواب بودند حسین علیه السلام وارد اتاق شد و به سوی پیامبر رفت من او را از حضرت دور کردم و به دنبال بعضی از کارهایم رفتم حسین علیه السلام نزد پیامبر آمد، حضرت در حالی که گریان بود از خواب بیدار شد به او گفتم: چه چیز شما را به گریه واداشت، حضرت فرمود: جبرئیل تربتی را که حسین علیه السلام در آن کشته می شود را به من نشان داد، خدا بر کسی که خون او را به زمین ریزد بسیار خشمگین خواهد بود. پس دستان مبارکش را باز کردند و مقداری از خاک بطحاء در آن بود. و فرمودند: ای عایشه قسم به همان خدایی که نفسم به دست اوست این امر من را محزون می کند چه کسی از امت من حسین را به قتل می رساند؟

اسناد صحیح و رجال روایت ثقه می باشند چنانچه بررسی خواهیم کرد:

۱. علی بن محمد در «الطبقات» نقل می کند که علی بن الجعد بن عبید الجوهری، ابوالحسن البغدادی متوفی ۲۲۰ هجری از رجال البخاری و ابی داوود که عثمان به مقسم را دیده و از زمره ائمه حدیث می باشد و ابن معین هم وی را ثقه معرفی کرده و می گوید: او ثقه و عالم ربانی می باشد و همچنین ابو زرعه، ابو حاتم و نسائی و ابن قانع و و مطین او را ثقه معرفی کرده اند.

و حکایت شد از عبدالله بن احمد بن حنبل که پرسیده خدا از علی بن جعد گفت از او سوال کنید و که به او از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله احادیثی رسیده است.

گذری از مطالب تاریخی که از او به ما رسیده:

الف) نزد او از روایتی از پسر عمر نقل شد: که ما در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله، افتخارات مان را می شمردیم، پس گفتند: بهترین این امت بعد از نبی اکرم صلی الله علیه و آله ابوبکر و عمرو عثمان هستند، و این به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و منکر آن نشد، علی بن الجعد گفت: نگاه کن به این بچه که نمی تواند زن خود را نگه دارد و طلاق می دهد بعد آمده و می خواهد بهترین ها را در امت انتخاب کند!!

ب) می گوید: تردید دارید که خدا معاویه را عذاب خواهد کرد، آیا خدا اکراه دارد که او را عذاب کند؟

ج) در سرگذشت عثمان بن عفان می‌گوید: از بیت المال صد هزار درهم به غیر حق برداشت و هارون بن سفیان می‌گوید: بر نداشت مگر به حق و گفت: نه والله بر نداشت مگر به غیر حق

۲. عثمان بن مقسم البری ابو سلمه الکندی او علی بن الجعد را دیده است و ابن مهدی می‌گوید او ثقه است و عمرو بن علی می‌گوید که عثمان صادق قول و نوآور است.

۳. المقبری سعید ابن ابی سعد المدنی متوفی ۱۱۷ هجری از رجال صحاح سته است و ابن سعد و ابن المدینی و عجللی و ابو زرعه و نسائی وی را ثقه می‌دانند

مجلس عزاداری حسینی در منزل حضرت وصی ، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

شریف النسابه ابوالحسن العبید العقیقی در کتاب «اخبار المدینه» از طریق امیر المؤمنین علیه السلام روایت می‌کند که:

«رسول خدا منزل ما میهمان بود و ما آبگوشتی تهیه کرده بودیم و ام ایمن هم یک قدحی شیر و مقداری خرما آورده بود، و ما با رسول خدا از آن تناول کردیم، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و ضو گرفتند و با دستش سرو صورت و محاسن شریفشان را مسح کردند و شروع به دعا نمودند، سپس شروع به گریه کردند، گریه‌ای شدید، و سه مرتبه این حال به ایشان دست داد و ما می‌ترسیدیم که از رسول خدا صلی الله علیه و آله دلیل آن را سوال کنیم، حسین علیه السلام پشت رسول خدا رفت و گریه کرد و گفت یا رسول الله! پدر و مادرم به فدایتان باد چرا گریه می‌کنید؟ شما حالی دارید که مثل آن را تا به حال ندیده‌ایم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: پسر امروز، روزی با شما داشتم که مانند آن نشاط، نشاطی نداشتم، حبیبم جبرئیل به من نازل شد و خبر کشته شدن شما را به من داد، آن خبر من اندوهگین و ناراحت شدم و دعوت الله لکم بالعبره. و این حدیث را محمد الشیخانی در کتاب «الصراف السوی» نیز نقل کرده است.

در حدیثی دیگر ابن عساکر از «تاریخ شام» از ام سلمه نقل می‌کند که: روایت می‌کند ابوبکر محمد بن الحسین از ابوحسین بن مهددی و او از ابو حسین علی بن عمره العربی و او از احمد بن الحسن بن عبدالجبار و او از عبدالرحمان یعنی ابن صالح الازدی و او از ابوبکر ابن عیاش و او از موسی بن عقبه و او از داود روایت

می‌کند که گفت:

ام سلمه حکایت می‌کند:

روزی حسین علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد پس رسول خدا شروع به گریه کردند، ام سلمه می‌گوید گفتم: چه شده یا رسول الله؟ فرمودند: که جبرائیل علیه السلام به من خبرشهادت این فرزندم را به من داده است، و خدا بر کسی که این قتل را انجام می‌دهد بسیار غضبناک است.

عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام در جمع صحابه

حافظ ابوالقاسم الطبرانی در کتاب «المجمع الكبير» روایت می‌کند که حسین بن عباس رازی روایت می‌کند از سلیم بن منصور بن عمار از پدرش و همچنین احمد بن یحیی بن خالد بن حیان الرقی از عمرو بن بکر بن بکار القعنی و او از مجاشع بن عمرو روایت می‌کند از عبدالله بن لهیعه او از قبیل او از عبدالله بن عمرو بن العاص و او از معاذ بن جبل که:

حضرت رسول اکرم به نزد ما آمد در حالی که چهره‌ای برافروخته و ناراحتی داشتند و گفت: من محمد هستم کسی که ابتدای و انتهای کلام را برای شما به ارمغان آوردم و آنچه که به من ارزانی شد به شما ارزانی داشتم و حلال خدا را بر شما حلال و حرام خدا را بر شما، حرام داشتم، آرامش و راحتی را برای شما آوردم و شما را از فتنه‌هایی که چون ظلمت شب به شما حمله‌ور می‌شد رهایی بخشیدم، و روزی رسد که کتاب خدا را به پشت افکنید و فتنه‌ها چون شب ظلمانی بر شما هجوم آورد، و نبوت به پادشاهی و سلطنت تبدیل شود خدا رحمت کند کسانی را که به حق پیوندند. و برسد زمانی که عده‌ای از دین خارج می‌شوند همانطور که به دین داخل شدند، و دورانها و جریاناتی می‌گذرد وعده ای زمام دار می‌شوند- که از شما پنهان می‌دارم تا این که نوبت به پنجمی آنها می‌رسد. پس فرمودند: (اما) یزید که خدا در یزید هیچ خیر و برکتی را قرار نداده پس چشمان پیامبر پر از اشک شد و فرمودند:

به من خبر دادند از سرانجام حسین و از قتلگاه و قاتلش، سوگند به کسی که جانم بدست اوست قومی که او را بشهادت می‌رسانند قلوب و زبان‌شان خلاف خدا و رویه الهی است و بر آن قوم شرورترینشان مسلط شده و لباس ذلت بر قامتشان می‌پوشاند، سپس فرمودند:

وا اسفا! بر آل محمد صلی الله علیه و آله از دست خلفائی غاصب - که یکی بعد از دیگری آن‌ها را به قتل می‌رسانند.

به طرق دیگری نیز این حدیث وارد شده است:

حافظ ابن عساکر در تاریخ شام از عبدالله بن عمرو و او حکایت می‌کند از حافظ السیوطی که در او در کتاب جامع کبیر در جلد ۶ ص ۲۲۳ آورده است:

که پیامبر می‌فرماید: هیچ برکتی خداوند در یزید قرار نداده، بدانید که حبیب و عزیز من حسین علیه السلام است، که قاتلش را می‌شناسم و قتلگاهش را می‌دانم، کسی او را نمی‌کشد مگر آن کس که به عقوبت خدا مبتلا خواهد شد.

حافظ الخوارزمی در مقتل حسین ص ۱۶۰ و ۱۶۱ از الطبرانی همین روایت را نقل کرده است.

اقامه مجلس عزاداری حسین در جمع صحابه توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله

حافظ ابوبکر ابن ابی شیبه فی جلد دوازدهم از کتاب «المصنف» می‌نویسد: که روایت می‌کند معاویه بن هشام از علی بن صالح ایزین بن ابی زیاد و او از ابراهیم از علقمه و او از عبدالله ابن مسعود روایت می‌کند که: که روزی ما نزد رسول اکرم با جمعی از بنی هاشم نشستیم بودیم که متوجه شدیم که چشمان پیامبر قرمز شده و رنگ چهره‌اشان بر افروخته شده پرسیدیم ما آثار ناخوشی در چهره شما مشاهده می‌کنیم، فرمود: ما اهل بیت را خدا مخصوص گردانیده و آخرت را بر دنیا برای ما اختیار کرده است، اهل بیت من بعد از من بلا و مصائب و مشکلات فراوانی خواهند دید.

تا اینکه قومی از مشرق زمین با پرچم‌های سیاه خروج می‌کند و در جهت احقاق حق جنگ‌ها و جدالها می‌کنند و آنچه حق است مطالبه می‌نمایند و لاکن به نتیجه‌ای نمی‌رسند تا آنکه به مردی از اهل بیت من متوجه می‌شوند و او جهان را همان گونه که سرشار از ظلم و جور و تبعیض است به قسط و عدل و داد متحول می‌کند، و اگر کسی آن زمان را درک کند ظلم و جور را مثل آب شدن برف در حال نابودی خواهد دید.

حافظ ابن ماجه در کتاب «السنن الصحیح» جلد ۲ صفحه ۵۱۸ در باب خروج المهدی از معاویه بن هشام با اسنادی همین حدیث را نقل می‌کند.

حاکم در المستدرک جلد ۴ صفحه ۴۶۴ با استادی روایت می کند که:

روزی به همراه رسول خدا ﷺ بودیم و آثار بهجت و سرور در سیمای آن حضرت هویدا بود و در موارد گوناگونی از حضرت سوال می کردیم و وی پاسخ می دادند تا این که عده ای از بنی هاشم آمدند که در میان آن ها حسن و حسین هم حضور داشتند و چون حضرت آن ها را مشاهده کردند دیدم که چشمان حضرت اکش بار شد گفتیم چه شده یا رسول الله در چهره شما آثار حزن هویدا شد، فرمودند: خدای متعال برای ما اهل بیت آخرت را بر دنیا برگزیده، چه بلاها و سختی ها و مصائبی که بعد از من بر اهل بیت من وارد خواهد شد. حافظ ابونعیم الاصبهانی نیز در کتاب اخبار اصبهان جلد ۲ صفحه ۱۲۸ با اسنادی این حدیث را آورده است. حافظ طبرانی در جزء سوم از کتاب «المعجم الکبیر» با استادی روایت می کند.

که روزی جمعی از اهل بیت ﷺ رسول اکرم ﷺ از مقابلشان عبور کردند چون چشم حضرت به آن ها افتاد رنگ چهره هاشان برافروخته شد و تغییر کرد و آثار حزن و اندوه در آن هویدا شد گفتیم: یا رسول الله چه شد که نظر شما به اهل بیت افتاد حالتان دگرگون شد و رنگتان تغییری کرد؟ فرمودند: خداوند برای اهل بیتم آخرت را اختیار کرده و دنیا را برایشان برگزیده است.

جمعی از اعلام در این سند ذکر شدند که عبارتند از:

۱. معاویه بن هشام که به ابوالحسن الکوفی معروف بود و متوفی ۲۰۴ می باشد و از ۵ رجال صحاح سته به غیر از بخاری است.

۲. علی بن صالح ابو محمد الهمدانی الکوفی متوفی ۱۵۱ هجری او هم از رجال صحاح سته به غیر از بخاری است.

۳. یزید بن ابی زیاد القرشی، ابو عبدالله الکوفی متوفی ۱۳۶ هجری از ۷ رجال ثقه صحاح می باشد.

۴. ابراهیم بن یزید النخعی الکوفی متوفی ۹۶ هجری که اتفاق در ثقه بودن وی وجود دارد

برگزاری مجلس عزاداری حسینی توسط پدر شهید کربلا حضرت وصی، امیر المؤمنین علی ﷺ

امام الحنابله احمد در کتاب «المسند» جلد ۲، صفحه ۶۰ و ۶۱ می نویسد که:

روایت می‌کند محمد بن عبید از شرحبیل بن مدرک و او از عبدالله بن نحی و او از پدرش که:

روزی با امام علی (رضی الله عنه) گذرمان به منطقه نینوی افتاد تا به سرزمین صفین رسیدیم پس دیدم که علی علیه السلام صدا می‌زند:

ای ابا عبدالله صبر کن، ای ابا عبدالله صبر کن!

در کنار شط فرات، گفتم: چه شده، فرمودند: که روزی بررسول خدا وارد شدم دیدم چشمان ایشان قرمز و گریان است گفتم: یا رسول خدا کسی شما را خشمگین کرده است؟ چرا چشمانتان ملتهب است؟ گفتم: بله جبرائیل نزد من بود و برای من حدیثی را بیان کرد گفتم: که حسین علیه السلام در کنار شط فرات به قتل خواهد رسید، و به من گفت دوست داری که خاک قتلگاه او را نشانت بدهم؟ گفتم: بله، پس دستش را باز کرد و مقداری از خاکی را به من داد که تا به حال مثل آن را ندیده بودم.

و ابن ابی شیبیه در کتاب «المصنف» جلد ۱۲ از محمد بن عبید با استادی این روایت را مطرح می‌کند.

ابن سعد از علی بن محمد و او از یحیی بن زکریا و او از رجل از عامر الشعبی روایت می‌کند که می‌گوید:

وقتی که علی علیه السلام در مسیری که به صفین می‌رفت به سرزمین کربلا در محاذات نینوی رسید توقف کرد و ندا سر داد:

ای ابا عبدالله! اسم این سرزمین چیست؟ گفتم: کربلا، پس حضرت شروع به گریه کرد به طوری که زمین از اشکان چشمانش نمناک شد، و گفت علیه السلام: روزی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم و دیدم حضرت گریه می‌کند پرسیدم یا رسول الله چرا گریه می‌کنید فرمودند: جبرئیل بر من نازل شد و به من خبر داد که فرزندم حسین در کنار شط فرات به قتل خواهد رسید در منطقه‌ای که به آن کربلا می‌گویند. پس جبرئیل مشتی از خاکی به من داد پس من آن را بوییدم که مثل آن خاک تا به حال ندیده بودم.

سند دیگری از عزاداری حسینی در کربلا توسط حضرت وصی امام علی علیه السلام

حافظ خطیب خوارزمی در کتاب «مقتل الحسین علیه السلام» صفحه ۱۶۲ می نویسد:

حافظ طبرانی از شیبیان که عثمانی بوده روایت می کند که گفته:

من همراه علی علیه السلام بودم که به سرزمین کربلا رسیدیم، فرمود: در این سرزمین شهدایی خواهند بود که مگر شهدای جنگ بدر شهدایی به مانند آنها در عالم پیدا نمی کنی.

شیخ الاسلام حاکم جشمی روایت می کند:

چون امیر المؤمنین علیه السلام عازم صفین بود گذرش به کربلا افتاد، فرمود: ای ابن عباس آیا این سرزمین را می شناسی؟ گفتم: نه، فرمود: اگر می شناختی چون من گریه می کردی. پس حالت گریه شدیدی به امیر المؤمنین علیه السلام دست داد، و دائماً می فرمود: مرا با ابوسفیان چه کار؟ پس متوجه امام حسین علیه السلام شدند و فرمودند: صبر داشته ای پسر، فقد لقی ابوک منهم مثل الذی تلقی بعده. از آن ها به پدرت هم رسیده مثل آنچه بعد از او خواهد رسید

عزاداری نبی اکرم صلی الله علیه و آله در روز عاشورا

امام حنابله در کتاب «المسند» جلد ۳ صفحه ۲۸۳ می نویسد که روایت می کند عفان از حماد و او از ابن سلمه و او از عمار و او از بن عباس که گفت:

روزی در هنگامه ظهر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که با حالت دگرگون ایستاده و شیشه ای از خون بدست دارد، به او گفتم یا رسول الله این چیست؟

فرمودند: این خون حسین علیه السلام و یارانش می باشد، که امروز به زمین ریخته شده است پس آن روز را ثبت کردم بعداً کاشف به عمل آمد که در آن روز حسین علیه السلام کشته شده است.

همچنین در کتاب «المسند» از عبدالرحمن از حماد بن سلمه یا اسناد همین روایت با تعبیری کوچک در الفاظش نقل شده است.

این روایت نیز از جمله روایات صحیحه با رجالی ثقه می باشد که عبارتند از:

۱. عفان بن مسلم، ابو عثمان البصری متوفی ۲۲۰ هجری از رجال صحاح سته که در وثوقی اجماع وجود دارد.

۲. عمار بن ابی عمار الملکی که در ولایت خالد بن عبدالله القسری در عراق وفات نمود.

از رجال صحاح سته به غیر از بخاری می باشد و احمد و ابو داود و ابو حاتم و ابو زرعه وی را ثقه می دانند.

و حافظ ابن کثیر در تاریخش «البدایه و النهایه» می نویسد:

محمد بن سعد و غیره از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده اند که:

«حضرت علی علیه السلام گذرش به کربلا افتاد و از کنار درختان حنظل حرکت می کرد و به سوی صفین می رفت، از اسم آن منطقه پرسید: گفتند: کربلا گفته می شود فرمودند: کرب و بلاء، پس حضرت پیاده شد و نزدیک درختان نماز خواندند و فرمودند: در این منطقه شهدایی خواهند بود که در منزلت غیر از صحابه هیچ شهیدی به آن ها نمی رسد. که به بهشت بدون حساب وارد می شوند و اشاره به منطقه ای نمودند و فرمودند بدانید که در این منطقه حسین علیه السلام به شهادت می رسد.

عزاداری در خانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله

حافظ محب الدین الطبرانی در کتاب «ذخائر العقبی» صفحه ۱۴۸ می نویسد: که احمد و ابن ضحاک از علی رضی الله عنه روایت می کند:

«روزی بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم دیدم چشمان ایشان قرمز و متورم است گفتم یا رسول الله آیا کسی شما را به خشم آورده؟ که چشمان شما این گونه است؟ فرمودند: جبرئیل علیه السلام قبل از شما پیش من بود و به من گفت: که حسین علیه السلام در نزدیک شط فرات به قتل خواهد رسید و به من گفت: آیا دوست داری خاک قتلگاه او را به تو نشان دهم؟ گفتم: بله، پس مستی خاک به من داد که من تا به حال خاکی بدان صورت ندیده بودم.

صورت دیگری از عزاداری حسینی در کربلا

نصر بن مزاحم در کتاب «صفین» صفحه ۱۵۸ طبع مصر از سعید بن حکیم العبسی و او از حسن بن کثیر و او از پدرش روایت می‌کند که:

«علی علیه السلام به کربلا رسید و در آنجا توقف کرد، به امیر المؤمنین گفتند: اینجا سرزمین کربلاست فرمودند: آری در وجودش کرب و بلا موج می‌زند، سپس با دستشان اشاره کردند و فرمودند: اینجا مکان خیمگاهشان می‌باشد و در اینجا مرکب هایشان را می‌بندند و سپس اشاره فرمودند به مکان دیگری و فرمودند: در اینجاست که خون هایشان به زمین خواهد ریخت.

این حدیث را ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه» جلد یک صفحه ۱۷۸ این حدیث را می‌گوید.

حافظ ابو نعیم در کتاب «دلائل النبوه» جلد سوم صفحه ۲۱۱ با اسنادی از اصبح بن نباته روایت می‌کند که:

ما با علی علیه السلام به محل مرقد سید الشهداء رسیدیم:

و ایشان فرمودند: اینجا خیمگاهشان و آنجا جایگاه مرکب هایشان، و آن مکان محل ریخته شدن خون هایشان است جمعی از آل محمد در این منطقه به شهادت خواهند رسیده و آسمان و زمین بر آن‌ها گریه خواهند کرد.

این روایت را سیوطی در کتاب «الخصایص الکبری» جلد دوم صفحه ۱۲۶، ابن کثیر در کتاب «الوسیله» از الملاء روایت می‌کند و قره غولی در کتاب «جوهره الکلام» صفحه ۱۱۸ از الملا و همچنین ابن حجر در کتاب «الصواعق» صفحه ۱۱۵ روایت می‌کند و سید شیخانی در کتاب «الصراط السوی» صفحه ۹۴ بدین صورت که، آنجا جایگاه مرکب هایشان، آنجا موضع خیمگاهشان و آنجا محل قتلگاهشان است، و می‌نویسد که الملا در کتاب «سیرتش» و ابن الاخضر در کتاب «معالم العترة الطاهره» این روایت را آورده است. حسن بن کثیر و عبد خیر روایت می‌کنند که:

چون علی علیه السلام به کربلا رسید، در آنجا توقف کرد و شروع به گریه نمود و فرمودند: که در این سرزمین است که فرزندانش بشهادت خواهند رسید، در اینجا خیمگاهشان و آنجا محل مرکب هایشان و آنجا قتلگاهشان می‌باشد. و سپس حالت گریه‌اش شدت گرفت.

خبر به شهادت حسین علیه السلام در روز عاشورا در سندی دیگر

حافظ الترمذی در کتاب «الجامع الصحیح» جلد ۱۳ صفحه ۱۹۳ می نویسد:

روایت می کند ابو سعید الاشبح از ابو خالد الاحمر از رزین که: روایت می کند سلمی که گفت: روزی برام سلمه وارد شدم که دیدم در حال گریه و ندبه است گفتم: مادر چرا گریه می کنید؟ گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که سر و صورت و محاسنش خاک آلود بود گفتم: چه بر تو گذشته یا رسول الله؟ فرمود: وای حسین رو کشتند.

اسناد این حدیث نیز درست و رجالش عبارتند از:

۱. ابو سعید الاشبح: عبدالله بن سعید الکندی الکوفی متوفی ۲۵۷ هجری از رجال صحاح سته که ابو حاتم، مسلمه بن قاسم و ابن حیان و نسائی او را ثقه دانسته و به صدق او گواهی می دهند.
۲. ابو خالد الاحمر: سلیمان بن حیان الازدی الکوفی متوفی ۱۸۹ هجری از رجال صحاح سته بوده و ابن معین، ابن سعد، ابن المدینی و رفاعی وی را امین و ثقه می دانند و همچنین العجلی و ابو حاتم به صدق او گواهی می دهند.

عزاداری روز عاشورا در سندی دیگر:

حافظ ابن عساکر در کتاب «تاریخ دمشق» می نویسد که او از کتاب های مرجع خوبی است که به حمد الله در دست ماست. در قسمت «الامام الحسین سلام الله علیه» می نویسد: روایت می کند ابو محمد ابن طاووس، از ابو الغنائم بن ابی عثمان و او از ابوالحسین بن بشران، و او از حسین بن صفوان البردغی و او از عبدالله بن ابی الدنیا و او از عبدالله بن محمد بن هانی ابو عبدالرحمن النحوی و او از معدی بن سلمان و او از علی بن زید بن جذعان که گفت:

«روزی ابن عباس از خواب پرید و گفت: انا لله و انا الیه راجعون» و صحابه از ابن عباس پرسیدند چه شده ای ابن عباس: گفت: رسول خدا را در خواب دیدم که شیشه ای از خون به دست داشت، به من فرمود: دیدی امتم بعد از من چه کردند؟ وای که پسر حسین را کشتند و این خون او و یارانش می باشد که به سوی خدا بالا می رود.

گفت: آن روز و ساعت را که ابن عباس گفته بود ثبت و ضبط کردیم، بعد از ۲۴ روز خبر شهادت حسین به مدینه رسید و مشخص شد در همان ساعت و روز به شهادت رسیده است.

سید الشیخانی در کتاب «الصراف السوی» روایت حدیث احمد که ذکرش رفت، ذکر می‌کند ابن عباس که در نقل قولش دقت نقل خاصی دارد، روزی کلمه استرجاع را به زبان آورد پس اهلش از این مسئله ترسیدند و گفتند چه شده؟

گفت: نبی اکرم صلی الله علیه و آله را مشاهده کردم که از زمین چیزی را بر می‌دارد.

به او گفتم: پدر و مادرم به فدایتان این چیست؟ فرمود: گفت خون حسین است که به آسمان می‌برند و در کتاب «خطب المقریزی» روایت شده: روز شهادت حسین از آسمان باران خون بارید و همه چیز به خون آغشته شده بود.

ابن شهر آشوب در کتاب «المناقب» از ابی نعیم از کتاب «دلائل النبوه» النسوی در کتاب «المعرفه» از نضره الازدیة روایت می‌کند که: «چون حسین به شهادت رسید از آسمان باران خون بارید که به واسطه آن همه چیزها و وسایل کار ما از خون آلود شده بود»

ابن الجوزی الحنفی در کتاب «تذکره الخواص» با اسنادی از هلال بن ذکوان روایت می‌کند که:

چون حسین علیه السلام کشته شد تا سه ماه گویی جهان لباسی از خون از نماز صبح تا غروب آفتاب در بر می‌کرد و می‌گوید و چون به سفر می‌رفتیم، از آسمان باران می‌بارید اثری مثل لکه‌های خود بر لباس‌های ما می‌ماند حتی بعد از آنکه باران قطع می‌شد.

ابن شهر آشوب در کتاب «المناقب» روایت می‌کند از قرطه بن عبید که می‌گوید:

«روزی در هنگامه ظهر بارانی بارید که دیدم لباس سفید با آن ملوث شد که دیدم از خون است و چون شتران را برای خوردن آب به، آب‌شخورشان بردم دیدم که آن آب هم خون آلود است و آن روز، روز شهادت امام حسین بود»

و حکایت می‌کند همچنین اسامة بن شیبب باسنادش از ام سلیم که: روزی که حسین علیه السلام به شهادت رسید بارانی چون خون از آسمان بارید که بواسطه آن تمام خانه و وسایل آن به رنگ قرمز درآمد، و نزدیک به همین مضامین در کتاب «الابانه» و کتاب «تفسیر القشیری» نیز آمده است.

و شیخ طوسی در کتاب «الامالی» با سندی از عماره بن ابی عمار روایت می‌کند که گفت: روز قتل حسین علیه السلام بارانی خون مانند از آسمان بارید.

و همچنین ابن قولویه از مردی از اهالی بیت المقدس روایت می‌کند که روز قتل حسین .سه روز بارانی چون خون بر ما می‌بارید.

و در روایت دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام آمده که: آسمان بر حسین علیه السلام به مدت چهل روز خون گریه کرد.

و در روایت طوسی در کتاب «الامالی» از امام جعفر صادق و او از پدرش و او از جدش روایت می‌کند که از آسمان خون و خاکستر باریدن گرفت.

و همچنین روایتی از شیخ صدوق در کتاب «الامالی» و «العلل» از قول میثم تمار و او از امام علی علیه السلام روایت کرده است.

و همچنین ابن قولویه در ذیل روایت «ان السماء بکت علی الحسین اربعین صباحاً بالدم» می‌گوید: وقتی باران از آسمان می‌بارید اثری مثل، اثر خون بر لباس‌ها باقی می‌ماند.

فرهنگ نامه گریه و عزاداری
سیدالشهدا علیه السلام

زمین و آسمان و
همه چیز
بر حسین علیه السلام گریه
می کنند

عاشقان

روز قتل حسین علیه السلام از آسمان خاک قرمز باریدن گرفت

ابن قولویه در کتاب «کامل الزیاره» با اسنادی از محمد بن مسلمه روایت می‌کند:

«روز قتل حسین علیه السلام آسمان تاریک و ظلمانی شد و خورشید سرخ فام گشت و گرفت به نحوی که ستارگان در روز قابل رؤیت بودند»

ابن حجر در کتاب «صواعقه» می‌نویسد: روز قتل امام حسین علیه السلام از جمله آیاتی که نمودار شد این بود که آسمان تاریک شد و ظلمت عظیمی آن را فرا گرفت به حدی که در روز ستارگان قابل رؤیت بودند و سپس حکایت می‌کند که ابن عیینه از جدش روایت می‌کند که از جمله آیاتی که در هنگام شهادت امام حسین علیه السلام نمودار شد گرفتن خورشید بود به حدی که ستارگان در هنگامه ظهر قابل رؤیت بودند و مردم گمان کردند که قیامت برپا شده است و همچنین ابن جوزی نیز همین روایت را نقل می‌کند.

ابن جوزی از ابن سیرین روایت می‌کند که: دنیا سه روز تاریک شد و رنگ سرخ فامی بر آسمان حکم ران شد. و در کتاب «خطط المقربزی» می‌نویسد: که سه روز دنیا تیره و تار شد و آنچه در کتاب «الصواعق» از ابن جوزی و او از ابن سیرین

حکایت می‌کند، سبط ابن جوزی حنفی در کتاب «تذکرة الخواص» از ابن سیرین نیز نقل می‌کند که چون حسین علیه السلام به شهادت رسید به مدت سه شبانه روز آسمان تیره و تار شد پس رنگ سرخ فامی در آسمان ظاهر گشت.

ابن شهر آشوب در کتاب «المناقب» از تاریخ النسوی نقل می‌کند که چون امام حسین علیه السلام به شهادت رسید آسمان چنان تیره و تار شد که ما گمان بردیم که قیامت شده است. و در حدیث ابن قولویه به نقل از مردی از سرزمین بیت المقدس چنین آمده که خورشید سه روز تاریک و تیره بود و ستارگان در روز قابل رؤیت بودند.

و همچنین در حدیثی دیگر از قول امام صادق علیه السلام است که خورشید چهل شبانه روز بر حسین علیه السلام به صورت تیرو تار شدن و سرخ فام بودن گریست به طوری که صبحگاه با چهره‌ای سرخ فام طلوع و با چهره‌ای سرخ‌گون غروب می‌کرد و جابر از امام باقر علیه السلام و ابن قولویه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کنند که: « که خورشید بر حسین علیه السلام و یحیی بدین گونه گریست که طلوعش سرخ فام و غروبش نیز سرخ گون بود»

و روایت می‌کند میثم از امام علی علیه السلام: چنان خورشید به مانند خون، سرخ فام می‌شود «و انها رؤیت علی الحیطان کانه الملائخ المعصفرة . به طوری که وقتی از حیاط به آن نگاه می‌کنید چون پارچه ای رنگین شده به نظر می‌رسد.

روز قتل امام حسین علیه السلام آسمان سرخ فام بود

ابن حجر در کتاب «صواعقه» از ابن عیینه از جدش نقل می‌کند که: آسمان در هنگامه قتل حسین علیه السلام سرخ فام بود سپس در کتاب «الصواعق» از قول عثمان بن ابی شیبه نقل می‌کند که: بعد از قتل حسین آسمان به مدت هفت شبانه روز به گونه‌ای سرخ فام شد که وقتی از حیاط بدان می‌نگریستی از شدت قرمزی و سرخی گویی ملحفه‌ای رنگین شده است و بعضی از کواکب (شهابها) به هم برخورد می‌کردند

الثعلبی می‌نویسد: آسمان با سرخ فام شدنش گریست و همچنین در جای دیگر می‌نویسد: آسمان به مدت شش ماه بعد قتل امام حسین علیه السلام سرخ فام بود بعد از آن دیده شد که قرمزی ناپدید شد.

ابن حوزی حنفی در کتاب «تذکره الخواص» روایت می‌کند که:

«به هنگامه قتل حسین آسمان گریه کرد و گریه کردنش سرخ فام شدن او بود» و در کتاب «خطط المقریزی» از عطاء روایت می‌کند: تفسیر این سخن خدا در قرآن کریم که «فما بکت علیهم السماء و الارض»، گریه کردن آسمان یعنی قرمز شدن آسمان و «السدی» روایت می‌کند که چون حسین بن علی علیه السلام بشهادت رسید آسمان بروی گریست، و گریستنش سرخ فام شدن آن بود، و علی بن مسهر روایت می‌کند از مادر بزرگش که می‌گفت: روز قتل امام حسین علیه السلام من دختر جوانی بودم، در آن زمان آسمان به مدتی شبیه به علقه (خون بسته شده) بود. و ابن اثیر در کتاب تاریخش می‌نویسد: مردم به مدت دو ماه محیط پیرامون خود را همچون محیطی آغشته به خون (علقه) می‌دیدند.

ابن شهر آشوب در کتاب «مناقب» از «السدی» روایت می‌کند که «در روز قتل امام حسین آسمان بر او گریست و علامت آن این بود که به رنگ سرخ درآمد.»

و در این کتاب از قول الاسود بن قیس روایت می‌کند که چون امام حسین علیه السلام به شهادت رسید دو حمره مشرقیه و مغربیه تا ارتفاع زیادی حادث شد تو گویی که در وسط آسمان با هم تلاقی می‌کنند و به مدت شش ماه وضعیت بدین صورت بود.

و ابن قولویه در کتاب «کامل الزیاره» به اسنادشان از علی بن مسهر القرشی و او از مادر بزرگش نقل می‌کند: که هنگامه قتل امام حسین علیه السلام را درک کرده و می‌گوید در آن ایام به مدت هفت ماه آسمان به مانند خون (علقه) سرخ فام بود و خورشید قابل رؤیت نبود، و در حدیثی الحمیری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که: آسمان در هنگام قتل امام حسین علیه السلام سرخ فام شد و این به منزل گریه آسمان است.

حمره تا قبل از قتل امام حسین علیه السلام در آسمان مشاهده نشده بود

ابن حجر در کتاب «صواعقه» از الثعلبی و او از ابن سیرین نقل می‌کند که:

«حمره که در هنگامه شفق دیده می‌شود قبل از قتل امام حسین علیه السلام در آسمان نمودار نبود» ابن سیرین در اخباری متواتر حکایت می‌کند که:

چون امام حسین علیه السلام به شهادت رسید دنیا سه روز تیر و تار شد و سپس این حمره در آسمان پدیدار شد.

شیخ مفید در کتاب «الاشاره» از قول یوسف بن عبده می نویسد: ابن سیرین نقل می کند که این حمره در آسمان بعد از قتل حسین علیه السلام نمودار شد.

صاحب بحار در توضیح این روایات می گوید شاید مراد از این روایات حاکی از آن باشد که شدت سرخی بعد از آن زیاد تر شده است - نه اینکه اصلا نبوده است -

نویسنده می گوید: حمره مشرقیه و مغربیه که در آسمان در هنگام شفق و فلق دیده می شود پدیده ای است که در اثر انحطاط خورشید در آسمان نمودار می شود، و آنچه از روایات بر می آید که سرخ فامی خاصی متفاوت از حمره مشرقیه در آسمان نمودار بوده که تا قبل از شهادت امام حسین علیه السلام نبوده است و این با آن حمره مشرقیه یکسان نیست.

ابن شهر آشوب در کتاب «المناقب» از حماد بن زید و او از هشام بن محمد روایت می کند که این حمره ای که در افق دیده می شود از بعد از قتل حسین علیه السلام در آسمان نمودار شد، ابن شهر آشوب و ابو عیسی الترمذی هم همین را روایت می کنند.

سید بن طاووس در کتاب «الطرائف» از الثعلبی در تفسیر آیه «ما یلت علیهم السماء والارض» می نویسد: حمره ای که با شفق دیده می شود قبل قتل امام حسین علیه السلام نبوده است.

ابن قرمزی که در آسمان مشاهده می شود تا قبل از قتل حسین علیه السلام در آسمان نمودار نبوده است و بن جوزی می نویسد و حکمتش این است چنانچه وقتی کسی غضبناک می شود چهره اش بر افروخته و سرخ فام می شود و آثار غضب در چهره اش نمودار است پس خدا برای نشان دادن شدت غضبش از قتل امام حسین علیه السلام و اظهار بزرگی آن جنایت، سرخی خاص را بر افق چیره کرد. قطعا مصیبت شهادت حضرت حسین برای پیامبرش هم بسیار عظیم است و چگونه نباشد که در سیره حضرت است که در مصیبت عباس در روز بدر خواب از چشمان مبارکش ربوده شد و چگونه خواهد بود حال ایشان که بعد از اسلام آوردن وحشی به او گفت جلوی چشم من حاضر نشو چون دوست ندارم کسی که محبوب من را کشته جلوی من باشد حالا چگونه تحمل کند کسی را که حسین را سر بریده و امر به قتلش داده و اهل و عیالش را به اسارت برده است.

ابن حجر از ابن الجوزی حکایت می کند که سبط ابن جوزی حنفی در کتاب «تذکره الخواص» روایت می کند از جدش تحت عنوان «ذکر الحمرة التي ظهرت

فی السماء و ما یخلق بها» که ابن سعد در کتاب «الطبقات» گفته است: «این حمزه در آسمان قبل از قتل حسین علیه السلام به چشم نمی خورد، پدر بزرگم ابوالفرج در کتاب «التبصره» می نویسد:

کسی که غضبناک می شود، این غضب از طریق سرخ شدن چهره اش نمودار می شود، پس خداوند سبحان که جسم نیست برای نشان دادن غضبش و بزرگی جنایت قتل حسین علیه السلام تقدیر کرده که آسمان به رخ سرخ فام در بیاید.

روز قتل سید الشهداء گیاه ورس واسپرک-کنجد وشاهدانه- به خاکسترو زعفران به آتش مبدل شد و همچنین گوشت های شیرین دام ها، تلخ و فلز طلا به مس و کرم های زیبا کننده پوست موجب پیسی می شدند
ابن حجر در کتاب «صواعقه» می نویسد:

در هنگامه کشته شدن حضرت حسین علیه السلام آیاتی به وقوع پیوست از آن جمله ابوالشیخ می نویسد: بذره های ورس و اسپرک -کنجد- به خاکستر مبدل شد و این در کاروانی دیده شد که از سوی یمن به سوی عراق در هنگام شهادت در حرکت بود (در کتاب صواعق) و ابن عینیّه از مادر بزرگش حکایت می کند که داستان خاکستر شدن اسپرک ها-کنجدها- را شنیده است. و در میان لشکریان -اموی شتری- از کاروان امام حسین علیه السلام - را نحر کردند در حالی که از گوشت آن آتش زبانه کشید و وقتی آن را طبخ کردند گوشتی بغایت تلخ داشت.

و در کتاب «خطط المقریزی» نوشته شده است (جلد دوم ص ۲۸۹): کسی به زعفرانش دست نمی زد مگر اینکه دستش می سوخت، و چون لشکریان شتری را از کاروان حسین علیه السلام به غارت بردند چون او را نحر کردند و می خواستند بخورند آنقدر گوشتش تلخ بود که کسی نتوانست آن را بخورد.

سبط بن حوزی حنفی در کتاب «تذکره الخواص» می نویسد: که روایت شده از ابی الوصین و او از مروان بن الوصین که می گوید: شتری را که سر حضرت حسین علیه السلام و یارانش را حمل می کرد نحر کردند از تلخی کسی نتوانست گوشت آن را بخورد و از صبر زرد تلخ تر بود.

در کتاب «لواعج الاشجان» اشاره شد که عبارتی بدین مضمون نقل شده: گوشت شتری که با کاروان امام حسین علیه السلام بود از صبر زرد تلخ تر بود و چون

گوشت آن را در سینی قرار دادند از آن آتش زبانه کشید و خوراکی که به غارت برده بودند در خانه هایشان به خون مبدل شد.

و مشایخ می نویسند که می گویند که:

شمر بن ذی الجوشن از کاروان امام حسین علیه السلام مقداری طلا به یغما برد و آن ها را به دخترش داد تا از آنها، جواهرات درست کند و چون آن طلاها داخل آتش شد تبدیل به مس گردید و عده ای گفتند تبدیل به آتش شد.

در کتاب «العقد الفرید» جلد دوم در باب مقتل الحسین علیه السلام آمده است که: ابی عبدالوهاب از یسار بن عبدالحکیم روایت می کند: عطراهی که از کاروان امام حسین علیه السلام به غارت برده شد برای زنی استعمال نشد مگر آنکه به مرض برص و پیسی گرفتار شد.

روز قتل حسین علیه السلام از زمین خون فوران می زد و هیچ سنگی برداشته نمی شد مگر آنکه از زیر آن خون تازه جاری می شد

ابن حجر در کتاب «صواعقه» در ذیل عنوان «آنچه در روز قتلش - حسین علیه السلام - آشکار شد» می نویسد:

از جمله آیاتی که در آن روز اتفاق افتاد این بود که هیچ سنگی را بلند نمی کردی مگر آنکه از زیر آن خون تازه جاری می شد و حکایت می کند از ابن عیینیه از مادر بزرگش که گفته بود در شام هیچ سنگی را بلند نمی کردیم مگر آنکه از زیر آن خون تازه سیلان پیدا می کرد.

و در روایتی دیگر آمده است که چون سر حسین بن علی علیه السلام را به دار الاماره نزد ابن زیاد آوردند، از دیواره های قصر خون تراوش می شد و هیچ سنگی در شام یا دنیا جا به جا نمی شد مگر آنکه خون تازه از زیر او جریان پیدا می کرد.

چنین واقعه ای در هنگام شهادت امام علی علیه السلام هم اتفاق افتاد چنانچه بیهقی از الزهری حکایت می کند که او وارد شام شد و خواست که عبدالملک را ببیند تا به او خبر دهد که در روزی که علی علیه السلام به شهادت رسید در بیت المقدس سنگی را بر نمی داشتی مگر اینکه از زیر آن خون تازه جریان پیدا می کرد پس عبدالملک به من گفت این مسئله را تا وقتی زنده است با کسی در میان نگذارد و ابن حجر حکایت می کند که غیر از عبدالملک کسان دیگر هم بدان شهادت دادند و ابن حجر اشاره می کند چنین روایتی از بیهقی هم در هنگام شهادت حضرت حسین

علیه السلام آمده است و این واقعه در زمان شهادت هر دوی آنها صورت پذیرفته باشد.

در کتاب خطط المقریزی از الزهری روایت می‌کند که او می‌گوید روز قتل حسین علیه السلام در بیت المقدس سنگی را بر نمی‌داشتیم مگر آنکه خون تازه از زیر او جریان پیدا می‌کرد.

مؤلف می‌گوید:

این مهم‌ترین دلیل درستی قول امام علی علیه السلام است که فرمودند: تبکی علیهم السماء والارض یعنی الحسین واهل بینه، اما نهی عبدالملک به زهری در باره عدم انتشار این خبر الا بعد از مرگش همان گونه که ابن حجر بدان اشاره می‌کند به علت آن بوده که بنی امیه در جهت پنهان کردن فضائل اهل البيت علیهم السلام بودند چرا که می‌ترسیدند که دل‌های مردم متوجه آنها شود.

در کتاب «العقد الفرید» از همین الزهری با دو سند نقل شده است که:

«با قتیبه به دربار عبدالملک بن مروان امیر المؤمنین وارد شدیم، در حالی که او بر تختی در ایوانی نشسته بود و عده‌ای از خدمتگزاران پیرامون او را فرا گرفته بودند و اگر می‌خواستی چیزی را به عرض برسانی می‌بایست، به یکی از خدمتگزاران نزدیک می‌شدی و می‌گفتی او به دیگری می‌گفت و او به دیگری تا آنکه به عبدالملک برسد، من به یکی از خدمتگزاران گفتم به عرض برسانید می‌خواهد بداند در هنگامه قتل حسین علیه السلام در بیت المقدس چه چیزی را دیدم، خدمتگزار با چند واسطه این سخن من را به گوش عبدالملک رسانید، عبدالملک اجازه داد داخل شویم، پس از میان انبوه خدمتگزاران به نزد عبدالملک رفتم، به من سلام کرد و گفت شما چه کسی هستی؟

گفتم: من محمد بن مسلم بن عبیدالله بن شهاب الزهری هستم او از روی نسب من را شناخت، پس عبدالملک گفت خوب سخنت چیست؟

گفتم من در هنگامه شهادت حسین بن علی در بیت المقدس بودم عبدالملک گفت یعنی شبی که فردای آن روز امام حسین کشته شده گفتم: بلی، گفتم در شبی که فردای آن علی بن ابی طالب و حسین بن علی به شهادت رسیدند هیچ سنگی برداشته نمی‌شد مگر آنکه از زیر آن خون تازه جریان می‌یافت عبدالملک گفت:

درست می‌گویی من قریب به همین حدیث را قبلاً شنیده بودم.

ابن قولویه در کتاب «کامل الزیاره» با اسنادی از زهری نقل می‌کند که چون حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید سنگی از بیت المقدس از زمین برداشته نمی‌شد مگر اینکه آثاری از خون تازه در زیر او هویدا بود.

و در کتاب مذکور با اسنادی از یکی از مردمان «بیت المقدس» روایت می‌کند که ما اهالی «بیت المقدس» و اطراف آن متوجه شهادت حسین علیه السلام شدیم، گفتیم: چگونه ممکن است؟ گفت: در آن ایام هیچ سنگ یا صخره‌ای را حرکت نمی‌دادیم مگر اثری از خون تازه زیر آن مشاهده می‌شد و آسمان چون خون سرخ فام بود و سه روز باران خون بر ما باریدن گرفت و شب‌ها می‌شنیدیم که منادی ندا سر می‌داد:

چگونه امتی که حسین را به قتل رساندند

امید شفاعت جدش در روز حساب دارند

معاذ الله لا نلثم یقینا شفاعة احمد و ابی تراب
فتلثم خیر من ركب المطایا و خیر الشیب طلا و الشیاب

و به مدت سه روز خورشید مکدر شد تا آنکه آن کدوی رفع شد، از فردای قتل حسین گویا تمام اشیاء عالم می‌گفتند: یا حسین علیه السلام.

تبدیل خاک و شن و ماسه به خون در شهادت امام حسین علیه السلام

در کتاب «الصواعق الحرقه» ابن حجر در حدیث سی‌ام از فصل سوم صفحه ۱۱۸ طبع عام ۱۳۰۷ قمری، بعد از ذکر حدیث داخل شدن امام حسین علیه السلام بر جدش در خانه ام سلمه در هنگامی که حضرت در حضور جبرائیل یا ملک باران بود و ضمن خبر دادن ایشان به قتل امام حسین و دادن مشتی از خاک قتلگاه شریفش، آمده است که این خاک به ام سلمه داده شد و ام سلمه آن را در شیشه‌ای قرار داد و می‌گفت روزی که این خاک به خون تبدیل شود روز بزرگی است و ام سلمه می‌گوید در شب قتل امام حسین علیه السلام شنیدیم که منادی می‌گفت:

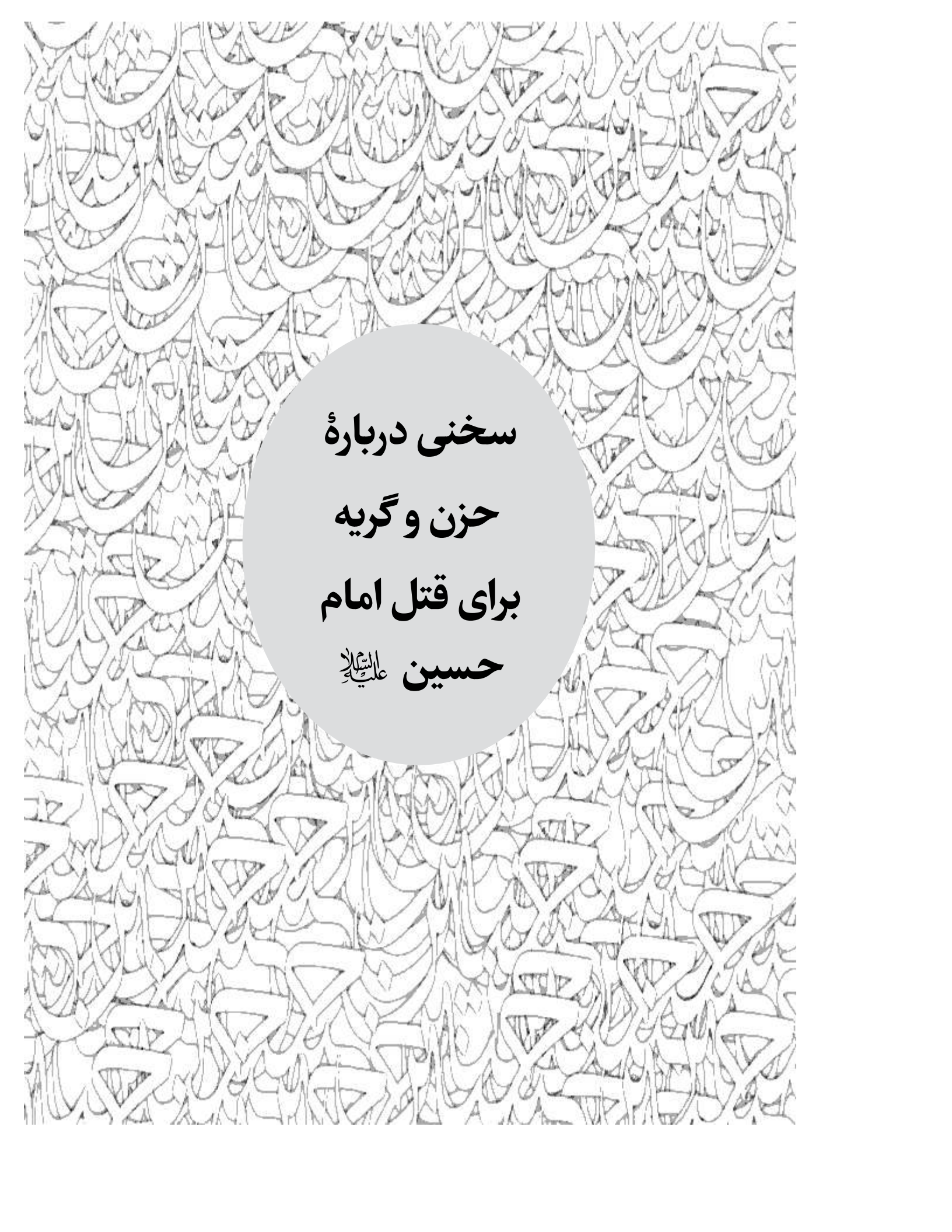
ایها القاتلون ظلما حسینا ابشروا بالعذاب و التذلیل

قد لعنتم علی لسان ابن داوود و موسی و حامل الانجیل

پس ام سلمه گفت به گریه افتادم و درب شیشه را باز کردم و دیدم که خاک به خون تبدیل شده و خون جاری است.

در تاریخ طبری با اسنادی از حمید بن مسلم روایت می‌کند که به عیب‌الله بن زیاد وقتی که سر مقدس امام حسین علیه السلام جلویش بود واردشدم و دیدم که عیب‌الله بن زیاد با چوب نی بر دندان‌های حضرت ضربه می‌زند، زید بن ارقم در آن حال بلند شد و گفت بر لب‌ها و دندان‌هایی چوب می‌زنی که روزگاری رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن‌ها بوسه می‌زد، پس از آن شیخ شروع به گریه کرد، پس عیب‌الله خشمگین شد و گفت، اگر پیرو و فرتوت نبودی آنچنان بر گردنت می‌زدم تا چشمانت از حدقه به بیرون می‌ریخت.

پس شیخ بلند شد و گفت: ای جماعت عرب پسر فاطمه (س) را کشتید و امر پسر مرجانه را اطاعت نمودید بدانید که او کسی است که بزرگان شما را می‌کشد و اشرارشان را بر شما مسلط می‌کند و شما به ذلت رضایت دادید ...



سخنی دربارهٔ
حزن و گریه
برای قتل امام
حسین علیه السلام

عاشقان

گریه حالتی روانی و طبیعی در انسان است که در اثر رقت قلب و شکستگی دل و حزن در انسان پدید می آید، مسئله ای ارادی نیست که بتوان بر آن تکلیفی را حمل نمود، کسانی که مصیبت وارده بر امام حسین علیه السلام را می شنوند، قلبشان متأثر شده و از دیدگان نشان اشک سرازیر می شود، چرا که محبت حسین علیه السلام و اهل بیت آن چنان با گوشت و خون دوستدارانشان اجین و آمیخته شده به نحوی که دشمن آن ها را دشمن خود و دوست آنان را دوست خود می دانند و این در راستای انجام وصیت نبی مکرم اسلام و در راستای قول قرآن کریم است که دوستی اهل بیت اجر رسالت حضرت نبوی است. و آن یکی از ثقلین است که رسول اکرم بدان سفارش نموده و مثل آن ها را چون کشتی نوح می داند که هر آن کس بدان سوار شد نجات یافته و یا چون ستارگان آسمان که امان برای اهل آسمان ها هستند امان اهل زمین می داند، به غیر از این در اخبار متواتری بین همه مسلمین در خصوص مسئله حزن و گریه برای امام حسین علیه السلام آمده که بدان اشاره خواهیم کرد.

از این فاجعه عظیم، خدای متعال به غضب آمد

از جمله ادله ای که می توان بدان جهت جواز گریه بر امام حسین علیه السلام استعانت

جست، ظهور غضب خدای متعال است که در نمودهای مختلف در طبیعت خود را نشان داد، نظیر تیره و تار شدن آسمان و سرخ فام شدن آن به مدت سه روز و ریزش باران‌هایی از خون و خاک سرخ گون، تار شدن خورشید به حدی که ستارگان در روز قابل رؤیت بودند و سرخ فام شدن خورشید، بر خورد بعضی از اجرام فلکی شهابها- در آسمان، جوشش خون از زمین و تحول خاک به خون و سیلان خون از درختان و دگرگون شدن اسپرک کنجد- و تلخ شدن گوشت و تمام این‌ها حاکی از بروز حادثه‌ای عظیم در عالم بود. ابن نباته در کتاب «خطبه المشهور الذی وضعه ليقراً علی منابر الاسلام» خطبه‌ای را ذکر می‌کند که در روز دوم محرم خوانده شده بدین مضمون:

ای مردم ماهی در آن واقع هستید که در آن ماه حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید که در فخر و مرتبه هیچ کس به گرد پای وی نمی‌رسد، حسین در این ماه در سرزمین کربلا به شهادت رسید که خدا کرب و بلاى ابدی را به قاتلینش بفرستد. حسین کسی است که در قتلش آسمان و زمین به گریه افتادند و از آسمان خون باریده و افلاک تیر و تار شدند و تا سه شبانه روز انقلابی در افلاک مشاهده می‌شد که گویی قیامت رسیده است، و چگونه حال و اوضاع جهان بر هم نخورد چرا که حسین بن علی (علی السلام) پسر سیده فاطمه زهراء و سبط اشرف اولاد عالم بود.

حضرت نبی اکرم به حدی او را دوست می‌داشت که زینت دوش او بود چگونه ببیند نبی صلی الله علیه و آله که او با لب تشنه در میان دو نهر آب قرار گرفته و اطفالش گرداگرد او را گرفته‌اند و از عطش گریه و فریاد می‌کنند پس برای این سبط شهید متأثر و اندوهناک و حزین باشید و از خدا پروا داشته باشید که در حدیث آمده که در روز محشر ندا می‌رسد که الا یا اهل المحشر چشمانتان را ببندید که فاطمه زهراء (س) وارد صحرای محشر می‌شوند، پس فاطمه زهرا علیها السلام وارد محشر شده در حالی که لباسی آغشته به خون حسین علیه السلام را بدست گرفته، و پس اذن می‌دهد که اهل محشر چشمانشان را بکشایند، می‌بینند که پیراهن خونین حسین علیه السلام به ساق عرش متصل شده و حضرت فاطمه (س) ندا سر می‌دهد که ای خدای جبار و عادل بین من و قاتل پسر حسین علیه السلام داوری کن، پس خدای متعال داوری می‌کند، پس فاطمه سلام الله علیها می‌فرماید:

«اللهم شفعی فیمن بکی علی مصیبتی»

بار الها! من را شفیع قرار بده بر کسی که بر مصیبت من اشک ریخته است و خدا شفاعت وی را قبول می‌فرماید.

و پیامبر ﷺ می‌فرماید:

که جبرئیل به من از قتل حسین علیه السلام در کنار فرات خبر داده و از گفت اهل بیتم رادوست داشته باشید پس به سوی حسن و حسین متوجه شوید چنانکه او فرمود.

در تاریخ ابن الاثیر آمده است که ابن عباس نبی اکرم صلی الله علیه و آله را در شبی که حسین علیه السلام به شهادت رسید در رویا دید که حضرت، شیشه‌ای از خون بدست دارند از ایشان پرسید: که این چیست؟

فرموده بودند این خون حضرت حسین علیه السلام و یارانش است که عرش الهی برده می‌شود، چون صبح ابن عباس آمد گفت:

ای مردم! بدانید که حسین کشته شده است و رویای خود را اظهار کرد بعدها فهمیدم که در آن روز حضرت به شهادت رسیده است.

ابن شهر آشوب در کتاب «المناقب» از جامع ترمذی و کتاب «السری» و «فضائل السمعی» از ام سلمه روایت می‌کند که:

شبی رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که خاک بر سر روی مبارکش پاشیده بود، پرسیدم چه شده یا رسول الله؟ گفت: وای حسین علیه السلام کشته شد.

مؤلف می‌گوید:

شیعیان هم مضمون به این روایت را دارند شیخ صدوق در کتاب «الامالی» با اسنادی از ام سلمه روایت می‌کند:

می‌گوید روزی به منزل ام سلمه وارد شدم دیدم خانم نشسته و گریه می‌کند، گفت دیشب رسول خدا را در خواب دیدم که سروریش موها و محاسنش خاک آلود بود، گفتم چرا خاک آلود هستید؟ فرمودند: وای حسین کشته شد.

و شیخ مفید در کتاب «المجالس» و شیخ طوسی در کتاب «الامالی» از امام جعفر صادق علیه‌السلام با اسنادی روایت می‌کنند که: در بامدادی دیدند که ام سلمه گریه می‌کند؟ بدو گفتند چه شده گفت: فرزندم حسین علیه السلام را کشتند، دیشب پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که خاک آلود بود پرسیدم چرا خاک آلودید فرمودند: دیشب قبر حسین و یارانش را حفر می‌کردم.

شیخ طوسی در کتاب «الامالی» با اسنادی از عمر بن ثابت از پدرش ابی المقداد و او از ابی جبیر از ابن عباس روایت می‌کند: روزی از خانه ام صدای زجه و

ناله و شیون از خانه ام سلمه به گوش رسید پس به سرعت از خانه بیرون آمدم و به جانب خانه ام سلمه رفتم، دیدم اجتماعی از زن و مرد در آنجا قبل از من حضور یافته‌اند پس به داخل بیت شدم، گفتم چه شده؟ چرا ناله می‌زنی؟ ام سلمه جواب نداد رو به جانب مخدرات هاشمی نسب کرد و گفت: ای دختران عبدالمطلب! مرا در گریه و رثای سیدتان، سید جوانان اهل بهشت یاری کنید، وای! به خدا قسم که سبط ریحانه رسول خدا را کشتند، گفتم: ای مادر کجا این مسئله اتفاق افتاده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که خیلی پریشان بود، گفتم از چه این گونه‌اید؟ فرمود: داشتم حسین علیه السلام و یارانشرا دفن می‌کردم، و اکنون از دفن آن‌ها فارغ شدم گفت: بعد از آنکه بیدار شدم رفتم به خانه و شیشه‌ای که در آن تربت امام حسین علیه السلام را نگه داری می‌کردم دیدم، این تربت را جبرئیل آورده بود و به پیامبر داده بود و گفته بود در روزی که دیدی این خاک در درون شیشه به خون تبدیل شد حسین کشته شده است، و من الان به داخل این شیشه نگاه کردم دیدم که به خون تازه تبدیل شده است پس ام سلمه از آن خون بر گرفت و بر صورت خود مالید و آن روز، روز ماتم و سوگواری حسین علیه السلام بود چون مخبران، خبر شهادت حضرت را آوردند متوجه شدیم در همان روز مذکور حضرت را به شهادت رسانیده‌اند.

بر علی بن جعفر محمدبن علی وارد شدم و درباره این روایت از او سوال کردم و او گفت که این روایت را سعید بن جبیر از عبدالله بن عباس نقل کرده است و ابو جعفر از عمرو ابن ابی سلمه از ام سلمه نقل نموده است.

جواز گریه و ندبه

بر حسین بن علی

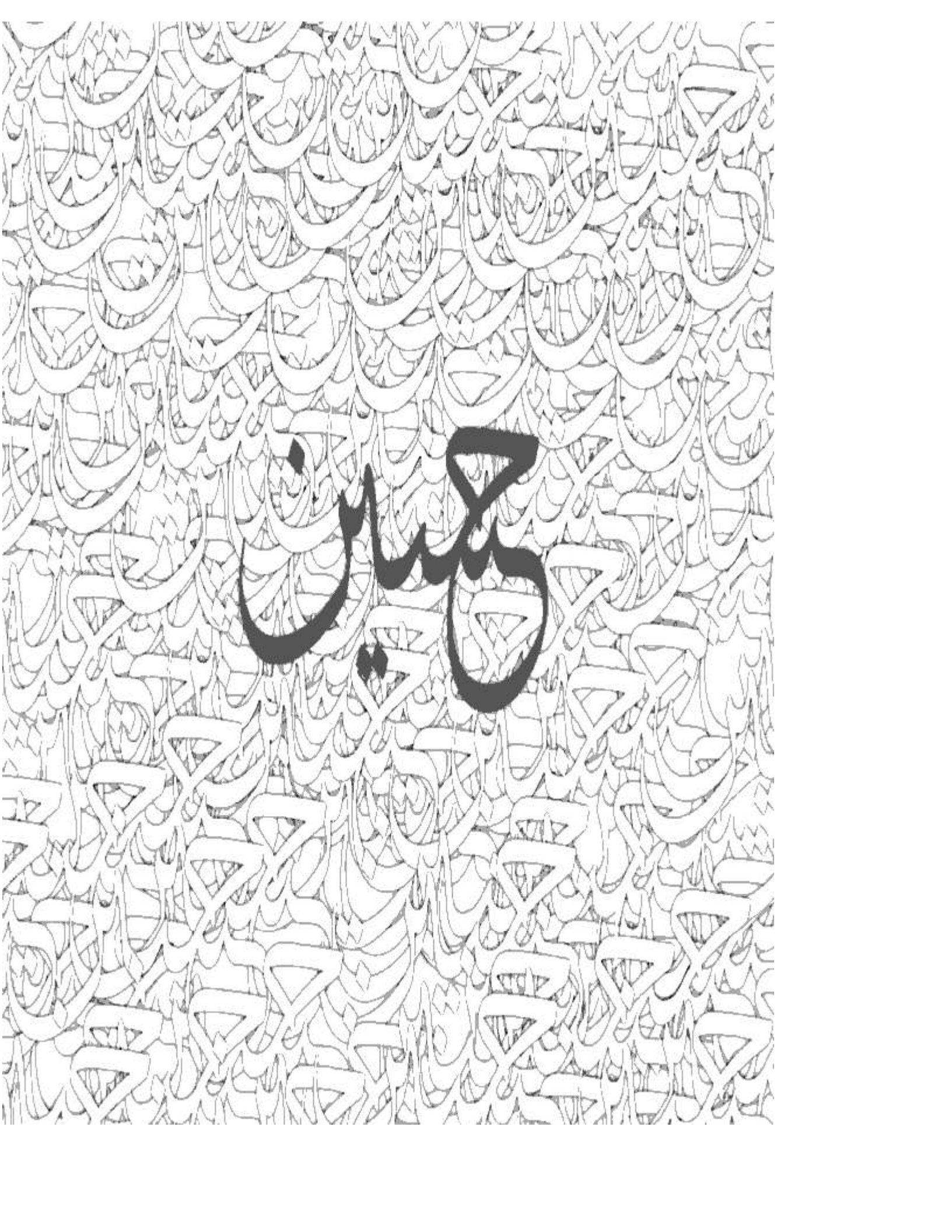
علیه السلام

طبق آنچه از سنت

نبی اکرم

صلی الله
علیه و آله

بدست می آید



عاشقان

در کتاب «سنن» حافظ محمد بن یزید بن ماجه القزوینی در قسمت دوم در باب خروج مهدی صفحه ۲۶۹ نوشته شده است که:

ما نزد رسول اکرم بودیم که فوجی از جوانان بنی هاشم از مقابل ما رد شدند، در این اثنا دیدم که رقت قلبی بر پیامبر صلی الله علیه و آله عارض شد و اشک از دیدگان مبارکشان جاری شد، پرسیدم: ای رسول خدا چه شد که چهره تان دگرگون شد؟ فرمودند: ما اهل بیت را خداوند برایمان آخرت را بر دنیا مقدم داشته است و بعد از من بلاء و محنت زیادی بر آن‌ها وارد خواهد آمد.

و این را السنندی در کتاب «الحاشیه» به نقل از حاکم در المستدرک از طریق عمر بن قیس از الحکم بن ابراهیم آورده است.

مؤلف می‌گوید: شکی نیست که آنچه بر حسین علیه السلام وارد آمد اعظم بلایا و مصیبت‌ها بود و آنچه پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله ذکر می‌کند، بالاترین آن‌ها همین مصیبت وارده بر امام حسین علیه السلام است که سید رضی در آن مورد می‌گوید:

لو رسول الله یحیی عبده قعد الیوم علیه للعزاء
یا رسول الله لو عاینتمهم و هم ما بین قتل وسبا
لأت عناک منهم منتظرا للشی شجوا و للعین قذا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز احد بر عمومی خود حمزه گریست و دیگران را امر به گریستن بر حمزه نمود

ابن عبدالبر در کتاب «الاستیعاب» در قسمت حمزه با اسنادی از جابر بن عبدالله روایت می‌کند که:

چون نبی اکرم صلی الله علیه و آله حمزه را کشته دیدند گریه‌ای کردند که مثل آن از ایشان ندیده بودم.

در کتاب سیره الحلبیه، جزء دوم، صفحه ۲۶۰، طبع ۱۳۲۰ از ابن مسعود روایت شده است که:

"ما هیچگاه حضرت رسول را گریان به حد شهادت حمزه ندیدم ایشان وی را به سوی قبله قرار داد و در کنار جنازه آمد با صدای بلند به گریه پرداخت تا جایی که نزدیک به غش کردن رسید و می‌گفت: ای عمومی رسول الله! ای اسد الله! و اسد الرسول الله!، یا حمزه!، ای سرآمده صالحان! یا حمزه! یا کاشف للکربات! یا ذاب و یا مانع عن وجه رسول الله!.

و در تاریخ محمد بن جریر طبری جزء سوم صفحه ۲۷ با اسنادی از اشیاخ از بنی سلمه آمده است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار محله انصار از قبایل بنی عبدالاشهل، بنی ظفر عبور می‌کردند که شنیدند که زنان انصار برای شهیدایشان نوحه سرایی و گریه می‌کنند در آن حال حضرت رسول صلی الله علیه و آله متأثر شدند و گفتند که حمزه گریه کننده‌ای ندارد، پس سعد بن معاذ و اسید بن خضیر به محله بنی عبدالاشهل رفتند و به زنان گفتند که برای عم رسول خدا هم گریه نمایند.

و ابن الاثیر در کتاب تاریخش می‌نویسد: احمد بن حنبل در مسندش از نافع بن عمر روایت می‌کند: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ احد باز می‌گشتند صدای شیون زنان انصار در مصیبت همسرانشان را شنیدند پس حضرت فرمودند: اما عم من حمزه گریه کنی ندارد، چون این خبر بدان‌ها رسید گفتند ما امروز برای حمزه گریه و عزاداری می‌کنیم.

و ابن عبدالبرقی در کتاب استیعاب قسمت حمزه روایت می‌کند که: زنان انصار بر میت خود گریه نمی‌کنند بعد از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمودند: حمزه گریه کنی ندارد تا به امروز مگر آنکه اول بر حمزه گریه کنند بعد بر میت خود شیون نمایند.

و در جزء دوم از کتاب «العقد الفرید» در زمینه گریه بر میت آمده است که:

بعد از آنکه مردم مدینه این سخن پیامبر را که فرمود: که در آن روز حمزه گریه کنی ندارد، بر میت خود گریه نمی‌کنند مگر آنکه ابتدا برای حمزه عزاداری و گریه می‌نمایند.

در کتاب سیره الحلبیه آمده است که: رسول خدا ﷺ گریه زنان انصار را بر شوهران، پسران و برادرانشان شنیدند و فرمودند: حمزه گریه کنی ندارد چرا که در این شهر غریب است و در مدینه زن و فرزندی ندارد، پس از آن سعد بن معاذ به زنان خاندانش و زنانش گفت که بین نماز مغرب و عشا به منزل پیامبر ﷺ بروید و در آنجا برای حمزه عزاداری کنید، و اسید بن خضیر نیز چنین عمل کرد پس وقتی حضرت رسول برای نماز تشریف بردند در هنگام بازگشت صدای شیون و ناله‌ای را از منزلشان شنیدند فرمودند موضوع چیست؟ گفتند: زنان انصار هستند که آمده‌اند و در منزل شما و برای حمزه عزاداری می‌کنند، حضرت فرمودند: خدا از آن‌ها و فرزندانشان راضی باشد و فرمودند: که به منزل‌هایشان مراجعت کنند.

و در روایت دیگری آمده است که چون ندای بلال بعد از آنکه یک سوم شب گذشته بود برای اذان بلند شد حضرت از خواب بیدار شدند و برای نماز مراجعت کردند، دیدند که بر در مسجد زنان انصار اجتماع کرده و برای حمزه عزاداری و گریه می‌کنند، حضرت فرمودند: که خدا رحمتتان کند و اجازه مراجعت دادند و فرمودند: رحم الله الانصار چرا که آن‌ها همواره ایثار و مواسات می‌کنند چنانچه از قدیم بدین صفت مزین بودند و از آن به بعد هیچ زنی از زنان انصار بر مردگانش گریه نمی‌کند مگر آنکه قبل از آن برای حمزه عزاداری کرده باشد و گفته می‌شود شاید مراد از عزاداری و گریه، نوحه سرایی باشد.

واقعی می‌نویسد که: روایت شده چون صفیه روز احد به همراه انصار نزد رسول خدا. برای دیدن پیکر حمزه. آمد حضرت ایشان را دعوت به نشستن کنارش کرد و چون صفیه گریه می‌کرد، حضرت هم گریه می‌کرد، و چون صدایش بلند می‌شد صدای حضرت هم بلند می‌شد و همچنین حضرت فاطمه زهراء علیها السلام چون گریه می‌کرد حضرت هم گریه می‌کند.

این احادیث دلالت بر آن دارد که حضرت رسول ﷺ گریه حتی با صدای بلند را جایز می‌شمردند چنانچه در احادیث ذکر شد که زنان انصار با صدای بلند گریه می‌کردند که نظر حضرت را جلب کرد و ایشان فرمودند، که حضرت حمزه گریه کنی ندارد، چنانچه گفته شد، که زنان انصار بعد از آن سنت‌شان این شد که قبل از گریه بر اموات خودشان ابتدا بر حضرت حمزه گریه می‌کردند و این مدت‌ها هم

ادامه داشت و دستوری بر نهی آن‌ها از این کار حتی در اصحاب و تابعین هم دیده نمی‌شود و این دلالت بر جواز تباکی حتی بعد از گذر سنین و اعصار می‌باشد.

ابن عبدالبر در کتاب استیعاب در قسمت حمزه از حضرت رسول ﷺ روایت می‌کند: از حضرت رسول اکرم ﷺ روایت شده که می‌فرماید حضرت حمزه سید الشهداء است و در روایت دیگر خیر الشهداء خوانده شده است و اگر صفیه اجازه می‌داد، او را دفن نمی‌کردم تا آنکه از بطون درندگان و پرندگان محشور شود و در کتاب «الاستیعاب» از کثیر بن زید از مطلب بن حنطب روایت شده که گفته هیچ کس مثل حمزه به شهادت نرسید در حالی که هند کبد او را بیرون آورده بود و بینی و گوش‌هایش را بریده و شکمش را پاره کرده بود که چون نبی اکرم ﷺ این منظره را دید فرمود: چه بر سر حمزه آورده‌اند؟ و فرمود: که اگر بر قریش پیروز شود سی نفرشان را چون حمزه مثله خواهد نمود. و در حدیثی در استیعاب با اسنادی از ابوهریره روایت شده که گفت: رسول خدا ﷺ بر سر کشته شده حمزه ایستاد و هیچ منظره‌ای دلخراش‌تر از آن برایش نبود و فرمودند: رحمک الله که بسیار پر رحم و خیر بودی به خدا قسم اگر به آن‌ها دست پیدا کنم هفتاد نفرشان را خواهم کشت.

و در کتاب «اوائل» قسمت دوم از «العقد الفرید» از رسول خدا ﷺ روایت شده: اگر برای صفیه سخت نبود او را دفن نمی‌کردم تا آنکه از شکم پرندگان و درندگان محشور شود.

طبری در تاریخش با اسنادی از محمد بن جعفر بن زبیر از رسول خدا روایت می‌کند: زمانی که حضرت حمزه را دید، و ای کاش ندیده بود، فرمودند: اگر صفیه ناراحت نمی‌شود و بعد از من سنت جاری نمی‌شد، پیکر حمزه را دفن نمی‌کردم تا از شکم درندگان و پرندگان محشور شود و اگر بر قریش ظفر یابم خشمم فروگذار نمی‌کند تا آنکه سی یا هفتاد نفر را مثل او می‌کشتم. و شاید اول فرمودند سی نفر و سپس هفتاد نفر اضافه کردند و این نشان از عمق فاجعه و شدت مصیبت برای حضرت دارد.

اما آنچه در حدیث شایان توجه است و البته به مقصود ما از نقل آن ضروری وارد نمی‌کند این است که دفن میت واجب است و می‌توانیم این احادیث را حمل بر آن بکنیم که حضرت چیزی فرمودند که وجه آن را ما متوجه نمی‌شویم و حتماً آنچه به مصلحت بود انجام می‌دادند والله اعلم.

و آنچه از روایت سابق که از ابوهریره نقل شد دلالت بر جواز ذکر مناقب

میت را می‌رساند و به خدا قسم که اگر نبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر آنچه بر حسین عَلَيْهِ السَّلَام گذشت می‌نگریست، قلبش جریحه‌دارتر از نگاه به پیکر حمزه می‌شد و چنانکه شاعری می‌سراید:

لوان رسول الله يبعث نظره لردت الى انسان عين مؤرن
وهان عليه يوم حمزه عمه بيوم حسين و هو اعظم مالقي
ونال شعى من زينب لم ينله من صفيه اذ جاءت بدمع مرقوق
فكم بين من للخدر عادت مصونه و من سيروها فى السبايالجل

گریه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر پسر عمویش جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه و گریه و عزاداری حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَام بر عمویش جعفر در حضور پدرش و احسان کردن پیامبر به ایشان

ابن عبدالبر در قسمت زید بن حارثه از کتاب «الاستيعاب» روایت می‌کند که چون خبر شهادت جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه به حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید، ایشان گریه کردند و فرمودند:

ای برادران من! وای مونس‌ها و هم صحبت‌های من!

بخاری در کتاب صحیحش در قسمت «الجنائز و الجهاد و علامات النبوه و مناقب خالد) از انس بن مالک روایت می‌کند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند که پرچم سپاه دست زید باشد پس شهید شد، سپس آن را به جعفر داد او هم شهید شد و سپس به عبدالله بن رواحه داد او نیز به شهادت رسید، چشمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غمناک و گریان بود از این مصائب که وارد آمده بود.

نسائی در کتاب «سنن» از انس روایت می‌کند که چون خبر شهادت زید و جعفر قبل از همه به پیامبر رسید دیده شد که بر آن‌ها غمناک شد و دیده‌اش پراشک گردید.

و در کتاب «الاستيعاب» همچنین در قسمت جعفر بن ابی طالب آمده است که چون خبر شهادت جعفر رسید همسرش اسماء بنت عمیس شروع به عزاداری برای شوهرش کرد و حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام هم وارد شد در حالی که گریه می‌کرد و می‌گفت ای عموی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! حضرت رسول اکرم فرمودند:

بر مثل جعفری می‌بایست گریه کنندگان گریه و شیون کنند.

و در این عبارت اشاره شده که فاطمه علیها السلام ندبه و گریه بر جعفر نمودند و فرمودند: یا عماه! و پیامبر در این مورد استحسان فرمودند و اشاره به قول رسول خدا که فرمودند به مثل جعفر گریه کنندگان می‌بایست گریه کنند و اوامر به گریه بر جعفر و امثال جعفر نموده است.

گریه نبی اکرم بر پسرش ابراهیم قبل و بعد از وفاتش

بخاری در صحیحش از انس بن مالک روایت می‌کند:

چون مصیبت ابراهیم بر رسول اکرم وارد شد، دیده شد که دیدگان حضرتش پر از اشک است، عبدالرحمن بن عوف پرسید: شما هم یا رسول الله؟ حضرت فرمودند: من او را دوست داشتم و این به تبع آن است.

پس فرمودند: که چشمان و قلب‌ها اندوهگین می‌شوند و چیزی بر خلاف رضای خدا به زبان جاری نمی‌شود، پس ای ابراهیم! من به فراق محزون و دل شکسته شدم

گریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر فاطمه بنت اسد مادر حضرت وصی امیرالمؤمنین علیه السلام

در کتاب منتخب «کنز العمال» در جزء اول صفحه ۲۳۲ آمده است که تاریخ ابن عساکر از علی علیه السلام روایت می‌کند: چون مادرم - فاطمه بنت اسد وفات کرد حضرت رسول صلی الله علیه و آله در لباسشان وی را کفن کردند و برپیکرش هفتاد مرتبه تکبیر گفتند و داخل قبر شریفشان شدند و با دستان مبارکشان دیوارهای آن را مرتب کرده و به آن وسعت بخشیدند و وقتی از مرقدشان بیرون آمدند چشمانشان پر از اشک بود حتی وقتی که در قبر بودند چون برگشتند عمر بن خطاب گفت: ای رسول خدا! امروز در مورد این زن چیزی از شما دیدم که تا به حال در باره کسی آن را ندیده بودم؟ حضرت فرمودند:

ای عمر!، وی بعد از مادر خودم، مادر من بود، من در امان او پرورش یافتیم، وقتی که ما را برای غذا فرا می‌خواند من را به همه فرزندانم ترجیح می‌داد

جبرئیل از خدای منان خبر آورد که او از جمله بهشتیان است و جبرئیل به من خبر داد که خدای منان امر فرمود که هفتاد هزار ملک فرود آیند و بر او نماز بخوانند.

گریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر پسر دخترش

بخاری در صحیحش می نویسد:

که اسامه بن زید روایت می کند که: دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را نزد حضرت فرستاد که پسر موات کرده است، پس رسول خدا به همراه سعد بن عباد و معاذ بن جبل و ابی بن کعب و زید بن ثابت و عده ای از مردان با رسول خدا صلی الله علیه و آله حرکت کردیم کودک را به رسول خدا دادند در حالی که نفسش رفته بود، گفتند رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که چشمانش پراز اشک شد، پس سعد به رسول خدا گفت؟ چرا اینگونه شدید؟ حضرت فرمودند: این رحمتی است که خدا در قلوب بندگانش قرار داده و خدا رحمتش از آن بندگان رحیم خواهد شد.

نسائی در کتاب سننش از اسامه بن زید روایت می کند که:

به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر رسید که پسریکی از دخترانش حال خوشی ندارد، پس رسول خدا به همراه معاذ بن جبل، ابی بن کعب و عباد بن الصامت به سوی منزل دخترش شده چون به خانه رسید، کودک را به حضرت دادند در حالی که نفسش به شماره افتاده بود و در دستان رسول اکرم صلی الله علیه و آله جان داد. و رسول خدا صلی الله علیه و آله شروع به گریه کردند، عباد بن صامت به حضرت گفت. این چه حالی است ای رسول خدا؟ حضرت فرمودند: رحم - رقت قلب - چیزی است که خدا در دل اولاد آدم قرار داده و خدا به بندگانی که - رقت قلب بیشتری دارند - دل رحم ترند رحم خواهد نمود.

مؤلف رحمته الله علیه می گوید:

این حدیث دلالت بر استحباب گریه دارند و در حسنه او همین بس که حضرت فرمودند: که حضرت رحمة الله بالرحما جمع رحیم، از صیغه مبالغه استفاده شده و دلالت بر آن دارد که هر کس که بکاء و گریه اش بیشتر لاجرم دل رحم تر است، پس بیشتر مورد رحمت خدای قرار خواهد گرفت.

گریه نبی اکرم ﷺ بر یکی از دخترانشان

بخاری در کتاب «الصحيح» جلد دوم «من ارشاد الساری» در قسمت «یدخل قبر المرأه» از انس روایت می‌کند که ما شاهد آن بودیم که هنگامی که دختر رسول اکرم ﷺ وفات کرد وی بالای سر قبرش نشست و ما دیدگان او را گریان دیدیم، و در روایت قسطلانی می‌گوید: که او ام کلثوم همسر عثمان بود.

گریه نبی اکرم ﷺ بر دختر کوچکش

نسائی در کتاب «سنن» از ابن عباس روایت می‌کند که یکی از دختران کوچک حضرت در حال احتضار بود وی را بدست حضرت دادند و او در بین دستان پیامبر دار فانی را وداع گفت، ام ایمن شروع به گریه کرد پس رسول خدا فرمودند:

ای ام ایمن! در حالی که رسول خدا پیش توست گریه می‌کنی؟ ابن ایمن جواب داد: چگونه گریه نکنم در حالی که رسول خدا هم گریه می‌کنند، السندي در «الحاشیه المراد» می‌گوید: گریه با صدای آهسته رحمت و با صدای بلند منکر است و مؤلف رحمته علیه می‌گوید:

از این حدیث گریه با صدا یا بدون صدا استنباط نمی‌شود.

بلکه گریه با صدا در صورتی که با حرامی همراه نشود نیز جایز است و شاید آنچه از قرینه بر می‌آید، حضرت می‌فرماید: که لازم به آنقدر شیون در فراغ طفل خردسال نیست والا چیز دیگری استنباط نمی‌شود، و از طرفی گریه امری طبیعی و بدون اختیار است به هر حال این حدیث دال بر جواز گریه می‌باشد.

گریه پیامبر اکرم ﷺ بر مرقد شریف مادرشان

مسلم در کتاب «الصحيح» با اسنادی از ابوهریره روایت می‌کند که:

پیامبر اکرم ﷺ قبر مادرش را زیارت کرد و در کنار آن به گریه پرداخت.

«النووی» در شرح کتاب صحیح مسلم این حدیث را از ابوداود از کتاب «السنن» با اسنادی از النسائی و ابن ماجه و اینها جملگیشان از ثقات حدیث هستند و در کتاب «اعلام الوری» با اسنادی که از شیخ امین الدین فضل بن حسن طبرسی

صاحب مجمع البیان آورده از بریده روایت می‌کند که:

با پیامبر به صورت قبری رسیدیم پیامبر کنار آن نشست و به همراه آن جمعی از مردم هم کنار قبر نشستند، حضرت مثل این که با کسی صحبت کند سرش را تکانی داد و گریه کرد، به رسول خدا فرمودند: برای چه کسی گریه می‌کنی؟

گفت این قبر آمنه بنت وهب است که از خداوند اجازه خواستم تا قبر او را زیارت کنم پس خدای سبحان به من اجازه داد پس رقت قلبی به من دست داد و اشکم جاری شد، وراوی می‌گوید: من ندیده بودم مگر آن ساعت که این همه آدم برای کسی گریه کنند.

باری، در اینجا رسول خدا ﷺ برای مادرش بعد ده ها سال که از وفات وی می‌گذشت اقامه عزاداری کرد در حالی که یاران پیامبر نیز در این مجلس حضور داشته و آنها هم گریه کردند، و مشخص نیست که چگونه عده‌ای از دشمنان، مادر حضرت را کافر می‌شمارند؟ در صورتی که رسول خدا می‌فرماید:

من از خدای منان اجازه گرفتم تا برای او استغفار کنم و چگونه خدا برای کافری اجازه استغفار می‌دهد؟ مگر آن که بگوییم که آن مخدره نه تنها کافر نبوده، بلکه مسلمان و موحد و مورد رحمت الهی بوده است.

گریه رسول خدا برای دایه خود حلیمه بنت ابی ذویب عبدالله بن الحارث السعديه

ابن کثیر در جزء اول از تاریخش در فصل «ذکر مولد رسول الله ﷺ» می‌نویسد:

چون رسول خدا ﷺ مکه را فتح کرد خواهر رضاعی آن حضرت که از حلیمه سعديه بود نزد ایشان آمد و حضرت از حلیمه از او پرسید، او خبر داد که حلیمه وفات کرده پس حضرت چشمانش پر از اشک شد و از اوضاع آن‌ها پرسید پس به آن‌ها هدایایی اعطا کرد و حاجتش را برآورده نمودند.

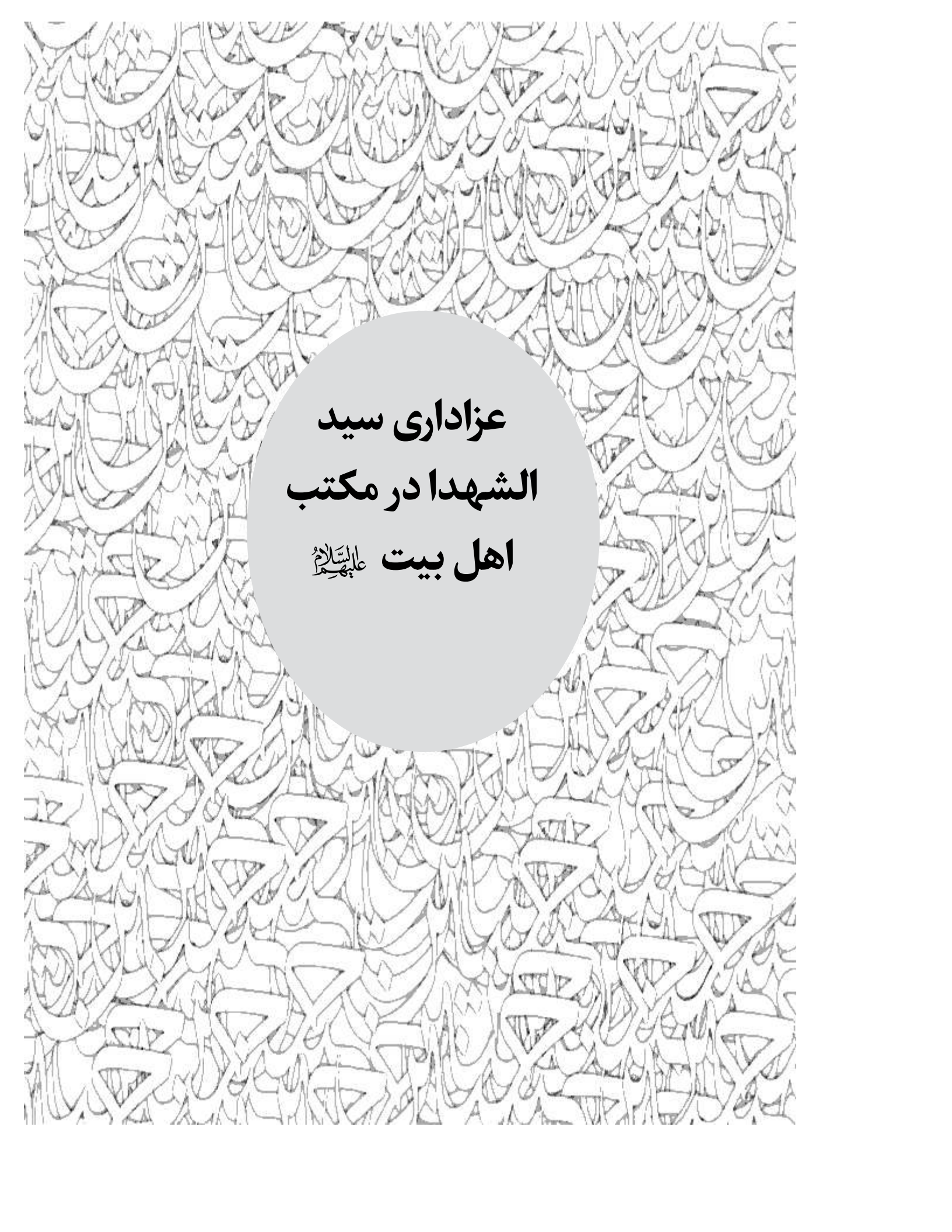
گریه پیامبر اعظم ﷺ بر عثمان بن مظعون

ابن ماجه در کتاب «السنن» در باب «ما جاء تقبل المیت» از عایشه نقل می‌کند که گفت:

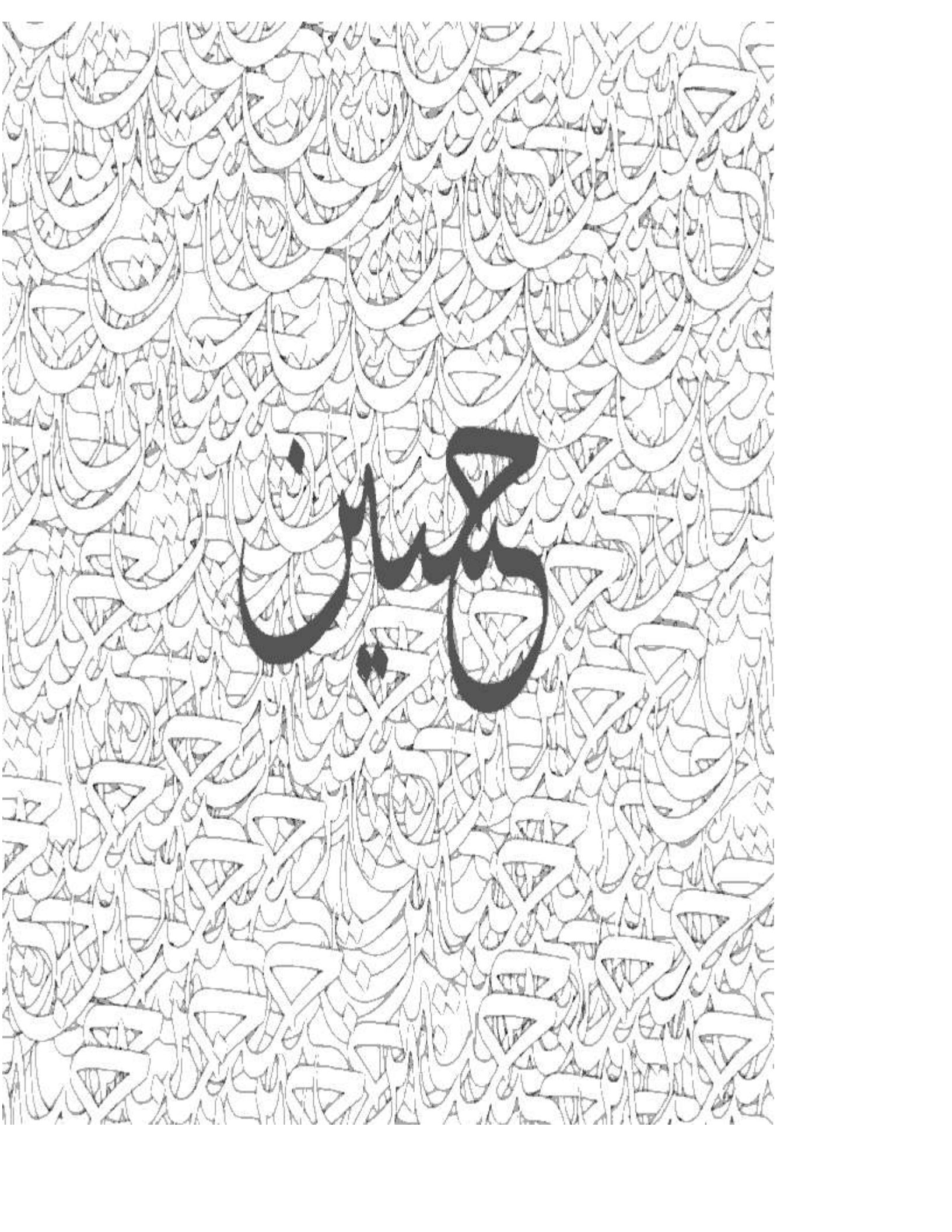
وقتی پیامبر در بالای سر پیکر عثمان به مظعون وقتی که وفات کرده بود تشریف آوردند سیل اشک از دیدگان آن حضرت و بر رویش سرازیر بود.

محمد بن عبدالهادی معروف به السندي در کتاب الحاشیه این قول را بدین گونه نقل کرده که اشک از دیدگان حضرت بر روی صورت عثمان سرازیر شد و الله التعالی اعلم

و احمد بن حنبل در همین حدیث عایشه اشاره بدان دارد که اشک بر سیمای حضرت جاری بود.



عزاداری سید
الشهدا در مکتب
اهل بیت علیهم السلام



عاشقان

و اما روایات زیادی از طریق اهل بیت علیهم السلام حاکی از عزاداری و گریه آسمان و زمین و ماه و خورشید، جن و انس و ملائکه و پرندگان و درندگان و هر چه در آسمان و زمین برای قتل حضرت سید الشهداء می باشد، و شمار این روایات از طریق ائمه و شیعیان و محبان آن ها با اسنادی صحیحه نقل شده که خوب است که به تعدادی از آن ها اشاراتی داشته باشیم.

روایاتی از طریق اهل بیت علیهم السلام که به گریه آسمان و زمین و آنچه در آن است و جمیع ما خلق الله در قتل حسین علیه السلام دلالت می کند

شیخ طوسی در کتاب «الامالی» با اسنادش از ابی عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام روایت می کند: که چون حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام به قتل رسیدند آسمان ها و زمین های هفتگانه و آنچه در آن است و آنچه میان آن ها قرار دارد بر او گریه کردند و در بهشت و دوزخ، انقلابی به پا خاست که مثل آن را کسی ندیده و نخواهد دید.

ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از جماعتی که همه آن ها می گفتند که از امام صادق علیه السلام شنیدم. چون قتل ابا عبدالله الحسین علیه السلام صورت پذیرفت تمام آسمان ها و زمین های هفت گانه و آنچه در آن است و آنچه بین آن است بر او گریستند و انقلابی در بهشت و آتش به وجود آمد که کسی ندیده و نخواهد دید.

گریه ماهی ها و پرندگان و درندگان، خورشید و ماه و ستارگان آسمان و جن و انس و ملائکه بر حسین علیه السلام از طریق اهل بیت علیهم السلام

شیخ صدوق در کتاب «الامالی» و «علل الشرایع» با اسنادی از «جبله المکیه» از

میثم تمار روایت می‌کند که گفت: به خدا قسم این امت پسر دختر پیامبرشان را در حالی که ده روز از محرم گذشته به شهادت خواهند رسانید و این روز را دشمنان خدا روز تبرک و شادی می‌دانند در حالی که این در علم خدا ثبت شده و به مولایم علی علیه السلام رسیده است و به من خبر رسیده که جمله درندگان صحرا و ماهی‌های دریاها و پرندگان آسمان و خورشید و ماه و ستارگان، آسمان و زمین و مؤمنان جن و انس و جمیع ملائکه آسمان‌ها و زمین‌ها، و بهشت و مالکانش، و نگهداران عرش بر امام گریه خواهند کرد. از آسمان باران خون و خاکستر خواهد بارید پس گفت ای «جبله» اگر دیدی که خورشید در حالی که چون خون تازه سرخ فام است طلوع کرد بدان که حسین علیه السلام کشته شده است «جبله» می‌گوید: روزی خورشید را دیدم که سرخ فام طلوع می‌کند تو گوئی که پارچه‌ای رنگین بر آن انداخته‌اند، پس به گریه افتادم و گفتم به خدا قسم که حسین بن علی علیه السلام را کشتند.

ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از ابی جعفر محمد الباقر علیه السلام روایت می‌کند که:

«انس و جن و درندگان و پرندگان بر حسین بن علی علیه السلام گریستند و اشک‌هایشان جاری شد.»

و در مسندش حارث بن الاعور آورده است که: علی علیه السلام فرمودند:

که پدر و مادر من به فدای حسین باد، روزگاری در پشت کوفه او را بشهادت خواهند رسانید و در آن وقت خواهید دید که وحوش صحرا گردن بر قبر او خواهند گذاشت و از شب تا طلوع فجر گریه و ندبه می‌کنند و زار می‌زنند، در آن روزگار است که باید منتظر ظلم و ستم باشید.

و در جای دیگر از مسندش از حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

آسمان با سرخ شدنش تا چهل شبانه روز بر حسین خون گریست، و زمین با سیاه شدنش تا چهل روز و خورشید نیز چهل روز بر حسین علیه السلام ندبه نمود.

و شیخ طوسی در کتاب «الامالی» با اسنادش از امام جعفر صادق علیه السلام و او از پدرش و او از پدرش علیهم السلام روایت می‌کند که:

روزی امام حسین علیه السلام به برادرش امام حسن علیه السلام وارد شد و چون نگاهش به حضرت مجتبی علیه السلام افتاد رقت قلبی بر حضرت عارض شد و شروع کرد به گریه

کردن، امام حسن علیه السلام فرمودند: یا ابا عبدالله! چه شده؟ چرا گریه می کنی؟ فرمود: از آنچه به شما روا خواهد شد رقت قلبی به من دست داد و گریان شدم، حضرت امام حسن علیه السلام فرمودند: آن مصیبتی که بر من وارد می شود از راه سم است که به دسیسه به من می دهند و من با آن کشته می شوم. لا یوم کیومک یا ابا عبدالله! ولی روزگاری چون روزگار تو مباد ای ابو عبدالله! سی هزار مرد بر سر تو می ریزند و مدعی اند که از امت جد ما محمد صلی الله علیه و آله هستند و پیرو دین اسلامند. آنان برای کشتن تو و ریختن خونت و پایمال کردن حرمت تو و اسیر کردن فرزندان و زنان و غارت اثاثیه ات همدل می شوند در آن وقت است که لعنت بر بنی امیه روا گردد و از آسمان خون و خاکستر می بارد و در آن وقت بر تو همه چیز حتی حیوانات بیابان و ماهی های دریاها گریان شوند»

و در کتاب «الکامل» با اسنادی از ابی جعفر محمد الباقر علیه السلام روایت شده که:

«انس و جن و پرندهگان و درندگان بر حسین بن علی گریستند به حدی که اشکان آن ها جاری شد.»

گریه آسمان و زمین بر قتل حسین علیه السلام، آن ها بر هیچ کس دیگر مگر قتل یحیی و امام حسین علیه السلام نگریستند

ابراهیم القمی در تفسیرش با اسنادی از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت می کند:

یکی از مردان که از دشمنان خدا و رسول محسوب می شد به او رسید و پرسید:

آیه «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ» (دخان: ۲۹) منظور چیست؟

در همان حال حسین بن علی علیه السلام رسید امیر المؤمنین فرمودند: بر این آسمان و زمین گریه خواهند کرد، و فرمودند:

آسمان و زمین بر کسی گریه نکرد مگر بر یحیی ابن زکریا و حسین بن علی علیه السلام

ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی روایت می کند که: از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در «الرحبه» شنیده شد که آیه «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ» (دخان: ۲۹) را تلاوت فرمودند در این حال حضرت حسین علیه السلام از یکی از درهای مسجد وارد شدند پس حضرت امیر فرمودند:

اما این کشته خواهد شد و آسمان و زمین بر او گریه خواهند کرد، و در اسنادی دیگر وارد شده است که امیر المؤمنین از داخل مسجد شدند و نشستند و به دنبال ایشان حسین علیه السلام هم تشریف آوردند و کنار حضرت نشستند، حضرت امیر دستی بر سر حضرت حسین علیه السلام کشیدند و فرمودند: ای پسر، خداوند اقوامی را از بین برد و فرمود «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»، اما وقتی تو کشته می شوی آسمان و زمین بر تو گریه خواهند کرد.

و کثیر بن شهاب الحارقی با اسنادی روایت می کند که :

ما در مجلسی در نزد امیر المؤمنین علیه السلام بودیم در «الرحبه» و حسین علیه السلام به مجلس وارد شد و حضرت بدو تبسمی نمودند و باب سخن باز شد تا آنکه امام فرمودند:

خداوند در قرآن مجید از قومی نام می برد که «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ» به خدای که دانه را شکافت و جان را آفرید این را خواهند کشت و آسمان و زمین بر او گریه می کنند و در آن کتاب یا اسنادی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که: بر قتل حسین علیه السلام آسمان و زمین گریه کردند بدین گونه که سرخ فام شدند و بر احدی الا حسین بن علی علیه السلام و یحیی بن زکریا گریه نکردند.

و در آن کتاب با اسنادی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که آسمان بر حسین بن علی و یحیی بن زکریا گریست و به غیر از این دو بر هیچ کس گریه نکرد، و گریه آن بدین گونه بود که تا چهل شبانه روز خورشید به صورت سرخ فام طلوع می کرد و به صورت سرخ فام غروب می نمود گفتم این گونه گریه می کرد، فرمودند که: بله

و باز با اسنادی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که در تفسیر آیه «فَمَا بَكَتْ» فرمودند: از زمان قتل حضرت یحیی آسمان بر کسی نگریست تا زمان قتل حسین علیه السلام که بر او گریست.

و با اسنادی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می کند که در تفسیر آیه «فَمَا بَكَتْ» فرمودند: از زمان قتل حضرت یحیی آسمان بر کسی نگریست تا زمان قتل حسین علیه السلام که بر او گریست.

و با اسنادی از ابی جعفر الباقر علیه السلام روایت شده که آسمان در بعد از حضرت یحیی بر کسی به جز حسین بن علی علیه السلام نگریست و در قتل او چهل روز گریست.

و باز با اسنادی از امام باقر روایت می‌کنند که: لم نبک السماء الا علی یحیی بن زکریا و الحسین بن علی

و در همان کتاب با اسنادی از علی بن الحسین علیهما السلام روایت شده است که: آسمان و زمین به کسی غیر از امام حسین علیه السلام و حضرت یحیی بن زکریا نگریستند.

پرسیدم: گریستنشان چگونه بود فرمودند:

باران چون بر جامه‌ای می‌نشست به مثابه آن بود که به خون ملوث شده است.

و در آن کتاب باز با اسنادی از ابی عبدالله جعفر الصادق علیه السلام روایت شده است که یک سال آسمان پس از قتل حسین بن علی سرخ فام بود و سپس فرمودند: آسمان و زمین یک سال بر حسین بن علی علیه السلام گریستند و سپس فرمودند:

همچنین بر یحیی بن زکریا و قرمز فام بودن آسمان گریه آن است.

الحمیری با اسنادی از ابو عبدالله جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: قاتل یحیی بن زکریا ولد الزنا بود و قاتل حسین بن علی هم ولد الزنا بود و آسمان بر هیچ کس جز این دو نگریست، پرسیدم: چگونه گریه کرد؟ گفت:

طلوع می‌کرد در حالی که سرخ فام بود و غروب می‌کرد در حالی که قرمز رنگ بود.

و در همان کتاب باز با اسنادی از امام جعفر صادق روایت می‌کند: قاتل حسین بن علی ولد الزنا بود همان گونه که قاتل یحیی بن زکریا ولد الزنا بود و سپس فرمودند: که آسمان بعد از قتل امام حسین علیه السلام به مدت یک سال سرخ فام بود و سپس فرمودند: آسمان و زمین بر حسین علیه السلام و یحیی بن زکریا گریستند و گریستنشان سرخ فام شدنشان بود.

و در همان کتاب با اسنادی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کنند که:

به زیارت حسین علیه السلام بروید و از آن غفلت نکنید که او سید شباب الشهداء و سید شباب اهل الجنة می‌باشد و مثل یحیی بن زکریا که بر هر دوی آنها آسمان و زمین گریست.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر شریفش و صاحب قصص الانبیاء از جابر واو از

ابی جعفر الباقر علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیه « لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا » (مریم: ۷) فرمودند:

یحیی بن زکریا، کسی بود که در قبل از او کسی بدین نام خوانده نشده بود و حسین هم به مثابه همان یحیی بود و بر هر دوی آن‌ها آسمان چهل شبانه روز به همراه خورشید گریه کرد و گریه کردن آن‌ها سرخ فام شدن آن در حال طلوع و غروب خورشید بود و گفته شده یعنی گریه اهل آسمان‌ها که ملائکه می‌باشند منظور است.

و ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که ایشان در تفسیر آیه شریفه « لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا » فرمودند که حسین بن علی همانند یحیی که قبل از کسی بدان نام خوانده نشده بود، خوانده نشده بود، و آسمان نگریست مگر این دو به مدت چهل شبانه روز و پرسیدند چگونه گریست؟ فرمودند: خورشید سرخ فام طلوع می‌کرد و سرخ فام غروب می‌کرد.

ادله‌ای قرآنی درباره جواز گریه بر حسین علیه السلام

یعقوب در فراق فرزندش یوسف که در دار دنیا بود آن چنان گریست که به او گفتند به خدا تو آنقدر یاد یوسف می‌کنی تا در آستانه مرگ قرار گیری یا هلاک گردی خدای تبارک و تعالی در سوره یوسف (آیه ۸۴) می‌فرماید:

« وَ تَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَ أَيْبَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ »

طبری در تفسیرش روایت می‌کند که یوسف علیه السلام از جبرئیل پرسید که چه مقدار بوده حزن پدرش یعقوب، فرمود: حزن هفتاد برابر کسی که فرزندی از دست داده پس پرسید از مقدار اجرش گفت اجر هفتاد یا صد شهید را دارد.

و در روایتی از همان کتاب آمده است:

به یوسف گفته شد می‌خواهی که پدرت را ملاقات کنی؟ گفت: بله، پس وقتی به لقای پدرش نائل شد بسیار گریه کرد و گفت: من مسئله‌ای در این لقا نداشتم و لاکن امر خدای متعال بود، طبری در تفسیرش همچنین با اسنادی از حسن بصری روایت می‌کند که هنگامی که یوسف گم شد تا هنگامی که به نزد

یعقوب بازگشت قریب به هشتاد سال طول کشید و در این مدت همچنان یعقوب در قلبش حزن یوسف را داشت تا آن که نور دیده گانش برفت و حسن گفت: به خدا قسم در آن هنگام شریف تر و با کرامت تر از یعقوب نزد خداوند یافت نمی شد.

و در تفسیر رازی روایت شده که حضرت یوسف علیه السلام از جبرئیل پرسید از یعقوب خبری داری؟ گفت: بله، گفت: چگونه حالش؟ گفت: حزنی بر او وارد شده که هفتاد برابر حزن پدری است که در فراق یگانه فرزندش می سوزد، فرمود: آیا اجری از این رهگذر به او می رسد؟ گفت: بله اجر صد شهید را بدو ارزانی داشته اند و همچنین روایت می کنند که روزی ملک الموت بر یعقوب وارد شد و یعقوب بدو گفت: چی شده آمدی قبل از رسیدن من به حبیبم من را قبض روح کنی، ملک الموت (س) فرمود: من برای غم و اندوه تو آمده ام که حزنی مانند آن نیست و شیونی مثل آن وجود ندارد.

و در کتاب «الکشاف» و تفسیر النیشابوری آمده است که از زمان گم شدن یوسف تا بازگشت وی به یعقوب قریب به هشتاد سال گذشت و در آن هنگام فردی عزیزتر از یعقوب نزد خداوند نبود و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل سوال کرد که چه مقدار مصیبت به یعقوب وارد می شد؟ جبرئیل فرمود: هفتاد برابر، کسی که فرزندی را از دست داده، حضرت فرمودند: چه مقدار اجر نصیبش شد؟

فرمود: اجر صد شهید، و در این مدت یک لحظه حسن ظنش از خدا از بین نرفت.

و در تفسیر نیشابوری نقل شده که: چون جبرئیل به یوسف نازل شد در حالی که یوسف در زندان به سر می برد و به او خبر داد که چشمان یعقوب از فراق سفید شده است، یوسف دستش را بر سرش گرفت و گفت ای کاش مادرم مرا نژائیده بود که حال پدرم در فراقم این گونه گرفتار شود و این روزگار یعقوب است که از ملت ابراهیم خلیل الرحمان است و در فراق فرزندش در سال های طولانی آن چنان گریه می کند که چشمانش سفید شد در حالی که می دانست پسرش زنده است پسرش ملکی از ملوک دنیا و عزیز مصر است و یا گریه یوسف در لقاء یعقوب چنانچه در روایات آمده و یا روایت نیشابوری که روایت می کند که یوسف دست بر سرش گذاشت و گفت ای کاش از مادر زاده نشده بودم و موجبات حزن پدرم را فراهم نمی نمودم و حزن ملک الموت از حزن یعقوب و شیون و زاری وی

از جمله ادله ای که گریه بر حسین بن علی علیه السلام و برتری آن دارد این است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله قبل از وقوع این واقعه بر آن گریسته است.

مشخص است که یک مصیبت بعد از بروزش بسیار غم انگیزتر از موقعیتی است که هنوز اتفاق نیافتاده است.

شیخ ابوالحسن علی بن محمد الماوردی الشافعی در کتاب «اعلام النبوه» چنین می نویسد:

از ام المؤمنین عایشه (رض) روایت شد که روزی حسین بن علی علیه السلام در حال نزول وحی به پیامبر وارد شد و بر پشت پیامبر سوار شد و شروع به بازی کردن نمود، جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: امت بعد از تو این پسر را در منطقه ای به نام طف خواهند کشت چون جبرئیل رفت، حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله از منزل به سوی اصحابش که عبارت بودند از ابوبکر، عمر، علی علیه السلام، حدیفه، عمار و ابوذر رفت در حالی که گریه می کرد.

اصحاب پرسیدند و چه شده یا رسول الله، فرمودند:

جبرئیل به من خبر داد که فرزندم حسین در بعد از من در منطقه طف به شهادت خواهد رسید و این خاک قتلگاه اوست و به من خبر داده که مرقد شریفش در آنجا خواهد بود.

ابن شهر آشوب در کتاب «المناقب» از ابن فورک و همچنین ابی یعلی در کتاب «مسند»، و العامری در کتاب «ابانت» از طریق عایشه و از شهر ابن حوشب روایت می کند که:

روزی حسین علیه السلام بر پیامبر در حال نزول وحی وارد شد و بر پشت پیامبر سوار شد، جبرئیل از حضرت پرسید؟ آیا دوستش داری؟ پیامبر فرمودند: چگونه پسر مرا دوست نداشته باشم؟ جبرئیل گفت:

بعد از شما امت او را خواهند کشت و جبرئیل دستش را باز کرد در آن خاک سفید رنگی بود، گفت این خاک قتلگاه پسر حسین است که به آن طف می گویند.

در کتاب منتخب «کنز العمال» از شیخ علاء الدین علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی از علمای اهل سنت نقل می کند که الطبرانی در کتاب «الکبیر» از مطلب بن عبدالله بن حنطب و او از ام سلمه روایت می کند که: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه من نشسته بود و به من گفت احدی را به داخل راه نده، ناگاه حسین علیه السلام وارد شد و ناغافل به حضور حضرت رفت، پس ناگاه صدای شیون نبی اکرم را از اتاق شنیدم رفتم و دیدم که حضرت گریه می کنند و دست بر سر حسین می کشند

گفتم یا رسول الله! چه شده؟ من متوجه آمدن حسین نشدم، حضرت فرمود: جبرئیل در خانه بود و گفت:

حسین را دوست داری؟ گفتم: بله، گفت بعد از تو او را امتت خواهند کشت در سرزمینی که بدان کربلا می‌گویند و جبرئیل از آن خاک به من ارزانی داشت، پس از گذشت ایام چون حسین علیه السلام به آن منطقه رسید: فرمود: اسم این منطقه چیست؟ گفتند: زمین کربلا پس حسین علیه السلام فرمود: صدق رسول الله صلی الله علیه و آله کرب و بلاء

در کتاب «العقد الفرید» جلد دوم در باب مقتل الحسین چنین آمده است که: ام سلمه روایت می‌کند که روزی حسین پیش من و پیامبر بود، در آن حال دیدم که حضرت آمدند و حسین را به آغوش کشیده و گریه کردند و رفتند، دو باره آمدند و همین کار را تکرار کردند، جبرئیل به او گفته بود که آیا حسین علیه السلام را دوست داری؟ فرموده بود: بلی، گفته بود او را امتت خواهند کشت گفته بود می‌خواهی خاک قتلگاهش را نشانت بدهم پس خود را به حرکت در آورد و خاکی را نشان حضرت داد و حضرت گریه کرد.

و از طریقه علمای شیعه چنین نقل شده که شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی در کتاب «امالی» روایت می‌کند از پدرش و او از حبیب ابن الحسین الثعلبی و او از عباد بن یعقوب و او از ابی الجارود و او از ابو جعفر محمد الباقر بن علی بن الحسین علیه السلام روایت می‌کند که: ام سلمه گفت روزی پیامبر در خانه ام من بود، پس حسین که کودکی بود و من ندیدم که چیزی در دست داشته باشد، وارد شد و رفت روی سینه پیامبر نشست، در آن حال دیدم که پیامبر (صلی الله و علیه و آله) شروع به گریه کردند و چیزی در دست دارند، پیامبر به من گفت ای ام سلمه این جبرئیل به من خبر داد که این فرزندم را خواهند کشت و خاکی از مقتلش را به من داد و من به تو می‌دهم در حالی که دیدی که به خون تبدیل شده بدان که حبیبم حسین را به قتل رسانیده‌اند.

در منتخب کنز العمال در باب مقتل الحسین چنین آمده است:

که پیامبر فرمودند: که جبرئیل پیش من بود و به من گفت که حسین را در نزدیکی شط فرات بشهادت خواهند رسانید، و به من گفت می‌خواهی خاک قتلگاهش را ببینی؟ گفتم: بله پس با دستش مقداری از خاک را برداشت و به من داد که تا به حال چشمم مثل آن را ندیده بود.

احمد و ابویعلی در کتاب مسندشان و ابن سعد و الطبرانی در کتاب «الکبیر» از علی و الطبرانی در کتاب کبیر همچنین از ابی امامه و انس و ابی عساکر از ام سلمه و ابن سعد و الطبرانی در الکبیر از عایشه و ابویعلی در مسندش از زینب ام المؤمنین و ابن عساکر از ام الفضل بنت حارث همسر عباس هم این حدیث را روایت نموده‌اند.

امام احمد بن حنبل در مسندش جزء اول صفحه ۸۵، روایت می‌کند از مسند علی بن ابی طالب علیه السلام و او با اسنادی از ابی عبدالله بن نجی و او از پدرش که:

او همراه امام علی علیه السلام بود در هنگام عزیمت به صفین و سمت نظافتچی (کسی که مسائل مربوط به آب و تمیز کردن اشیاء با او بود) را بر عهده داشتیم، چون به نزدیک شریعه فرات رسیدم حضرت فریاد کشید:

اصبر ابا عبدالله بشط الفرات، گفتم: این چه چیز است که شما می‌فرمایید؟ فرمودند:

روزی بر رسول خدا وارد شدم در حالی که احوالش منقلب و دیدگانی قرمز داشت بدو گفتم یا رسول خدا کسی شما را خشمگین کرده است که چشمانتان قرمز شده فرمودند: بله الان جبرئیل پیش من بود و به من گفت که حسین در کنار شط فرات به شهادت خواهد رسید، پس به من گفت می‌خواهی خاک قتلگاه او را به تو نشان دهم گفتم: بله،

و صاحب کنز العمال از ابی شیبیه و ابی یعلی در مسندش و سعید بن منصور در کتاب سنن با اسنادی مثل این حدیث را روایت می‌کند.

و در کتاب «الصواعق المحرقة» از ابن حجر هیثمی روایت شده که ابن سعد از الشعبی روایت می‌کند که:

که با علی علیه السلام در هنگامی که در حال طی مسیر صفین بودیم در کنار فرات به قریه‌ای در منطقه نینوا برخورد کردیم حضرت فرمود نام اینجا چیست؟ گفته شد به اینجا کربلا می‌گویند پس حضرت شروع به گریه کرد به صورتی که از گریه او زمین خسیس شد پس فرمودند: روزی بر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدیم دیدیم ایشان گریه می‌کنند، پرسیدم از چه گریان شده‌اید؟ فرمودند: که الان جبرئیل پیش من بود و به من خبر داد که پسرت حسین علیه السلام در کنار شطی که به آن فرات می‌گویند در سرزمین به نام کربلا شهید خواهد شد، پس جبرئیل مشتی از خاک قتلگاه او را به من نشان داد که تا به حال مثل آن را ندیده بودم.

فهرست آنچه صاحب کتاب کنزل العمال از نبی اکرم صلی الله علیه و آله «در مورد شهادت حسین، عظمت حسین و امرایشان به نصرتش» روایت می‌کند

۱. سروش وحی الهی فرمود: که من به خون خواهی یحیی بن زکریا هفتاد هزار نفر را کشتم و به خونخواهی پسر دخترت هم هفتاد هزار نفر را به قتل می‌رسانم.

از الطبرانی در کتاب الکبیر از ابن عباس روایت می‌کند:

۲. کانه‌ها می‌بینم که سگ درنده پیسی خون اهل بیت مرا می‌ریزد.

از ابن عساکر روایت می‌کند:

۳. این پسر یعنی حسین در سرزمین عراق در جایی به نام کربلا به شهادت می‌رسد هر کس که آن روزگار را دید وی را یاری کند.

از البغوی و ابن السکن و البارودی و ابن منده و ابن عساکر هم از انس بن منبه نیز چنین روایتی نقل شده است.

۴. از ابن سعد و الطبرانی و آنها از عایشه روایت می‌کنند که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل به من خبر داد که فرزندم حسین در سرزمین که نامش طف است به شهادت خواهد رسید و این تربت را به من داد و گفت این تربت مضجع شریف او می‌باشد.

در کتاب «تذکره الخواص» از سبط بن الجوزی الحنفی چنین آمده است که:

روایت می‌کنند حسین بن کثیر و عبد خیر که وقتی در معیت امام علی علیه السلام به منطقه کربلا رسیدم حضرت ایستاد و شروع به گریه کرد، فرمودند: ای ابو اغیلمه! کسانی در اینجا در روزگاری به شهادت می‌رسند که اینجا جایگاه مرکب هایشان آنجا بار اندازشان، اینجا قتلگاهشان می‌باشد و شروع به گریه نمودند.

و شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب «الامالی» با اسنادی از ابن عباس روایت می‌کند که: روزی در معیت امام علی علیه السلام برای رسیدن به منطقه صفین بودیم تا اینکه به نیوا رسیدم در کنار شط فرات امام با صوت بلندی فرمودند: ای ابن عباس آیا اینجا را می‌شناسی؟ گفتم: نه یا امیر المؤمنین فرمودند: اگر می‌شناختی تو هم مثل من گریه می‌کردی پس شروع کردند به گریه تا آنکه صورت و محاسنشان خیس شد و بر سینه مبارکشانشان ریخت و من هم با او شروع به گریه کردم پس فرمودند: آه آه، مرا با آل ابوسفیان چه کار ما را با آل حزب شیطان و اولیاء

کفر چکار؟ صبر کن صبر کن صبراً یا ابا عبد الله، فقد لقی أبوک مثل الذی تلقی منهم ..

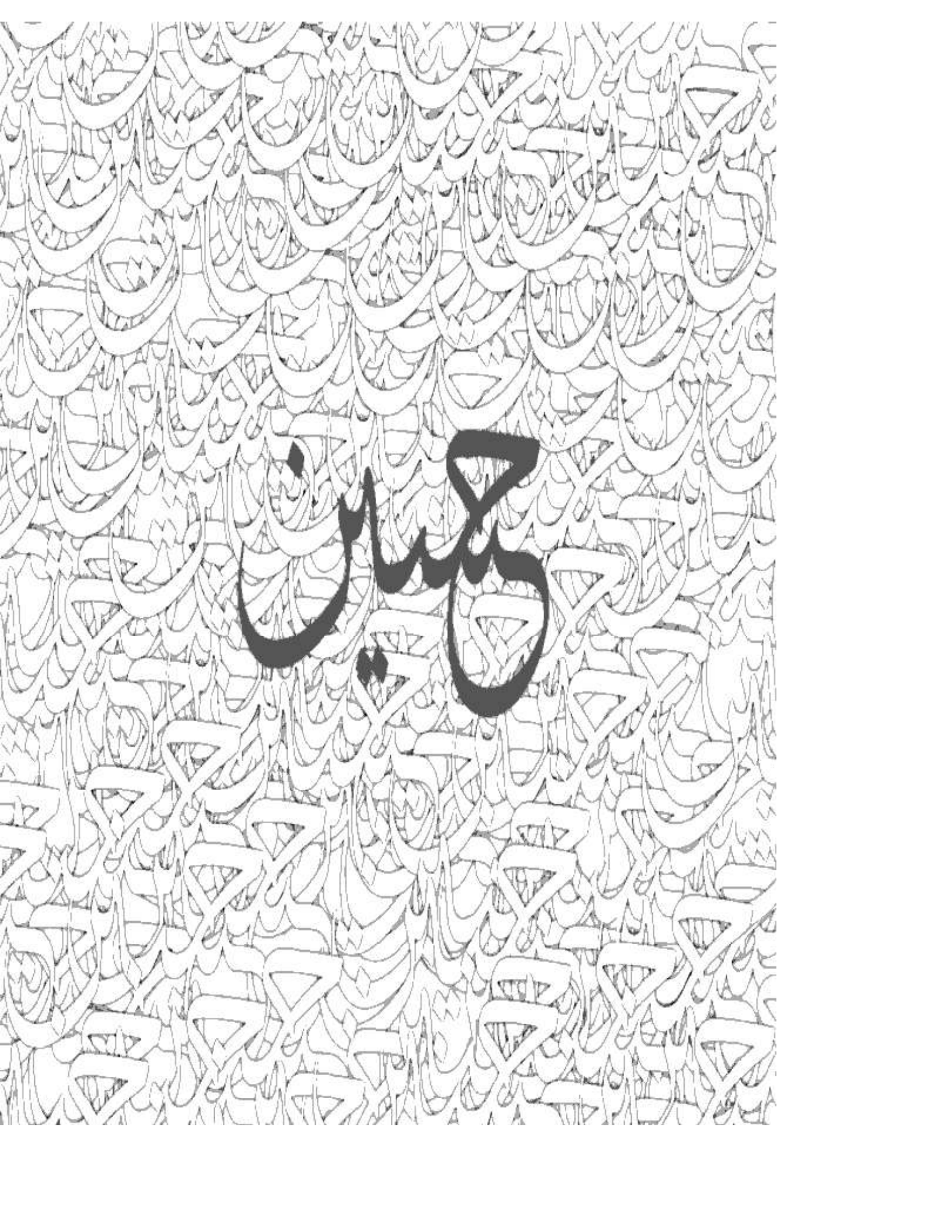
ائمه اطهار علیهم السلام در رثای سید و سالار شهیدان گریه‌ها کرده و ندبه‌ها سر داده‌اند و شیعیان و محبینشان را در اقامه عزای بر حسین بن علی علیه السلام امر کرده و در این راستا اشعاری سروده‌اند و از شیعیانشان خواسته‌اند که روز قتل امام حسین که دشمنان ائمه آن را عید می‌گرفتند روز سعی در حوائج دنیوی و یا ذخیره‌سازی جهت تبرک مانند عید قرار ندهند و در برپایی مجالس ذکر و بکاء بر سید الشهداء بکوشند و این در راستا روایات متواتر از طریق اصحاب ائمه به ما رسیده که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. ان شاء الله

عزاداری

اهل بیت علیهم السلام

در رثای امام

حسین علیهما السلام



عاشقان

امام صادق علیه السلام روایت می‌کنند که امام زین العابدین علیه السلام چهل سال بر مظلومیت پدرش گریه کرد به طوری که روزها، روزه‌دار و شب‌ها به عبادت می‌پرداخت، و چون موقع افطار می‌شد، و خادم حضرت افطار ایشان را می‌آورد و به امام علیه السلام می‌گفت، تناول کنید، حضرت تا نگاهش به آن‌ها می‌افتاد گریه می‌کرد و می‌گفت: پسر رسول خدا را گرسنه کشتند، پسر رسول خدا را تشنه کشتند و آنقدر گریه می‌کرد که غذا و آب حضرت یا اشکان دیدگانش عجین می‌شد و این سیره حضرت علیه السلام بود تا به لقاء الهی رسید.

و در حدیثی دیگر آمده روزی با حضرت سجاد علیه السلام به صحرا رفتیم، پس حضرت در جایی شروع به عبادت کرد و به سجده رفتند و پیشانی بر سنگی خشن ساییدند و با گریه ناله هزار مرتبه فرمودند:

"لا اله الا الله حقا حقا، لا اله الا الله ايمانا و تصديقا، لا اله الا الله عبوديّة و رقّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّداً و رِقّاً... "پس سر از سجده برداشتند در حالی که تمام چهره حضرت و محاسن مبارکشان و چشمانشان از اشک خیس بود، گفتم: پس کی حزن و اندوه شما و اشکتان برای قتل پدرتان به پایان می‌رسد؟

حضرت فرمودند: و یحک، یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم علیه السلام، دوازده پسر داشت و از این دوازده پسریکی را خدا غایب کرد و این منجر بدان شد که محاسن یعقوب سفید و کمرش خم و نور دیدگانش در اثر گریه برود در صورتی که پسرش در دار دنیا حی و زنده بود و من پدرم و برادرم و ۱۷ نفر از اهل بیتم کشته شده‌اند چگونه حزنم به سر آید و بکائم قطع شود.

شیخ ابو جعفر طوسی رحمته الله علیه با اسنادی از خالد بن سدیر روایت می‌کند که گفت: از امام صادق علیه السلام سوال کردم درباره مردی که در عزای پدرش یا مادرش یا برادرش یا یکی از بستگان نزدیکش گریبان چاک کند فرمودند:

اشکالی ندارد، چرا که موسی بن عمران بر برادرش هارون علیهما السلام این کار را کرد، ولیکن جایز نیست این کار بر پدری که فرزندش را از دست داده و یا بر شوهری که زنش را از دست داده است ولی زن در غم شوهر می‌تواند، پس

حضرت فرمودند: همانطور که گریبان چاک کردن و بر صورت زدند دختران فاطمه بر مصیبت امام حسین علیه السلام و بر مثل او باید گریبانها چاک شود و لطمه‌ها به صورت نواخته شود.

برقی رحمته الله علیه روایت می‌کند که:

چون حسین علیه السلام به شهادت رسید زنان بنی هاشم لباسی سیاه و بلند به تن داشتند که در سرما و گرما آن را در بر داشتند و علی بن الحسین علیه السلام برای آنها غذاهایی که برای عزاداران تهیه می‌کردند، تهیه می‌نمود.

گریه حضرت فاطمه زهراء علیها السلام بر فرزندش حسین علیه السلام

شیخ مفید در کتاب «الامالی» از نیشابوری روایت می‌کند که: من کمترین مداح اهل بیت «ذره النائحه» حضرت زهراء مرضیه را در خواب دیدم که در کنار مرقد حضرت سید الشهداء علیه السلام ایستاده و گریه می‌کند و فرمودند که به مردم بگو:

ایها العینان فیضا واستهلالاً لا تفیضا
وابکیا بالطف میتا ترک الصدر فیضا
لم امرضه قتیلا لا ولا کان مریضا

و آمده که امام صادق علیه السلام به ابو بصیر می‌فرماید:

ای ابا بصیر فاطمه بر حسین علیه السلام می‌گرید و فرمود: دوست دارد کسی را که با فاطمه زهراء علیه السلام مساعدت کند.

گریه و ندبه حضرت امام زین العابدین بر پدرش حسین بن علی علیه السلام

ابن شهر آشوب در کتاب «المناقب» از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که:

علی بن حسین علیه السلام قریب به بیست سال بر امام حسین علیه السلام گریه می‌کرد به طوری که تا طعامی برایش می‌آوردند شروع به گریه می‌نمود بدو گفتم فدایت شوم ای ابن رسول خدا! من می‌ترسم با این رویه از بین بروید؟ فرمودند: پناه می‌برم از شدت حزن به خدا، و خدا می‌داند آنچه که از فاجعه قتل فرزندان زهراء می‌دانم کسی نمی‌داند، و این گریه من را جاری می‌کند و بغض مرا می‌ترکاند در بعضی

نسخ ابن قولویه با اسنادی از امام صادق علیه السلام این مدت را به جای بیست سال، چهل سال بیان می‌کند، و در جای دیگر ابن شهر آشوب روایت می‌کند: که حضرت فرمودند چگونه اندوه من به پایان رسد، که یعقوب نبی علیه السلام دوازده فرزند داشت و خدا یکی از آنها را از نظرش غایب کرد و در فراغ آن از شدت گریه چشمانش رو به سفیدی رفت و کمرش از غم خم شد در حالی که پسرش زنده و در دنیا بود، من چه کنم که جلوی چشمانم پدرم، برادرم، عمویم، و هفده نفر از اهل بیتم را به شهادت رسانند چگونه اندوهم به پایان رسد.

نقل شده است که آنقدر حضرت گریه می‌کرد که بیم آن می‌رفت که کور شود، چون شربت آبی می‌دید آنقدر گریه می‌کرد که نزدیک بود از چشمانش خون جاری شود و نقل شده که می‌فرمود:

چرا گریه نکنم که بر پدرم آبی راکه درندگان و خزندگان از آن استفاده می‌کنند دریغ داشتند. و گفته می‌شود به ایشان گفته شد با این رویه‌ای که پیش گرفته‌اید خودتان را به کشتن می‌دهید فرمودند:

نفسی قتلتها و علیها ابکی

ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از امام زین العابدین روایت می‌کند که:

روزی حضرت در زیر سقفی به سجده رفته بود و گریه می‌کرد:

گفتم ای علی بن الحسین علیه السلام کی حزن تو به پایان می‌رسد، سرش را از زمین برداشت و فرمودند: (ویلیک با تکلته امک) به خدا یعقوب یک فرزندش از نظرش غایب شد همواره دستش به سوی خدا دراز بود و ذکرش یا اسفا! علی یوسف، بود من چه بگویم؟ که خودم با چشمان خودم دیدم که پدرم و جماعتی از اهل بیتم را در اطرافم سر بریدند.

مؤلف رحمته الله علیه می‌گوید:

این روایاتی که از امام علی بن الحسین علیه السلام و گریه‌اش بر پدر شهیدش در سالیان عمر شریفش منقول است، حجتی قاطع برای ماست و اینکه حضرت هم خودشان این عملشان را با عمل پیامبر خدا یعقوب علیه السلام مقایسه می‌فرمایند.

گریه و عزاداری امام جعفر صادق علیه السلام در مصیبت سید الشهداء علیه السلام

ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از ابن خارجه روایت می‌کند که گفت:

روزی نزد امام جعفر صادق علیه السلام ذکر می‌کردم از امام حسین علیه السلام شد پس حضرت شروع به گریه کردن فرمودند و ما هم گریه کردیم پس حضرت سرشان را بلند کردند و فرمودند:

امام حسین علیه السلام فرمودند: انا قاتیل العبره لا بذکرنی مؤمن الا بکی (من کشته اشکها هستم و هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه نام مرا ببرد و گریه کند)

و در همان کتاب با اسنادی از مسمع کردین روایت می‌کند که گفت: حضرت صادق علیه السلام به من فرمودند:

ای مسمع! تو که از اهل عراق هستی آیا به زیارت مرقد امام حسین علیه السلام رفته‌ای؟ گفتم: نه، من مردی مشهور در نزد مردم بصره هستم، و همه من را می‌شناسند، و بصره خلیفه‌ای هواپرست داشته و پراز ناصبی است از آزار آن‌ها ایمن نیستم، والا اگر گشایشی برایم بواسطه سلیمان حاصل شود بسیار مشتاق به زیارت هستم حضرت فرمودند:

از آن واقعه یادی می‌کنی؟ و گریه می‌کنی؟ گفتم: بله به خدا و آنقدر گریه می‌کنم که اهل خانه متوجه می‌شوند و در آن حال کاری با من ندارند تا از آن حال خارج شوم، فرمودند:

رحمت خدا بر اشکانت باد، که تو از کسانی هستی که در راه ما گریه می‌کنی و از کسانی هستی که در شادی ما شاد و در اندوه ما اندوهگین و از آنچه ما می‌ترسیم ترسان و به آنچه ایمان داریم، ایمان داری، سپس شروع به گریه کردند و من هم به همراه او گریه کردم پس فرمودند:

الحمد لله که ما را با رحمتش بر خلقش برتری داد و با رحمتش ما اهل بیت را مخصوص گردانید، ای مسمع! بدان که آسمان و زمین هنگامی که امیر المؤمنین به شهادت رسید گریستند و رحمت الهی بر ما نازل شد و اکثر ملائکه آسمان بر ما گریستند و اشک‌هایشان جاری شد هنگامی که کسی از ما به شهادت رسید و نازل نمی‌شود بر کسی که بر ما رحم آورد و گریه کند مگر رحمت خدای یکتا قبل از آنکه اشک از چشمانش سرازیر شود.

چنانچه مشخص است شیعه همواره در تقیه و خوف به سر می‌برده، حتی در

زمان بنی العباس که آن‌ها در مواردی از بنی امیه هم بدتر بودند، و در این روایت سلیمان مذکور، سلیمان بن علی بن عبدالله بن العباس حاکم بصره در آن روزگار است.

شیخ طوسی در کتاب «مصباح المتهجد» از عبدالله بن سنان روایت می‌کند که گفت:

برسید و مولایم امام جعفر صادق علیه السلام در روز عاشورایی وارد شدم، آثار حزن و اندوه در چهره ایشان هویدا بود و قطرات اشک چون مروارید غلطان از گونه‌های حضرت جریان داشت، گفتم: یا بن رسول الله! شما را گریان می‌بینم؟ چشمانتان گریان مباد، فرمودند: خود را به غفلت زده‌ای نمی‌دانی مصیبتی را که در چنین روزی بر حسین علیه السلام وارد شده است؟

گفتم: چه می‌فرمایید در مورد روزه‌دار بودن در این روز، فرمودند: روزه‌اش به غیر از وقت شروع و به غیر وقت افطار شود و روزه کاملی گرفته نشود، بعد از نماز عصر با جرئه‌ای آب افطار کنی و در چنین وقتی در آن روز مصیبت بزرگی بر آل رسول خدا وارد شده و سی نفر از عزیزان رسول خدا کشته شده‌اند که اگر در آن روزگار حضرت رسول زنده بود همه آن‌ها را گرامی می‌داشت، پس امام صادق علیه السلام شروع به گریه کرد به گونه‌ای که محاسن مبارکشان غرق در اشک شد.

ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از ابی بصیر روایت می‌کند که:

ما نزد امام صادق علیه السلام بودیم در این اثنا پسرش وارد شد، پس امام به او فرمود:

مرحبا، و او را آغوش کشید و بوسید، و فرمودند: خدا حقیرکند کسی که به نظر حقارت به شما بنگرد، و انتقام بگیرد از کسانی که به شما پشت کردند و دلیل کند کسی را که قصد ذلیل کردن شما را دارد و خدا بکشد کسانی که شما را می‌کشند که خدا ولی و ناصر و حافظ شماست، ندبه و شیون زنان و انبیاء و صدقین و شهدا و ملائکه آسمان‌ها برای شما بلند است پس شروع به گریه نمودند. سپس فرمودند:

یا ابا بصیر! اذا نظرت الی ولد الحسین اتانی و ما لا املکه اوتی الی ابیهم و الیهم یا ابا بصیر، او کسی است که فاطمه برای او گریسته، نمی‌خواهی در این راه مساعدت کنی فاطمه علیه السلام را و بقدری گریه فرمودند که دیگر قدرت بر تکلم نداشتند.

و همین دلیل محکمی است بر اینکه جواز گریه و مرثیه برای امام حسین علیه السلام از سوی امام صادق علیه السلام صادر شده است و در اسناد موجود است چون در نزد ایشان شعری یا ذکری از امام حسین علیه السلام می‌رفت تا پایان شب آثار تبسم از چهره حضرت زدوده می‌شد.

گریه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برای جد غریبش حسین علیه السلام

به نقل از مولی علی بن موسی الرضا علیه السلام :

شیخ صدوق در کتاب «الامالی» با اسنادی از امام رضا علیه السلام روایت می‌کنند که فرمودند:

ماه محرم ماهی است که حتی اعراب جاهلیت حرمت آن را نگه می‌داشتند ولی در همین ماه خون ما را حلال شمردند و به حرم ما هتک کرده و خانواده و عیال ما را به اسارت بردند و آتش به آشیانه ما زدند و اموال ما را به تاراج بردند و در امر ما حرمت رسول اکرم را پایمال کردند، روز حسین علیه السلام قلب‌های ما را مجروح کرد و اشک‌هایمان را جاری نمود و عزیزان ما را در سرزمین کرب و بلا ذلیل نمود و این کرب و بلا را تا روز قیامت برای ما به ارث گذاشت، گریه بر همچون حسینی موجبات بخش گناهان بزرگ است.

چون ماه محرم شروع می‌شد دیگر کسی خنده بر چهره پدرم نمی‌دید و در حال گریه و بکاء بود، تا آنکه ده روز از ماه سپری می‌شد و روز عاشورا فرا می‌رسید که آن روز روز مصیبت و حزن و بکائش بود و می‌گفت این همان روزی است که حسین علیه السلام در آن روز به شهادت رسیده است

آنچه از ائمه هدی در باره روز عاشورا وارد شده که روز مصیبت و غم و گریه و شیون است و مصیبت امام حسین علیه السلام اعظم مصائب اهل بیت علیهم السلام است

شیخ صدوق در کتاب «علل الشرایع» با اسنادی از عبدالله بن فضل روایت می‌کند که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم چگونه روز عاشورا را روز مصیبت و غم و جزع و گریه می‌خوانید در حالی که روزهای ماتم دیگری هم چون روز وفات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و روز شهادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهراء علیها السلام و یا روز شهادت امام علی علیه السلام و شهادت امام حسن علیه السلام با زهر وجود داشته است،

امام فرمودند:

روز شهادت حسین اعظم مصیبت و بالاتر از سایر روزهاست چرا که پنج تن آل عبا، عزیزترین کسانی نزد خدای متعال بودند، چون حضرت رسول خدا ﷺ رحلت فرمودند چهار نفر از آن‌ها هنوز بین مردم باقی بودند و همین گونه هر کدام که از دنیا می‌رفتند سایرین بودند تا آنکه فقط یکی از آن‌ها باقی ماند و با قتل حسین علیه السلام کل آن‌ها از دنیا رفتند و گویی رفتن وی به منزله رفتن همه آل عبا بود و وجودش وجود همه آن‌ها بدین لحاظ آن روز اعظم ایام مصیبت است.

و شیخ طوسی در کتاب «مصباح المتهدجد» با اسنادی از ابوجعفر امام محمد باقر علیه السلام روایت می‌کند که:

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا ذکر فرمودند و به طوری که صدای گریه از نزد ایشان بلند شد ایشان فرمودند:

این روز را با سلام بر امام شروع کنید و لعن بر قاتلینشان و بعد دو رکعت نماز زیارت اقامه کنید ولیکن قبل از غروب خورشید شروع به ندبه و زاری و گریه در منزل خود کنید و امر کنید اهل خانه را به گریه بر حسین و از گریه و زاری دریغ نکنید در این روز سعی کنید برای کار خارج نشوید که آن روز نحسی برای کار است و آن را روز گریه و ندبه قرار دهید مبادا در آن روز چیزی را ذخیره کنید یا چیزی بگیرد برای خانه که در آن برکت نخواهید دید.

فرهنگ نامه گریه و عزاداری
سیدالشهدا علیه السلام

ثواب گریه بر امام

حسین علیه السلام



عاشقان

آنچه از ائمه هدی علیهم السلام در ثواب گریه بر حسین علیه السلام و نشستن در مجلس عزاداری سید الشهداء وارد شده است.

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا و شیخ طوسی در کتاب «الامالی» با اسنادی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت می‌کنند که:

کسی که ذکر مصیبت ما را کند و گریه کند در روز قیامت هم درجه ما خواهد بود و کسی که ذکر مصائب ما را کند و بگیرد و بگیراند خداوند در روزی که دیده‌ها گریان است، دیده او را گریان نمی‌گرداند و کسی که در مجلسی نشیند که در آن مجلس امر ما زنده می‌شود خداوند دلش را در روزی که قلوب می‌میرد زنده نگاه می‌دارد.

مؤلف رحمته الله علیه می‌گوید:

چه مسئله‌ای بزرگتر از این که ما این مجالس را احیاء کرده و اقتداء به اهل بیت علیهم السلام در جهت یاری اسلام بکنیم.

شیخ مفید در کتاب «المجالس» و شیخ طبرسی در کتاب «الامالی» از ابن قولویه روایت می‌کنند که ایشان از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کنند که فرمودند:

کسی که وجودش از ظلمی که به ما رفته اندوهناک است، هر نفسش تسبیح و کارهای او عبادت و کتمان سر ما برای او جهاد در راه خدا می‌باشد.

شیخ طوسی در کتاب «الامالی» از شیخ مفید و او با اسنادی از ابی عماره الکوفی روایت می‌کنند که شنیدم از جعفر بن محمد علیه السلام که می‌فرمود:

کسی که برای ما اشک بریزد به منزله این است که در راه ما خونش ریخته شده من دمعت عینه فینا دمعه الدم سفک لنا اوحق لنا انقضاه او غرض انتک لنا والاحد من شیعتنا بواه الله تعالی بها فی الجنه حقبا

شیخ طوسی در کتاب «الامالی» از شیخ مفید روایت می‌کنند که امام صادق علیه السلام فرمودند: جزع و گریه مکروه است مگر بر حسین علیه السلام

و ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از امام محمد باقر علیه السلام روایت می‌کند: گریه و شیون بر هر بنده ناشایسته است مگر بر حسین علیه السلام که اجر و ثواب دارد.

ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از امام محمد باقر روایت می‌کند: چون دیدگان مؤمنی برای ما تر شود و قطرات اشک بر گونه‌هایش جاری شود خداوند در بهشت در منازل خجسته‌ای او را مسکن می‌دهد.

و در کتاب مذکور با اسنادی از امام علی بن الحسین علیه السلام روایت شده است هر کس دیدگانش در راه ما تر شد و اشکش روان شود بر خداست که بر او در بهشت غرفه‌ای عنایت فرماید.

و در کتاب مذکور با اسنادی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که:

حسین بر چهره کسی که بر او گریه می‌کند می‌نگرد و برای او استغفار می‌کند و از پدرش هم درخواست استغفار برای او می‌کند و می‌گوید ای گریه کننده بر من اگر می‌دانستی چه عنایتی از خداوند به تو شده شاد می‌شدی بیشتر از آنچه که تو را محزون نمود.

شیخ صدوق در کتاب «الامالی» و «العیون» با اسنادی از الزیران بن شیبب روایت می‌کند که:

در روز اول ماه محرم بر مولی علی بن موسی الرضا علیه السلام وارد شدم علی بن موسی الرضا فرمودند: با این شیبب، عرب جاهلیت هم حرمت این ماه را نگاه می‌داشت و در ماه محرم ظلم و قتل را کنار می‌گذاشت ولی این امت حرمت این ماه را نگه نداشتند و حرمت پیامبرش را هم هتک کردند و در این ماه خانواده‌اش را کشتار کردند و زنانش را به اسارت برده و دارائیش را به تاراج بردند.

خدا از آن‌ها نگذرد، ای ابن شیبب، اگر بر چیزی خواستی گریه کنی بر امام حسین علیه السلام گریه کن که او را همانند گوسفندی سر بریدند و هجده نفر از اهل بیتش را به شهادت رساندند که در روی زمین به مانند آن‌ها یافت نمی‌شد، و آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها بر قتلشان گریستند و چهار هزار ملکه از آسمان برای نصرت حسین فرود آمدند، و بدو رسیدند در حالی که کشته شده بود پس پیرامون حضرت به خون خواهی حسین علیه السلام تا قیام، قائم آل محمد، ساکن شدند ای ابن شیبب! پدرم از جدم روایت کرده که در هنگام شهادت حسین از آسمان باران خون و خاک سرخ فرو ریخت ای ابن شیبب! اگر بر حسین علیه السلام

گریه کنی و دیدگانت تر شده و اشک بر گونه‌هایت جاری شود تمام گناهان صغیر و کبیرت آمرزیده می‌شود کم یا زیاد، ای ابن شیبب! بدان که در این صورت با ما در درجات بالایی بهشت کامیاب خواهی بود و پس در حزن ما حزین و در شادی ما شاد باش و ولایت ما را با خود داشته باش بدان هر کس حتی اگر سنگی را دوست بدارد خداوند وی را با همان سنگ محشور خواهد نمود.

علی بن ابراهیم در کتاب تفسیرش ابن قولویه در کتاب «الکامل» و شیخ صدوق در کتاب «ثواب الاعمال» با اسنادی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: هر کس بواسطه شنیدن قتل حسین علیه السلام دیدگانش اشکبار شود و اشک بر گونه‌های وی جریان یابد و در راه ما از دشمنان ما آزار بینند همانا بر خداست که در بهشت جایگاه صدق را بدو ارزانی دارد.

و روایت می‌کند الحمیری در کتاب «قرب» با اسنادی از امام جعفر صادق علیه السلام به فضیل فرمودند:

ای فضیل! آیا مجلسی داری و احادیث ما را برای مردم می‌گوئی؟ گفت: بلی فدایت شوم، فرمودند: این مجالس که در آن امر ما احیا می‌شود دوست می‌دارم ای فضیل! خدا رحمت کند کسانی را که امر ما را احیاء می‌کنند ای فضیل! کسی که ذاکر ما باشد و یا وقتی که ذکر ما نزد او رفت اشک بر دیدگانش به اندازه پر مگسی سیلان یابد خداوند گناهانش را خواهد بخشید هر چند بیشتر از آب‌های دریاها باشد.

البرقی در کتاب «المحاسن» و ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که هر گاه هر کسی بواسطه ذکر ما بر دیدگانش اشک هویدا شود هر چند به اندازه بال مگسی باشد هر آینه تمام گناهانش هر چند به اندازه کف دریاها باشد محو خواهد شد و آمرزیده می‌شود.

در کتاب «الکامل» همچنین با اسنادی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که هر آینه هر کس در هنگامه ذکر ما چشمانش گریان شود خداوند صورت وی را بر آتش حرام می‌گرداند

در همان سند امام محمد باقر از امام علی بن الحسین روایت می‌کند که فرمودند:

هر گاه کسی در ذکر امام حسین علیه السلام به اندازه پر مگسی از دیدگانش اشک جریان یابد اجرش نزد خدا این است که پایین‌تر از بهشت برای او راضی نخواهد

شد.

آنچه از ائمه هدی علیهم السلام درباره این مسأله آمده که ان الحسین علیه السلام قتیل العبره ابن قولویه در کتاب «الکامل» ضمن حدیثی که پیرامون گریه برای امام حسین علیه السلام از قول امام صادق علیه السلام ذکر کردند با اسنادی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کنند که :

«من کشته اشک‌ها هستم و هیچ مؤمنی نیست که ذکر من را گوید مگر آنکه گریه کند، و در کتاب مذکور همچنین با اسنادی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌شود که فرمودند: که امام حسین علیه السلام فرمودند:

«من قتیل اشک‌ها هستم و من با سختی و اندوه کشته شدم و بر خداست هر کسی که با اندوه و سختی نزد من می‌آید خدا او را با قلبی مسرور به نزد اهلش باز گرداند»

صدوق رحمته الله علیه در کتاب «امالی» و ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از امام صادق علیه السلام و او از آبائش علیه و علیهم السلام روایت می‌کند که امام حسین علیه السلام فرمودند:

«انا قتیل العبره لا بذکرنی مؤمن الا استعبر» «من کشته اشک‌ها هستم و هیچ مؤمنی ذکر من را نگوید مگر آنکه گریان شود.»

العبره یعنی گریه که منسوب به امام علیه السلام است و شاهد آن قولی است که می‌فرماید لایذکرونی مؤمن الا بکی اولا استعبر،

و ابن قولویه در کتاب «الکامل» با استنادی از ابی عبدالله جعفر الصادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: امیر المؤمنین علیه السلام روزی نگاهی امام حسین علیه السلام کردند و فرمودند: یا عبرة کل مؤمن حضرت فرمودند: من را می‌گویی ای پدر، فرمودند بله پسرم

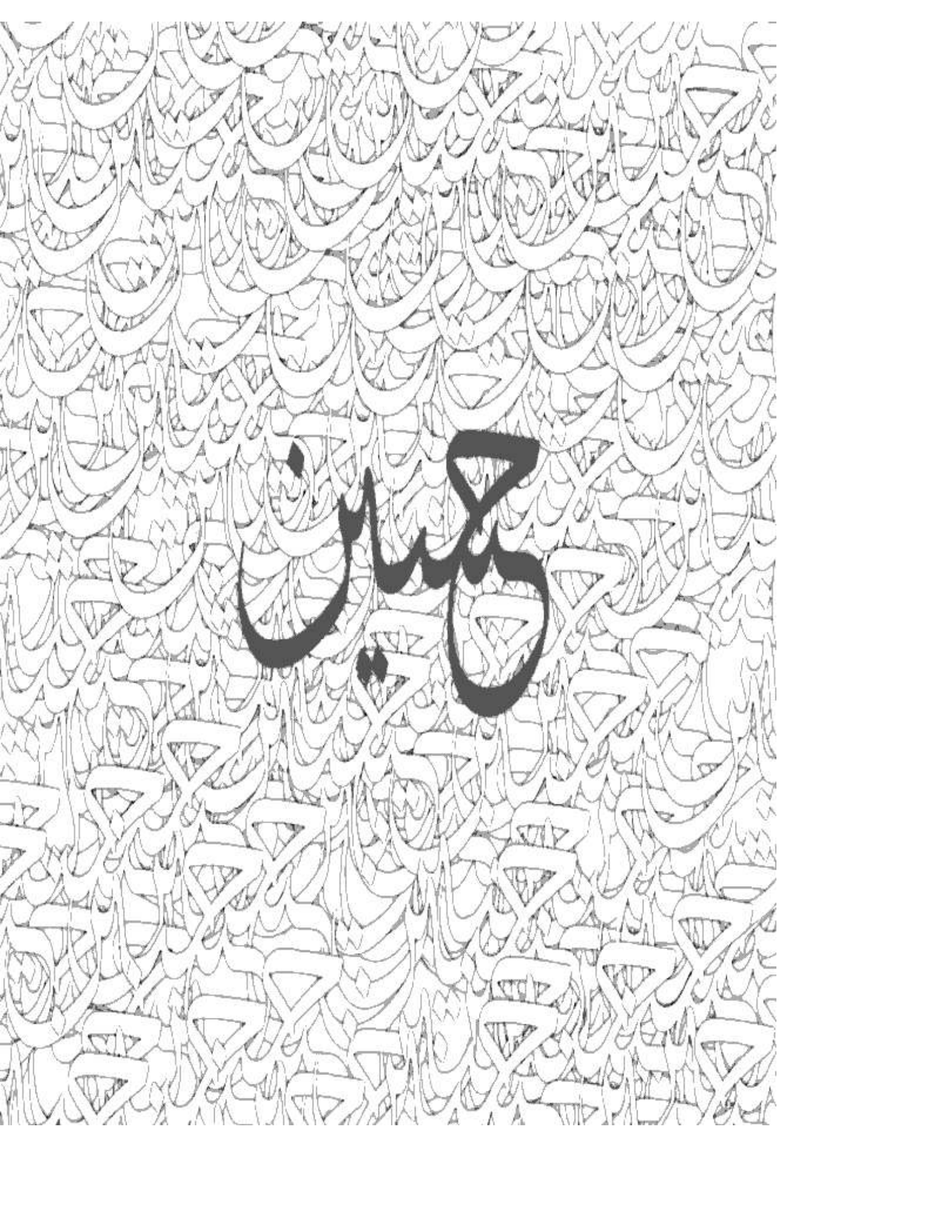
ابن عماره المنشد روایت می‌کند که اگر روزی ذکر از امام حسین علیه السلام نزد امام صادق علیه السلام می‌شد دیگر تا پایان روز تبسمی در چهره حضرت مشاهده نمی‌شد و می‌فرمودند: الحسین عبرة کل مؤمن، عبرة کل مؤمن از باب ذکر مسبب و اراده سبب و به منظور مبالغه در سبب استعبار و گریه اش می‌باشد و نزدیک به قولی است که فرمودند: انا قتیل العبرة

فرهنگ نامه گریه و عزاداری
سیدالشهدا علیه السلام

فرهنگ نامه گریه و عزاداری
سیدالشهدا علیه السلام



ندبه جن و انس



عاشقان

گریه اجنه برای قتل امام حسین علیه السلام حاکی از آن است که این عمل زشتی بوده که سابقه نداشته است.

در کتاب «الصواعق المحرقة» از ابن حجر صفحه ۱۲۰ در فصل سه در باب ۱۱ طبع سال ۱۳۰۷ نوشته شده است که از ام سلمه روایت شده که ایشان نوحه اجنه برای حسین علیه السلام را می شنیدند و در قسمت دوم در صواعق از ام سلمه منقول است که در شب قتل امام حسین شنیدم که منادی می گفت:

ایها القاتلون جهلا حسینا ایشروا بالعذاب و التذلیل
قد لعنتم علی لسان ابن دا و دو موسی و حامل الانجیل
و طبری در تاریخش در حوادث سال ۶۱ هجری از هشام با اسنادی از عمرو بن
عکرمه روایت می کند که بعضی از دوستان ما در روز قتل امام حسین علیه السلام صدای
منادی را نشیدند که می گفت:

ایها القاتلون جهلا حسینا ایشروا بالعذاب و التذکیل
کل اهل السماء تدعوکم من نبی و ملک و قبیل
قد لنتم علی لسان ابن دا و دو موسی و حامل الانجیل

هشام می گوید که عمرو بن حیزوم الکلبی از پدرش نقل می کند که این اصوات را او هم شنیده است و ابن اثیر در تاریخش می نویسد:

اهل مدینه در شامگاه قتل امام حسین علیه السلام از منادی این ابیات ثلاثه را شنیده اند.

ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از عمرو بن عکرمه روایت می کند که گفت در روز قتل حسین دوستان عنوان می کنند که از زبان منادی ابیات سه گانه بالا را شنیدند با این تفاوت که به جای «من نبی و مرسل»، «و ذی الروح صاحب الانجیل» را ذکر می کند.

و در ارشاد مفید آمده است که وقتی شامگاه آن روز که عمرو بن سعید خبر

شهادت امام حسین را به مردم مدینه داد مردم مدینه در دل شب ندای منادی را شنیدند که ولاکن او را نمی دیدند که می گفت:

ایها القاتلون قتل حسینا ای شروا بالعذاب والتنکیل
کل من فی السماء یدعو علیکم من نبی و ملک و قبیل
قد لعنتم علی لسان ابن دا ودو موسی و حامل الانجیل

و صاحب ندا و صدا مشخص نبود و معلوم نبود که کیست
ابو نعیم حافظ کتاب «دلائل النبوه» از ام سلمه روایت می کند که:
ندای جن ها را در نوحه سرایی و گریه بر حسین علیه السلام شنیدم.

ثعلب در کتاب «امالی» از ابی خیاب کلبی روایت می کند که روزی مردی از اهالی کربلا آمد به او گفتم از رجال و اشراف عرب خبر به ما رسید که صدا و نوحه اجنه را می شنیدند گفت من خودم شنیدم اما غیر تو برای کسی نقل نکردم، گفتم چه شنیدی گفت شنیدم که می گفتند:

مسح النبى جبینہ فله بریق فی الحدود
ابوواہ من علیا فرد ش وجده خیر الحدود

ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از ابی زیاد قندی روایت می کند که الجصاصون نوحه جنیان بر امام حسین را در روز قتل امام شنید که می گفتند: مسح النبى و دو بیت را می خواندند.

در کتاب «البحار» هم از «المناقب القدیم» با اسنادی از ابی جناب الکلبی از جصاصین مثل آن را نقل شده است.

در کتاب تذکره الخواص صفحه ۱۵۲ ابن جوزی شمس الدین یوسف بن قزاعلی الواعظ حنفی از الزهری از ام سلمه روایت می کند که من نوحه جنیان را مگر در شامگاه قتل امام حسین علیه السلام نشنیده ام که می گفتند:

الا يا عين فاحتفلى بجهد و من يبكى على الشهداء بعدى
على رهط تقودهم المنايا الى متجبر فى ثوب عبد

چون حسين عليه السلام به شهادت رسيد «الشعبى» مى گويد كه مردم كوفه اين ندا را شنيدند:

ابكى قتيلاً بكر بلا مضر ج الجسم بالدماء
ابكى قتيلاً الطفاه ظلما بغير جرم سوى الوفا
ابكى قتيلاً بكى عليه من ساكن الارض والسماء
هتك اهلوه و استحلوها ما حرم الله فى الاماء
يا بابى جسمه المصرى الا من الدين و الحياء
كل الرزايالها عزا و مالذا لرزء من عزاء

زهروى مى گويد كه اجنه نوحه خوانى مى كردند و مى گفتند:

لقد جنن نساء الج ن يبكين شجيات
و يلطمن خدود كالد نانيرنقليات
ويلبس ثياب السو د بعد القصبليات

و گفت آنچه از گفته هاى اجنه به خاطر داشت:

مسح النبى جبينه فله يريق الخدود
ابوه من عليا قرب ش وجده خير الجدود
قتلو ك يا ابن الرسو ل فاسكنوا نار الخلود

و در كتاب بحار الانوار ابن الجوزى حكايه مى كند از كتاب "النور فى فضائل الايام والشهور" اجنه نوحه مى خواندند بر امام حسين عليه السلام و اشاره به سه بيت اشاره شده مى كند و ابن شهر آشوب در كتاب «المناقب» از ابن بطه در كتاب «الابان» چنين روايت مى كند:

نساء الجن یبکین من الحزن شجیات
واسعدن ینوح اللند نساء الهاشمیات
و یتدبن حسینا عطا مت تلک الرزیات

و صدوق در کتاب «الامالی» و ابن قولویه در کتاب «الکامل» با دو سند که یکی به آن‌ها به ام سلمه منتهی می‌شود روایت شده که ام السلمه صدای نوحه خوانی جن‌ها را از زمان وفات نبی اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان شهادت پسر حسین شنیده بودم که می‌گفتند:

الا یا عین فانهملی بجهعد نمین یبکی علی الشهداء بعدی
علی رهط تقودهم المنایا الی متجبر فی ملک عبد

ابن شهر آشوب در کتاب «المناقب» از امالی نیشابوری و طوسی هم مثل روایت بالا می‌نویسد:

و همچنین در بحار از کتاب «المناقب القدیم» از شهر دارالدیلمی از محمود بن اسماعیل از احمد بن نازشاه روایت می‌کند که گفت ابو علی مناوله از ابی نعیم حافظ روای می‌کند که الطبرانی از قاسم بن عباد خطابی از سوید بن سعید از عمرو بن ثابت همان روایت را روایت می‌کنند.

در کتاب «البحار» همچنین از «المناقب» روایت می‌کند که چون امام حسین علیه السلام در منزل حزیمیه فرود آمدند و در روز و شبی را در آن منزل، سکنی گزیدند، صبحگاهان خواهرشان زینب به حضور حضرت شرفیاب شدند و فرمودند:

ای برادر! خبر دهم از آنچه شامگاهان شنیدم، حضرت فرمودند: چه شنیدید، حضرت زینب علیه السلام فرمودند: شامگاهان که برای امری بیرون رفتم شنیدم که منادی ندا می‌داد:

الا یا عین فانهملی بجهعد فمن یبکی علی الشهداء بعدی
علی قوم تسوقهم المنایا بمقدار الی انجاز وعد

امام حسین علیه السلام فرمودند:

ای خواهرم! این امر قضائی حتمی است.

و در کتاب «البحار» می نویسد که ابن نما در کتاب «مثیر الاحزان» روایت می کند که توحه جنیان را شنیده و به همراه او یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به نام «المسور بن مخزومه» هم بوده که شنیدند که گریه می کردند و می خواندند، و همچنین روایت کرده اند که هاتفی در شامگاه در بصره می گفت:

إن الرماح الواردات صدورها نحو الحسين تقاتل التنزيلا
ويهللون بأن قتلت وإنما قتلوا بك التكبير والتهليلا
فكأنما قتلوا أباك محمدا صلى عليه الله أو جبريلاً

ابن شهر آشوب در کتاب «المناقب» از ابن بطه در کتاب «الابانه» می نویسد که صدای نوحه جنیان را شنیدم که می گفتند:

ايا عين جودي ولا تجمدى و جودي على الهالك السيد
فبالطف امسى صريعا فقد رزئنا الغداة بامر بدي

و در نوحه ای دیگر:

احمرت الارض من قتل الحسين كما اخضر عند سقوط الجونة العلق
ياويل قاتله ياويل قاتله فانه فى سعير النار يحترق

و در نوحه دیگری:

ابكى ابن فاطمه الذى من قتله شاب الشعر
و لقتله زلتم ولقتله خسف القمر
و همچنین گفته شده که نوحه هایی این گونه می خواندند:
والله ما جئتكم حتى بصرت به يا لطف منغفر الخدين منحورا

شیخ مفید در کتاب «المجالس» و شیخ طوسی در کتاب «الامالی» با اسنادی از محفوظ بن المنذر روایت می کنند که روایت می کند از پیرمردی از بنی تمیم که از اهالی رابیه بود که گفت که او از پدرش شنیده بود که ما در عصر روز عاشورا در رابیه نشسته بودیم که شنیدیم که هاتفی ندا می داد:

وَ اللَّهُ مَا جِئْتُمْ حَتَّى بَصُرْتُ بِهِ
وَ حَوْلَهُ فِتْيَةٌ تَدْمَى نُجُورَهُمْ
وَ قَدْ حَثَّتْ قُلُوبِي كَيْ أَصَادِفَهُمْ
كَانَ الْحُسَيْنُ سِرَاجاً يُسْتَضَاءُ بِهِ
صلی الاله على جسم تضمنه
مُجَاوِراً لِرَسُولِ اللَّهِ فِي عُرْفِ
بِالطِّفِّ مُنْعَفِرِ الْخَدَّيْنِ مَنْحُوراً
مِثْلَ الْمَصَابِيحِ يَمْلُونَ الدَّجَى نُوراً
مِنْ قَبْلِ مَا أَنْ يَلْقَاوا الْخُرْدَ الْحُوراً
اللَّهُ يَعْلَمُ أَيُّ لَمْ أَقْلُ زُوراً
قبر الحسين حليف الخير مقبورا
وَ لِلْبَثُولِ وَ لِلطَّيَّارِ مَسْرُوراً

از او پرسیدیم خدا رحمت کند تو را چه کسی هستی؟ ما از طایفه جن هستیم که برای ایثار جان در راه حسین از حج به سوی او شتافتیم ولیکن او را کشته یافتیم.

ابن قولویه در کتاب «الکامل» با اسنادی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که: روزگاری امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه مهاجرت فرمودند عده ای از زنان بنی عبدالمطلب به پیشگاه وی شرفیاب شدند که گریه کنان گفتند ای حسین شنیدم که طایفه جنیان برای تو نوحه سر داده اند بدین مضمون:

و ان قتيل الطف من آل هاشم
جيب رسول الله لم يك فاحشا
اذل رقابا من قریش فذلت
ابانت رزایاه الانوف و جلت

و همچنین گفتند:

ابكوحسنیاسیدا
ولقتله زلزلتم
واحمد آفاق السماء
و تغیرت شمس البلا
ذاک ابن فاطمه المصا
اورثنا ذلابه
و لقتله شاب العشر
و لقتله انكسف القمر
من العشیه و السحر
دلهم و اظلمت الكور
به الخلائق والبشر
جدع الانوف مع الغرر

و در کتاب مذکور با اسنادی از عبدالله بن حسان الکنانی روایت می شود که گفت: طایفه جن بر حسین بن علی بن ابی طالب نوحه و شیون می کردند و می گفتند:

ماذا تقولون اذ قال النبي لكم
باهل بيتي و اخواني و مكرمتي
ماذا فعلتم و انتم آخر الامم
من بين اسرى و قتلى ضرجوا بدم

و در کتاب فوق الذکر با اسنادی از داوود الرقی روایت شده که جدش برای او گفته است که طایفه جن برای قتل امام حسین گریه می‌کردند و این ابیات را زمزمه می‌نمودند:

و ابکی فقد حق الخبر	باعتین جودی بالعبر
ورد الفرات فما صدر	ابکی ابن فاطمه الذی
لما انی منه الخیر	الجن تبکی شجوها
تحسالك من خبر	قتل الحسین ورهطه
عند العشاء وبالسحر	فلا یکنک حرقه
عرق و ما حمل الشجر	ولا یکنک ما جرى

و در کتاب فوق الذکر با اسنادی از ولید بن غسان روایت شده که می‌گفت:

که طایفه جنیان با ابیات زیر بر حسین بن علی علیه السلام نوحه سرایی می‌کردند:

لمن الابیات بالط	ف علی کره بینه
تلک ابیات حسین	تیجا و ابن الرنینه

و باز هم در کتاب مذکور با اسنادی از علی بن الخرور روایت می‌کند که گفت:

شامگاهی صدای نوحه سرایی طایفه جن را بر حسین بن علی شنیدم که می‌گفتند:

یا عین جودی بالدموع فانما	یبکی الحزین یغرقه و توجع
یا عین الهاک الرقاء بطیبه	عن ذکر آل محمد فتلد معی «نط»
«باتت» ثلاثا بالصعید جسمهم	بین الوحوش و کلهم فی مصرع

و در کتاب «البحار» در بعضی از کتاب‌های «المناقب» با اسنادی از هند بنت چون روایت شده است:

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در هنگامه هجرت به سوی مدینه در منزلی به خیمه خاله‌شان ام معبد خزاعی وارد شدند و در کنار خیمه آن‌ها به اشاره حضرت چشمه

آبی جاری شد.

عبدالله بن محمد انصاری گفت این حدیث را برای دعبل بن علی خزاعی نقل کردم و وی منکر آن نشد و برای من روایت کرد که پدرم از جدم روایت می‌کند که مادرش سعیده بنت مالک خزاعی آن منطقه را دیده است و او روایت می‌کند که در شامگاه شهادت حضرت حسین علیه السلام طایفه جن زیر درختان این منطقه برای حضرت نوحه سرایی می‌کردند که آن را حفظ کرده بود:

یا ابن الشهید و یا شهیدا عمه خیر العمومة جعفر الطیار
عجبا لمصقول اصابک حده فی الوجه منک و قد علاه غبار

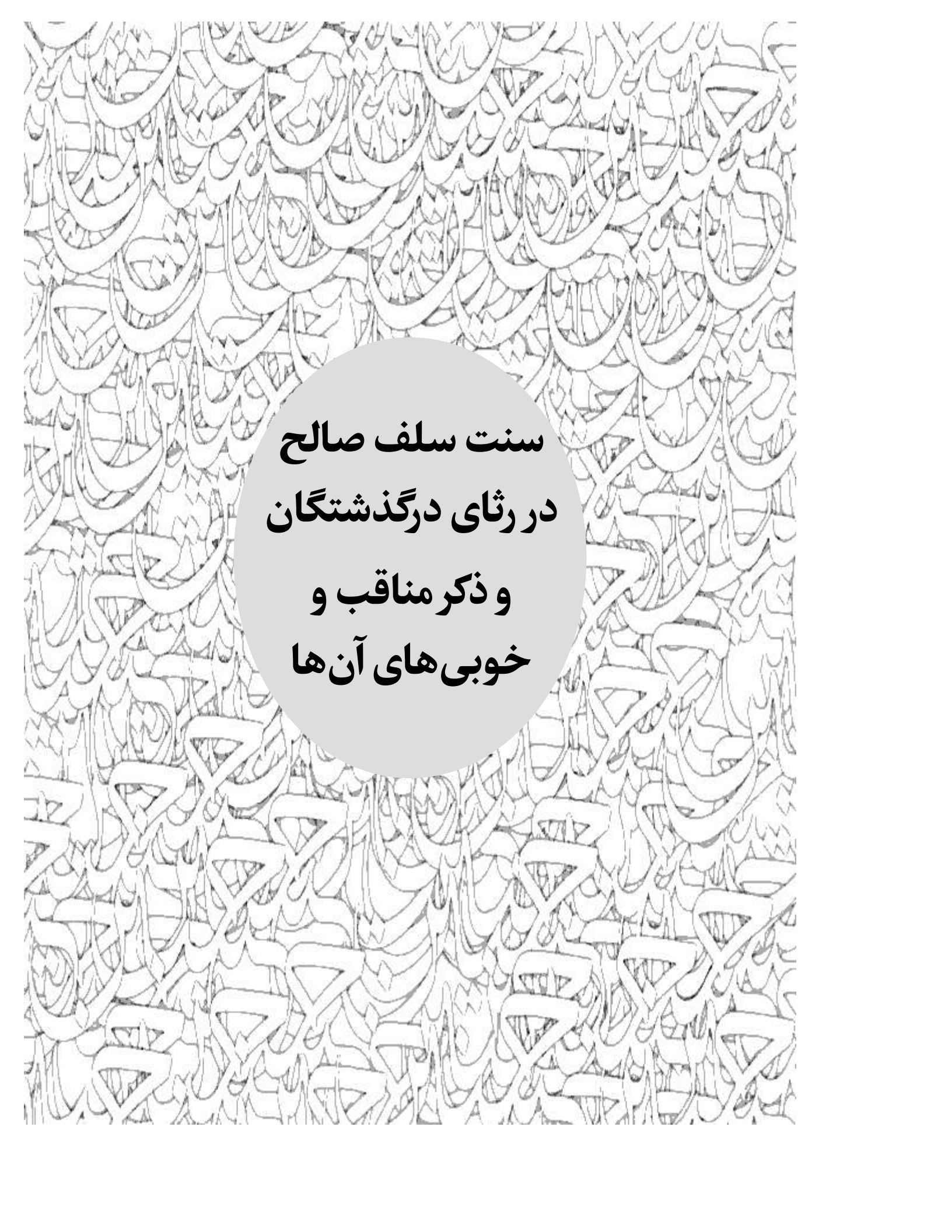
دعبل گفت که در قصیده‌اش:

زرخیر قبر بالعراق یزار واعص الحمار فمّن تهاک حمار
لم لا ازورک یا حسین لک الفداء قومی و من عطفت علیه تزار
لک الموده فی قلوب ذوی النهی و علی عدوک مقته و دمار
یا ابن الشهید و یا شهیدا عمه خیر العمومة جعفر الطیار

و همچنین آمده است که در شامگاه شهادت امام علیه السلام در بیت المقدس منادی ابیات ثلاثه فوق الذکر را سر می‌داده است.

و چه بسا دشمنانی که روایات نوحه طایفه جنیان بر حضرت سید الشهداء علیه السلام را که در کتاب‌های بزرگ اهل تسنن و راویان آن‌ها از جمله ابن حجر، سبط ابن جوزی و طبری و ابن اثیر آمده است منکر شده و رد می‌کنند و چه شگفت انگیز! که روایات نوحه جنیان بر قتل عمر بن خطاب را مورد تأیید قرار می‌دهند.

فرهنگ نامه گریه و عزاداری
سیدالشهدا علیه السلام



**سنت سلف صالح
در رثای درگذشتگان
و ذکر مناقب و
خوبی‌های آنها**

عاشقان

رثای آدم علی نبینا و علی آله وعلیه السلام برای فرزندش هابیل:

طبری در کتاب تاریخش صفحه ۷۲ جزء اول می نویسد: که ابن حمید از سلمه از غیاث بن ابراهیم و او از ابی اسحاق همدانی روایت می کند که امام علی علیه السلام فرمودند که: قابیل برادر خود هابیل را به قتل رسانید، آدم علیه السلام گریان شد و می خواند:

تغییرت البلاء و من علیها	فلون الارض مغیر قبیح
تغیر کل ذی طعم ولون	وقل بشاشه الوجه الملیح
گفت آدم پدر مردم	در عزای پور خود هابیل
که نگون گشت چهره بلدان	و نگون شد مزه آجیل
رفت خنده زچهره مردم	نگران دنیا ززفتن قابیل

رثای زهرای مرضیه علیه السلام در فراق پدرش علیه السلام

حضرت زهرای مرضیه علیها السلام در رثای پدر بزرگوارشان علیه السلام از حزن ابیاتی را سر می دادند که ابن عبدربه در کتاب العقد الفرید نقل می کند که حضرت فاطمه علیه السلام بر کنار قبر پدرشان علیه السلام می فرمودند:

انا فقد تاک فقد الارض و ابلها
وغاب مذعنت الوحی و الکتب
فلیت قبلک کان الموت صادفنا
لما نعیت و حالک دونک الکتب
* * *

قطع شد آن خطاب و جلوه های سرمدی
در غروب شمس روی آفتاب احمدی
قمریان آواز خوانند در فراق آفتاب
جلوه شمس را ندارد پس فروغ ماهتاب

دخترت بعد تو ای کاش نمی بود در جهان

ابن اثیر در کتاب نهاییه و صاحب تاج العروس در حدیثی از حضرت فاطمه زهرا
علیها السلام روایت می کند که بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

قد کان بعدک انباء و هنبثه لو کان شاهدها کم تکثر الخطب
انا فقد ناک فقد الارض و ابلها فاقتل قومک فاشهدهم ولا تغب

ای پدر بعد از فراق تو روزگاران را چه شد؟
این چه اخبار عجیبیست ، وحی اعلی را چه شد؟
بعد تو اوضاع عالم جمله درهم برهم است
پرسجو کن از حال دوران، را که خاندانت چه شد؟

همچنین روایت شده که حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها در ثای پدرشان
علیها السلام خطاب به انس می فرمایند:

ای انس! چگونه دلتان آمد که خاک بر پیکر رسول خدا صلی الله علیه و آله بریزید و مقداری
از خاک شریفشان را برداشته و بر دیدگان شان نهادند و بویدند.

این روایت در کتاب شرح الشمائل ترمذی در قسمت شرح السنه آمده است.

و قسطلانی در کتاب «الارشاد الساری» در شرح صحیح بخاری آورده است که
چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را دفن کردند: فاطمه علیها السلام گفت:

چگونه دلتان آمد که بر پیکر رسول خدا صلی الله علیه و آله خاک بریزید و مقداری از تربت قبر
شریف را برداشته و بر دیدگان خود گذاشته و آن را بویدند و فرمودند:

ماذا علی من شم تربة احمد ان لایشم مدی الزمان غوالیا
صبت علی مصائب لو انها صبت علی الایام عدن لیالیاً

این چه بویی است که از تربت احمد آید؟
این چه نوریست که از قبر محمد آید؟

این مصیبت که بردخت پیامبر آید
گربه ایام جهان پخش شود شب آید
پدرم بی تو چه شب شد روزم
بعد تو شمع صفت می‌سوزم

و همچنین منقول است در مرثیه حضرت رسول ﷺ فرموده باشند:

اغبر آفاق السماء و كورت شمس النهار و اظلم العصران
والارض من بعد النبی كئيبه اسفا عليه كثيره الرجفان
فلیبكه شرق البلا و غربها ولیبكيه مضر و كل یمان

چو پیکر پاکش به خاک نهان شدی
تو گوئی این خیمه بی ستون، بی ستون شدی
جمله آسمان و جهان بس مکدرند
تو گوئی که خورشید تابان بی فروغ شدی
ز شرق و غرب عالم همه گریان این غمند
تو گوئی شمع فروزان عالم واژگون شدی

رثاء صفيه دختر عبدالمطلب در سوگ نبی اکرم ﷺ

ابن عبدالبر در کتاب استیعاب روایت می‌کند که چون رسول خدا ﷺ رحلت فرمودند، صفيه دختر عبدالمطلب در رثای وی چنین سرودند:

الا يا رسول الله كنت رجائنا و كنت رحيماً هاديان و معلماً لعمرك ما ابكى النبي لفقده كان على قلبي لذكر محمد افاطم صلى الله رب محمد فدالرسول الله امى و خالتي صدقته و بلغت الرساله صادقياً فلو ان رب الناس ابقى نينا عليك من الله السلام و تحيه ارى حسنا يتمه و تركته	و كنت بنابراً و لم تك جافيا لبيك عليك اليوم من كان باكيا ولكن لما اخشى من الهرج أتيا و ما خفت من بعد النبي المكاويا على جدث امسى بيثرب تاويا وعمى و آبائى و نفسى و ماليا ومت طيب العود ابلج صافيا سعدنا ولكن امره كان ماضيا وادخلت جنات من العدن راضيا يبكى و يدعوه جده اليوم نائيا
---	--

الا يا ايها الرسول تو بودى رجاء ما
اميد اين جهان و سيد آن سرای ما
تو بودى رحيم و هادی و مهدی
بر تو به روز شادی و حزن سلامت ما
به جان تو سوگند می‌خورم با دیده‌ای پر خون
که بر آید به اندوه تو جان از دهان ما
بر قلب من نام محمد نشسته است
ترس ندارم ، قلب نشود زین پس ، قلوب ما
ای فدای تو همه هستی و دارائیم
پدر و مادر و همه دولت سرای ما
راستی پیشه‌ات بود و صدقت در کلام
ظلمت رفت ز فروغ ندایت زجان ما
با الهها! این فروغ گرم خورشیدی را نگیر

این سعادت جاودان گردان در قاموس ما
بار الهها، بر محمد سلم و تحیت را فرست
تو شه ای گردان سلامش را بر عقبی ما

رثای صفیه دختر عبدالمطلب در سوگ برادرش حمزه سید الشهداء

ابن هشام در کتاب سیرتش از ابن اسحاق روایت می‌کند که صفیه دختر
عبدالمطلب در سوگ برادرش حمزه چنین گفت:

اسائله اصحاب احمد مخافه	نبات ابي من اعجم و خبير
فقال الخبيران حمزه قد ثوى	وزير رسول الله خير وزير
دعاه آله الحق ذو العرش دعوه	الى جنة يحيى بها و سرور
فذلك ما كنا نرجى و نرتجى	لحمزه يوم الحشر خير مصير
فوالله لا اتساک ماهيت الصبا	بكاء و حزنا محمتری و مسیری
على اسد الله الذی کان مدرها	يذود عن الاسلام كل كفور
فياليت شلوى عند ذاک و اعظمی	لدى اضبح تعتادنى و تسور
اقول و قد اعلى النعى عشيرنى	جزى الله خيراً من اخ و نصير

پرسیدند از جنگاوران احد دختران ما
که بود دلیر مرد میدان و شجاع زمان ما
گفتند حمزه سید شیران عالم است
وزیر رسول خدا و عموی گرام ما
درود خدا بدان سپهسالار دین و جنگ
پذیرفته شد به درگاه دار القرار ما
شهادت برارزنده و بلندای شأن اوست
به روز قیامت بود سرور و شفیع ما
ما وارثان حزن و اندوه به سوگ او
بود پیشه و قسمت دیدگان ما
اسد الله علی بود علمدار لشکرش
نبود کافری گربشوند متحد به جهان ما

می‌سرایم نوحه با ندای بلند با عشیره‌ام
بوکه دهد جزای خیر به سوگ برادر برای ما

در رثای عبیده بن الحارث و جعفر بن ابی طالب

در سیره ابن هشام، آمده است که ابن اسحاق، عبیده بن حارث را در روز بدر به قتل رسانید و کعب بن مالک انصاری بر او گریست و چنین خواند:

ایا عین جودی و لا تبخلی بمعک حقاً و لا تنزری
علی سدهدنا هلکة اکریم المشاهد و العنصر
جرى المقدم شاکی السلاح کریم الشاطیب المکسر
عبیده امسی و لا نرتجیه لعرف عرانا و لا منکر
و قد کایحمی غذاة القتا لحامیة الجیش بالمبتر

چشم‌های من چون چشمه بجوشید
و بخل نوریید بتابید چو خورشید
بدان کشتگان راه حقیقت بجوشید
اشکها به چشمان من چو رودی خروشید
عبیده بود بر همه آفاق شهره
چون نور افکند بر آسمان زهره
که رزم آور معرکه به روز نبرد
به روز گه دوستی بدی نیک مرد

رثای جعفر بن ابی طالب و شهدای موته

حسان بن ثابت انصاری برای جعفر بن ابی طالب و اصحاب موته قصیده‌ای سروده که ابن هشام در کتاب سیره‌اش از ابن اسحاق بدین مضمون نقل کرده است:

فلا یبعدن الله قتلی تتابعوا بمؤتة منهم ذوالجناحین جعفر

و زید و عبدالله فیمن تتابعوا
غداه مضوا بالمؤمنین یقودهم
اغر کضوء البدر من آل هاشم
فطاعن حتی مال غیرموسد
فصار مع المستشهدین ثوابه
و کنا نری من جعفر بن محمد
و ما زال فی الاسلام من آل هاشم
بهالیل منهم جعفر و ابن امه
و حمزه و العباس منهم و منهم
بهم تفرج الأوفی کل مأزن
هم اولیاء الله انزل حکمه
و همچنین در مرثیه برادرش مالک چنین آورده است:

لقد لامنی عند القبور علی البکا
فقال اتبکی کل قبر رأیته
فقلت له ان الشجی یبعث الشجی
صدیقی لتذراف الدموع السوافک
لقبر ثوی بین اللوی فالدکاک
فذرنی فهذا کله قبر مالک

منتخب بهترین مرثی که مسلمین در باره امام حسین علیه السلام از روز شهادتش تا امروز گفته اند

ابوالفرج اصفهانی در کتاب «مقاتل الطالبین» می نویسد که شعراء از خوف بنی امیه جرأت سخنوری و شعر گفتن در رثای سید الشهداء را در اوایل نداشتند.

ابن اثیر قصیده ای را از اعشی همدانی که می گفت توابین در رثای سید الشهداء سروده اند آورده که مطلعش با این بیت شروع می شود که:

الم خیال منک یا ام غالب فحییت عنا من خلیل بجانب

و می گوید در آن زمان از خوف بنی امیه شیعیان در تقیه به سر می بردند و محبت اهل بیت علیهم السلام را در قلوبشان مخفی نگاه می داشتند و بعد از دوره بنی امیه بنی عباس هم به همان رویه بلکه بدتر از بنی امیه روی آوردند اول کسی که در رثای امام حسین علیه السلام شعر سرود عقبه بن عمرو العبسی بود چنانچه ابن جوزی الحنفی در کتاب تذکرة الخواص از السدی و مفید در المجالس با اسنادی از ابراهیم

بن داحه روایت می‌کند و آن مرثیه این است:

اذ العین قرت فی الحیاه و انتم
تخافون فی الدنیا فاطلم تورها
مررت علی قبر الحسین بکربلا
ففاض علیه من دموعی عزیزها
و ما زلت ابکیه و ارثی لشجوه
و یسعد عینی دمعها و زفیرها
و نادیت من حول الحسین عصائبها
اطافت به من جانبیه قبورها
سلام علی اهل القبور بکربلا
و قل لها منی سلام یزورها
سلام بأصال العشی و بالضحی
تؤدیه تکبأ الریاح و مورها
ولا برح الـزوار زواره قبره
یفوح علیهم مسکها و عبیرها

**و سلیمان بن قته که او از مشاهیر قبیله بنی تمیم بن مره بن کعب بن لوی
او از تابعین است در مورد امام حسین علیه السلام مرثیه ای بدین مضمون دارد:**

مررت علی ابیات آل محمد	فلم ارها کعهدها یوم حلت
فلا یعبد الله الدیار و اهلها	وان اصبحت اهلها قد تخلت
و ان قتیل الطف من آل هاشم	اذل رقاب المسلمین فذلت
و کانوا رجاء ثم صاروا رزیه	فقد عظمت تلک الرزایا و جلت
و عند غنی قطره من دمائنا	سنجزیهم یوما بها حیث حلت
اذا افتقرت قیس جبرنا فقیرها	وتقتلنا قیس اذا النعل زلت

این ابیات را ابن الاثیر و ابو الفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبین آورده‌اند و فقط ترتیب بعضی از ابیات فرق می‌کند.

والمربزبانی روایت می‌کند که ابو الرجج الخزائی به فاطمه بنت الحسین بن

علی علیه السلام وارد می‌شود و برای فاطمه علیها السلام این ابیات را در رثای امام حسین علیه السلام ایراد کرد:

اجالت علی عینی سحائب عبرة
فلم تصح بعد الدمع حتی ارمعلت
تبکی علی آل النبی محمد
و ما اکثرت فی الدمع لابل اقلت
اولئک قوم لم یشیمو سیوفهم
و قد نکأت اعدائهم حین سلت
و ان قتیل الطف من آل هاشم
اذل رقابا من قریش فذلت

پس فاطمه بنت الحسین علیها السلام فرمودند:

ای ابا الرجج!، گفتم: بله خدا مرا فدای شما کند فرمودند:

بگو: اذل رقاب المسلمین فذلت

و آنچه فرموده بود در شعرم تغییر دادم.

ببارای چشم چون ابر بهاران بیفشان اشک چون شمع فروزان
به آل مصطفی باشد چو گریان به جمله دشمنان لعن فراوان
الهی این قتیل راه دین است قریش از اوج عرش بر فرش کشیدش

پس فاطمه بنت الحسین علیها السلام به ابا الرجج فرمودند که در بیت آخر به جای «قریش» لفظ «مسلمین» را قرار بده

از بعضی از فضلاء التابعین نقل شده است که خالد بن معدان چون سر مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام را بر فرازنی دید، منقلب شد و یک ماه خود را در جایی محبوس کرد و بیرون نیامد و چون وی را بعد از یک ماه دیدند و از وی سبب

غیبتش را پرسیدند این مرثیه را ایراد کرد:

جاؤا برأسک یا ابن بنت محمد متزملابدمائه تزمیلا
و کانما بک یا ابن بنت محمد قتلوا جهارا عامدین رسولا
قتلوک عطشاننا و لما یرقبوا فی قتلک التأویل و التنزیلا
و یکبرون بأن قتلت و انما قتلوا بک التکبیر و التهلیلا

آوردند سر تو را ای پسر دخت رسول
در حالی که به خون و خاک آغشته بود
آن‌ها که تو را کشتند نفهمیدند
که در واقع رسول خدا را کشتند
آن‌ها تو را کشتند عطشان و لب تشنه
و در مورد قتل تو تأویل و تفسیر کردند
تکبیر می‌گویند آن‌ها در قتل تو
نگو در واقع آن‌ها تکبیر را کشتند

در کتاب «العقد الفرید» مدائنی با اسنادی از حسن بصری روایت می‌کند که:

با حضرت حسین علیه السلام شانزده نفر از اهل بیتش به شهادت رسیدند که در طول تاریخ چون آنان اهل بیتی وجود نداشت و بنات رسول الله صلی الله علیه و آله را بر فراز شتران بی جهاز به سوی شام به اسارت بردند و چون بر یزید وارد شدند، فاطمه بنت الحسین علیها السلام فرمود:

ای یزید! آیا شایسته است که دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله اسیر باشند؟ یزید گفت: نه بلکه شما احرار و آزادید که به دیدن دختر عموهایتان آمده‌اید پس دستور داد که دست‌های ایشان را باز کردند و چون به مجلس وارد شدند هیچ کس حتی سفیانی‌ها نبودند مگر آنکه به گریه افتادند و ندبه کردند پس دختر عقیل بن ابی طالب در آن حال این مرثیه را ایراد فرمود:

عینی و ابکی بعبرة و عویل واندبی ان ندبت آل الرسول
سته کلهم لصلب علی قد اصیبوا و خمسة العقیل

ای چشمان من گریان باشید و اشک بریزید
برای آل پیامبر ندبه کنید
که جمله اسیران حریم حسین
زصلب علی باشند و آل عقیل

و در کتاب «تذکره الخواص» از سبط بن جوزی حنفی روایت شده است که
واقدی می‌گوید چون سر امام حسین علیه السلام و اسرا به شهر رسیدند کسی در شهر
نماند الا آنکه از شهر بیرون آمده و شروع به ناله و ضجه کردند و در این حال زینب
بنت عقیل بن ابی طالب فریاد کشید و احسیناه، و اخوتاه، و آهلاه، و امحمداه
پس چنین گفت:

ماذا تقولون اذا قال النبي لكم ماذا فعلتم و انتم آخر الأمم
باهل بیتی و اولادی اما لكم عهد اما انتم توفون بالذمم
ذریتی و بنو عمی بمضیعه منهم اساری و منهم ضرجوا بدم
ما کان هذا جزائی اذ نصحت لكم ان تخلفونی بسؤ فی ذوی رحمی

چه خواهید گفت به پیامبرتان
اگر پرسید از شما که با اهل بیتم چه کردید
مگر شما را به اهل بیتم سفارش نکردم
و از شما در این مورد عهد نگرفتم
پس چرا اهل بیتم و اهل بیت عموهایم
همه کشته و اسیر شدند
این پاسخ نصیحت‌های من بود
که با اهل بیتهم و ارحامم چنین کردید

ابو دهبلی جمعی از شعرای به نام عصر معاویه و یزید بود برای امام حسین علیه السلام
مرثیه‌ای دارد که ابوالفرج اصفهانی در کتاب «الآغانی» و شریف مرتضی در کتاب
«امالی» آن را آورده است و این مرثیه دلیل بر تشیع ابو دهبلی دارد گرچه در زمان
تسلط حکومت اموی آن را اظهار نمی‌کردند چنانچه قبلاً درباره آن صحبت شد که
ابوالفرج گفته بود که مرثیه سرایان از ترس و خوف چنین نمی‌کردند، که قصیده
زیر قسمتی از آن می‌باشد:

تبيت النشاوى من اميه نوما و بالطف قتلى ينام حميمها
و ما افسد الاسلام الا عصابه تأمر نوکاهها و دام نعيمها
و اضحت قناه الدين فى كف ظالم اذا مال منها جانب لا يقيمها

آل اميه مست، مست بودند
و اين مستى با قتل حسين علیه السلام آشکار شد
آن‌ها اسلام را منهدم کردند
و از آن برای رسیدن به عیش خود استفاده کردند
لگام دین به کف ظالم نهاده شد
مثل مالی به صاحبی که دست ناهلی افتاده است

و حسن بن ضحاک در کتاب «الدر النضید» مرثیه‌ای برای امام حسین علیه السلام ذکر کرده است.

و مما شجى قلبى و كفكف عبرتى محارم من آل النبى استحلت
و مهتوكه بالطف عنها سجوفها كعاب كقرين الشمس لما تبدت
اذا خفرتها و زعه من منازع لها المرط عادت بالخضوع و رنت
و ربات خدر من ذؤابه هاشم هتفن بدعوى خير حى و ميت
ارديدا من ي اذا ما ذكرته على كبد حرى و قلب مفتت
فلا بات ليل الشامتين بغبطه ولا بلغت آمالها ماتمنت

و عامر بن یزید بن ثبیط عبدی از عبدالقیس نقل می‌کند که چون پدر و برادرانش به همراه امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند چنین سرود:

يا فرو و قومى فاندبى خير البريه فى القبور
و ابكى الشهيد بعبره من فيض دمع ذى درور
وارثى الحسين منع التأوة و التفجع و الزفير
قتلوا الحرام من الاثم ه فى الحرام من المشهور

و همچنین فضل بن عباس عقبه بن ابی لهب هاشمی چنین مرثیه گفته است

اعینى ان لا تبکيا لمصیبتى
اعینى جودا من دموع غزیره
من الأکرمین البیض من آل هاشم
مصابیح امثال الأهلہ اذ هم
بهم فجعتنا و الفواجع کاسمها
و فى کل حى نضحہ من دمائنا
فلله محیاننا و کان مماتنا
لکل دم مولى و مولى دمائنا
فسوف یرى اعداؤنا حین نلتقى
فکل عیون الناس عن اصبر
فقد حق اشفاقى و ماكنت احذر
لهم سلف من واضح المجد یذكر
لدى الجود أو دفع الکریبهه ابصر
تمیم و بکر السکون و حمیر
بنی هاشم یعلوسناها و یشهر
والله قتلانا تدان و تنشر
بمرتقب یعلو علیکم و یظهر
لأى الفریقین النبى المطهر

**کمیت بن زید اسدی رحمة الله در مرثیه‌ای برای امام حسین علیه السلام و اهل بیتش
چنین سروده است:**

اضحکنى الدهر و ابکانى
لتسعه بالطف قدغو دروا
و ستة لا یتجازى بهم
ثم على الخیر مولاهم
والدهر ذو صرف و الوان
صاروا جمیعاً رهن اکفان
بنوعقیل خیر فرسان
ذکرهم هیچ احزانی

**و دعبل خزاعی در قصیده‌ی بلند مشهوری مرثیه‌ای برای امام حسین و اهل
بیتش گفته است:**

افاطم لو خلت الحسین مجدلا
اذا للطمت الخد فاطم عنده
افاطم قومی یا ابنة الخیر و اندبى
قبور بکوفان و اخرى بطیبه
قبور بجنب النهر من ارض کربلا
توفوا عطاشى بالفرات فایتنى
رزایا أرتنا خضرة الافق حمرة
سأبکیهم ماذر فى الارض شارق
و قد مات عطشانا بشط فرات
و اجریت دمع العین فى الوجنات
نجوم سماوات بارض فلاة
و اخرى بفتح نالها صلواتى
معرسهم فیها بشط فرات
توفیت فیهم قبل حین وفاتى
وردت اجاجا طعم کل فرات
و نادى منادى الخیر للصلوات

و جعفر بن عفان که از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام است، مرثیه‌ای برای امام حسین علیه السلام بدین مضمون سروده است

لبیک علی الاسلام من کان باکیا
غده حسین للرمح دریئه
و غودر فی الصحراء لحما مبددا
فما نصرته امه السؤ اذ دعا
الا بل محو انوارهم بأکفهم
وناداهم جهدا بحق محمد
فما حفظوا قربی النبی ولازعوا
اذ اقته حر القتیل امة جده
فلا قدس الرحمن امة جده
کما فجعت بنت النبی بنیلها
فقد ضیعت احکامه واستحلت
وقد نهلت منه السیوف و علت
علیه عتاق الطیر باتت و ظلت
لقد طاشت الاحلام منها و ضلت
فلا سلمت تلک الاکف و شلت
فان ابنه من نفسه حیث حلت
وزلت بهم اقدامهم و استزلت
هفت نعلها فی کربلاء و زلت
و ان هی صامت لآله وصلت
وکانوا حما الحرب حیث استقلت

سید الحمیری شاعر مشهوری که در عصر امام جعفر صادق علیه السلام شاعری بود که در رثای امام حسین علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام شعر سروده و منقول است که حضرت امام صادق علیه السلام برای برگزاری مجلس سوگواری به دنبال ایشان می‌فرستاد تا در مجلس اشعاری را بخوانند و ایجاد حزن و اندوه نمایند که در فصل اول درباره آن و نمونه‌ای از اشعارش سخن به میان آمد. و منصور النمری از نمرین قاسط روایت می‌کند که او از شعرای شیعه عصر هارون الرشید و اشعاری چون اشعار زیر را در رثای امام حسین علیه السلام سرود که در کتاب معجم الشعراء المرزیانی آمده است:

قتیل ما قتیل بنی زیاد	الا بابی و امی من قتیل
ایخلو قلب ذی ورع و دین	من الاحزان و الهم الطویل
و قد شرقت رمح بنی زیاد	بری من دماء بنی الرسول

و در بحار از بعضی کتب مناقب قدیمی چون، مناقب سید الحافظ ابو منصور شهردار بن شیرویه دیلمی از کتاب «محبی السنه» ابی الفتح روایت شده که او از ابو

الطیب بابلی و او از ابو نجم بدر بن ابراهیم دینور شافعی و او از محمد بن ادريس از کتاب ینابیع الموده نقل کرده که حافظ جمال الدین زرنندی مدنی از کتابش «معراج الوصول فی معرفة آل الرسول» و از ابوالقاسم فمتل بن محمد مستملی و او از قاضی ابابکر سهل بن محمد روایت می‌کند که گفت ابوالقاسم ابن طیب گفت از شافعی رحمته الله علیه این ابیات نقل شده که ابن شهر آشوب هم در مناقب شافعی آن را نقل نموده است

نأوب غمی و الفؤاد کثیب و مما نفی نومی و شیب لمتی فمن مبلغ عنی الحسین رساله قتیل بلا جرم کان قمیصه وللسیف احوال و للرمح رنه تزلزلت الدنیا لآل محمد و غارت نجوم اقشعرت کواکب یصلی علی المبعوث من آل هاشم لئن کان ذنبی حب آل محمد هم شفعا ئی یوم حشری و موقفی	وارق نومی و الرقاد غریب تصاریف ایام لهن خطوب و ان کرهتها انفس و قلوب صبیع بماء الارجوان خضیب وللخیل من بعد الصهیل نحیب و کادت لهم صم الجبال تذوب و هتک استار و شق جیوب و یغزی بینه ان ذا العجیب فذلک ذنب لست عنه اتوب اذا مابدت للناظرین خطوب
---	--

خدایا! من غمی سخت بر سینه دارم
که خواب و خورم زدار فنا یکسر گذارم
خدایا بی قرارم، غمی جز آن ندارم
چروکیده جبینم، ببین چه زرد و زارم
از آن خسرو، خوبان جهان غمی بر سینه دارم

زداغ حسین و اولاد او چنان جان می‌سپارم
حسین علی شه کشته برسبیل هدایت
نهفته بشد زخون تنش طریق عدالت
چه خوش باشد زاین غم زمین نگون شدی
این خرگه بلند ستون بی ستون شدی

درود خداوند عالم به آل پیامبر
به دودمان احمد به زهراى اطهر
خداوند عاشق آل رسولم
ز عشق مصطفی و آل او خیلی ملولم
خدایا بی پناهم بجز عشقش نخواهم
اگر عشقش گناه است ببین غرق گناهم
مگر برشوند به روز جزا شفیع جمله جانها
که تا پرکشم زبند تنم به سوی آسمانها

سبط الجوزی حنفی در کتاب «تذکرة الخواص» نوشته که ابو عبدالله محمد بن بندجی بغداد گفته است از قول بعضی از مشایخشان که ابن هباریه شاعر نشسته بود و بر حسین بن علی علیه السلام ندبه می کرد و می گفت:

احین و المبعوث جدک بالهدی	قسما یکون الحق عنه مسائلی
لوکنت شاهد کربلا لبذلت فی	تنفیس کربک جهد بذل الباذل
و سقیت حد السیف من اعدائکم	علا و حد السمهری الذابل
لکننی اخرت عنک لشقوتی	فیلا بلی بین الغری و بابل
هبنی حرمت النصر من اعدائکم	فأقبل من حزن و دمع سائل

پس از سرودن این شعر، خوابش برد و در رؤیا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را دید حضرت به او فرمود که من خیر البشر هستم و خدا برای آنچه نوشتی تو را در زمره مجاهدین راه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام قرار داده است.

ابن الهباریه شاعر این ابیات نام اصلیش نظام الدین ابویعلی محمد بن محمد ابن صالح عیاشی هاشمی متوفی سال ۵۰۹ هجری قمری معروف به ابن الهباریه بود و نسبش از طریق مادر به بنت هبار صاحب کتاب «الصادح والباغم» که در زمان سیف الدوله صاحب الحله نگاشته شده است می رسد.

و سبط بن جوزی در کتاب «تذکرة الخواص» نقل می کند از کتاب «التبصره» که امام حسین علیه السلام گرفتار قومی شد که قصد داشتند شریعت را لگدمال کنند ولی او قواعد شریعت را پابرجا نمود، از او خواستند به خواسته ابن زیاد تن در دهد و او نپذیرفت و شهادت را بر ذلت برگزید پس این اشعار را برای او سرود:

و لما رأوا بعض الحياه مذلّه عليهم و عز الموت غير محرم
ابوا ان تذقوا العيش و الذل واقع عليه و ماتوا ميتة لم تدم
ولا عجب للاسدان ظفرت بها كلاب الاعادي من فصيح و اعجم
فحربه وحشى سقت حمزه الردى و حتف على من حسام ابن ملجم

سبط بن جوزی همچنین در کتاب تذکره الخواص نقل می‌کند ابو عبدالله
نحوی که در مصر بود که خطاب بعضی از افرادی که در روز عاشورا سرمه به چشم
می‌کشیدند گفت:

وقائل لم كحلت علينا يوم استباحوا دم الحسين
فقلت كفوا احق شيئ تلبس فيه السواد عيني

و سبط بن جوزی همچنین در تذکره الخواص از بعضی از مشایخ این مریه را
ذکر می‌کند

لا تطلبوا المولى الحسي ن بارض شرق او بغرب
و دعوا الجميع و عرجوا نحوى فمشهده بقلبي

و السرى الرفا از مشاهیر شعرا چنین می‌سراید:

اقام روح و ريحان على جدت ثوى الحسين به ظمان آمينا
كان احشاءنا من ذكره ابدا تطوى على الحمراء و تحشى السكاكينا
مهلا فما نقضوا او تار والده و انما نقضوا فى قتله الدنيا

و شاحم شاعر در قصیده‌ای طولانی می‌سراید:

اذا تفكرت فى مصابهمو اثقب زندالهموفادحه
فبعضهم قربت مصارعه وبعضهم بعدت مطارحه
أظلم فى كربلاء يومهم ثم تجلى و هم ذبائحه
ذل حماه و قل ناصره و نال اقوى مناه كاشخه

و الزاهی شاعر مشهور می سراید:

اعاتب عینی اذا قصرت
لذکراکم یا بنی المصطفی
لکم و علیکم جفت غمضها
امثل اجسادکم بالعراق
امثلکم فی عراض الطفوف
غدت ارض یثرب من جمعکم
واضحت بکم کربلا مغربا
وللبسط فوق الثری شیبۃ
و رأس الحسین امام النساء

وافنی دموعی اذا ما جرت
دموعی علی الخد قد سطرت
جفونی عن النوم و استشعرت
و فیها الاسنه قد کسرت
بدوراً، تکسف اذا اقمرت
کخط الصحیفه اذا اقفرت
کزهر النجوم اذا غورت
بفیض دم النحر قد عفرت
کغره صبح اذا اسفرت

الناشی شاعر مشهور می سراید:

مصائب نسل فاطمه البتول
الا بأبی البدور لقین کسفا
الا یا یوم عاشورا رمانی
کانی باین فاطمه جدیلا
و قد قطع العده الراس منه
و فاطمه الصغیره بعد عز
تنادی جدها یا جدانا

نکت حسراتها کبید الرسول
واسلمها الطلوع الی الافول
مصابی منک بالداء الدخیل
یلاقی التراب بالوجه الجمیل
و علوه علی رمح طویل
کساها الحزن اثواب الذلیل
طلبنا بعد فقدک بالذحول

بوصیری صاحب کتاب «البرده»، از جمله قصیده‌هایی که می‌سراید بدین
مضمون است:

یا ابا القاسم الذی ضمن اقسا
بالعلوم التی لدیك من اللـ

می علیه مدح له و ثناء
به بلا کاتب لها املاء

تا جایی که می‌گوید:

و بریحانتین طیبهما منـ

ک الذی اودعتهما الزهراء

كنت تؤويهما اليك كما آ
من شهيدين ليس طيبه تنسي
مارعى فيهما ذمامك مرؤو
ابدلوا الودو الحفيظه فى
وقست منهمو قلوب على من
فابكم ما استطعت ان قليلا
كل يوم و كل ارض لكربى
آل بيت النبى ان فؤادى
آل بيت النبى طبتم فطاب ال
انا حسان مدحك فاذا انح
سدتم الناس بالتقى و سواكم
وت من الخط نقتطتيها الياء
نى مصابيها و لا كربلاء
س و قد خان عهدك الرؤساء
القربى و ابدت ضبابها النفقاء
بكت الارض فقدهم و السماء
فى عظيم من المصائب البكاء
منهم كربلا و عاشوراء
ليس يسليه عنكم التأساء
مدح لى فيكم و طاب الرثاء
ت عليكم فاننى الخنساء
سودته الصفراء والبيضاء

این مختصری بود از مرثی اعیان امت که در رثای سید الشهداء علیهم السلام سرودند و در همین جا اختصار می‌کنیم و هر کس که طالب، مطالب بیشتری در این خصوص است به کتاب «راز النضید فی مرثی السبط الشهید» مراجعه کند.

رثای حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و سه برادر شهید

به همراه امام حسین علیه السلام، چهار برادرش که از ام البنین علیها السلام بودند نیز به شهادت رسیدند، که عبارت بودند از عباس، عبدالله، جعفر و عثمان، نقل است که حضرت ام البنین علیها السلام بنت حزام الکلابیه هر روز به همراهی عبیدالله بن عباس به جانب بقیع مشرف می‌شد و برای فرزندانش علی الخصوص حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام ندبه می‌کرد و به دل همه کسانی که در آن نزدیکی بودند آتش می‌زد، حتی نقل است که مروان حکم دشمن دیرینه بنی هاشم در مقابل این ناله‌های مادر، طاقت نیاورد و به گریه پرداخت.

از جمله مرثی که حضرت در رثای فرزندانش می‌گفت اخفش در کتاب شرح کامل المبرد آورده است:

يا من رأى العباس كر
و وراه من ابناء حيد
انبتت ان ابنى اصيد
على جماهير النقد
در كل ليث ذى لبد
ب برأسه مقطوع يد

ویلی علی شبلی اما ل برأسه ضرب العمد
لوکان سیفک فی یدی ک لما دنا منه احد

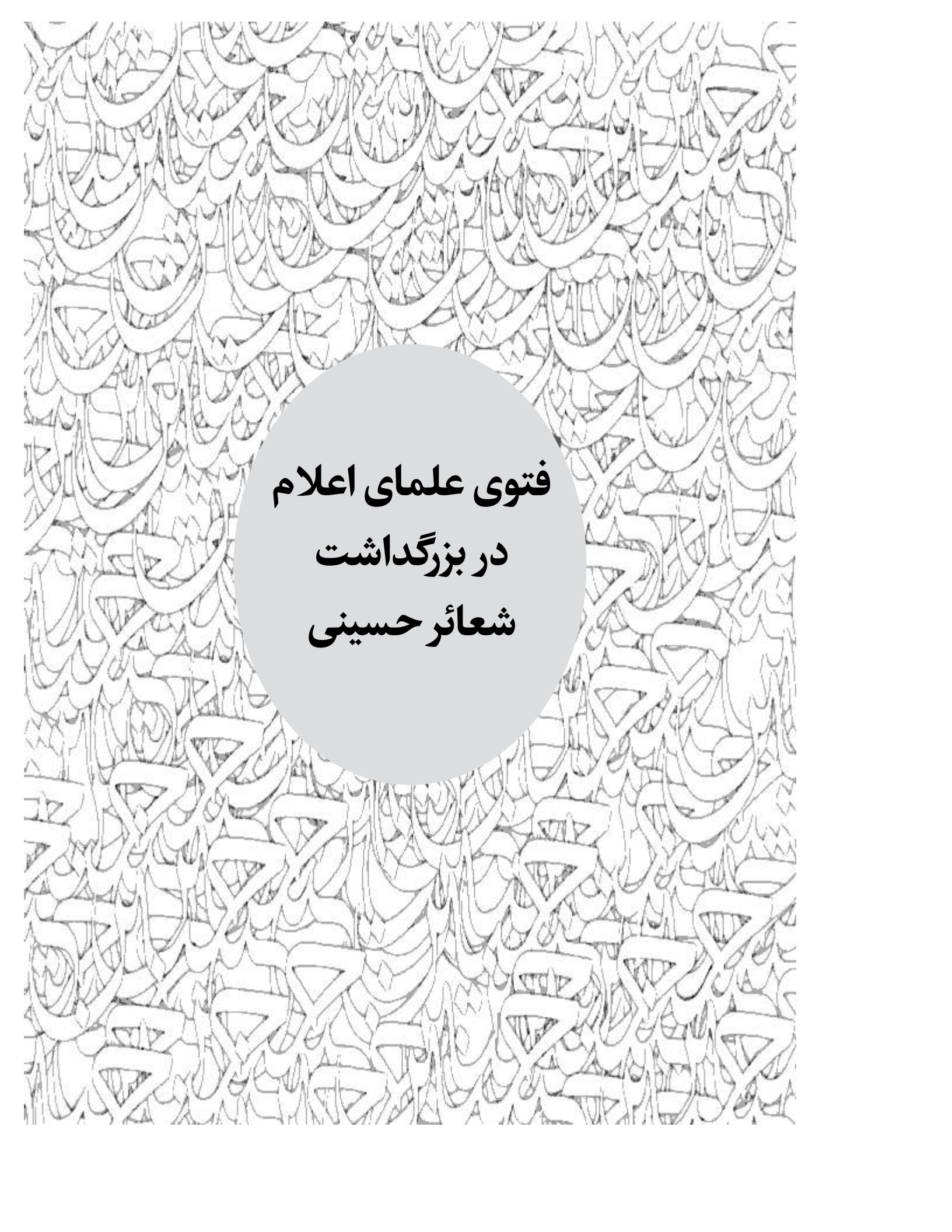
ای کسانی که عباس مرا دیده بودید می دانید که هیچ کس حریف او نبود
او در میان نسل حیدر از همه شجاع تر و قوی تر بود به من گفتند که اول دو
دستانش را قطع کردند بعد با عمود آهنی بر سرش کوفتند بله اگر در دست تیغ
داشت چه کسی جرأت این کار را داشت

و در رثای چهار فرزند شهیدش می گفت:

لا تدعونی و یک ام البنین تذکرینی بلیوث العرین
کانت بنون لی ادعی بهم والیوم اصبحت ولامن بنین
اربعه مثل نور الرئی قد واصلوا الموت بقطع الوتین
تنازع الخرصان شلاًهم وکلهم امی صریعا طعین
یالیت شعری اکما اخبروا بأن عباساً قطع الیمین

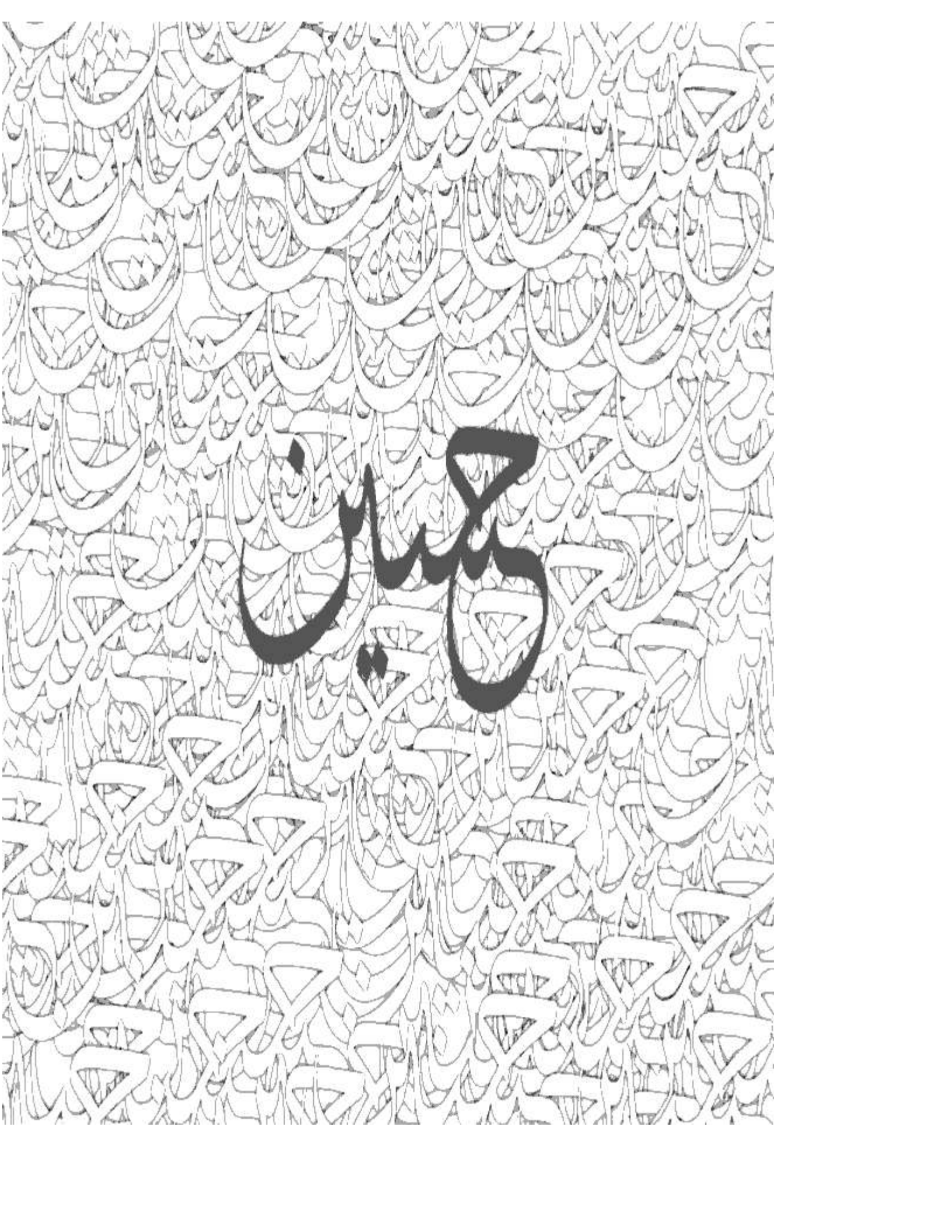
و همچنین فضل بن محمد بن فضل بن الحسین بن عیبدالله بن عباس بن
امیر المؤمنین علیهما السلام در رثای جد شهیدش می سراید:

انی لاذکر للعباس موقفه بکربلائ وهام القوم تختطف
یحمی الحسین و یحمیه علی ظماء ولا یولی و لا یثنی فیختلف
ولا اری مشهدا یوما کمشهده مع الحسین علیه الفضل و الشرف
اکرم به مشهدا بانث فضیلته و ما اضاع له افعاله خلف



**فتوی علمای اعلام
در بزرگداشت
شعائر حسینی**

عاشق



«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم، فان تنازعتم فی شی فردوه الی الله و الی الرسول ان کنتم تومنون بالله و الیوم الآخر» قرآن کریم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين

فجر اسلام به نور محمدی صلی الله علیه و آله طلوع کرد و با قیام حضرت سید الشهداء استمرار یافت و با تعظیم شعائر حسینی علم سید الشهداء در عالم برافراشته شد و خصم خوب می داند که جهت ضربه زدن به اسلام می بایست به این شعائر هجوم آورد و با حربه های تشکیک در وجوه آن ویا بی محتوی کردن آن بکوشد که جایگاه آن را نزد مردم تنزیل دهد و در همین راستاست که علمای اعلام در جهت هر چه با شکوه تر شدن این شعائر و مقابله با تشکیک ها وارد عمل شده و در جهت زدودن

غبار شبیهه‌ها و شک‌ها به میدان آمده و فتاوی و مطالبی را عنوان نمودند که در این فصل به یعنی از آن‌ها اشاره خواهیم نمود.

حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد حسین نائینی

از جمله مردم بصره از حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد حسین نائینی استفتائی در این راستا کردند که نظر خوانندگان را بدین سوالات و فتوای معظم له جلب می‌کنم:

بسم الله الرحمن الرحيم

به مردم بصره و اطراف آن:

بعد سلام بر برادران ایمانی و امجد و عظیم الشانمان از اهالی بصره و اطراف آن در مکاتبات متوالی متواتری که به اینجانب داشته‌اند حکم شرعی در باره برگزاری عزای سید الشهداء و آنچه متعلق به ایشان است از من سوال فرمودید حال به حمد خدا که سالم به نجف اشرف رسیدیم به این سوالات جواب خواهم داد ان شاء الله

اولاً: آن موکب‌های عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام که در روزهای دهم محرم در خیابان‌ها به راه می‌افتد شکی نیست که موجبات عزاداری سید الشهداء را فراهم کرده و از بهترین مصادیق اقامه عزای ایشان است.

پس در دسترس‌ترین وسیله جهت تبلیغ و دعوت به سوی اقامه عزای برای امام حسین علیه السلام و جلب نظر مردم دور و نزدیک همین می‌باشد لیکن این تشکیلات می‌باید از یکسری از مسائل چون استعمال آلات لهو و موسیقی و احیاناً نزاعها و چشم به هم چشمی‌ها منزه باشد و اگر یکی از این مسائل در هیئات بروز کند مسلم است که امر حرامی بوجود آمده است.

ولیکن بروز این جوانب منجر بدان نمی‌باشد که در کل در خود شعاعر حسینی اشکالی بوجود آید کما این که هر چند در نماز نگاه کردن به زن اجنبی حرام است ولی منجر به بطلان نماز نمی‌شود.

و ثانیاً: از نظر فقهی اشکالی در سینه زنی و نواختن به صورت در حالی که به

سرخ رنگی و در حد کبودی اشکالی ندارد و همین طور زنجیر زنی که به کتف‌ها نواخته می‌شود مادامی که منجر به قرمزی و کبودی شود و ضرری خاص نداشته باشد اشکالی ندارد و باید احتیاط شود که منجر به خونریزی و امثال آن نشود، و همچنین قمه زنی اگر چنانچه ضرری برای عزادار نداشته باشد و منجر به شکسته شدن سر نشود و سعی بر این باشد که قمه زنی توسط افراد ماهر صورت پذیرد و کسانی که به این امر اشراف ندارند این کار را انجام ندهند و خواهش کنند از کسانی که مهارت دارند این کار را برای آن‌ها انجام دهند تا منجر به صدمه و ضرری نشود که اگر منجر به ضرر بدنی و جانی شود از جمله محرمات خواهد بود پس همان بهتر است که افراد مبتدی اقدام به این امر نکنند و ضرری بر ابدان آن‌ها وارد نشود چنانچه قلوبشان از این مصیبت سنگین محزون و از محبت و عشق حسین مملو است و خداوند آن‌ها را بر این توفیق ثابت قدم و در حیات دنیا و آخرت بر توفیقاتشان بیفزاید.

و ثالثاً: سوال شده از تعزیه‌ها و شبیه سازی‌هایی که مرسوم است که در ماه محرم در هیأت‌های عزاداری اقامه می‌شود، و گاهی در این تشبیهات مردان لباس زن‌ها را پوشیده و خود را به مثابه زنان در می‌آورند هر چند من حدود چهار سال پیش که در این مورد از من سوال شده بود، این امر را بلا اشکال تشخیص دادم ولیکن در تحقیقات اخیر که در حاشیه کتاب عروة الوثقی نیز آمده است این امر را جایز نمی‌دانم، و این امر را هم باید از این تشکیلات زدود هر چند همان طور که متذکر شدم این محرمات که در حاشیه بعضاً اتفاق می‌افتد، ارتباطی به اصل عزاداری ندارد.

رابعاً: از طبل‌های ویژه‌ای سوال شد به نام دمام که در فراخوانی اجتماعات به اقامه عزای حسینی دعوت می‌شود که معمولاً در مراسم لهو و شادی در نجف از آن استفاده می‌شود ولی در اقامه عزای حسینی چون این آلت بدان نحو نواخته نمی‌شود به نظر من استعمال آن جایز می‌باشد. والله العالم

۵ ربیع الاول سنه ۱۹۴۵

نوشته این کمترین - محمد حسین الغروی النائینی

پس از انتشار این فتوی از حضرت آیت الله العظمی نائینی رحمته الله علیه این فتوی به سایر فقهای عصر عرضه شد و در حاشیه آن چنین نوشتند:

نص نوشته حضرت آیت الله العظمی سید میرزا عبدالهادی شیرازی

بسمه تعالی

آنچه (میرزای نائینی) در این مورد نوشته است، صحیح است ان شاء الله تعالی
این کمترین - عبدالهادی الحسینی شیرازی

نص نوشته امام مجاهد آیت الله العظمی سید محسن حکیم طباطبایی

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه استاد معظم ما قدس سره در این خصوص نگاشته‌اند در کمال متانت و غایب وضوح است و آشکارتر از آن است که توضیحی در کنار آن بیاید و روشن است آنچه که در حاشیه اقامه عزای سید الشهداء به وجود می‌آید که در شأن آن نیست باید زدوده شود و آنچه مهم است اقامه عزا و مواظبت بر گریه و حزن و تعظیم شعائر حسینی است که باید همه اقوام بدان اهتمام ورزند و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب

۲ محرم الحرام ۱۳۶۷

محسن الطباطبایی الحکیم

نص نوشته امام آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی رحمته الله علیه

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه از استاد معظم قدس سره در جواب اهالی بصره عنوان شده صحیح است و اشکالی در عمل بدان نمی‌بینم، و نسال الله تعالی ان یوفق جمیع اخواننا المؤمنین لتعظیم شعائر الدین و التجنب عن محارمه

الاحقرا ابوالقاسم الموسوی الخوئی

نص نوشته آیت الله العظمی امام سید محمود شاهرودی

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه شیخ ما علامه (نائینی) قدس الله تربته الزکیه در جواب مسائل مندرجه مرقوم داشتند صحیح و حق و مورد تایید ما می باشد و از خدای متعال می خواهیم که همه مسلمانان بر اقامه شعائر مذهب امامیه توفیق دهد و آرزو دارم که جوانان ما این توفیق را داشته باشند که این شعائر حسینی را از خطر محرمات مصون داشته و آن را از حاشیه های حرام منزه کنند که موجبات زوال این شعائر بوجود نیاید. انه ولی التوفیق

۳۰ ذی الحجه ۱۳۶۶

محمود الحسینی الشاهرودی

نص نوشته آیت الله مرحوم شیخ محمد حسن مظفر

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله وله الحمد

آنچه مرحوم نائینی انشاء فرمودند صحیح است و اشکالی در آن نیست و الله التوفیق

محمد حسن بن الشیخ محمد المظفر قدس سره

نص نوشته آیت الله العظمی سید حسین الحامی الموسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه از شیخ (نائینی) استفتاء شده و شیخ پاسخ داده فتوای شیخ شرعا صحیح است

ان شاء الله

الاحقر حسین الموسوی الحامی

نص نوشته مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه فتوا داده (شیخ نائینی) اعلی الله مقامه صحیح است ان شاء الله

محمد حسین آل کاشف الغطاء

نص نوشته مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد کاظم شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه (شیخ) اعلی الله مقامه فتوی داده صحیح است

الاحقر محمد کاظم شیرازی

نص نوشته مرحوم آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی رحمته الله علیه:

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه استاد ما (نائینی) اعلی الله مقامه در این ورقه نوشته صحیح و مطابق

فتوای من است

الاحقر جمال الدین الموسوی الکبایگانی

نص نوشته مرحوم آیت الله سید علی مدد موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه استاد بزرگ طاب ثراه مرقوم فرمودند حق است و شکی در صحت آن

نیست

الاحقر الجانی علی مدد القایینی

در این خصوص از جمهور فقها و علما مطالبی ذکر شده و نصوصی آمده که مجال پرداختن به همه آنها در این مقال وجود ندارد و ما به ذکر پاره‌ای از آنها

می پردازیم:

حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جعفر کاشف الغطاء کبیر:

ایشان در کتاب «کشف الغطاء» چنین می نویسند: «... گاهی مسائلی به شرع عرضه می شود که در جهت رد یا قبول آن دلیلی وجود ندارد و یافت نمی شود فقط موافقت فقیه به خاطر خصوصیات است که در آن نهفته است.

از جمله آنچه در عزاداری حضرت سید الشهداء از قبیل نواختن طبل و سنج و تشبیه و لطمه به صورت در جهت ازدیاد حزن و گریه صورت می پذیرد»

علامه کبیر شیخ فصر بن شلال در کتاب «ابواب الجنان» می نویسد:

«آنچه از روایات و احادیث در زمینه زیارت سید الشهداء علیه السلام حتی در حالت خوف بر نفس برداشت می شود این است که عزاداری آن حضرت نیز از قبیل لطمه زدن و جزع و فزع تا حد مرگ جایز است»

آیت الله مامقانی در رساله ای خاصه می نویسند:

«در امور اقامه عزاداری برای سید الشهداء علیه السلام هیچ شبهه و شکی وجود ندارد و یک فقیه خبره و متبحر و خوب آن را در این زمان که همه در صدد اطفاء نور اهل بیت علیهم السلام هستند ادراک می کند.

و همین شعائر حسینی است که موجبات ارشاد جماعات کثیر از غیر مسلمانان را به وجود آورده به حدی که آن ها هم در این عزاداری ها شرکت کرده و یا در برگزاری آن مساعدات مالی و غیر مالی می نمایند.

بلکه شنیده شده در بعضی از بلاد هندوستان جماعتی هستند که حجله حضرت قاسم علیه السلام را درست می کنند و بر سر گذاشته و وارد آتش می شوند و بدون آنکه بسوزند از طرف دیگر خارج می شوند و آتش نه به آن ها و نه به حجله قاسم خسارتی وارد نمی کند، خدا از این عزاداری ها و شبیه سازی ها خیر به آن ها می دهد و هم موجبات خیر برای اسلام می شود...»

نص نوشته حضرت آیت الله مصلح مغفور شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء در کتاب (آیات بینات)

با آنکه گریه و جزع و فزع کردن در مصائب در شارع مقدس از جمله بدترین مکروهات محسوب می شود ولیکن امام صادق علیه السلام در حدیثی معتبر می فرمایند: «گریه و جزع مکروه است مگر بر امام حسین صلوات الله علیه»

گریبان چاک کردن و لطمه زدن به صورت در شارع مقدس حرام است ولیکن امام صادق علیه السلام در حدیثی مورد وثوق می فرمایند «برای همچون حسینی جای دارد که گریبانها چاک شود و بر چهرهها خراش داده شده و لطمه وارد شود»

از اعظم گناهان لطمه زدن به جسم و جاری ساختن خون از آن است ولیکن حضرت حجة بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه) در زیارت ناحیه مقدسه می فرمایند: «یا جداه، بر تو بامدادان و شامگان گریه و ندبه می کنم تا اینکه از دیدگانم جای اشک خون جاری گردد» و این سیرتی است که از اجدادگرامیش به ارث برده چرا که علامه مجلسی رحمته الله علیه در حدیثی نقل می کند چون برای امام زین العابدین علیه السلام آب آورده می شد با دیدن ظرف آب آنقدر می گریست که به جای اشک از دیدگان مبارکشان خون جاری می شد و چه بسا سایر اعمالی که به قصد حزن و سوگواری بر امام حسین علیه السلام باشد در همین زمره قرار گیرد چرا که امام حسین رحمت الله الواسعه و سفینه نجات از همه هلاکات است و هیچ کس توان بستن باب رحمت الهی و قطع اعظم وسائل تقرب به خدای منان را ندارد.

و ایشان (قدس سره) در جای دیگری از کتاب می نویسد:

اما حکم شرعی در باره این موکبها و دسته جات و مظاهر این است که لطمه بر صورت و زنجیرزنی و خروج جماعات و هیأت های مذهبی به خیابانها مباح بلکه مستحب بوده و وسیله ای از وسایل حسینی محسوب می شود، و دری از درهای سفینه النجات می باشد و استفاده از طبلها و سنجها و شیپورها نیز مادامی که حالت لهو و لعب نداشته و برای اعلام عزای حسینی و شعائر می باشد اشکالی ندارد و قمه زنی و جاری ساختن خون مباح با استناد به اصل الاباحه بوده و جهت تعظیم شعائر حسینی ارجح نیز می باشد بله اگر چنانچه موجبات مرگ و یا به وجود آمدن مرضی مزمن و اتلاف نفس را شامل شود موجبات حرمت را فراهم می آورد ولی مادامی که به زودی اثرش از بین رفته و صدمه ای به فرد وارد نکند اشکالی ندارد.

اما اگر چنانچه بیرون آمدن دسته‌ها منجر به دعوا و چشم به هم چسبی و منازعات شود قطعاً حرام است ولیکن فقیه فقط حکم به کلیات می‌دهد و به جزئیات نمی‌پردازد که نه در شأن اوست و نه وظیفه او و به وجود آمدن چنین حاشیه‌هایی مسلم است که موجب تحریم اصل موضوع نمی‌شود.»

عده‌ای از شیعیان فارسی زیان از حضرت آیت الله حکیم سید محسن حکیم سوالاتی پرسیدند که جواب معظم له به آن استفتائات به قرار زیر است:

نص سوال

باسمه تعالی

در بلاد هند و پاکستان عده‌ای از مردم هستند که در ایام سوگواری حضرت سید الشهداء و سایر ائمه اطهار در برنامه‌ای بر سر و سینه می‌کوبند و یا با زنجیر بر کمرشان می‌کوبند و وارد آتش می‌شوند و بدین صورت اظهار دین داری و محبت به اهل بیت علیهم السلام را می‌نمایند حکم چنین کارهایی از سوی آن‌ها چیست آیا اشکالی دارد؟

نص جواب

بسمه الله تعالی

مادامی که ضرر به نفسشان وارد نشود و عنوان عزا برای آن حفظ شده و موجبات وهن دین و مذهب و مسخره شدن و شدت یافتن عداوت دشمنان صورت نپذیرد، اشکالی ندارد.

محسن الطباطبایی

نص استفتاء از آیت الله العظمی سید محمد شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله سید محمد شیرازی در باره شعائر حسینی نظر حضرت تعالی چیست؟

آیا جائز است؟

و اگر موجبات ضرر و استهزاء را فراهم آورد آیا باز هم موجب تجویز است؟

بسم الله الرحمن الرحيم

شعائر حسینه به هر صورتی که باشد جائز و موجب اجر و ثواب است ان شاء الله تعالی ولیکن اگر موجب تلف شدن نفس و یا اعضای بدن شود حرام است و اما اگر به گونه ای باشد که ضرر قابل توجهی نزنند اشکال ندارد، اما در مورد استهزاء، مسلم است که استهزاء دشمنان دلیلی بر آن نیست که حکمی از احکام شرعی را تعطیل کنیم و الله المستعان

استفتاء از حضرت آیت الله سید محمود شاهرودی درباره شعائر حسینی

نص سوال

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حجة الاسلام و المسلمین آیت الله سید محمود شاهرودی دام
ظله

نظر شما درباره مراسم اقامه عزای حسینی که در پاکستان برگزار شده و در آن جماعی سیاه پوش بر سینه و کمر کوبان وارد هیمه ای از آتش می شوند چیست آیا این درست است یا خیر؟ ممنون از اینکه جواب می دهید، خدای سایه شما را مستدام دارد

نص جواب

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر سینه زنان افرادی ماهر باشند و در طی عزاداری ضرر خاصی به جسم و جانیشان وارد نشود که موجبات اتلاف نفس و کاستی و فوت را فراهم نیابد جایز است و اما در مورد سیاه پوشیدن حکم آن در نهایت مکروه است نه حرام، و اما در آتش رفتنشان اگر موجب ضرر و وهن مذهب نشود فی ذاته مانعی ندارد.

محمود الحسینی الشاهرودی

یک استفتائی از عده‌ای از فقها صورت گرفته که سوال‌ها همه یکی است و فقط عناوین متفاوت می‌باشد و ما در ادامه ضمن آوردن اصل استفتاء، جواب فقهای عظام در این مسئله را می‌آوریم:

متن سوال این است:

حضور، علامه، حجة الاسلام و المسلمین، آیت الله العظمی فی العالمین ... دام
ظله الوارف

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

نظر حضرتعالی را درباره شعائر حسینی از قبیل لطمه زدن به صورت، زنجیرزنی، و قمه زنی، و تعزیه، و نواختن به طبل‌ها و وارد شدن به آتش که در بعضی بلاد معمول است بفرمایید؟

استدعا دارم که جوابتان مفصل و مشروح و مورد استفاده همگان باشد و السلام
علیکم و رحمة الله و برکاته

و جواب علماء به این استفتاء به قرار زیر است:

نص جواب استفتاء از حضرت آیت الله حاج سید عبدالله شیرازی

بسم الله الرحمن الرحیم

اشکالی در جواز شعائر حسینی به طریقی که مرقوم کردید نمی‌بینم، بله فقط اشکال در تعزیه‌ها در پوشیدن لباس زنان توسط مردان است که از نظر من اشکال دارد به نظرم در ما بقی اشکالی نیست و حتی قمه زنی مادامی که موجبات ضرر به نفس در آن نباشد نه تنها جایز بلکه راجح است و بدیهی است باید مواظبت شود که از محرّمات، تا موجبات وهن مذهب که شارع بدان راضی نیست وارد این تشکیلات نشود

۱۲ صفر ۱۳۸۴ قمری

عبدالله بن سید طاهر شیرازی

نص جواب استفتاء از حضرت آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری

باسمه تعالی

از مهم ترین وسیله های نجات و صحیح ترین اسباب تقرب توسل و اقامه شعائر حسینی علیه السلام و تعظیم و ادامه آن است که این ها از شعائر الله و موجبات تقرب به اوست .

عبدالاعلی الموسوی السبزواری

نص جواب استفتاء آیت الله سید محمد جواد طباطبایی تبریزی:

بسم الله الرحمن الرحيم

آشکار است که دشمنان دین اسلام از گذشته و حال تأثیر شعائر حسینی در پیشرفت و تداوم اسلام را احساس کرده و همواره در صدد آن بودند که به گونه ای با ایجاد شبهات و انتشار سخنان بی اساس و بیهوده تعظیم این شعائر را نزد مردم کم رنگ و یا آن را بی محتوی سازند و آنچه آن ها می گویند حقیقتی همراه ندارد و واقعیت چیز دیگریست .

قبل از این جانب این سوال از علما و فقهای زیادی پرسیده شده و جمهور آراء آن ها مبنی بر جواز آن است، و من هم به مانند آن ها حکم به جواز آن می دهم حتی ورود به آتش در حالی که ضرری نمی رساند را جایز می دانم، پس لازم است به حرف های جاهلان که از دشمنان تبعیت می کنند گوش ندهند و همراه پیرو فقها و علما و استوانه های فقاهاست و اجتهاد باشند و حرف یاوه گویان را به سینه دیوار زنند

ووقفنا الله جميعا لصالح الاعمال و فاضل السجایا بالنبی و آله

محمد جواد طباطبایی تبریزی

متن جواب استفتاء آیت الله سید علی طباطبایی تبریزی

باسمه تعالی

بله آنچه بین مسلمانان، و عرف به عنوان شعائر حسینی معمول است جایز می‌باشد و ما در اخبار چیزی را که از آن نهی کرده باشد پیدا نکردیم والله العالم

سید علی طباطبایی تبریزی

متن جواب استفتاء از شیخ عبدالرسول آل مرحوم صاحب الجواهر

بسم الله الرحمن الرحيم و له الحمد

هر آنچه موجبات اقامه عزای حسین علیه السلام است و مردم را تهییج به گریه و حزن می‌کند به هر صورت در حالی که منجر به هلاکت نفس نشود جایز است و حتی شبیه‌سازی و تعزیه (لباس زنان را پوشیدن) مگر بر حسین علیه السلام مصیبت اسارت ام هانی عمه‌اش و اهل بیت او وارد نشد آیا اینها جزو عزاداری حسینی نیست؟ و نسال الله ان یوجر مقیقی الغراء و الشعائر و یجزیهم خیر الجزاء

اما آنچه که باید بدان توجه شود اهمیت نماز است که امام علیه السلام در ظهر روز عاشورا در وسط معرکه جنگ در حالی که باران تیرها و پیکان‌ها از چپ و راست به سوی ایشان سرازیر بود به اقامه نماز پرداخت و اصحابی در این وقت به شهادت رسیدند و الله سبحانه العالم متن جواب استفتاء آیت الله شیخ محمدرضا طبسی

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالی: «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب»

بله، بنابه اصالت حل و آنچه در باره گریه و گریاندن برای امام حسین علیه السلام در اخبار و احادیث وارد شده این کار نه تنها جایز است بلکه استحباب دارد، و نباید با امثال روایاتی که سمره بن جندب ملحد شقی که از دوران ابن زیاد در کوفه بود و مردم را تهییج به قتال با امام علیه السلام کرد اعتنا نمود این لعین در مدت شش ماه در بصره قریب به هشت هزار از مردان شیعه را به قتل رسانید برای تفصیل بیشتر می‌توانید به جواب استفتاء استاد ما علامه آیت الله نائینی اعلی الله مقامه در جواب استفتاء مردم بصره که مورد تایید بسیاری از شاگردان و اعلام معاصر قرار گرفته مراجعه فرمایید. وفقنا الله و ایاکم لخدمه الدین و نشر آثار سید المرسلین و

الائمة الطاهرين المعصومين
محمدرضا طبسی نجفی عفا الله عنه
در ۱۷ ربیع المولود/ سنه ۱۳۸۴ قمری

نص جواب استفتاء از حجة الاسلام شيخ محمد علی سیبویه حائری

بسم الله الرحمن الرحيم
مادامی که ضرری بر نفس نداشته باشد کل شعائر حسینی و تعظیم آن‌ها جایز است والله اعلم
محمد علی سیبویه حائری

نص جواب استفتاء از حجة الاسلام و المسلمین سید مرتضی فیروزآبادی

نص جواب استفتاء از حجة الاسلام و المسلمین سید مرتضی فیروزآبادی این استفتاء و استفتاء بعدی را به علت طولانی بودن در آخر کتاب آورده‌ایم:
بسم الله الرحمن الرحيم

اما بعد، در ۱۶ صفر الخیر ۱۳۸۴ ق نامه‌ای به من رسید که در آن عده‌ای از محترمین از حکم شعائر حسینی اعم از لطم بر صورت، زنجیر زدن، قمه زنی و تعزیه، و نواختن طبل و داخل آتش شدن که در بعضی از مناطق آسیا و آفریقا معمول است سوال کرده بودند که ان شاء الله مفصل و مشروح جواب خواهم داد:

اما درباره لطم به صورت و گریبان چاک کردن در مصیبت امام حسین علیه السلام در روایتی از امام جعفر صادق (علیه السلام) در حدیث خالد بن سدیر برادر حنان بن سدیر المرویه در کتاب وسائل الشیعه در باب ۳۱ از ایلاء آمده است که فرمودند:

و از آنچه در این مقوله ذکر کردیم حکم زنجیر زدن بر پشت نیز مشخص می‌شود که آن نیز به منزله جزع و عزاداری بر شهادت امام حسین علیه السلام محسوب می‌شود و شکی در جواز آن و رجحانش وجود ندارد و اما قمه زنی مادامی که ضرر جانی و جسمانی نداشته باشد اشکالی ندارد چنانچه مشهور است که حضرت

زینب بنت علی علیها السلام که سر مبارکشانشان را به چوبه محمل کوبیدند طوری که خون از جبین مبارکشانشان سرازیر شد، مضافاً ما دلیلی با شرط مذکور مبنی بر حرمت این کار نداریم و اگر شکی هست می‌توان از اصل حلیت استفاده نمود. و اگر القاء شود که این امر موجبات هلاکت نفس و ضرر نفس را فراهم می‌آورد، مادامی که خون مختصری جاری شود و فقط سر و صورت را خضاب نماید هیچ ضرری را به همراه ندارد و در این صورت نه تنها جایز بلکه مستحب است و هیچ دلیلی و مناقشه‌ای در جواز آن وجود ندارد مگر برای اهل غرض و مرض، فزادهم الله مرضاً و اما شبیه در آوردن شکی نیست که این کار موجبات حزن و اندوه و گریه را فراهم می‌آورد و سبب ثواب اجر خواهد بود. رحم الله من فعل ذلک و جمع الله خیر الدارین.

و اما به طبل و دمام نواختن به گونه‌ای که هم اکنون معمول است و در عرف بدن حالت لهو و لعب گفته نمی‌شود و شاید در جنگ‌های گذشته هم معمول بوده اشکالی ندارد و حرام نیست.

و اما ورود به آتش شک و شبهه‌ای در جواز آن وجود ندارد و دلیلی بر حرمت آن نداریم و بدعت و تشریعی محسوب نمی‌شود و الله العالم

۱۸ صفر خیر ۱۳۸۴ قمری

مرتضی حسینی فیروزآبادی

نص جواب استفتاء آیت الله سید علی حسینی فانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله الطاهیرین و اللعنة علی اعدائهم الی یوم الدین

از جمله وسیله‌های تقرب به خدای متعال، و پیامبر عظیم الشان اسلام و خاندان مطهرش صلوات الله علیهم اجمعین اقامه عزاداری برای سیدالشهداء علیهم السلام و تعظیم شعائر حسینی می‌باشد، بدین شعائر است که دین اقامه می‌شود و ندای مذهب به همه جا می‌رسد همین شعائر اعم از ذکر مناقب ائمه علیهم السلام بر فراز منبرها و گریاندن و گریستن در رثای آن‌ها و لطم بر صورت‌ها و سینه‌ها و زنجیر زنی‌ها و حرکت موکب‌ها و هیأت‌ها در خیابان‌ها و کوچه‌ها و قمه زنی و تعزیه و نواختن طبل‌ها و دمام‌ها و وارد آتش شدن اثرات خاصی دارد که عبارتند از:

اول: تبلیغ رسالت الهی و نشر احکام شرعی چنانچه در بین شیعیان معمول است که در اجتماع مردم در رثای حضرت حسین علیه السلام در گذشته و حال علما و فضلا در فراز منبرها به تبیین مسائل شرعی و معارف الهی کرده و مردم را با عقایدشان و مسائل احکامیشان آشنا می کنند و این جمله فوائد مجالس عزاداری حضرت سید الشهداست که از آشکارترین مسائل محسوب می شود.

دوم: این شعائر ناظر بر امر ائمه اطهار علیهم السلام است که مردم را به احیای امورشان ترقیب کرده تا به عقاید آنها تمسک جسته و به عقاید آنها عامل و عالم باشند پس تعظیم شعائر حسینی احیاء امر ائمه اطهار علیهم السلام می باشد.

سوم: گریستن و گریاندن برای حضرت امام حسین علیه السلام چنانچه از روایات معتبره و متواتره بر می آید و موجبات غفران الهی را منجر می شود، حتی اگر گریه کردن به اندازه بال مگسی باشد پس گریه بر حسین علیه السلام انقلاب روح است و موجب غفران الهی.

چهارم: شعائر حسینی باعث اجتماع مسلمین و شیعیان به رغم تلاش دشمنان در تفرق و دور کردنشان از هم می شود، و این اجتماع دارای ثمرات سیاسی، علمی و اجتماعی فراوانی در سطح جهان است و قدرت شیعه را به رخ می کشد.

پنجم: روح انسان بالفطره از ظلم و تعدی دور است و این تعظیم شعائر این شعار را نسب العین مردم می کند که در برابر ظلم و تعدی کوتاه نیایند و در برابر آن بایستند.

ششم: تحلیل واقعه عاشورا و متعلق شدن به اخلاق به وجود آورندگان، اعم از شجاعت مناعت، صبر، جود، عزت، گرایش به حق و دوری از باطل و ملکه شدن این سجایا در عمل و قول در پیروان و شیعیان از مزایای توجه به این شعائر الهی محسوب می شود.

هفتم: با بیان این مطلب که امام حسین علیه السلام شهید شد و تمام بستگانش شربت شهادت و اسارت را نوشیدند تا نور الهی خاموش نشود و فرائض الهی معطل نگردد و امر به معروف و نهی از منکر زنده شود، نماز اقامه گردد و زکات ادا شوی و حسین با شگردی محیر العقول هم عملی و هم قولی این پیام را به همه داد و همین عامل میشود که اهل موکبات و هیات، سینه زنان و همه و همه که در این تشکیلات سهیم هستند رقبتشان به ادای فرائض الهی بیشتر و همشان استوار تر گردد.

هشتم: در همین شعائر حسینی است که عده ای به تکریم فقرا و دستگیری از نیازمندان و دادن مال و طعام به آنها مبادرت می کنند و این از جمله خصائص مجالس سید الشهداء می باشد.

و خوب در همین راستا هم بسیاری از معاندین و دشمنان از داخل و خارج در سدد هستند با ایجاد شبهاتی در این شعائر حسینی در قلوب جوانان بذرهای شک و شبهه را بپاشند که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

اول: این امور در زمان معصومین علیهم السلام نبوده اگر می خواست باشد ائمه در عزای حضرت اولی بودند، در حالی که در حدیث و روایتی این گونه امور نیامده، اینها مواردی است که عده ای از شیعیان ساخته و نام شعائر حسینی بر آن گمارده در حالی که آنها بدعت است و طبق روایت معتبره هر کسی که بدعتی ایجاد کند گمراه است و همه گمراهان در آتش هستند

اولاً که واضح است که هر چیز جدیدی که به وجود آید در زمره بدعت محسوب نمی شود بلکه آن بدعت مبعوض عبارتست از بدعتی است که تشریح حکمی اقتراحی که نه در دین است و نه از دین است، و روایات متواتری در علیه بدعت آمده مراد تشریح چیزی جدید در دین است و اجتهاد در برابر نص صریح الهی می باشد بدیهی است که شعائر حسینی در زمره چنین مسائلی قرار نمی گیرد بلکه اقامه عزا و سوگواری امری است که در فقه وارد شده و جواز دارد و در ثانی امری است که در سایر ملل هم معمول بوده و اختصاصی به شیعه یا فرقه خاصی ندارد. پس به تشکیک کنندگان باید خاطر نشان کرد که اول بروند و معنی بدعت را بفهمند بعد به ایجاد شبهه همت گمارند.

دوم می گویند حرکت موکب ها و هیأت های مذهبی در خیابان ها موجبات تمسخر اجانب را به بار می آورد:

جواب: هر ملتی مراسم مذهبی منحصر به خود را دارد، اجانب ملطفت به خیلی از مسائل نیستند و صرف اینکه اجانب تمسخر می کنند نمی شود مجوز آن باشد که ما سنت ها و مراسم خود را تغییر بدهیم و درست است کسانی که دستشان به جنایات و اعمال خلاف آلوده است به تمسخر ما بنشینند و ما را به ارتجاع متهم سازند؟ این تمسخر نه تنها نبایست در عزم ما خلل وارد کند بلکه می بایست، اتحاد ما را در مقابل با آنها بیشتر سازد.

سوم: می گویند بهتر نیست در این شرایط سخت اقتصادی، مخارج مربوط به

چنین مجالسی را صرف فقرا و مساکین جامعه کنیم و از اسراف دور گیریم.

و جواب ما این است که:

بهترین راه صرف مال، مصرفی است که به امام علیه السلام برسد، و در روایات و احادیث معتبر تأکید بر مصرف مال در راه امام علیه السلام و شوون مربوط بدان شده است، و این مشکلات اقتصادی شایسته است از راه مدیریت درست و عدم بی‌عرضگی مسوولین و کثرت کار و عدم صرف مال در اعمال بیهوده اصلاح گردد.

چهارم: می‌گویند: سینه زنی و زنجیر زنی و قمه زنی و داخل آتش شدن همه در زمره اضرار به نفس و حرام است چگونه امر مستحبی مستلزم انجام حرام می‌باشد.

جواب ما این است: آنچه در عرف جامعه مشاهده می‌شود هیچ کدام از اعمال نامبرده شده منجر به هلاک نفس یا قطع عضو نمی‌شود که منجر به حرام شدن آن شود، و همچنین وارد آتش شدن نیز که به گوش ما رسیده نشنیده‌ایم که ضرر خاصی به فرد وارد شونده زند و شامل این آیه «ولا تقتلوا انفسکم» و همچنین قول معصوم علیه السلام که می‌فرماید: المؤمن لا یتقل نفسه نمی‌شود، و این جرح مختصر حکم حرام بودن را به همراه ندارد و به همین نحو زنجیر زنی، چنانچه زنان فاطمی گریبان‌ها را چاک داده و بر صورت‌ها نواختند و چه کسی جز حسین بن علی علیه السلام شایسته این اعمال است.

پنجم: می‌گویند تعزیه امری قبیح است که جماعتی خود را در لباس کفار در می‌آورند که جایز نیست و عده‌ای جامه اولیا به تن می‌کنند که توهین است به اولیاء و جماعتی نیز از مردان لباس زنان در بر می‌کنند که جمله حرام است.

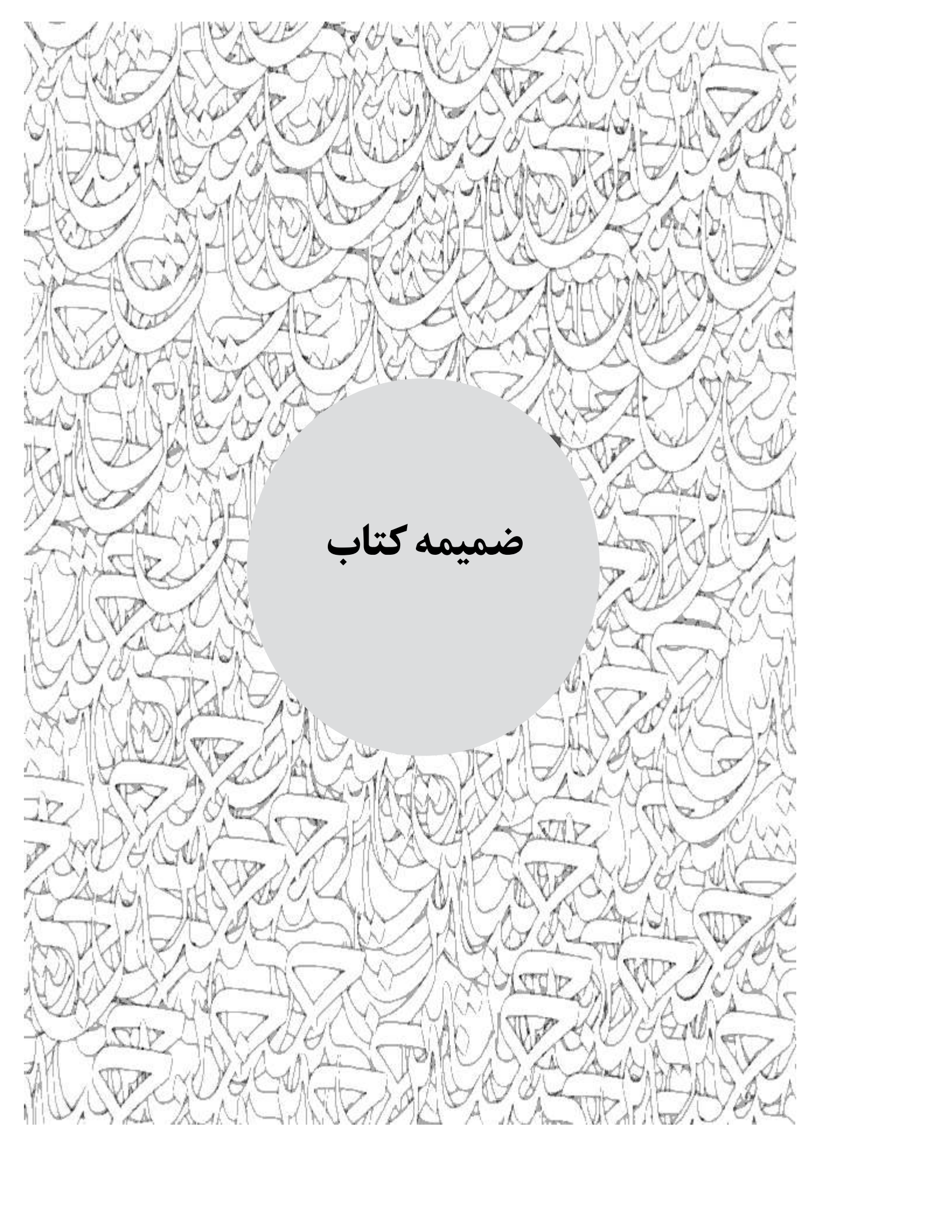
و ما در جواب می‌گوییم: بله تشبه به دشمنان خدا در صورتی حرام است که مثل آن‌ها لباس پوشیده و طعام بخوریم و سلوک و زندگیمان نظیر سلوک و زندگی آن‌ها شود نه اینکه به مجرد پوشیدن لباسشان برای اظهار انزجار از آن‌ها حرام باشد و اما تشبه به اولیاء دین در مقام تقرب و نزدیکی به آن‌هاست نه توهین و این هم حرام نیست، و اما تشبه به زنان در صورتی حرام است که خصلت زنانه به خود بگیرد و از زینت‌های آن‌ها استفاده کنی ولی فقط تشبه برای اینکه تمثلی از مصائب آل عبا را به نمایش گزاری و گریه و عزا را به پا داری جایز است و اگر شک داری اصل اصالت برائت را جاری می‌کنیم و حکم به جواز می‌دهیم و به نظر من این شعائر و اقامه عزای بر حسین بن علی علیه السلام جواب ندای هل

من ناصر یمنصرنی، حضرت در روز عاشورا می باشد. و در پایان شرط تجویز قمه زنی و دخول در آتش عدم هلاکت نفس و ضرر به بدن است که غالباً همین حاصل می شود الحمدلله و من در همین جا از برادران ایمانی خودم در خواست می کنم که از مخلوط کردن محرّمات در اعمال صالحشان بر حذر باشند و به نماز و سایر واجبات به برکت دوستی حسین علیه السلام بیش از پیش اهمیت داده و بیش از پیش در انجام آنها همت گمارند .

۱۴ / صفر الخیر / ۱۳۸۴ قمری

علی حسینی اصفهانی

فرهنگ نامه گریه و عزاداری
سیدالشهدا علیه السلام



ضمیمہ کتاب

عاشقان

پیرامون فتاوی فقهای معاصر در مورد مراسم سوگواری برای سیدالشهدا علیه السلام
از سال ۱۳۵۷ تاکنون بعد از تالیف کتاب توسط مولف حجرتعالیه

فتاوی مراجع معاصر درباره شیوه عزاداری بر سیدالشهدا علیه السلام:

فقه جعفری از جمله پویا ترین فقه های جهان اسلام تلقی می شود که مجتهد با اتکا به درایت و هوشیاری و ذکاوت خود در اعصار مختلف و با عنایت به دوران زمان براساس قرآن و سنت و عقل و اجماع نزدیک ترین قول به معصوم علیه السلام را به اجتهاد خود مشخص کرده و با ادله به اثبات می رساند پس در دورانهای مختلف در موضوع امر واحدی ممکن است فتاوی گوناگونی وجود داشته باشد و همین دلیل بر پویایی فقه جعفری محسوب می شود. از جمله این فتاوی ، فتاویایی است که در طول سالهای مختلف در زمینه عزاداری برای امام حسین علیه السلام ارائه شده که مولف حجرتعالیه به تعدادی از آنها که براساس فتاوی استاد اعظم نائینی بوده تا سال ۱۳۵۷ اشاره داشته و در اینجا لازم است تطویر این فتاوی را از آن سال تا حال حاضر یعنی سال ۱۳۷۹ شمسی مورد ارزیابی قرار دهیم . و برای این موضوع دوباره به فتاوی حضرت آیت الله العظمی نائینی حجرتعالیه مروری کرده و نظر

مراجع فعلی را پیرامون آن بررسی می کنیم. من الله التوفیق

متن پاسخ مرحوم آیت الله نائینی به مردم بصره:

به نام خداوند بخشنده مهربان

به سوی اهالی بصره و اطراف آن پس از تقدیم سلام به برادران و صاحبان
مجد و بزرگی اهل بصره و نواحی ..

بدیهی است که بیرون آوردن هیات و دسته جات در دهه عاشورا مانند آن در
کوچه ها و خیابان ها بدون هیچ شبهه ای جایز و رجحان دارد و از آشکارترین
مصادیق عزای سالار شهیدان و شهدای کربلا و نیکوترین وسیله ای است برای
تبلیغ هدف عالی حسین ابن علی، ترویج قرآن و دین مبین اسلام برای هر دور و
نزدیک لکن باید این شعار بزرگ از هرگونه محرمات مانند آوازه خوانی و استعمال
آلات لهو و لعب و نزاع و کشمکش خالی باشد و چنانچه گاهی چنین محرماتی در
بعضی از هیات های عزاداری، حرمت آنها به عزاداری امام حسین سرایت نمی
کند.

طبل و سنج و شیپور که در دسته جات و حسینیه ها استفاده می شود و در
سوگواری ها مرسوم است حقیقتش تا به حال برای ما کشف نشده است و اگر
مورد استعمالش اقامه عزای امام حسین و اعلام به اجتماع عزاداری است و شبیه
برسوگواری که در برخی از هیات و روضه های عربی مرسوم است پس ظاهراً جواز
استعمال آن است کما اینکه در نجف اشرف هم نزد ما معروف است

هیچ اشکالی نیست در جایز بودن سینه زدن یا با دست به صورت زدن حتی
به حدی برسد که سینه و صورت سرخ و سیاه شود .. خدا ثابت بدارد ایشان را به
قول ثابت در دنیا و آخرت. ظاهراً جایز است شبیه شدن و ممثل گردیدن ولی باید
مواظب باشند و در شبیه خوانی و عزاداری محرمات شرعی انجام نشود و اگر اتفاقاً
واقع گردد سرایت به اصل عزاداری نمی کند چنانچه قبلاً گفته شد، طبل و سنج
و شیپور که در دسته جات و حسینیه ها استفاده می شود و در سوگواری ها مرسوم
است حقیقتش تا به حال برای ما کشف نشده است و اگر مورد استعمالش اقامه
عزای امام حسین و اعلام به اجتماع عزاداری است و شبیه برسوگواری که در برخی
از هیات و روضه های عربی مرسوم است پس ظاهراً جواز استعمال آن است کما
اینکه در نجف اشرف هم نزد ما معروف است، والله اعلم.

متن فتاویٰ فقها و مراجع بزرگوار تقلید در تعقیب فتوای مرحوم حضرت آیت
الله نائینی:

فتوای حضرت آیت الله خویی:

بسمه تعالی - آنچه که شیخ ما استاد حضرت آیت الله نائینی در جواب اهالی
بصره فرمودند صحیح است و عمل به آن اشکال ندارد از خداوند تبارک و تعالی
می خواهیم که برادران مومن را در بزرگداشت شعائر دین و دوری از حرام ها موفق
بدارد.

فتوای حضرت آیت الله سید عبدالله شیرازی:

بلی وقتی در نجف اشرف مشرف بودیم رساله ای از معظم له در پاسخ اهالی
بصره منتشر شد و علمای اعلام همه تصریح و تایید آن نمودند در نظر حقیر هم
موید و مصحح است، والله اعلم

فتوای حضرت آیت الله شیخ حسین وحید خراسانی:

بسمه تعالی - مکتوب حضرت آیه الله العظمی نائینی در مورد شعائر حسینی
مورد تایید اینجانب هست.

فتوای حضرت آیت الله سید علی سیستانی:

بسمه تعالی آنچه مصداق عزاداری برای حضرت أباعبدالله الحسین باشد مورد
اجرو به آن ترغیب اکید شده است، در ضمن تخلف از روییه ای که از سلف صالح
در مورد عزاداری اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده سزاوار نیست.

فتوای حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی:

بسم الله الرحمن الرحيم - جوابی را که ایشان طابثراه (حضرت آیت الله نائینی) مرقوم داشتند به نظر اینجانب رسیده دقیق و عمل به آن مانعی ندارد.

فتوای حضرت آیت الله شیخ محمدعلی اراکی:

بسم الله الرحمن الرحيم - جناب آقای شیخ حسین کاشانی، خطیب مجترم دامت برکاته سوالاتی که درباره ی اقامه شعائر حسین و مراکب اهل بیت عصمت و طهارت خاصه حضرت سیدالشهدا نموده اید و جواب های که مراجع عالی قدر تقلید در این زمینه مرقوم فرموده اند اجمالا ملاحظه گردید چون جواب تفصیلی در مورد یک یک سوالات موجب تفصیل است اجمالا معروض می دارد که آنچه را که حضرات رجال دین و فقها و مراجع عالیقدر مسلمین از گذشته و حال مخصوص آیه الله العظمی میرزا حسین نائینی قدس سره در این زمینه مرقوم فرموده اند مورد تایید اینجانب است و نظر اینجانب با آنچه که آنها مرقوم فرموده اند مطابقت دارد.

فتوای حضرت آیه الله نجفی مرعشی:

آنچه مرحوم مغفور استاد اعظم نائینی که از اعظم علمای شیعه بودند مرقوم فرمودند صحیح و مطابق واقع می باشد.

فتوای حضرت آیت الله شیخ مرتضی حائری:

بسمه تعالی - اطاعت آنچه عالم جلیل استاد الفقها و المجتهدین مرحوم نائینی مرقوم فرمودند و مورد تایید علمای معاصر ایشان و طبقه بعد می باشد مورد تایید اینجانب نیز می باشد. بطور اختصار برای اینکه توده مسلمانان و برادران دین مقدار کمی از دلایل این فتوا واقف شوند معروض می دارم مرحوم علامه مجلسی در جلد دهم بحار فقط در باب ثواب بکاء و گریه برای ابی عبدالله الخسین و سایر ائمه علیهم السلام نزدیک پنجاه روایت نقل فرموده اند که از آنها مستفاد می شود در سنن موکد است و البته هر چه از مقدمات این سنت باشد از روضه

خوانی و مواكب عزا و غيره ذلك از مستحبات شرعيه است .

فتوای حضرت آیت الله شیخ هاشم آملی:

فتوای شیخنا الاستاد مرحوم حضرت آیه الله العظمی آقای میرزا حسین نایینی مورد تایید اینجانب است .

فتوای حضرت آیت الله سید رضا صدن:

بسمه تعالی - نوشته این عالم بزرگ بالاتراز آن است که نیاز بر تایید داشته باشد و مورد قبول علمای اعلام و آیات عظام قرار گیرد.

فتوای حضرت آیت الله سید صادق روحانی:

آنچه مرحوم استاد فقها و مجتهدین نایینی مرقوم داشتند در نهایت متانت و وضوح می باشد و احتیاجی به امضا ندارد ولی برای رفع شبهه می نویسم آنچه آن مرحوم نوشته اند قابل قبول و موافق شرع است .

فتوای حضرت آیت الله سید محمد شیرازی:

بسمه تعالی - فتوای ایشان رحم الله صحیح و مورد تایید علمای اعلام می باشد.

فتوای حضرت آیت الله سید محمد حسینی شاهرودی:

بسمه تعالی - آنچه که استاد فقها آیه الله نایینی مرقوم داشتند فوق آن است که احتیاج به تایید داشته باشد.

فتوای حضرت آیت الله سید علی طباطبایی قمی:

بسمه تعالی - آنچه مرحوم شیخ مشایخ ما در جواب مسائل بصره مرقوم داشتند صحیح است.

فتوای حضرت آیت الله شیخ یحیی نوری تهرانی:

بسمه تعالی - در پاسخ به مسأله مربوط به تعظیم به شعائر حسین علیه السلام و کیفیت عزاداری برای اهل بیت عصمت و طهارت خاصه حامس آل عبا به عرض می رسانم آنچه که در این باب مرقوم استاد فقها آیه الله العظمی نایینی در جواب مردم بصره مرقوم داشتند مورد تایید می باشد

فتوای حضرت آیت الله سید حسن طباطبایی قمی:

آنچه استاد فقها نایینی فتوا دادند صحیح و عمل به آن جایز است. از خداوند می خواهم برای اقامه شعائر و عمل به آنچه او دوست و رضایت دارد و دوری از حرام ها به ما توفیق دهد به برکت ولی الله الاعظم عج الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا له الفداء.

فتوای حضرت آیت الله شیخ رضا مدنی کاشانی:

بسمه تعالی - اما عزای اُبی عبدالله الحسین ارواحنا له الفداء از شعائر مذهبی بلکه اهم فرایض است خصوصاً در این زمان که مخالفت با شعائر مذهب تشیع زیاد شده و عزاداری آن بزرگوار به هر نحو باشد از قبیل سینه زدن یا زنجیر زدن ... مانعی ندارد. چنانچه استاد اعظم مرحوم استاد نایینی اعلی الله مقامه الشریف مرقوم فرمودند

سوالاتی پیرامون احکام عزاداری امام حسین علیه السلام از مراجع معاصر

مقدمه:

تمام اعمال و رفتار انسانها؛ چه فردی و چه اجتماعی، مشمول حکمی از احکام شرعی می باشد و تمام موضوعاتی که به گونه ای با رفتار آدمی ارتباط پیدا می کند، در فقه اسلامی دارای قانون و مقرراتی است. عزاداری سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام نیز همچون سایر اعمال انسان دارای احکامی است که در این مختصر بدان می پردازیم.

لازم به ذکر است که برای جمع آوری این احکام، از فتاوا و سخنان مراجع معظم تقلید و عالمان بزرگوار تا آنجا که مقدور بوده ست سود برده ایم و از آنجا که در رساله های عملیه و استفتائات همه مراجع بزرگوار، درباره عزاداری در ابعاد مختلف بحث نشده است، فقط به فتاوا و استفتائات موجود بسنده کرده ایم.

احکام عزاداری

امام خمینی رحمته الله علیه: «عزاداری برای سیدالشهداء از افضل قربات و مایه تقویت روح ایمان و شهامت اسلامی و ایثار و فداکاری و شجاعت در مسلمین است.» (۱)

سؤال: آیا بر پا کردن مراسم عزاداری [توسط زن] بدون اذن شوهر جایز می باشد؟

آیت الله نوری همدانی: در صورتی که از اموال شوهر باشد جایز نیست. (۲)

سؤال: گاهی برخی از دسته ها که وارد مسجد می شوند، با کفش وارد می شوند، که نوعی بی احترامی به مسجد محسوب می شود، لطفاً بفرمائید که این مسئله چه حکمی دارد؟

آیت الله نوری همدانی: اگر موجب هتک شود اشکال دارد. (۳)

سؤال: در مورد زنجیر زنی که منجر به سیاه شدن یا مجروح شدن بدن می شود و همچنین غالباً پشت پیراهن افراد باز است و بیشتر در خیابان و معابر عمومی

ظاهر می شوند، نظر شما چیست؟

امام خمینی رحمته الله علیه: مانعی ندارد، مگر اینکه موجب ضرر فاحش بر بدن شود. (۴)

سؤال: آیا برهنه شدن مردان با حضور زنان برای عزاداری عیب دارد یا خیر؟
آیت الله فاضل لنکرانی: مانعی ندارد و زنها نباید به بدن مرد اجنبی نظر کنند
(۵).

سؤال: در مجالس زنانه، زنان مداحی و سخنرانی می کنند و صدای آنها به گوش مردان رهگذر می رسد. آیا این عمل جایز است؟
آیت الله فاضل لنکرانی: شنیدن صدای ایشان اگر در معرض ریبه و التذاذ نباشد حرام نیست. (۶)

سؤال: سینه زدن با تیغ و یا زنجیر زدن با زنجیری که دارای چاقو و یا تیغ می باشد و منجر به زخمی شدن بدن و جاری شدن خون می شود چه حکمی دارد؟
آیت الله مکاری شیرازی: کیفیت عزاداری باید چنان باشد که بهانه ای به دست دشمنان اسلام ندهد و موجب سوء استفاده از آن نشود. (۷)

احکام علامت

سؤال: بسیاری از تکایا در ایام عزاداریهای مذهبی، اقدام به حمل «علامتی» می کنند که به قیمت گزافی خریده شده و حمل آن نیز موجب اشکال است. این وسائل از نظر شرعی چه حکمی دارند؟

امام خمینی رحمته الله علیه: اشکال ندارد. (۸)

سؤال: حکم علمهایی که در مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام از آنها استفاده می شود و بعضی دارای نقش و نگارهایی نیز هستند چیست؟

آیت الله فاضل لنکرانی: استفاده از آنها در عزاداری جایز است. (۹)

سؤال: آیا جایز است پارچه و دستمالهایی را که در ایام محرم بر روی علم می بندند بفروش برسانند و در عزاداری و تعمیر حسینیّه مصرف کنند؟

آیت الله فاضل لنکرانی: اگر در مراسم عزاداری محل حاجت نباشد و زاید بر متعارف باشد، می توانند بفروشند و به مصارف عزاداری و احتیاجات حسینیّه ها برسانند . (۱۰)

احکام تعزیه و شبیه خوانی

امام خمینی رحمته الله علیه: تعزیه و شبیه خوانی اگر مشتمل بر حرام نباشد و موجب وهن مذهب نشود، اشکال ندارد ولی بهتر است به جای آن، مجالس روضه خوانی برپا کنند . (۱۱)

سؤال: آیا تعزیه و شبیه خوانی در مراسم عزاداری جایز است؟

آیت الله فاضل لنکرانی: اگر مشتمل بر حرام نباشد و موجب وهن مذهب نشود مانعی ندارد . (۱۲)

آیت الله گلپایگانی رحمته الله علیه: اگر تعزیه خوانی مشتمل بر استعمال آلات موسیقی نباشد و غنا و دروغ نخوانند و مرد لباس مختص به زن نپوشد، اشکال ندارد . (۱۳)

سؤال: آیا تشبه به اهل بیت علیهم السلام در نمایش و تعزیه و غیر آن جایز است؟

امام خمینی رحمته الله علیه: با مراعات احترام آنان جایز است . (۱۴)

آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله صافی گلپایگانی: در صورتی که مستلزم اهانت نباشد مانعی ندارد . (۱۵)

آیت الله علوی گرگانی: اگر تعزیه و شبیه خوانی موجب هتک حرمت به ساحت مقدس بزرگان دین شود، باید اجتناب شود . (۱۶)

احکام استفاده از لباس سیاه

سؤال: آیا پوشیدن لباس سیاه در عزاداری امام حسین علیه السلام جایز است و آیا رجحان دارد؟

آیت الله فاضل لنکرانی: پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام چون از مصادیق تعظیم شعائر است، واجد رجحان شرعی می باشد و عملاً بزرگانی چون مرحوم آیت الله بروجردی در روز عاشورا از قبای سیاه استفاده می کردند. (۱۷)

آیت الله صافی گلپایگانی و آیت الله نوری همدانی: پوشیدن لباس سیاه به عنوان اعلان حزن و اندوه در مصیبت امام حسین علیه السلام و ائمه علیهم السلام رجحان دارد. (۱۸)

سؤال: آیا نماز خواندن با لباس سیاه بر عزاداران امام حسین علیه السلام مکروه است؟
آیت الله صافی گلپایگانی: چون لباس سیاه علامت عزاداران سیدالشهداء است و عزاداری آن حضرت کمال رجحان را دارد، لذا نماز خواندن با آن نیز مکروه نمی باشد. (۱۹)

احکام قمه زدن:

علامه امین عاملی: «قمه زنی و اعمالی دیگر از این قبیل در مراسم عزاداری حسینی به حکم عقل و شرع حرام است و زخمی ساختن سر، که نه سود دنیوی دارد و نه اجر اخروی، ایذاء نفس است که خود در شرع حرام است و در مقابل این عمل، شیعه اهل بیت را در انظار دیگران مورد تمسخر قرار داده و آنها را وحشی قلمداد می کنند. شکی نیست که این اعمال ناشی از وساوس شیاطین بوده و موجب رضایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهار علیهم السلام نیست.» (۲۰)

آیت الله حکیم رحمته علیه: مرحوم آیت الله حکیم رحمته علیه جواز قمه زنی را مقید به چهار شرط نموده است:

۱- خوف ضرر وجود نداشته باشد .

۲- عزاداری بر آن صدق کند .

۳- باعث مسخره قرار گرفتن نشود .

۴- عداوت و دشمنی دیگران را ایجاد نکند . (۲۱)

سؤال: قمه زدن در عزاداری امام حسین علیه السلام چه حکمی دارد؟

امام خمینی رحمته الله علیه: اگر موجب ضرر نباشد مانع ندارد، ولی در این زمان این

عمل نشود . (۲۲)

مقام معظم رهبری: اگر موجب وهن مذهب در زمان حاضر و یا مستلزم خوف

خطر جان یا ضرر معتنی به باشد، جایز نیست . (۲۳)

آیت الله جوادی آملی: چیزی که مایه وهن اسلام و مایه هتک حرمت عزاداری

است جایز نیست، انتظار می رود از قمه زنی و مانند آن پرهیز شود . (۲۴)

سؤال: اگر قمه زدن در عزاداریها موجب مرگ کسی شد، آیا این عمل خودکشی

و گناه محسوب می شود؟

مقام معظم رهبری: اگر با خوف خطر جان اقدام کرده باشد، حکم انتحار دارد

(۲۵) .

سؤال: آیا قمه زنی جایز است؟ چنانچه در این خصوص نذری وجود داشته

باشد وظیفه چیست؟

آیت الله فاضل لنکرانی: با توجه به اینکه ایران اسلامی به عنوان ام القرای

جهان اسلام شناخته می شود، و اعمال و رفتار ملت ایران به عنوان الگو و بیانگر

اسلام است، باید با سوگواری و عزاداری امام حسین علیه السلام به گونه ای عمل شود

که موجب گرایش بیشتر به آن حضرت گردد .

مسئله قمه زدن نه تنها نقشی ندارد بلکه به علت عدم قابلیت پذیرش و

نداشتن هیچگونه توجیه قابل فهم مخالفین، نتیجه سوء بر آن مترتب خواهد

شد . لذا لازم است شیعیان از آن خودداری کنند . و چنانچه در این مورد نذری

وجود داشته باشد نذر صحیح نیست . (۲۶)

آیت الله نوری همدانی: اشکال دارد. (۲۷)

احکام استعمال موسیقی در عزاداری سیدالشهدا

مرحوم شیخ انصاری در مکاسب محرمه در پاسخ به کسانی که می گویند غنا می تواند زمینه گریه کردن را فراهم نماید، می فرماید: چنین شیوه ای نمی تواند مقدمه مستحب یا مباح قرار گیرد و باید به عموم ادله حرمت غنا تمسک نمود.

(۲۸)

مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله علیه در منتهی الآمال می فرماید: عزاداران امام حسین علیه السلام بروجهی سلوک کنند که زبان نواصب دراز نشود و از استعمال محرمات از قبیل غنا که غالباً نوحه ها خالی از آن نیست و حکایات ضعیفه مظنونه الکذب احتراز نمایند و شیطان را در این عبادت بزرگ راه ندهند. (۲۹)

سؤال: در رادیو مدح ائمه طاهرین علیهم السلام با واقعه کربلا را با وزن و ساز و بالحن خوب می خوانند. آیا استماعش جایز است یا خیر؟

امام خمینی رحمته الله علیه: اگر غنا و موسیقی نباشد مانع ندارد. (۳۰)

سؤال: هیئتهای نوازنده و کسانی که در مراسم تشییع جنازه شهداء موزیک عزا می زنند، از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ و آیا خرید و فروش آن لوازم حرام است یا خیر؟

امام خمینی رحمته الله علیه: خرید و فروش آلات لهو حرام است و موسیقی مطرب جایز نیست و صداهای مشکوک مانع ندارد. (۳۱)

سؤال: آیا زدن طبل و شیپور در تعزیه حضرت سیدالشهداء علیه السلام جایز است یا نه؟

امام خمینی رحمته الله علیه: اگر از آلات لهو و لعب نباشد و وهن بر مذهب هم نشود مانع ندارد. (۳۲)

سؤال: آیا در عزاداری سیدالشهداء استفاده از طبل و دهل جایز است؟

آیت الله فاضل لنکرانی: استفاده از آلات لهو و لعب حرام است ولی طبل و دهل

و امثال آن جزء این آلات نیست . (۳۳)

احکام مربوط به روز عاشورا

۱- روزه روز عاشورا و روزی که انسان شک دارد روز عرفه است یا عید قربان مکروه است . در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: بنی امیه نذر کردند که اگر موفق به قتل امام حسین علیه السلام شوند، روز شهادت او را جشن بگیرند و مبارک بشمارند و روزه بگیرند و روزه در آن روز سنت آل امیه است، لذا ائمه اطهار علیهم السلام به جهت مخالفت با این طایفه تبهکار و عدم هماهنگی با آنان، روزه عاشورا را نهی کردند . (۳۴)

۲- در روز عاشورا مستحب است که انسان تا عصر بدون قصد روزه از خوردن و آشامیدن خودداری کند . (۳۵)

۳- بسیار مناسب است که در روز عاشورا کار و کسب تعطیل شود، مگر در حد ضرورت .

امام رضا علیه السلام فرمود: «من ترک السعی فی حوائج یوم عاشورا قضی الله له حوائج الدنيا و الآخرة» (۳۶) کسی که کار و تلاش برای برآوردن حوائج خود را در روز عاشورا ترک کند، خداوند نیازهای دنیا و آخرت او را برطرف می سازد .

سؤال: در ایام سوگواری امام حسین علیه السلام نماز مقدم است یا عزاداری؟

آیت الله فاضل لنکرانی: بهتر آن است که نماز را مقدم دارند، همانطور که امام حسین علیه السلام روز عاشورا هنگام ظهر نماز ظهر اقامه کردند . (۳۷)

مطابق نظر آیت الله سید علی خامنه ای

پرسیدند نظر آقا در مورد برهنه شدن در عزاداری چیست؟ اگر فیلمبرداری نشود و زنان نیز نبینند چطور؟ آیا از نظر فقهی، ایشان حرام میدانند این کار را؟

در پاسخ به این سوال باید عرض کنیم حضرت آقا توصیه فرمودند به برخی از مداحان که در عزاداری ها برهنه نشوند. اما این به عنوان یک فتوای فقهی نیست که ما بگوییم حرام است. خب اگر نامحرمانی نیستند، اگر مسئله سویی بر آن مترتب نیست، دشمنان سواستفاده نمی کنند خب ممکن است بگوییم

حرام هم نباشد؛ مثلاً یک جمع محدودی هستند فیلمبرداری هم نمی‌کنند، فقط مردان هستند حالا پیراهن را از تن درآوردند و سینه می‌زنند؛ اما به طور کلی توصیه ایشان این هست به عنوان یک توصیه که در عزاداری‌های مردها برهنه نشوند. چرا؟ چون ممکن است هم در معرض دید نامحرمان باشند و هم دشمنان باز از این مسئله سواستفاده کنند برای تبلیغ علیه مکتب اهل بیت علیهم السلام. منبع: سایت معظم له، گفتار حجت الاسلام والمسلمین فلاح زاده. احکام عزاداری

- حضرت آیت الله مکارم شیرازی

برهنه شدن در مراسم عزاداری

پرسش: مردانی هستند که هنگام عزاداری برای امام حسین از ناف به بالا لخت می‌شوند در حالی که در بالای مجلس زنان نیز حضور دارند، می‌خواستم بدانم حکم مسئله چیست؟ و حتی اگر مجلس مردانه نیز باشد در آن صورت حکم چیست؟

پاسخ: برهنه شدن هنگام سینه زنی اگر در مقابل نامحرم باشد، حرام است و در غیر این صورت نیز چون سبب وهن است بنا بر احتیاط باید ترک شود ولی باز گذاشتن کمی از جلوی سینه برای سینه زدن یا کمی از پشت برای زنجیر زنی مانعی ندارد.

حکم برهنه شدن در مجالس سینه زنی

پرسش: لخت شدن در مجالس سینه زنی اشکالی دارد؟

پاسخ: برهنه شدن هنگام سینه زنی اگر در مقابل نامحرم باشد، حرام است و در غیر این صورت نیز چون سبب وهن است بنا بر احتیاط باید ترک شود ولی باز گذاشتن کمی از جلوی سینه برای سینه زدن یا کمی از پشت برای زنجیر زنی مانعی ندارد. منبع: سایت هدانا برگرفته از استفتائات آیت الله العظمی مکارم شیرازی

- حضرت آیت الله شیخ محمد تقی بهجت

لخت شدن و سرخ شدن بدن در عزاداری

۱۸۳۴. لخت شدن در عزاداری چگونه است و اگر بر اثر سینه زنی، بدن سرخ شود، چه حکمی دارد؟

ج. اشکال ندارد و لخت شدنی که در معرض نظر حرام نامحرم باشد، جایز نیست.

سینه زدن زنان

۱۸۳۵. سینه زدن زنان با حفظ حجاب چه صورتی دارد؟

ج. اشکال ندارد. منبع: سایت هدانا برگرفته از استفتائات آیت الله العظمی بهجت.

- مطابق نظر آیت الله سید علی سیستانی

پرسش: میخواستم نظر حضرت عالی و شرعی و نحوه حلال یا حرام را درباره لخت شدن افراد در هیئت های مذهبی که جهت سینه زنی انجام می گیرد را بدانم؟

پاسخ: اشکال ندارد.

پرسش: سینه زنی از نظر شرعی چه حکم دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

م منبع: سایت هدانا برگرفته از استفتائات آیت الله العظمی سیستانی.

- آیت الله صافی گلپایگانی آیت الله صافی گلپایگانی

سینه زنی به صورتی که دور می چرخند و جست و خیز دارند، چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد ولی مواظب باشید وقار عزاداری مخدوش نشود.

. آیا سینه زنی به صورتی که از کمر به بالا برهنه شوند، در عزاداری سیدالشهدا علیه السلام جائز است؟

اگر مستلزم نگاه نامحرم نباشد اشکال ندارد.

. سینه زنی، زنجیرزنی و یا به سرو صورت کوبیدن در خلال عزاداری، به طوری که موجب صدمه، مثلاً مجروح شدن و یا سرخ شدن می شود، چه حکمی دارد؟

اگر صدمه معتدبه نباشد اشکال ندارد.

. در مراسم سینه زدن، درآوردن لباس در صورتی که معرض تحریک باشد چه حکمی دارد؟

اگر معرض تحریک باشد اشکال دارد و بهتر است با لباس عزاداری شود. منع: سایت هدانا برگرفته از استفتائات آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.

- آیت الله شبیری زنجانی

۲۹۶ برهنه شدن برای سینه زنی و لطمه زدن به سر و صورت در مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام چه حکمی دارد؟

پاسخ:

برگزاری مراسم عزای اهل بیت و حضرت سیدالشهدا علیه السلام از افضل قربات الی الله، و تعظیم شعائر الله است. مصادیق عزای نیز به خودی خود جایز است. البته چنانچه در اثر عناوین ثانوی با در نظر گرفتن شرایط زمان، مکان و... عرفا عناوینی همچون هتك به نوعی از عزاداری ها صادق باشد، آن امور جایز نخواهد بود.

تحریم و احتیاط در حکم شرعی بعضی عزاداری ها در فتاوی مجتهدین و بعضی مراجع معاصر شیعیان جهان

- حضرت آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی:

"ان استعمال السیوف و السلاسل و الطبول و الابواق و مایجری الیوم امثاله فی مواكب الغرا بیوم عاشورا، انما هو محرم و هو غیر شرعی".

به کار بردن شمشیرها (قمه زنی) و زنجیرها و طبل ها و بوق ها و کارهایی مانند این امور که امروزه در دسته های عزاداری و در روز عاشورا معمول است همه حرام و غیر شرعی است. "منبع: موسوعه العتبات المقدسه، ج ۸، ص ۳۷۸ (پاورقی) با نقل: فرهنگ عاشورا صفحه ۱۹۸ جواد محذثی.

- حضرت آیت الله سید روح الله موسوی خمینی رحمته الله علیه :

در شرایط و اوضاع کنونی از قمه زدن خودداری شود و عزاداری و سینه زدن مانعی ندارد. (استفتاءات امام، ج ۳، سؤالات متفرقه، س ۳۷)

- حضرت آیت الله سید علی حسینی خامنه ای :

قمه زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی شود و سابقه ای در عصر ائمه علیهم السلام و زمان های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم علیه السلام در مورد آن نرسیده است در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می شود؛

بنابراین در هیچ حالتی جایز نیست. و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، نذر واجد شرایط صحّت و انعقاد نیست. (اجوبه الاستفتاءات، س ۱۴۶۱)

- حضرت آیت الله شیخ محمد علی اراکی:

دستور ولی امر مسلمین مبنی بر جلوگیری از اعمال خرافی در عزاداری محرم لازم الاطاعه است. منبع: پیرامون عزاداری عاشورا، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۳۷

- حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

بر عزاداران عزیز لازم است از کارهایی که موجب وهن مذهب می گردد و یا آسیبی به بدن آنها وارد می کند خودداری کنند.

آیه الله مکارم با توجه به نقل از آیه الله نائینی:

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در بخش دیگری از سخنان خود به برخی انحرافات صورت گرفته در عزاداری ها اشاره و تصریح کرد: عزاداری ها رمز بقای تشیع بوده و نقشه های دشمنان اسلام را نقش بر آب می کند ولی به همین دلیل برنامه های دشمن نیز در این راستا کاملا محسوس است. این مرجع عالم تشیع با اشاره به قمه زنی ها در ایام محرم، تاکید کرد: در دنیایی زندگی می کنیم که عکس این گونه اقدامات را منتشر می کنند و آن وقت مشکلاتی برای مسلمانان ایجاد می شود.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی افزود:

عزاداری در کلمات معصومان به صورت مطلق گفته شده است و ما باید هر چه در عرف، عقلا عزاداری شناخته شده است را بپذیریم و از کارهایی که موجب دوری مردم از اسلام و تشیع می شود خودداری کنیم. وی با اشاره به اینکه برخی می گویند، آیت الله نائینی قمه زنی را جایز شمرده است، تاکید کرد:

مسلم اگر آیت الله نائینی در زمان ما بود، او نیز فتوا بر جایز نبودن قمه زنی می داد، همان طور که شاگرد ایشان یعنی آیت الله خوئی این گونه فتوا داده و فرموده اند اگر اقدامی ضرر قابل ملاحظه ای داشته یا سبب هتک حرمت مذهب و توهین مخالفان نسبت به مذهب شود، جایز نیست.

- حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی:

عزاداری خامس آل عبا از مهم‌ترین شعائر دینی و رمز بقای تشیع می‌باشد؛ ولی بر عزاداران عزیز لازم است از کارهایی که موجب وهن مذهب و سوء استفاده دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم السلام می‌شود، اجتناب کنند.

پس بر همه مومنین لازم است که آنچه به عنوان گونه ای عزاداری محرز و ثابت است اختیار نمایند، همچون گریه نمودن و سینه زنی و برپا نمودن دسته های عزاداری و حرکت ان تا حد امکان به سوی اماکن عمومی برای عزاداری. خداوند شما را در خدمت به اهل بیت علیهم السلام موفق دارد و جزای خیر در دنیا و آخرت بدان دهد. منبع: متن دستخط و متن عربی این فتوا در کتاب قمه زنی سنت یا بدعت، نوشته مهدی مسائلی، چاپ گلبن اصفهان، ص ۱۵۵ و ۱۵۶ موجود است.

- حضرت آیت الله حسین نوری همدانی:

مکتب سالار شهیدان حضرت ابی عبد الله علیه السلام، مکتب امر به معروف و نهی از منکر و چشمه جوشان ارزشهای اسلامی است و تاریخ خونبار عاشورا همیشه با آفریدن حماسه ها و موج ها و با به حرکت در آوردن احساسات و عواطف، الهام بخش کلیه نهضت ها و قیام هایی که علیه ظالمان و جباران روزگار صورت گرفته، بوده است...

این خاطره به جوش آورنده خونهایی است که در دل علاقه مندان این مکتب موج می زند.

مخصوصا در جهان کنونی که دشمنان اسلام از اسلام سیلی خورده و منافع نامشروع خود را از دست رفته می بینند، در فکر انتقام گرفتن از اسلام ناب محمدی هستند، لذا لازم است (شیعیان) با مراسم عزاداری کارزینی بکنند یعنی با منطق اسلام توام و از هرگونه حرکتی که این دین مقدس را بی منطق قلمداد نماید، منزه باشد و عزاداران محترم و متعهد به جای اینکه قمه را فرق خود بکوبند در فکر آن باشند، قمه را بر سر دشمنان اسلام که اراضی آنان را اشغال و در فکر تضعیف آنان می باشند و منابع آنان را غارت و بالاخره هر روزی با ترفند جدیدی حیات اسلامی آنان را به مخاطره می اندازند، بکوبند. (نوری، استفتاءات، ج ۲، ص ۵۹۷).

- حضرت آیت الله جوادی آملی:

چیزی که مایه وهن اسلام و پایه هتک حرمت عزاداری است جایز نیست، انتظار می رود از قمه زنی و مانند آن پرهیز شود. منبع: متن دستخط و متن عربی این فتوا در کتاب قمه زنی سنت یا بدعت، نوشته مهدی مسائلی، چاپ گلبن اصفهان، ص ۱۸۰ موجود است.

- حضرت آیت الله علی مشکینی:

بعد التسليم و التحیه امور مذکور فوق بنفسه در شرع اسلام مورد اشکال و بلکه بعضی از آنها ذاتا محرم است مسلمین باید از وارد کردن آنها در مراسم تعزی حضرت حسین علیه الصلاه و السلام که یکی از عبادات است جدا خودداری نمایند علاوه آنکه عزاداری آن حضرت عمل سیاسی است.

پس باید از مخلوط شدن کارهایی که جنبه سیاسی آن را مخدوش و یا عنوان خرافیت و وهن اسلام می بخشد اجتناب نمود گذشته از اینها اعمال فوق مورد نهی مقام معظم ولایت امر مسلمین قرار گرفته و حکم معظم له واجب الاتباع است... منبع: متن دستخط و متن عربی این فتوا در کتاب قمه زنی سنت یا بدعت، نوشته مهدی مسائلی، چاپ گلبن اصفهان، ص ۱۷۹ موجود است.

- حضرت آیت الله حسین مظاهری:

چون مقام معظم رهبری فرموده اند که در عزاداری ها قفل و قمه زدن و مانند اینها نباشد، پیروی از امر ایشان بر همه واجب است.

منبع: متن دستخط و متن عربی این فتوا در کتاب قمه زنی سنت یا بدعت، نوشته مهدی مسائلی، چاپ گلبن اصفهان، ص ۱۵۸ موجود است.

- حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

با توجه به گرایش که نسبت به اسلام و تشیع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اکثر نقاط جهان پیدا شده، و ایران اسلامی به عنوان امّ القرای جهان اسلام

شناخته می شود، و اعمال و رفتار ملت ایران به عنوان الگو و بیانگر اسلام، مطرح است لازم در رابطه با مسایل سوگواری و عزاداری سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام به گونه ای عمل شود که موجب گرایش بیشتر و علاقمندی شدیدتر به آن حضرت و هدف مقدس وی گردد. پیداست در این شرایط، مسأله قمه زدن نه تنها چنین نقشی ندارد، بلکه به علت عدم قابلیت پذیرش و نداشتن هیچگونه توجیه قابل فهم مخالفین، نتیجه سوء بر آن مترتب خواهد شد. لذا لازم است شیعیان علاقمند به مکتب امام حسین علیه السلام از آن خودداری کنند. و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، نذر واجد شرایط صحت و انعقاد نیست.

(جامع المسائل، ج، س، ۲۱۷۳.۱)

- حضرت آیت الله اسماعیل صالحی مازندرانی:

باسمه العلیم. از منابع فقه چه لیبیه و چه لفظیه بالخصوص او بالاطلاق او العموم جواز و اباحه قمه زنی فضلا از رجحان آن در مراسم عزاداری سالار شهیدان امام حسین علیه السلام مستفاد نمی گردد، بلکه مقتضای ادله و عناوین ثانویه حرمت و عدم جواز است لذا اجتناب از آن واجب و لازم است. برادران ایمانی می دانند که قمه را باید بر فرق قمه کشان خائن و قداره بندگان جانی زد. (محرم الحرام ۱۴۱۵ خرداد

(۱۳۷۳)

- حضرت آیت الله حسین راستی کاشانی:

بر همه مؤمنین واجب است از اینگونه امور اجتناب نمایند و با پیروی از رهبری و وحدت کلمه، دشمنان اسلام را از آسیب رساندن به اسلام و مسلمین مأیوس گردانند.

- حضرت آیت الله ابراهیم امینی:

با توجه به اینکه مشروعیت امور فوق به اثبات نرسیده و در شرایط کنونی موجب وهن مذهب شیعه می شود، اجتناب از آن بر عزاداران امام حسین علیه السلام

لازم است. « با اینکه عزاداری برای سرور شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام یک عبادت و موجب تقرب به خدای سبحان است و ائمه معصومین علیهم السلام در این باره تاکید دارند لکن برعکس مندان به اهل بیت واجب است از انجام امور فوق اجتناب نمایند زیرا اولاً امور مذکور در بین عرف مردم به عنوان عزاداری نرسوم نیست و حکم به استحباب و مشروعیت آنها بدون وجه است ثانیاً در اوضاع و شرایط کنونی جهان امور مذکور از خرافات به شمار می رود و موجب وهن شیعه می باشد و ثالثاً مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاتهما از انجام این قبیل امور نهی شدید فرموده اند و اطاعت از معظم له بر همه شیعیان و پیروان ولایت فقیه لازم و مخالفت با آن حرام است بدین جهت از عموم شیعیان انتظار می رود که در انجام مراسم عزاداری از این قبیل امور اجتناب نمایند خدا ما را از شیعیان راستین امام حسین علیه السلام قرار دهد»

- حضرت آیت الله شرعی:

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی حماسه عاشورای حسنی را یکی از شاخص های قوی و توانمند مبارزات اصیل شیعی می دانند و به استناد تاریخ ثبت شده و متقن کربلا و روایات رسیده از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین اقامه عزای سالار شهیدان را افضل قربات دانسته و تاکید شدید بر آن دارند ایشان می فرمایند حرکت های سنی عاشورا می بایست بیانگر و تقویت کنند پیام جهاد ایثار شهادت و ترجمان اسلام و مکتب باشد. قمه زنی و قفل زنی و ... یک فرآیند ناموزون و ناهماهنگ با اهداف اصیل و ارزشهای عظمی است که موجب وهن مکتب عاشورایی است. در این ارتباط برآحاد عزاداران و عاشوراییان واجب است فرمان و حکم ولی امر مسلمین جهان را اطاعت نمایند. بدیهی است سهل انگاری و عدم اطاعت مبعوض حضرت حق متعالی است.

- حضرت آیت الله سیدحسین طاهری:

موارد فوق را معظم له نهی فرموده اند بنابراین باید اجتناب شود.

- حضرت آیت الله سید جعفر کریمی:

پرداختن بدینگونه امور به بهانه عزاداری شرعاً حرام است و مخالفت حکم ولی امر مسلمین در این باره مخالفت با امام زمان (عج) است. اقامه عزای حضرت سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین و یاران و اصحاب باوفایش علیهم السلام از اعظم قربات الی الله تعالی است ولی انجام اموری مانند قمه زنی و قفل بستن به بدن و خراشیدن و خون آلوده کردن سر و صورت و سینه خیز رفتن برای زیارت و امثال آن به نام و عنوان عزاداری با توجه به اینکه هیچگونه تایید و اشاره ای در رابطه با اینگونه امور از سوی معصومین علیهم السلام و یا از سوی اصحاب و حواریین آنان نرسیده است و سابقه از آن از فقها عظام اقدمین رضوان الله تعالی علیهم بدست نیامده است و در زمان حاضر موجب وهن مذهب حق در انظام عموم و سبب اتهام فرقه ناجیه اثنا عشریه به خرافاتی گری است به هیچ وجه صورت شرعی ندارد

- حضرت آیت الله سید محسن خرازی:

در موارد فوق الذکر اطاعت و پیروی از ولی فقیه و حاکم اسلامی لازم و واجب است.

- حضرت آیت الله عباس محفوظی:

از آنچه که موجب وهن است باید پرهیز شود و اطاعت ولی امر مسلمین لازم است.

- حضرت آیت الله محسن حرم پناهی:

اطاعت از احکام ولی فقیه واجب است.

- حضرت آیت الله حسن تهرانی:

اطاعت از حکم مقام معظم رهبری لازم الامتثال است.

- حضرت آیت الله محمد مؤمن:

اطاعت احکام ولی فقیه واجب است.

- حضرت آیت الله محمد ابراهیم جناتی:

از انجام این کارهای ناشایست، وهن آور، نسنجیده و خرافی که در مبانی فقهی و پایه های شناخت احکام شرعی ریشه ندارد و موجب لکه دار شدن چهره برجسته و درخشان دین و تشیع است، پرهیز شود.

- حضرت آیت الله احمد آذری قمی:

سرپیچی از اطاعت مقام معظم رهبری، گناه کبیره و موجب ضعف حکومت مقدس اسلامی است و به نذرهایی که قبلاً انجام گرفته وفا واجب نیست، بلکه حرام است.

- حضرت آیت الله سید محمد ابطحی:

از کارهایی که موجب وهن مذهب است باید اجتناب شود و آنچه که ولی فقیه دستور دادند واجب الاتباع میباشد.

- حضرت آیت الله مهدی حسینی روحانی:

ولی امر مسلمین از این امر نهی فرموده اند و اطاعت معظم له واجب است.

- حضرت آیت الله رضا استادی:

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری دامت برکانه لازم است ارادتمندان به حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام در مراسم عزاداری از شیوه هایی استفاده کنند که تعظیم شعائر الله باشد و از کارهایی که به فرموده معظم له موجب وهن مذهب است جدا خودداری نمایند امید است همگی مورد لطف و عنایت حضرت سیدالشهداء علیه السلام باشیم»

- حضرت آیت الله احمدی میانجی:

عملی که موجب وهن مذهب شود جایز نیست همانطور که فرموده اند اگر فقهاء عظام رحمه الله علیهم اجمعین گاهی در فتاوی بشرط عدم ضرر به نفس تجویز نموده اند، قطع نظر از عنوان وهن مذهب بوده است و همچنین کارهایی که به نحوی عقیده شیعه در دنیا معرفی می شود ولو اینکه عامل چنین قصدی ندارد باز به عنوان بدعت حرام می شود، علاوه بعد از حکم ولی امر مسلمین دیگر جای این سوال نیست و اطاعت معظم له واجب است.

- حضرت آیت الله راستی کاشانی:

«بعد الحمد و الصلواه ، اقامه عزای حضرت ابی عبدالله الحسین سیدالشهداء علیه السلام از افضل قربات الی الله تعالی و موجب تجدید حیات اسلام و ایمان است و بر مومنین است هرچه با شکوه تر آن را برگزار نمایند و از هر اموری که موجب وهن اسلام و دست آویزدشمنان اسلام است اجتناب کنند امروز که روز حاکمیت اسلام است و رهبر عظیم الشان انقلاب ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلله العالی از قمه زدن و نظایر آن نهی نمی فرموده اند و اشتکبار جهانی از هیچ توطئه ای علیه اسلام و امت اسلام و ایجاد تفرقه در صفوف مسلمین فرو گذار نمی کند بر همه مومنین واجب است از اینگونه امورا اجتناب کنند و با پیروی از رهبری و وحدت کلمه دشمنان اسلام و مسلمین را مایوس گردانند خداوند متعال همه را از عزاداران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و انصار حضرت ولی الله اعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهد»

- حضرت آیت الله ملکوتی:

عزاداری حضرت سید الشهداء سبط رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باید لایق و شایسته به آن امام بزرگوار باشد و موجب وهن و تضعیف اسلام و مذهب تشیع نباشد بلکه مثل قیام آن حضرت باعث بقاء و عزت اسلام و مسلمانان بوده و عاری و منزّه از هرگونه بدعت و خرافات باشد.

- حضرت آیت الله مقتدایی:

با استقرار جمهوری اسلامی ایران و تشکیل حکومت اسلامی بر اساس قرآن و وحی توجّه همه ملتها و دولتها به اسلام جلب و احکام نورانی و مترقی اسلام مورد مذاقه صاحب نظران قرار گرفته و می رود تا همانند خورشیدی تابان در سطح جهان بسط پیدا کند؛ لذا دشمنان اسلام که حقیقت و موجودی خود را در خطر می بینند در مقام هستند به هر وسیله و بهانه اسلام را ملکوک و خدشه دار نمایند از این جهت اموری که امروز موجب وهن به اسلام و تضعیف عقاید مسلمین می گردد شرعا حرام و مسلمین باید از آنها خودداری نمایند علاوه بر این با تشخیص موضوع و اعلام حکم بر حرمت قمه زدن و نظایر آن از طرف رهبر معظم انقلاب ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته اطاعت از معظم له بر آحاد مسلمین و تخلف از آن حرام است.

- حضرت آیت الله محمدی گیلانی:

هر آنچه که مایه وهن شریعت اسلام است طبعاً حرام و خصوصاً اگر مورد نهی ولی امر مسلمین است بر عموم اطاعت از آن واجب است.

- حضرت آیت الله موسوی تبریزی:

عزاداری روزهای محرم و صفر و زنده نگه داشتن قیام مقدس حسین بن علی علیه السلام از بهترین عبادات و قربات است و هر عملی که موجب وهن اسلام و قیلم مقدس حضرت اباعبدالله علیه السلام باشد حرام است و اطاعت از حکم ولی امر مسلمین واجب و لازم است.

- فتوای آیت الله موسوی اردبیلی:

چنانچه ضرر معتد به داشته باشد یا موجب وهن مذهب یا مؤمنین شود جایز نیست .

- فتوای آیت الله صافی گلپایگانی:

در موردی که موجب وهن مذهب شود از آن خودداری گردد.

منبع: مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، سید محسن محمودی، جلد ۳، ص ۳۴ قمه زنی به علاوه ایشان در جای دیگری می فرمایند: اگر ضرر معتد به و تبعات منفی دیگر نداشته باشد جایز است .

- فتوای آیه الله العظمی علامه امین عاملی رحمته الله علیه:

قمه زنی و اعمالی دیگر از این قبیل در مراسم عزاداری حسینی به حکم عقل و شرع حرام است و زخمی ساختن سر، که نه سود دنیوی دارد و نه اجر اخروی، ایذاء نفس است که خود در شرع حرام است و در مقابل این عمل، شیعه ی اهل بیت را در انظار مردم مورد تمسخر قرار داده و آنها را وحشی قلمداد می کنند و شکی نیست که این اعمال ناشی از وساوس شیاطین بوده و موجب رضایت خدا و پیامبر و اهل بیت اطهار نیست و البته تغییر نام این اعمال در ماهیت و حکم شرعی آن که حرمت است، تغییری نمی دهد. منبع: اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۶۳ .

- فتوای حضرت آیت الله العظمی سید محسن حکیم:

فرزند ایشان شهید آیت الله سید محمدباقر حکیم نقل نموده‌اند که پدر بزرگوارشان دائماً می‌فرمودند: «ان قضیه التطبیر هی غصه فی حلقومنا»: یعنی: «مسئله قمه زنی، غصه و اندوهی در گلوئی ماست» منبع: قمه زنی سنت یا بدعت اثر مهدی

مسائلی

- فتوای حضرت آیت الله العظمی علامه سید محمد حسین فضل الله:

«التطبیر حرام لكونه من مصادیق الإضرار بالبدن، وهو غیر جائز مطلقاً علی رأینا، سواء أدى إلى التهلكة أو لم یؤد إليها، وعندئذ فما دام محرماً فلا یمكن جعله من الشعائر الدینیة أو الحسینیة، ولا سیما إذا كان مسیئاً للمذهب، فسوف تشتد الحرمة وتتأكد.» یعنی: «قمه زنی حرام است چون از مصادیق ضرر رساننده به بدن می باشد. و آن از نظر ما مطلقاً حرام است خواه به هلاکت و مرگ فرد منتهی شود خواه نشود. و چون که این عمل حرام است نمی توان آن را جزء شعائر حسینی یا شعائر دینی قرار داد. خصوصاً زمانی که باعث زشتی و وهن مذهب (شیعه) گردد باعث می شود که حرمت آن تشدید و تأکید شود.»

- نظر علمی علامه شهید ایه الله مرتضی مطهری:

به نظرم قمه زنی در شرایط فعلی هیچ دلیل عقلی و نقلی بر آن نداریم و یکی از مصادیق بارز تحریف محسوب می گردد و حداقل اینکه در زمان فعلی باعث زیر سوال رفتن تشیع می گردد... از برنامه هایی که هیچ ارتباطی با اهداف امام حسین علیه السلام ندارد، تیغ، قمه و قفل زدن است. قمه زدن هم همین طور است این کار، کار غلطی است. یک عده قمه ها را بگیرند، به سرهای خودشان بزنند و خون ها را بریزند که چه شود؟ کجای این حرکت، عزاداری است. (حوزه و روحانیت، ج ۲،

ص ۱۷۳)

استاد در مورد تاریخچه قمه زنی می فرماید: «قمه زنی و بلند کردن طبل و شیپور از ارتدوکس های قفقاز به ایران سرایت کرد و چون روحیه مردم برای پذیرفتن آنها آمادگی داشت همچون برق در همه جا دوید.»

- حضرت آیت الله العظمی سید علی سیستانی:

اگر قمه زدن ضرر معتد به و یا تبعات منفی داشته باشد جایز نیست. باید از کارهایی که عزاداری را خدشه دار می کند اجتناب شود. منبع: مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، سید محسن محمودی، جلد ۳، ص ۳۴.

- حضرت آیه الله العظمی خویی:

اگر قمه زنی و زنجیرزنی با قلاب های فلزی که در ماه محرم انجام می گیرد، منجر به ضرر و زیان قابل توجهی شده و یا هتک، تمسخر و توهین به دین و مذهب را به دنبال آورد، جایز نیست. "المسائل الشرعیة، استفتاءات الامام الخویی، العبادات؛ و الطریق النجاة، ج ۲، ص ۴۴۵-۴۸۳۷"

- حضرت آیه الله سید محمود شاهرودی:

بسمه تعالی بدون شک برپایی مراسم عزاداری و سوگواری نسبت به ائمه و اهل بیت عصمت و طهارت، علیمه السلام خصوصا در مصیبت جانسوز حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام، امری مهم و بلکه یکی از فرائض و واجبات کفایی است؛ لیکن در کیفیت برگزاری مراسم و شیوه های آن بایستی سه شرط را مد نظر قرار داد: ۱- آنکه موجب ضرر به شخص برگزار کننده و دیگران نشود و این شرط راهر مکلفی می تواند تشخیص دهد. ۲- آنکه موجب وهن دین و مکتب تشیع و یا جامعه اسلامی و یا نظام مقدس جمهوری اسلامی نباشد؛ زیرا که وهن هر یک از آنها از اعظم محرّمات و کبائر است و تشخیص این امر از اختیارات ولی امر مسلمین است، بدان معنی که اگر در شرایط خاصی ولی امر مسلمین چنین تشخیص بدهد که شیوه بخصوص بر خلاف مصلحت جامعه اسلامی و یا موجب وهن و ضربه زدن به دین و یا نظام مقدس جمهوری اسلامی است و بر اساس آن از برگزاری آن منع نماید، تبعیت از ایشان بر همگان واجب است و در این رابطه آحاد مکلفین نمی

توانند از نظر شخصی خود تبعیت کنند. ۳- آنکه متناسب با روح اسلام و ارزش های متعالی مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باشد و با احکام و تعالیم حقه آنان منافات نداشته باشد. قم، محرم الحرام ۱۴۱۵ منبج: اصل دستخط این فتوا در کتاب قمه زنی سنت یا بدعت، نوشته مهدی مسائلی، چاپ گلبن اصفهان، ص ۱۸۰ و ۱۸۱ موجود است.

- حضرت آیه الله العظمی سید کاظم حائری:

[اولا:] ما شاهد آنیم که قمه زنی و بعض اعمال شبیه به ان ذاتا موجب تخریب وجهه اسلام و تشیع گشته اند و دشمنان کافر نیز در زمان حاضر برای آسیب وارد کردن به ما بر این گونه اعمال تکیه نموده تا دین ما را دین خرافه و وحشی گری معرفی نمایند. ثانیاً: چه ما چنین دیدی را نسبت به قمه زنی به دست آورده باشیم یا نه، باید از اوامر ولی امر مسلمین حضرت آیه الله خامنه ای حفظه الله، در این مورد اطاعت کنیم؛ زیرا ایشان در این مورد موضع گیری صریح و روشنی نموده و دیگر هیچ گونه عذری را برای مخالفت باقی نمی گذارند و بر تمامی مسلمین واجب است که از دستورات ایشان اطاعت نمایند چه کسانی که با ایشان در فتوا هم نظرند و یا از ایشان تقلید می کنند و چه کسانی که در این فتوا با ایشان هم نظر نبوده و یا از کس دیگری تقلید می نمایند. در هر صورت بر همه مسلمین واجب است از ایشان از حیث ولی امر بودنشان اطاعت کنند.

منبع: شعائر الحسینیه بین الوعی والخرافه، ص ۱۴۵. متن عربی این فتوا در کتاب قمه زنی سنت یا بدعت،

نوشته مهدی مسائلی، چاپ گلبن اصفهان، ص ۱۶۲ موجود است.

سخنان شهید آیه الله سید محمد باقر حکیم در ردّ بدعت های عزاداری

و قمه زنی:

از آنجا که هدف ما بازگشت به اهل بیت، علیهم السلام، است؛ و آن بزرگواران آگاه ترین افراد بر شریعت اسلام و بر آنچه در خانه رسول رخ داده و می دهد و مسائل مربوط به آن می باشند، با این حال چیزی از آنها به دست ما نرسیده که بتواند ربطی به این امور منفی که هم اکنون در عزاداری ها صورت می گیرد داشته باشد. بگونه ای که نه در زمان ائمه اطهار، علیهم السلام، و نه در بعد از آن مردم با این امور منفی آشنائی نداشتند و این شیوه های عزاداری در زمان های معاصر ایجاد و رواج یافته اند و اگر چیزی از این امور می توانست در خدمت به اهداف نهضت حسینی مفید و سودمند واقع شود حتماً اهل بیت، علیهم السلام، اولین کسانی بودند که به آن سفارش می نمودند. و یا حداقل باید اهل بیت، علیهم السلام، در این مورد حرفی می زدند و یا اینکه تشویق و حمایتی از این امور می نمودند؛ در حالی که می بینیم آن بزرگواران حتی در احادیث ضعیفشان نیز هیچ گونه اشاره ای به این امر نکرده اند. این در حالی است که اهل بیت مثلاً هنگامی که در موضوع زیارت امام حسین علیه السلام، از زیارت پیاده آن حضرت و مشکلات و سختی های راه آن سخن می گویند به بیان هر اجری که زائر در هر قدمش کسب می کند پرداخته و ریزترین امور را متذکر می شوند. پس می بینیم که چگونه این بزرگواران از این مسائل کوچک سخن گفته اند اما هیچ اشاره ای به این اشکال عزاداری ننموده اند. همچنین می توان در تأکید این موضوع به صورتی واضح به سیره علمای بزرگ در طول تاریخ از زمان ائمه تاکنون اشاره نمود؛ بگونه ای که می بینیم علمای اعلام با اینکه تنها در پی عمل به واجبات شرعی نبوده، بلکه به مستحبات و سفارشات رسیده از جانب شرع که وسیله قرب به خداوند متعال می باشند نیز اهمیت خاصی می دادند و خویش اولین کسانی بودند که به آنها عمل می نمودند، با این حال در تمام طول تاریخ و حتی تاریخ معاصر شاهد نبوده ایم که یکی از مراجع تقلید و یا یکی از علمای معروف مثلاً این گونه اعمال منفی را انجام داده باشند. در صورتی که اگر این اعمال از مقربات الهی بود این علماء اولین کسانی بودند که قیام به آن می نمودند. از طرفی نیز روشن است که در شریعت اسلام، تمام مردم مخاطب احکام شرعی می باشند و وجهی وجود ندارد که بگوئیم احکامی نزد ما وجود دارد که مخاطب آن مثلاً فقط علماء هستند و یا اینکه احکامی باشند که مخاطب آن فرد جاهل بوده باشد؛ بگونه ای که بعضی از احکام مخصوص علماء و بعضی مخصوص جهلاء باشد یا مثلاً این حکم مخصوص فرد آبرومند و این حکم

مخصوص فرد فرومایه باشد و... پس باید گفت که همه احکام شرعی مشترک بین مسلمانان می باشند؛ چه واجب و چه مستحب. پس اگر عمل مورد نظر ما نیز مستحب باشد برای همه مردم مستحب است چه آنها عالم باشند و چه عامی. با این حال شاهد نبوده ایم که هیچ یک از علماء در طول تاریخ اقدام به این عمل کنند که این بدان معناست که آنها این اعمال را مستحب و مقرب کننده نزد خداوند نمی دانسته اند و بنده شخصاً هیچ عالمی را تاکنون نمی شناسم که اصرار بر انجام این صورت های عزاداری داشته باشد و شاهد نبوده ام که مثلاً عالمی قمه بزند. پس اگر عالمی وجود دارد که بر انجام شدن این گونه اعمال اصرار دارد و آن را مستحب می داند پس اعتقاد دارم که او باید خود اولین کسی باشد که قمه می زند و آن را نیز همیشه ادامه دهد تا مردم نیز بر او اقتدا نمایند.

و من خویش شاهد این حقیقت بودم که مرجع کبیر آیت الله العظمی سید محسن حکیم (رض) دائماً می فرمودند: «همانا قضیه قمه زنی، اندوه و غصه ای در گلوی ماست» پس ایشان با این دید به قمه زنی نگاه می نمودند، ولی در جواب سوالات نیز می نوشتند: اگر قمه زنی باعث ضرر به بدن یا هتک حرمت به مذهب اهل بیت و شیعیان گردد، حرام است. منبع: شعائر الحسینیه بین الوعی والخرافه، ص ۱۱۹-۱۲۷

-آیه الله العظمی محمد تقی بهجت:

مساله ۱۸۳۰. حکم قمه زنی به عنوان اولی عدم ضرر رساندن به خود یا دیگری است، به حدی که حرام باشد؛ پس اگر مضر نباشد و مفسده ای هم بر آن مترتب نباشد فی نفسه اشکال ندارد. منبع: سایت آیه الله بهجت احکام عزاداری. در بخش احکام استفتائات ۵. احکام عزاداری، تعزیه و شبیه خوانی و برگزاری مجالس سرور برای اهل بیت. علیهم السلام

ترجمه بیانیه عده ای از علمای شیعه عربستان در پرهیز از قمه زنی:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على خاتم المرسلين نبينا محمد وآله الطيبين الطاهرين

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام روایت نموده است از عبدالسلام بن صالح هروی که می گوید: شنیدم از امام رضا علیه السلام که می فرمودند: «رحمت خدا بر آن بنده ای که امر ما را زنده کند.» عرض کردم: چگونه امر شما زنده می شود؟ آن حضرت فرمودند: «به اینکه علوم ما را بیاموزد و به دیگران بیاموزاید، زیرا اگر مردم محاسن سخنان ما را بدانند بی گمان از ما تبعیت می کنند.» خدمت تمامی برادران عزیزمان فرا رسیدن اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام و باقی مناسبات دینی را تسلیت عرض می نمائیم. و از همه دوستان می خواهیم تا با حضور خویش در مجالس عزاداری ذکر اهل بیت را زنده نمایند. مجالسی که در حقیقت مدارسی تربیتی برای روشن نمودن مبادی دین، اخلاق و سیره رسول خدا، صلی الله علیه و آله، و ائمه هدا، علیهم السلام، می باشند و همچنین تمامی برادران را به مشارکت در مراسم عزاداری دعوت می نمائیم زیرا که این مراسمات موجب پی ریزی و منسجم شدن ولایت اهل بیت علیهم السلام، در نفوس فرزندان و جوانان ما می گردد. و به همان اندازه همه مؤمنین را به دوری و پرهیز نمودن از انجام اعمالی همچون قمه زنی که موجب آبروریزی و زشت شدن چهره تابناک شعائر حسینی می گردد توصیه می نمائیم؛ خصوصاً در کشور ما که همه دیدگان مترصدند تا بر چگونگی مذهب اهل بیت و اعمال کسانی که پیرو آنند اطلاع یابند. پس از این جهت بر همه ما واجب است صورت روشن و زلالی از روش و سیره اهل بیت را معرفی نمائیم، و شکی نیست که انجام عملی همچون قمه زنی نه تنها ما را بر این هدف یاری نخواهد نمود بلکه ما را از این امر باز داشته و خود وسیله ای برای متعصبین خواهد بود تا مذهب ما را زشت جلوه نموده و دیگران را از آن دور نمایند. به همین جهت مجدداً دوری گزیدن تمامی مؤمنین را این گونه اعمال تأکید می نمائیم و آنها بر هوشیاری و عنایت داشتن به اثرات منفی این گونه اعمال در پیرامونشان و مخصوصاً در سرزمین ما، و امی داریم و از خداوند متعال ثبات بر دین و ولاء محمد و آل طاهرینش، صلی الله علیه و آله، را طلب نموده و از او می خواهیم تا سرزمین ما و تمامی مسلمین از خطرهای و فتنه ها حفظ نماید. والحمد لله رب العالمین. ۱۹ صفر ۱۴۱۷ هجری قمری امضاء کنندگان بیانیه:

۱. سید علی سید ناصر سلمان - از شهر دمام.
۲. شیخ محمد علی عمری - از شهر مدینه منوره.
۳. شیخ حسن موسی صفار - از شهر قطیف.
۴. شیخ حسن محمد نمر - از شهر دمام.
۵. شیخ عبدالکریم کاظم حبیل - از شهر تاروت.
۶. شیخ حسین صالح عایش - از شهر أحساء.
۷. سید هاشم شخص - از شهر أحساء.
۸. شیخ عبدالله أحمد یوسف - از شهر قطیف.
۹. شیخ فهد ابراهیم أبوالعصاری - از شهر مدینه منوره.

متن عربی و تصویر اصل این بیانیه، در این منبع موجود است: قمه زنی، سنت یا بدعت، مهدی مسائلی،

نشر گلبن، چاپ اول، ۱۳۸۵، اصفهان. ص ۱۴۱-۱۴۵

- مرحوم سلطان الواعظین شیرازی در کتاب «شب‌های پیشاور»:

بر طبق نظر عقلا و همچنین از لحاظ منطقی، در مورد عقاید هر قوم و ملتی باید از روی اسناد و کتب علمای آنها بحث نمود.

اگر شما یک کتاب از کتب علما و فقها و مراجع تقلید شیعیان نشان دادید که به سیخ زدن و قفل و قمه و قداره زدن و حمله ی قاسم ساختن و . . . دستور داده باشند و از ائمه هدی و پیشوایان دین و مذهب در این موضوعات، خبری نقل نموده من تسلیم میشوم.

و حال آنکه در دستورات شرعی و رساله های مراجع تقلید برای حفظ تن و بدن موازینی معین گردیده [است]. کتب فقهی و رساله های علما و فقهای شیعه ی در دسترس عموم می باشد (از قبیل شرح لمعه و شرایع و رساله های علمیه مانند جامع عباسی و مجمع الرسائل و عروه الوثقی مرحوم آیت الله یزدی و وسیله النجات مرحوم آیت الله اصفهانی و ترجمه های آنها قدس الله اسرارهم) را مطالعه کنید و

ببینید در مذهب شیعه برای حفظ تن و بدن چه احکامی مقرر آمده و صریحا می‌رسانند که واجب‌تر از هر واجبی، حفظ تن و بدن آدمی است و هر عملی که موجب ضرر تن و بدن گردد، حرام می‌شود.

حتی در اعمال واجبه مانند وضو و غسل و روزه و حج و غیر آنها که ابواب مفصلی در فقه جعفری دارد گاهی ساقط می‌گردد. مثلا در وضو و اغسال واجبه و مستحبه که مقدمه طهارت است اگر مسلمان بداند در عمل کردن آنها ضرر به عضوی از اعضاء بدن می‌رساند و لو احتمال درد استخوان و غیره بدهد که باعث خوف شود با شرایط وارده ساقط می‌گردد. یکی از موارد جواز تیمم، خوف ضرر استعمال آب است، به سبب مرض یا درد چشم یا ورم اعضاء یا جراحت و امثال آنها که بترسد از استعمال آب، یا متألم شود.

فقه جعفری اجازه نمی‌دهد عمدا بدون جهت شرعی، حتی سوزنی به تن و بدن فرو کنند یا ناخن را عمدا طوری بگیرند که خون ظاهر شود.

حتی اجازه نمی‌دهد در مصائب وارده مو بکنند یا صورت بخراشند و یا خود را طوری بزنند که بدن را کبود نمایند و اگر هر یک از این اعمال را بنماید، گناه کرده و باید استغفار نموده و کفاره بدهند... حال بیایند و عکس بیاندارند که مرد عامی (خرافی و بر خلاف دستور شرع و مذهب حقه جعفری) تمام بدنش را سیخ و میخ و قمه و قداره و کارد و قفل زده و یا مردانی لباس زنان پوشیده در حجله و غیره شبیه درآورده و بگویند که اینها دستور مذهب شیعه است. اعمال مردمان عامی، خرافی و جاهل را به حساب مذهب جعفری آوردن و از دلائل بطلان مذهب قرار دادن، که مردمان بی‌خبر گمان کنند واقعا امامان شیعه امر به چنین اعمال زشتی نموده اند، جنایت بزرگ است.

بسیاری از اعمال زشت و خرافی در مردمان عامی بر طبق قوانین قومی جاری است که مبنای اساسی ندارد، نمی‌توان آن اعمال را دلیل بر خرابی و فساد اصل

مذهب قرار داد. منبع: کتاب شب‌های پیشاور، ص ۵۸-۵۹

- فتوای آیه الله شیخ عبدالله جوادی آملی -

نظر حضرتعالی در مورد قمه زنی و شرح آیه ۳۲ سوره حج در ادله مراجعی که قمه زنی را با توجه به آیه شریفه آیه ۳۲ سوره حج از شعایر دینی جایز و مستحب دانسته اند، همچنین با توجه به احادیثی دیگر و به بعضی از احادیث (۲) آیا حکم حاکم مقدم بر فتوای مرجع تقلید است؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحیم. ۱. قمه زدن ترک شود. ۲. حکم حاکم جامع شرایط افتاء مقدم است.

آیت الله امامی کاشانی گفت:

قمه زنی حرکت جاهلانیه ای است که اساس ندارد، برای اسلام مضرات و می تواند ضربه ای به حرکت امام حسین علیه السلام باشد.

- حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالله فاطمی نیا:

هدف قیام امام حسین علیه السلام نجات دین از تحریفات بوده است البته افراد کج فهم - متعصب - حتی علامه طباطبایی را - اگر مخالف نظرشان حرف بزند - کافر می خواندند و به چهره ای چون آیت الله العظمی بهجت که مثل ایشان در حال حاضر نداریم، تهمت دروغگویی می زدند. مثلاً یک سی دی درست کرده اند که در آن یک روحانی سید با محاسن از قول آقای بهجت می گوید: در جوانی من، سید ابوالحسن اصفهانی گفت قمه بزنیید و مجتهد قمه زدند و من هم لای آنها رفتم و قمه زدم. من بعداً خدمت آیت الله العظمی بهجت رفتم و موضوع را از ایشان پرسیدم. ایشان گفتند، سید ابوالحسن می خواست جلوی قمه زنی را بگیرد ولی نتوانست، اما وقتی پیش فردی که در سی دی سخن گفته بود، رفتم، گفت: پس آقای بهجت دروغگو است و باید نمازهایی که پشت سر ایشان خوانده ایم، اعاده کنیم! ببینید انحراف تا کجاست!

منابع و مؤاخذ:

۱. الدر الثمین
۲. سیرتنا و سنتنا / علامه امینی
۳. تاریخ دمشق / ابن عساکر
۴. مقتل الحسین / حافظ ابوالمؤید الخوارزمی
۵. ذخائر العقبی / محب الدین الطبری
۶. الصراط السوی / سید محمود شیخانی مدنی
۷. مسند ابوالحسین الدارقطنی
۸. المستدرک الصحیح / حافظ حاکم نیشابوری
۹. دلائل النبوه / حافظ بیهقی
۱۰. السائر الدائر / ابوالمؤید الموفق الخوارزمی الحنفی
۱۱. الفصول المهمه / ابن الصباغ
۱۲. المعجم / ابوالقاسم الطیرانی
۱۳. الکفایه / الحافظ الکنجی
۱۴. تاریخ بخاری
۱۵. نظم الدرر / جمال الدین زرنندی
۱۶. مسند / امام احمد
۱۷. الدلائل / ابو نعیم
۱۸. طرح التثریب / الحافظ العراقی
۱۹. مختصره التذکره / القرطبی
۲۰. الصواعق / ابن حجر
۲۱. اشرف الوسائل الی فهم الشمائل / الترمذی

۲۲. صحیح / ابو حاتم
۲۳. المواهب / حافظ القسطلانی
۲۴. خصایص الکبری / الحافظ السیوطی
۲۵. الصراط السوی / سید محمود الشیخانی
۲۶. جوهر الکلام / القره غولی
۲۷. الطبقات الکبری / ابن سعد
۲۸. علل الحدیث / الحافظ الدارقطنی
۲۹. مسند / الحافظ عبد بن حمید
۳۰. مسند / الحافظ ابویعلی الموصلی
۳۱. المصنف / ابوبکر ابن ابی شیبہ
۳۲. اخبار المدینہ / ابوالحسن العبیدلی العقیقی
۳۳. اخبار اصبهان / ابو نعیم الاصبهانی
۳۴. البدايه و النهايه / ابن کثیر
۳۵. کتاب الصغیر / نصر بن مزاحم
۳۶. ذخایر العقبی / محب الدین الطبری
۳۷. شرح نهج البلاغه / ابن ابی الحدید
۳۸. الجامع الصحیح / الترمذی
۳۹. المناقب / ابن شهر آشوب
۴۰. خطط / المقریزی
۴۱. الطرائف / ابن طاووس
۴۲. الامالی / شیخ الطوسی
۴۳. تذکره الخواص / سبط ابن الجوزی الحنفی

۴۴. کامل الزیاره / ابن قولویه
۴۵. الارشاد / شیخ مفید
۴۶. العقد الفريد / المالکی
۴۷. تاریخ طبری
۴۸. المجالس / شیخ مفید
۴۹. سنن / محمد بن یزید بن ماجه القزوينی
۵۰. الاستیعاب / ابن عبدالبر
۵۱. سيره الحلیه / ابن مسعود
۵۲. سنن / النسائی
۵۳. شرح صحیح مسلم / النووی
۵۴. اعلام الوری باعلام الهدی / شیخ امین الدین الفضل بن الحسن طبرسی
۵۵. سنن / ابن ماجه
۵۶. الامالی / شیخ صدوق
۵۷. تفسیر / ابراهیم قمی
۵۸. تفسیر / رازی
۵۹. کشف
۶۰. کنز العمال / شیخ علاء الدین علی بن حسام الدین الشهیر بالمتقی الهمدی
۶۱. علل الشرایع / الصدوق
۶۲. المحاسن / البرقی
۶۳. الصواعق المحرقه / ابن حجر
۶۴. امالی / ثعلب
۶۵. بحار الانوار / علامه مجلسی

۶۷. معراج الوصول فی معرفة آل الرسول / ابوالقاسم الفضل ابن محمد المستملی

۶۸. عیون الاخبار الرضا / شیخ صدوق

فرهنگ نامه گریه و عزاداری
سیدالشهدا علیه السلام

منابع و مؤاخذ ضمیمه کتاب:

سایت جامعه مدرسین به نقل از روزنامه حزب الله ۸۷/۱۰/۲۱

پی نوشت ها:

- ۱) استفتائات امام خمینی، ج ۲، ص ۲۸ و استفتائات جدید آیت الله مکارم، ج ۱، ص ۱۵۸.
- ۲) هزار و یک مسئله، آیت الله نوری همدانی، ج ۲، ص ۱۸۰.
- ۳) هزار و یک مسئله فقهی، ج ۲، ص ۴۰.
- ۴) استفتائات امام خمینی، ج ۳، ص ۵۸۰.
- ۵) جامع المسائل، ج ۱، ص ۶۱۹، س ۲۱۶۲.
- ۶) همان، ص ۶۲۵، س ۲۱۸۳.
- ۷) استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۵۸، س ۵۷.
- ۸) استفتائات امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۲، ص ۲۸، س ۷۲.
- ۹) جامع المسائل، ج ۱، ص ۶۲۳، س ۲۱۷۳.
- ۱۰) همان، س ۲۱۷۹.
- ۱۱) استفتائات امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۲، ص ۲۸، س ۷۱ و ج ۳، س ۴۴ و ۴۰ و ۴۷ و ۳۳.
- ۱۲) جامع المسائل، ج ۱، س ۲۱۶۵.
- ۱۳) مجمع المسائل، ج ۱، ص ۵۵۹، س ۷۷.
- ۱۴) احکام خانواده، عبدالرحیم موگهی، طبق فتوای امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۳۳۶.
- ۱۵) جامع المسائل، آیت الله فاضل لنکرانی، ج ۱، س ۲۱۶۶ و جامع الاحکام، آیت الله صافی، ج ۲، ص ۱۳۲.
- ۱۶) اجوبة المسائل، ص ۳۶۵.

- (۱۷) جامع المسائل، ج ۱، ص ۶۲۱، س ۲۱۷۰
- (۱۸) جامع الاحکام، آیت الله صافی، ج ۲، ص ۱۳۰، س ۱۵۹۰؛ هزار و یک مسئله، آیت الله نوری همدانی، ج ۲، ص ۱۸۰، س ۶۰۲.
- (۱۹) جامع الاحکام، ج ۲، ص ۱۳۰، س ۱۵۹۱.
- (۲۰) اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۶۳.
- (۲۱) فتاوی العلماء والاعلام فی تشجیع الشعائر الحسینیه.
- (۲۲) استفتاءات، ج ۳، ص ۵۸۱، س ۳۸.
- (۲۳) بیانات رهبری و استفتائات آیات عظام پیرامون عزاداری عاشورا، ص ۳۵.
- (۲۴) همان، ص ۴۲.
- (۲۵) همان، ص ۳۵.
- (۲۶) جامع المسائل، ج ۱، ص ۶۲۳، س ۲۱۷۲.
- (۲۷) هزار و یک مسئله، ج ۲، ص ۱۷۹، س ۵۹۷.
- (۲۸) مکاسب محرمه، رحلی، ص ۳۹.

منابع مستند و رسمی و دستخط مراجع و علمای مذکور را در این آدرسها ببینید:

**سایت جامعه محترم مدرسین حوزه علمیه قم به آدرس:

http://www.jameehmodarresin.org/index.php?option=com_content&task=view&Itemid=39&sk=view&id=325

**همچنین سایت کتاب ارزشمند دست پنهان در نقد و تحلیل قمه زنی: www.dastepenhan.blogfa.com

**وبلاگهای: azadary.blogfa.com و abarkooh.parsiblog.com و ghamezani.blogspot.com و parsiblog.com

**مقاله حسین رفتی

